

# فائلنگر

اخبار و روایات حول محور شخصیتی مہدی منجی بشریت

سید مرتضیٰ میر سراجی



---

## قافلہ شکر

(اخبار و روایات وارده حول محور شخصیتی مہدی منجی بشریت)

---

سید مرتضیٰ میرسراجی

میرسراجی، مرتضی، ۱۳۵۸ -

قافله شکر (اخبار و روایات وارده حول محور مهدی منجی بشریت) / مرتضی میرسراجی . - تهران: سراج نور، ۱۳۸۷.

۳۵۲ ص. : مصور، عکس.

ISBN: 978-600-90219-2-5

بها: ۴۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۳۴۳ - ۳۴۸؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۶ ق. - ۲. مهدویت. الف. سراج نور. ب. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

۱۳۸۷ ۲ ق ۹۴۴ م / BP ۵۱

## قافله شکر (اخبار و روایات وارده حول محور مهدی منجی بشریت)

[www.mirseraji.com](http://www.mirseraji.com)

نویسنده و محقق: سیدمرتضی میرسراجی

ویراستار ادبی: احسان الله شکراللهی

کارشناس علمی: حاج شیخ علی اکبر مهدی پور

ناشر: سراج نور

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۹

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - چاپ سبحان

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

---

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۲۱۹-۲-۵

# فهرست

- قافله اول: موجودیت مهدی (عج) ..... ۱۱
- حدیث قافله ..... ۱۳
- منجی‌گرایی در بین اقوام بشری (اصالت منجی‌گرایی) ..... ۱۵
- اصل و نسب حضرت مهدی (عج) (منجی بشریت) ..... ۱۷
- ولادت حضرت (عج) ..... ۲۲
- نزدیک‌ترین دشمن حضرت (عج) ..... ۲۴
- شخصیت یا نوعیت حضرت (عج) ..... ۲۴
- راه‌های جلوگیری از انحراف و ابهام در مهدویت ..... ۲۵
- القاب حضرت (عج) ..... ۲۷
- شکل و شمایل ظاهری حضرت (عج) ... ۲۷
- در معنی مهدی ..... ۲۸
- برخی روایات و اخبار اهل سنت راجع حضرت (عج) ..... ۲۹
- برخی کتابهای اهل سنت راجع به حضرت (عج) ..... ۳۰
- لزوم اعتقاد به حضرت (عج) ..... ۳۱
- اولاد و همسر حضرت (عج) ..... ۳۲
- بحث داغ و شایع مهدی در قرون اولیه اسلامی ..... ۳۴
- قافله دوم: غیبت مهدی (عج) ..... ۵۵
- حدیث قافله ..... ۵۷
- غیبت حضرت (عج) ..... ۵۹
- نُوَاب اربعه (نائبان چهارگانه) در غیبت صغری ..... ۵۹
- آخرین توقیع شریف ..... ۶۲
- وکلاء حضرت (عج) ..... ۶۲
- ابعاد متفاوت توقیعات ..... ۶۳
- علل غیبت حضرت (عج) ..... ۶۴
- غیبت‌های نادرست در اسلام ..... ۶۹
- برخی کتابها راجع به غیبت حضرت (عج) پیش از ولادت ایشان ..... ۷۱
- غیبت پیامبران خدا ..... ۷۲
- غیبت برای فرشتگان خدا ..... ۷۷
- زمینه سازی ائمه برای غیبت ..... ۷۸
- نقش «جَدّه» در زمان غیبت حضرت (عج) ..... ۸۱
- مکان حضرت (عج) در دوران غیبت ..... ۸۴
- انواع غیبت ..... ۸۵
- خلفای بنی عباس از زمان ولادت تا غیبت تامه حضرت (عج) ..... ۹۲
- هدایت مردم در دوران غیبت حضرت (عج) ..... ۹۵
- وظایف منتظران در دوران غیبت حضرت (عج) ..... ۹۶
- قافله سوم: ظهور مهدی (عج) ..... ۹۷
- نشانه‌های نزدیک شدن به قیام جهانی حضرت (عج) ..... ۹۹
- احتمال بداء در نشانه‌های قطعی ظهور ..... ۱۰۰
- اصحاب و یاران حضرت (عج) ..... ۱۰۱
- چگونگی محسوب شدن از اصحاب حضرت (عج) (طبق روایت) ..... ۱۰۲
- پاداش منتظران حضرت (عج) ..... ۱۰۳
- ظهور حضرت (عج) ..... ۱۰۴
- اهمیت حضور در دولت حق صاحب الزمان (عج) (طبق روایت) ..... ۱۰۵
- اهمیت و فائده انتظار ظهور

□ رابطه لقب امام ششم و حضرت (عج) ..... ۱۳۴  
 □ ابراز فخر پیامبر و معصومین علیهم السلام از وجود حضرت (عج) ..... ۱۳۵  
 □ عظمت و مجد مهدی (عج) از دیدگاه ائمه ..... ۱۳۷  
 □ ائمه گریان برای حضرت (عج) ..... ۱۴۱  
 □ ائمه دعاگو برای تعجیل در فرج حضرت (عج) ..... ۱۴۲  
 □ الگوی مهدی (عج) در زندگی ..... ۱۴۴  
 □ فرزند رسول خدا (ص) ..... ۱۴۴  
 □ دوازده مهدی ..... ۱۴۵  
 □ میراث مادی - معنوی پیامبران ..... ۱۴۵  
 □ اولین سخنرانی حضرت (عج) ..... ۱۴۵  
 □ قافله پنجم: پراکنده‌ها (متفرقات) ..... ۱۴۷  
 ● حدیث قافله ..... ۱۴۹  
 □ مهدیان دروغین (متمهدیان) ..... ۱۵۱  
 □ نایبان دروغین ..... ۱۵۲  
 □ احادیث دروغین ..... ۱۵۵  
 □ باورهای دروغین ..... ۱۵۷  
 □ القاب رمزی حضرت (عج) ..... ۱۶۲  
 □ آمریکایی‌ها در جستجوی مهدی (عج) .. ۱۶۶  
 □ ملاقات‌کنندگان با حضرت (عج) ..... ۱۶۷  
 □ نحوه ارتباط با حضرت (عج) ..... ۱۶۸  
 □ برخی اماکن زیارتی منتسب به حضرت (عج) ..... ۱۷۰  
 □ برخی روزها و ساعات منتسب به حضرت (عج) ..... ۱۷۰  
 □ خوش به حال ..... ۱۷۲  
 □ نقش اخبار و روایات در شناخت حضرت (عج) ..... ۱۷۴  
 □ تشبیهات مهدوی ..... ۱۷۶  
 □ مسخ بدکاران ..... ۱۸۰  
 □ چند حدیث مبارک از حضرت (عج) .... ۱۸۰  
 □ پیروزی خدا با هزار نفر ..... ۱۸۱  
 □ زمینه‌سازان حکومت مهدی (عج) ..... ۱۸۲  
 □ انتقام گرفتن حضرت (عج) ..... ۱۸۲

حضرت (عج) ..... ۱۰۶  
 □ ویژگی‌های عصر ظهور ..... ۱۰۶  
 حضرت (عج) ..... ۱۰۶  
 □ سختی‌های هسنگام ظهور حضرت (عج) ..... ۱۰۷  
 □ زنده شدن مردگان در زمان ظهور حضرت (عج) ..... ۱۰۸  
 □ رشد انسانها در عصر ظهور حضرت (عج) ..... ۱۰۸  
 قافله چهارم: مهدی (خدا، پیامبران و ائمه) ..... ۱۱۳  
 □ برخی آیات قرآن مرتبط با حضرت (عج) ..... ۱۱۵  
 □ یاد مهدی (عج) در کتب مقدس ادیان و مذاهب ..... ۱۱۶  
 □ اوصیای پیامبران از آدم (ع) تا حضرت (عج) ..... ۱۱۹  
 □ شباهت‌های مهدی (عج) به پیامبران الهی ..... ۱۲۰  
 □ شباهت منتظران پیامبر (ص) و منتظران مهدی (عج) ..... ۱۲۶  
 □ شباهت وظیفه فقهاء در غیبت موسی و حضرت (عج) ..... ۱۲۷  
 □ شباهت منتظران غیر واقعی صاحب الزمان (عج) به منتظران غیر واقعی موسی ..... ۱۲۸  
 □ شباهت خسف بیداء و غرق فرعون ..... ۱۲۹  
 □ شباهت امتحان اصحاب طالوت (ع) و اصحاب حضرت (عج) ..... ۱۳۰  
 □ رابطه معنوی حضرت لوط (ع) و حضرت (عج) ..... ۱۳۰  
 □ آرزوی موسی (ع) برای قائم آل محمد شدن ..... ۱۳۱  
 □ رابطه خضر و حضرت (عج) ..... ۱۳۱  
 □ شباهت و رابطه حضرت عیسی علیه السلام و حضرت (عج) ..... ۱۳۲  
 □ شباهت و رابطه امام حسین علیه السلام و حضرت (عج) ..... ۱۳۳

۲۳۲ ..... در فرج  
 □ گرد آمدن ۳۱۳ یار حضرت (عج) از مکانهای  
 متفاوت در مکه ..... ۲۳۲  
 □ توجیه محدود بودن ائمه به دوازده نفر .. ۲۳۳  
 □ عدم وجود نام مهدی (عج) در قرآن ..... ۲۳۴  
 □ توجیه عدم تغییر ظاهری در جسم و قیافه  
 حضرت (عج) ..... ۲۳۵  
 □ نمود روش هدایتگری در غیبت ..... ۲۳۶  
 □ عمر طولانی (از لحاظ علم تجربی) ..... ۲۳۷  
 □ تربیت شیعه به آرزوها ..... ۲۳۸  
 □ انتخاب مصلح کل از سوی خداوند ..... ۲۴۰  
 □ توجیه حقوقی وجود مهدی (عج) ..... ۲۴۳  
 □ امام زمان (عج) از نسل امام حسین علیه السلام  
 است نه امام حسن علیه السلام ..... ۲۴۴  
 □ ناپیدایی جسم ..... ۲۴۵  
 □ وجود معجزه در عمر طولانی ..... ۲۴۵  
 □ مسخ در قرآن ..... ۲۴۷  
 □ اقتدای عیسی علیه السلام در نماز به  
 حضرت (عج) ..... ۲۴۸  
 □ وجود معجزه برای حضرت (عج) ..... ۲۵۰  
 □ اختلاف ظاهری قرآن با امامت یک  
 کودک ..... ۲۵۲  
 □ غیبت حتی برای دوستان ..... ۲۵۳  
 □ عدم اختیار همسر و داشتن فرزند برای  
 حضرت علیه السلام ..... ۲۵۵  
 □ ضروریات زندگی ..... ۲۵۹  
 □ عدم ایجاد حکومت جهانی در زمان  
 پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۲۶۰  
 □ اثبات وجود امام زمان در هر عصر با استفاده  
 از قرآن ..... ۲۶۰  
 □ توجیه زنده شدن مردگان در زمان ظهور  
 حضرت (عج) ..... ۲۶۲  
 □ بحث در کلمه «شیعه» ..... ۲۶۷  
 □ توجیه بداء در نشانه‌های قطعی ظهور .. ۲۶۸  
 □ تقیه نائبان و مردم ..... ۲۶۹  
 □ نوآوری در عرصه دین ..... ۲۷۱  
 □ توجیه لقب مهدی برای حضرت (عج) .. ۲۷۸

□ فضیلت شب نیمه شعبان ..... ۱۸۴  
 □ تجلیات حضور حضرت (عج) در غیبت  
 کبری ..... ۱۸۴  
 □ نماز برای حضرت (عج) ..... ۱۸۸  
 □ ادعیه مهدوی ..... ۱۸۹  
 □ برخی روشهای عرض ارادت به  
 حضرت (عج) ..... ۱۸۹  
 □ دیدگاه پژوهشگران غربی راجع به  
 حضرت (عج) ..... ۱۹۰  
 □ دلایل عدم گرایش مردم به  
 حضرت (عج) ..... ۱۹۵  
 □ ویژگیهای امام ..... ۱۹۶  
 قافله ششم: توضیحات ..... ۲۰۱  
 ● حدیث قافله ..... ۲۰۳  
 الف) ابهام زدایی ..... ۲۰۵  
 □ سن کم به هنگام امامت ..... ۲۰۵  
 □ عمر طولانی ..... ۲۰۶  
 □ توسل و استغاثه ..... ۲۰۸  
 □ غیبت علیرغم آشکار بودن دعوت ..... ۲۱۱  
 □ لزوم تجمیع غیبت و عمر طولانی ..... ۲۱۲  
 □ ارتباط غیبت پیامبران با غیبت ائمه ... ۲۱۳  
 □ لزوم وجود دوران غیبت صغری ..... ۲۱۴  
 □ عدم وقوع ظهور موقت ..... ۲۱۵  
 □ بحث «المشاهده» ..... ۲۱۶  
 □ بدکار بودن جعفر کذاب ..... ۲۱۷  
 □ توجیه عقلانی مهدی شخصی ..... ۲۱۸  
 □ تسلط بر جهان با ۳۱۳ یار ..... ۲۱۹  
 □ نزول عیسی علیه السلام از آسمان ..... ۲۲۰  
 □ قیام با شمشیر ..... ۲۲۱  
 □ بدعت نبودن ایجاد مکانهایی به نام  
 مهدیه و ..... ۲۲۶  
 □ سال و مرور زمان برای فرشتگان ..... ۲۲۹  
 □ عدم همراهی مهدویت راستین با دیگر  
 ادعاها ..... ۲۳۰  
 □ وقوع اکثر قدمگاهها یا اماکن منسوب به  
 حضرت (عج) در ایران یا عراق ..... ۲۳۱  
 □ عدم صحت عقیده افزایش ظلم جهت تعجیل

ب) پاسخ به شبهات و سؤالات فتنه‌انگیز .. ۲۸۱

۱. امام عسکری چرا مهدی را به نام خواننده است؟! ۲۸۵
  ۲. آیا امام عسکری علیه السلام بر شیعیان خود سخت‌گیر بوده است؟! ۲۸۶
  ۳. آیا جعفر کذاب با نائب مهدی (عج) یکسان است؟! ۲۸۷
  ۴. آیا شیعه حرف غیر معصوم را گوش می‌کند؟! ۲۹۲
  ۵. آیا مهدی، محمد بن الحسن است یا محمد بن عبدالله؟! ۲۹۳
  ۶. مگر ائمه دیگر کشته شدند پس غیبت مهدی بی‌مورد است! ۲۹۴
  ۷. اگر عمر کسی قرار بود طولانی شود او پیامبر صلی الله علیه و آله بود نه مهدی ۲۹۵
  ۸. آیا شیعه به سبک خود امام را انتخاب می‌کند؟! ۲۹۶
  ۹. آیا حکومت‌های شیعی پناه مهدی (عج) هستند؟ ۲۹۸
  ۱۰. آیا در روایات مربوط به مهدی (عج) تناقض وجود دارد؟! ۲۹۹
  ۱۱. با وجود یارانی از فرشتگان، مهدی هنوز در سرداب پنهان است؟! ۳۰۱
  ۱۲. لقب صاحب زمان مرا تکان داد! ۳۰۷
  ۱۳. مهدی ویرانگر مقدسات مسلمین است؟! ۳۰۹
  ۱۴. اگر مهدی وجود دارد چرا حداقل یک نوار ویدیویی ارائه نمی‌دهد؟! ۳۱۸
- قافله هفتم: تصاویر ۳۲۳**
۱. تصویر کعبه (بین رکن و مقام محدوده حضور حضرت در اعلام جهانی قیام خویش). ۳۲۵
  ۲. تصویر مسجد سهله (کوفه - عراق) ۳۲۶
  ۳. تصویر مقام حضرت مهدی (عج) در مسجد سهله ۳۲۷
  ۴. تصویر مقام حضرت مهدی (عج) در شهر جله عراق ۳۲۸
  ۵. تصویر مقام حضرت مهدی در شهر کربلا

- (عراق) ۳۲۹
- تصویر ۶ مقام حضرت مهدی در شهر نجف (عراق) ۳۳۰
- تصویر ۷. مقام حضرت مهدی در شهر نجف (نمای داخلی) ۳۳۱
- تصویر ۸ حرم عسکریین (امام جواد و امام عسکری (سامراء - عراق) و مزار نرجس خاتون، حکیمه خاتون و جدّه. سمت چپ: گنبد سرداب سامراء. ۳۳۲
- تصویر ۹. در چوبی سرداب مقدس سامراء (عراق) ۳۳۳
- تصویر ۱۰. انفجار حرم مطهر عسکریین در ۲۳ محرم ۱۴۲۷ هـ ق - ۲ اسفند ۱۳۸۴ ش به دست دشمنان پیامبر و اهل بیت: ۳۳۴
- تصویر ۱۱. حضور آمریکایی‌ها در سامراء . ۳۳۵
- تصویر ۱۲. مسجد مقدس امام حسن مجتبی علیه السلام (قم - ایران) (مسجدی که امام زمان (عج) از وجود آن پیشگویی فرموده‌اند). ۳۳۶
- تصویر ۱۳. ورودی مسجد مقدس امام حسن مجتبی علیه السلام ۳۳۷
- تصویر ۱۴. مسجد مقدس محدثین (بابل - ایران) (مسجدی که به دستور امام زمان (عج) بنا و نامگذاری گردید). ۳۳۸
- تصویر ۱۵. نمای داخل محوطه مسجد مقدس محدثین ۳۳۹
- تصویر ۱۶. نمایی از خارج مسجد مقدس محدثین ۳۴۰
- تصویر ۱۷. مسجد مقدس صاحب‌الزمان (عج) جمکران (قم - ایران) (مسجدی که امام زمان (عج) دستور به بنا آن دادند و آداب خاص برای آن در نظر گرفتند). ۳۴۱
- تصویر ۱۸. نمایی دیگر از مسجد مقدس صاحب‌الزمان (عج) جمکران ۳۴۲

## مقدمه

بحران معنویت در دنیای امروزی منجر به افزایش روزافزون ظلم و جنایت شده، و این برای بشریت یک زنگ خطر محسوب می‌شود.

بی‌تردید برای بشری که از ژرفنای کیهان و هزارتوی ذرات سخن به میان می‌آورد فقدان معنویت، پیامدی جز ملال و اندوه به همراه ندارد.

در چنین شرایطی، بشریت بی‌پناه به هر رشته‌ای گسستنی یا ناگسستنی دست می‌یازد بلکه بتواند روند اوضاع را تغییر دهد و شرایط را مطابق با فطرت پاک و الهی خویش سامان بخشد.

از آنجا که براساس دین حیات بخش و انسان ساز اسلام، مادیات و معنویات لازم است در موازات هم به رشد و فعلیت برسند و دین مبین پاسخگوی همه نیازهای مادی و معنوی بشر در همه ادوار است، به مقوله آخرالزمان نیز توجه خاصی شده تا آنجا که علائم و به هم پیچیدگیهای حق و باطل در این حوزه زمانی از قرن‌ها قبل توسط پیشوایان الهی برای مردم بیان شده است.

آری! در روایات متعدد اسلامی از چنین زمان نابسامانی یاد شده و به صراحت، اصلاحگر اوضاع را شخصیتی واقعی و عینی به نام «مهدی» از خانواده پیامبر اسلام قلمداد کرده و بهترین راه تغییر شرایط را انتظار سازنده و مثبت در راه ایجاد حکومت حقه این شخص معرفی می‌کند.

چندی قبل، دوست و برادر آفریقایی تبارم جناب «دکتر عبد القادر مبارک کانو» پیشنهاد تألیف کتابی راجع به حضرت مهدی (عج) به این حقیر مطرح



فرمودند، تا آن کتاب زمینه‌ای باشد برای ایجاد پایگاههای مهدویت در کشورهای آفریقایی چون کشور نیجریه که در آنجا انسانهای فهیم و اندیشمند و تشنه عدالت و حقیقت زندگی می‌کنند.

لذا امثال امر نموده و به عهد خود وفا کردم و از خداوند خواستم تا در من شور و در قلمم سوزی قرار دهد. پس سعی نمودم تا اخبار و روایات صحیح در باب «مهدی منجی بشریت» را به سبکی جدید، گلچین و در مجموعه‌ای به نام «قافله شکر» خدمت همه مشتاقان حقیقت ارائه نمایم.

مجموعه حاضر دارای هفت قافله (فصل) و شکرهای (موضوعات) متفاوت و مرتبط است.

- در قافله اول محور اخبار و روایات پیرامون موجودیت و شخصیت مهدی صاحب الزمان (عج) است.

- در قافله دوم محور کار غیبت و نهان زیستی مهدی (عج) است. آنچه در این قافله مد نظر مؤلف است ذکر اخبار و ثبت ذهنیتی صحیح و خلاف تصورات عامیانه مبنی بر ناپدید شدن و نامرئی شدنهای افسانه‌ای برای مهدی (عج) است لذا سعی شده تا ذهنیت متعادلی میان دو روند معجزه‌آسا و روند انسانی به خوبی برداشت و بیان شود.

- در قافله سوم بحث ظهور حضرت (عج) و اخبار مرتبط با آن آمده است. در این قافله روایات معتبری وجود دارد که در فهم مسئله ظهور کمک شایانی نموده و تعمق در آنها باعث ایجاد یک نگرش کلی و صحیح می‌گردد.

تصور عوامانه حاکم بر این مقوله، آسان بودن این امر و ترس از مواجهه گنهکاران با صاحب الزمان (عج) یا قتل عام عمومی از سوی آن حضرت (عج) است. در حالی که با نگرش دقیق و منصفانه به اخبار و روایات خلاف آن ثابت می‌شود.

- در قافله چهارم سعی شده احادیث و روایات متفاوتی از مهدی (عج) مرتبط با خدا، پیامبران و معصومین (ع) لحاظ شود. این قافله نیز می‌تواند در شناخت برخی از زوایای پنهان شخصیتی مهدی (عج) کمک شایانی داشته باشد.

- در قافله پنجم یک عده متفرقات و پراکنده‌های مرتبط با موضوع در نظر آمده که مانند قافله قبلی می‌تواند قطره‌ای از اقیانوس وجود مهدی موعود (عج) را

برای ما به نمایش بگذارد.

- در قافله ششم که مبحث «توضیحات» است سعی شده با استفاده از عقل، سنت، کتاب و روایات برخی اشکالات و ابهامات در وادی مهدویت پاسخ داده شود تا به مثابه آب گوارایی باشد برای تشنگان حقیقت.

- در قافله هفتم، تصاویری از برخی مکانهای مرتبط با حضرت مهدی (عج) ارائه نموده‌ایم.

در مورد کیفیت کتاب و مطالب آن ذکر این نکته لازم است که هر کدام از موضوعات ممکن است قابلیت و شأن حضور در یک یا چند مجلد را داشته باشند، اما ما از کنار آنها به سرعت گذشته‌ایم تا برای برخی خوانندگان خسته‌کننده نباشد. منابع و مآخذ در پانوشت ذکر شده و کتاب در ظاهر فاقد تحقیق میدانی است.

امید که این «قافله شکر» نه تنها در آفریقا بلکه به نقاط مختلف جهان صادر شود و اندیشه ناب مهدوی در جهان امروزی شیوع یابد.

در پایان به جاست که از زحمات و الطاف استاد بی بدیل، شمع محفل مهدی پژوهان و محقق ارزنده حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج علی اکبر مهدی پور (دامت برکاته) که نفس گرم ایشان حکم دم مسیحایی برای این حقیر داشته؛ کمال تشکر و قدردانی خود را ابراز کنم. دانشمند بزرگواری که افتخار و فضیلت بسیاری از تحقیقات و تألیفات ناب بدیشان ختم شده است و ما از خرمن دانش ایشان چه خوشه‌ها که نچیدیم. و همین طور از الطاف کریمانه و مخلصانه دیگر یاران صدیق خویش به خصوص جناب آقای احسان‌الله شکراللهی طالقانی مدیر محترم روابط عمومی و بین‌الملل مرکز اسناد موزه و کتابخانه معظم مجلس شورای اسلامی که زحمت ویراستاری این اثر را عهده‌دار شدند و نیز از مساعدت‌های جناب آقای آریا حمیدیان در چاپ این اثر تقدیر و تشکر می‌نمایم.

افسوس بر آن دیده که روی تو ندیدست

یا دیده و بعد از تو به رویی نگریدست

و من الله التوفیق

سید مرتضی میرسراجی - تهران - ۱۳۸۶ ش

**با احترام تقدیم به:**

**دوستاناران حقیقت از هر رنگ و نژاد...**

قافله اول

---

---

موجودیت مهدی (عج)

---

## حدیث قافله

رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

«ای علی! بدان که عجیب‌ترین مردم از جهت ایمان و عظیم‌ترین آنها از روی یقین، مردمانی هستند که در آخرالزمان خواهند بود. پیامبر را ندیده‌اند و امام ایشان در غیبت است ولی به نوشته‌ای بر کتابی، ایمان دارند»

کمال الدین ج ۱، باب ۲۶ ح ۱

### □ منجی‌گرایی در بین اقوام بشری (اصالت منجی‌گرایی)

بحث منجی‌گرایی و باور به وجود و ظهور موعود عدالت گستر در بیشتر اقوام بشری به چشم می‌خورد و این خود گواهی بر اصالت چنین تفکری است، و ما در اینجا اشاره‌ای بسیار گذرا به برخی از این باورهای تاریخی خواهیم داشت:

#### ایرانیان باستان

- «گرزاسپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در «کابل» زندگی می‌کند و صدهزار فرشته او را پاسبانی می‌کنند تا روزی قیام کند و جهان را اصلاح نماید.  
- گروهی دیگر از ایرانیان می‌پنداشتند که «کیخسرو» دیهیم (تاج) پادشاهی به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان (شیاطین) را از گیتی براند.

#### اسلاوها

بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برمی‌خیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند.

#### ژرمن‌ها

معتقد بودند که یک نفر فاتح از طرف آنان قیام نماید «ژرمن» را بر دنیا حاکم می‌کند.

#### صرب‌ها

انتظار ظهور «مارکو کرالیویچ» را داشتند.

### اسن‌ها

معتقدند که پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده دروازه‌های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.

### سلت‌ها

می‌گویند پس از بروز آشوبهایی در جهان «بوریان بورویهم» قیام کرده، دنیا را متصرف خواهد شد.

### اقوام اسکاندیناوی

معتقدند که برای مردم بلاهایی می‌رسد. جنگهای جهانی اقوام را نابود می‌سازد. آنگاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده بر همه چیز چیره می‌شود.

### یهودیان

معتقدند که در آخر الزمان «ماشیح» ظهور می‌کند و ابدالاباد در جهان حکومت می‌کند.

### اقوام آمریکای مرکزی

معتقدند که «کوتزلکوتل» نجات بخش جهان پس از بروز حوادثی در جهان، پیروز خواهد شد.

### مصر

گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در شهر «ممفیس» زندگی می‌کردند، معتقد بودند که سلطانی در آخر الزمان با نیروی غیب بر جهان مسلط می‌شود. اختلافات طبقاتی را از بین می‌برد و مردم را به آرامش و آسایش می‌رساند.

- گروهی دیگر از مصریهای باستان معتقد بودند که فرستاده خدا در آخر زمان در کنار خانه خدا پدیدار گشته، جهان را تسخیر می‌کند.<sup>۱</sup>

نمونه این تفکرات منجی‌گرایانه بسیار زیاد است و به همین اندازه اکتفا می‌شود.

۱. مهدی پور، علی اکبر، او خواهد آمد. مؤسسه انتشارات رسالت. ویرایش سوم. قم، چاپ سیزدهم، نیمه شعبان ۱۴۲۸ ه.ق. صص ۱۳۸-۱۳۹

### □ اصل و نسب حضرت مهدی (عج) (منجی بشریت)

این مطلب مهم از دو زاویه (دیدگاه دانشمندان شیعه و سنی) بررسی می‌کنیم:

#### الف) دیدگاه دانشمندان اهل تشیع:

با توجه به اینکه در میان علماء و بزرگان شیعه این موضوع بسیار متواتر است به روایتی از شیخ صدوق (علیه الرحمة) بسنده می‌شود.

از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمودند:

«جبرئیل از خداوند برایم حدیث کرد که خداوند فرمود:

هر کس بداند که هیچ معبودی جز من نیست و محمد ﷺ بنده و فرستاده من است و علی بن ابیطالب علیه السلام جانشین من است و ائمه‌ای که از فرزندان او هستند حجت‌های منند؛ او را با رحمت خویش به بهشت داخل می‌کنم و به عفو خود او را از آتشم نجات می‌دهم، و همسایگی خود را برای او مباح می‌گردانم و کرامتم را بر او واجب می‌گردانم و نعمتم را بر او تمام ساخته و او را از خاصان و خالصان خود قرار می‌دهم. اگر مرا ندا کند به او لبیک می‌گویم، و اگر مرا بخواند اجابتش می‌کنم، و اگر از من درخواست کند به او عطا می‌کنم، و اگر خاموش باشد به او ابتدا می‌کنم، و اگر بدی کند به او رحمت می‌آورم، و اگر از من بگریزد او را به سوی خود می‌خوانم، و اگر بازگردد او را می‌پذیرم و اگر در خانه‌ام را بکوبد آن را می‌گشایم و هر کس گواهی ندهد که من معبود یکتا هستم یا بدان شهادت دهد اما گواهی ندهد که محمد بنده و رسول من است، یا بدان شهادت دهد اما گواهی ندهد که امامان از فرزندان او حجت‌های من هستند، به تحقیق که چنین فردی عظمت مرا انکار کرده و بزرگی من را کوچک شمرده و به آیات کتابهای من کافر شده است، و اگر مرا قصد کند محجوب و در پرده‌اش کنم و اگر از من خواهش داشته باشد او را محروم سازم و اگر مرا ندا کند ندایش را نمی‌شنوم، و اگر مرا بخواند دعایش را مورد استجابت قرار نمی‌دهم و اگر به من امید بندد نا امیدش می‌گردانم و این کیفر او از جانب من است و من هرگز به بندگانم ستم نمی‌کنم (البته این کیفرها مشمول آن دسته از انسانهاییست که با علم و به عمد با پیامبر و اهلبیت علیهم السلام دشمنی و کینه توزی می‌کنند).

آنگاه جابر بن عبدالله انصاری (از صحابه معروف پیامبر) علیه السلام از جا برخاست و



گفت: ای رسول خدا! ائمه از فرزندان علی بن ابیطالب چه کسانی هستند؟ پیامبر فرمودند: حسن و حسین، سید جوانان اهل بهشت، سپس سید العابدین در زمانش علی بن الحسین، سپس محمد بن علی الباقر، و تو ای جابر او را در زمان حیاتت می بینی و آن هنگام که او را دیدی سلام مرا بدو برسان و سپس جعفر بن محمد الصادق، سپس موسی بن جعفر الکاظم، سپس علی بن موسی الرضا، سپس محمد بن علی التقی، سپس علی بن محمد النقی، سپس حسن بن علی الزکی، سپس فرزند او قائم به حق مهدی امتم. کسی که او زمین را پر از عدل و داد نماید همانگونه که پر از جور و ستم شده باشد. ای جابر! آنان جانشینان و اوصیاء و اولاد و عترت من هستند. کسی که ایشان را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است، و کسی که از آنان سر پیچی کند مرا سر پیچی کرده است، و کسی که ایشان را یا یکی از آنان را انکار کند مرا انکار کرده است. به واسطه ایشان است که خداوند آسمان را نگاه داشته که بر زمین نیفتد مگر به اذن او و به سبب ایشان است که خداوند زمین را حفظ کرده که اهلش را نلرزاند.»<sup>۱</sup>

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. کمال الدین و تمام النعمه. مؤسسه النشر التابعة لجماعة للمدرسين بقم المقدسه. انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم. ۱۳۹۵ ه.ق. ج ۱، باب ۲۴، ح ۳، صص ۲۵۸-۲۵۹

حضرت محمد بن عبد اللہ ﷺ (پیامبر عظیم الشان اسلام)

حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب ؑ - حضرت فاطمہ زہراء ؑ

حضرت امام حسن بن علی ؑ (المجتبیٰ)، حضرت امام حسین بن علی ؑ

حضرت امام علی بن الحسن ؑ (زین العابدین و سید الساجدین)

حضرت امام محمد بن علی ؑ (باقر العلوم)

حضرت امام جعفر بن محمد ؑ (صادق آل محمد)

حضرت امام موسیٰ بن جعفر ؑ (الکاظم)

حضرت امام علی بن موسیٰ ؑ (الرضا)

حضرت امام محمد بن علی ؑ (التقی)

حضرت امام علی بن محمد ؑ (النقی)

حضرت امام حسن بن محمد ؑ (الزکی العسکری)

حضرت امام محمد بن الحسن ؑ (المہدی المنتظر القائم)

(شجرہ طیبه معصومین ؑ تا حضرت مہدی منجی بشریت)

(ب) دیدگاه دانشمندان تسنن

در میان روایات مورد وثوق اهل تسنن نیز اشاره به منجی موعود کم نیست اما برای رعایت ایجاز در اینجا به سه نمونه بسنده می شود:

۱. حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی (وفات: ۶۵۸ ق)

این دانشمند بزرگ اهل سنت در کتاب «کفایة الطالب» خویش راجع به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام آورده است: «ابو محمد حسن العسکری (پدر مهدی - عج -) ... در خانه اش واقع در شهر «سامراء» مدفون گردید. یک پسر از خود به جای گذاشت.

او امام منتظر (صلوات الله علیه) است. ما کتاب خود را با نام او پایان می بریم و به طور مجزا راجع به وی بحث می کنیم»<sup>۱</sup>

این دانشمند بزرگ در کتابی مجزا چنانکه در «کفایة» قول داده بود به نام «البيان فی اخبار صاحب الزمان (عج)» در باب ۲۵ همین کتاب دلائلی بر بقاء امام زمان می آورد و بقاء ایشان را در روزگار غیبت مطابق با کتاب و سنت می شمرد.<sup>۲</sup>

چنانکه پیداست این دانشمند آزاد اندیش سنی به وجود مهدی از اولاد امام حسن عسکری علیه السلام و غیبت طولانی او معتقد بوده است.

۲. محمد بن خاوند شاه (میر خواند) (وفات: ۹۰۳ ق)

این دانشمند و مورخ بزرگ اهل سنت در کتاب ارزشمند «روضه الصفاء» ذیل مبحث «ذکر احوال محمد بن الحسن بن علی (مهدی) (رضی الله عنهم) آورده است: «کنیت او ابوالقاسم است و امامیه (شیعه) وی را حجت قائم و مهدی منتظر و

۱. الکنجی الشافعی، ابا عبد الله محمد بن یوسف بن محمد القرشی. کفایة الطالب فی مناقب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام. چاپ سنگی، مطبعة الغری. النجف الاشرف. ۱۳۵۶ ه. ق. ص ۳۱۲

۲. رک: الکنجی الشافعی، محمد بن یوسف النوفلی. البيان فی اخبار صاحب الزمان (عج). اعداد: السيد محمد جواد الحسين الجلالی، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين بقم المشرفة. الطبعة الخامسة مطبعة مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ ه. ق. باب ۲۵ (الدلالة علی جواز بقاء المهدي (عج) ص ۱۴۸ به بعد ...

صاحب الزمان می‌گویند.

ولادت امام مهدی - رضی الله عنه - مسمی به اسم رسول و مکنی به کنیت آن حضرت در سرمن رأی (سامراء) بود. در شب نصف شعبان سنه خمس و خمسين و مأتین (۲۵۵) و در وقت وفات پدر، پنج ساله بود و حق سبحانه او را در صغرسن (خردسالی) حکمت داد چنانکه یحیای پیغمبر را و او را در حال طفولیت امام گردانید. چنانکه عیسی عليه السلام را در کودکی نبی مرسل گردانید»<sup>۱</sup>

از نوشتار این مورخ بزرگ اهل سنت و دفاع او از امامت حضرت مهدی (عج) در خردسالی و صغرسن به خوبی اوج اعتقاد وی به حضرت (عج) نمایان می‌شود.

۳. قاضی جواد ساباطی حنفی بصری (وفات: ۱۲۵۰ ق)

ایشان در ابتدا مسیحی بودند. سپس به دین مبین اسلام مشرف می‌شوند و در دین اسلام مذهب تسنن را اختیار می‌کنند. او در کتاب «براهین ساباطیه» پس از آنکه عبارتی را از کتاب اشعیای نبی به زبان عبری (یهودی) نقل می‌کند و سپس آن را به زبان عربی ترجمه می‌نماید در مخالفت با گفتار دانشمندان یهودی و مسیحی در تأویل آن عبارت، چنین مرقوم می‌کند:

«این عبارت نص صریح در وجود حضرت مهدی (رضی الله عنه) است زیرا مسلمانان اتفاق دارند که مهدی (رضی الله عنه) نگاه به باطن افراد می‌کند و حکم را صادر می‌نماید و به وجود اظهار شاهد و ظاهر امر، حکم صادر نمی‌کند.

مسلمانان درباره وجود حضرت مهدی اختلاف نظر دارند. اصحاب ما (اهل سنت و جماعت) عقیده دارند که او مردی از فرزندان فاطمه است نام او محمد و نام پدرش عبد الله است و نام مادرش آمنه می‌باشد»<sup>۲</sup>

و امامیه (شیعیان) می‌گویند: وی محمد بن الحسن العسکری عليه السلام است که در سال ۲۵۵ هجری از کنیزی به نام نرجس در سامراء در زمان خلافت معتمد عباسی

۱. خاوند شاه، میر محمد بن سید برهان الدین (الشهیر بمیر خواند) تاریخ روضة الصفاء. چاپ ۱۳۳۹ تهران، ج ۳ ص ۵۹

۲. الطبرسی النوری، میرزا حسین، کشف الاستار عن وجه الغائب من الابصار. مکتبه نینوی الحدیثه الطبعة الثانية، طهران، ۱۴۰۰ هـ ق صص ۸۵ - ۸۴

متولد شده است. سپس غایب گردید بعد آشکار شد و دوباره غایب گردید و این غیبت کبری است و تا روزی که خدا بخواهد ظهور می نماید.

از آنجا که نظر شیعه امامیه به نص صریح پیامبر نزدیکتر است، و منظور من نیز دفاع از ملت محمد ﷺ بدون تعصب می باشد لذا آن را برای شما خوانندگان نقل نمودم تا بدانید که آنچه شیعه امامیه راجع به حضرت مهدی علیه السلام می گویند با گفتار پیامبر مطابقت دارد.»

با توجه به موارد یاد شده درمی یابیم دانشمندان بزرگ اهل سنت نیز معترف و مدعن به امامت مهدی (عج) و غیبت او و انتساب او به اولاد حضرت فاطمه (س) به خصوص از امام عسکری علیه السلام می باشند.

### □ ولادت حضرت (عج)

طبق آنچه از اخبار و روایات به ما رسیده:

«ملیکه دختر یثوعا نوه قیصر روم که نسل او از طرف مادری به حضرت شمعون نبی، وصی حضرت عیسی علیه السلام می رسید؛ شبی در عالم رؤیا مشاهده می کند که حضرت محمد ﷺ با شماری از جوانان و فرزندان او وارد کاخ قیصر روم شده و در موضعی که تخت او قرار داشت منبری نصب می کنند. مسیح علیه السلام به استقبال پیامبر ﷺ می آید. پیامبر علیه السلام به مسیح علیه السلام خطاب می کند: ای روح الله! من به اینجا آمده ام تا از شمعون وصی تو، دخترش ملیکه را برای پسرم خواستگاری کنم. بعد پیامبر علیه السلام بالای منبر می رود و خطبه عقد را می خواند.

ملیکه از خواب بر می خیزد و جرأت تعریف این رؤیا را برای پدر و جدش قیصر روم ندارد، لذا این رؤیا را بازگو نمی کند. مدتی می گذرد تا اینکه خواب حضرت فاطمه زهراء علیه السلام را می بیند که به همراه حضرت مریم (س) و هزار خدمتکار بهشتی به دیدن وی می آیند.

حضرت مریم (س)، برای ملیکه حضرت زهراء (س) را معرفی می نماید و می گوید که ایشان مادر بزرگ حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شوهر تو می باشند! ملیکه در عالم رؤیا از اینکه امام عسکری علیه السلام به دیدار او نمی آیند اظهار گله مندی می کند.

تا اینکه به او سفارش می‌کنند باید کلمات شهادتین را با صدق و راستی بیان کند تا این امر واقع شود.

ملیکه پس از آنکه اشهدان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله را بر زبان جاری می‌سازد حضرت فاطمه (س) او را در آغوش خود می‌گیرند و می‌فرمایند: اکنون در انتظار امام عسکری علیه السلام باش!

ملیکه از خواب برمی‌خیزد و شب بعد در خواب به خدمت امام عسکری علیه السلام نائل می‌شود. تا اینکه در یکی از همین رؤیاها امام عسکری علیه السلام به ملیکه می‌فرمایند: در فلان روز پدر بزرگت قیصر روم لشکری به جنگ مسلمانان می‌فرستد و تو نیز در آن لشکر حضور داشته باش ولی لباس خدمتگزاران را بپوش تا شناخته نشوی.

عاقبت ملیکه که همراه اسیران لشکر دستگیر می‌شود و به عنوان کنیز به بلاد اسلامی روانه می‌گردد. در آنجا یکی از خدمتگزاران حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به دستور امام، ایشان را خریداری می‌کند و به شهر سامراء (سرمن رأی) واقع در عراق کنونی محل زندگی امام عسکری علیه السلام می‌آورد.

امام حسن عسکری علیه السلام برای ملیکه نام «نرجس» را انتخاب می‌فرماید و با هم ازدواج می‌کنند<sup>۱</sup>

از ماحصل این ازدواج پر برکت، منجی بشریت حضرت مهدی (عج) به دنیا تشریف فرما می‌شوند. ولادت حضرت مهدی (عج) در خفاء و پنهانی انجام شد و عده بسیاری قلیلی از آن مطلع بودند، زیرا در آن زمان خلیفه ستمگر وقت (معتد عباسی) مصمم بود تا فرزندی را که از امام عسکری علیه السلام پا به عرصه وجود بگذارد به قتل رساند. از قدرت خداوند این توطئه شوم نقشه بر آب شد و از سال ۲۵۵ ق تا اکنون که بیش از ده قرن از ولادت حضرت مهدی (عج) گذشته، ایشان زنده و منتظر اذن خدا در تشکیل حکومت عدالت گستر خویش هستند.

۱. رک: ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین. باب (۴۱) ما روی فی نرجس ام القائم (ع) و اسمها ملیکه بنت یسوعا بن قیصر الملک. ج ۲، ح ۱، ص ۴۱۷ به بعد

## □ نزدیک‌ترین دشمن حضرت (عج)

نزدیک‌ترین دشمن به حضرت مهدی (عج)، عموی ایشان، جعفر بن علی معروف به جعفر کذاب پسر بلافضل امام هادی علیه السلام بود که ادعای امامت پس از امام عسکری علیه السلام را داشت و برای معتمد عباسی (خلیفه وقت) جاسوسی می‌کرد، تا اگر امام حسن عسکری علیه السلام صاحب اولاد پسر شد مأموران خلیفه او را بیابند و به قتل برسانند.

این شخص شرابخوار و اهل قمار بود و پیوسته خانه امام عسکری علیه السلام را زیر نظر داشت.

جعفر کذاب با اینکه از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و از پسران امام هادی علیه السلام (دهمین امام شیعیان) بود در حق برادر و پسر برادر خود خیانت کرد. امام زمان (عج) دشمنان کینه توز و تا دندان مسلحی داشت که از فضل خدا مکر و تلاش‌های مذبحانه آنها همگی ناکام و عقیم ماند.<sup>۱</sup>

## □ شخصیت یا نوعیت حضرت (عج)

دانشمندان اهل سنت در بحث مهدویت به دو دسته تقسیم شده‌اند. بیشتر آنان، مهدی مطرح شده در احادیث رسول خدا را - که پیامبر بشارت آمدن او را در آخر الزمان داده‌اند - شخصی ناشناخته و نامعین دانسته‌اند. اینان معتقدند مهدی هنوز زاده نشده و پس از این در آخر الزمان در زمانی نامعین از پدر و مادری ناشناخته زاده می‌شود و در زمانی نامشخص قیام خواهد کرد و اوضاع نابسامان جهان را سامان خواهد داد. اینان بر این باورند که مهدویت مسئله‌ای نوعی است نه شخصی. به عبارت دیگر، مهدی شخص خاص، فرزند پدر و مادری شناخته شده و دارای تاریخ تولدی مشخص نیست، بلکه فردی است به نام مهدی اما نامعلوم از پدر و مادری ناشناخته و دارای تاریخ تولدی نامشخص. در مقابل، شماری از دانشمندان اهل سنت نیز به مهدویت شخصی معتقدند و بر این باورند که مهدی،

۱. به جهت مزید اطلاع رجوع کنید به کتابهای کمال الدین (شیخ صدوق)، غیبت (شیخ نعمانی)، غیبت (شیخ طوسی) که در لابلای احادیث و روایات متفاوت از خطاها و فتنه‌انگیزیهای جعفر بن علی (جعفر کذاب) سخن به میان آمده است.

شخصی است شناخته شده و معین، او زاده شده و جهان از فیض وجود او بهره‌مند است. معتقدان به شخصی بودن مهدویت مصداق بشارت‌های رسول خدا درباره مهدی را همان مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری علیه السلام دانسته‌اند. این دسته از دانشمندان اهل سنت در بحث شخصی بودن مهدی تا اندازه زیادی با دانشمندان شیعه هم عقیده‌اند.<sup>۱</sup>

### □ راههای جلوگیری از انحراف و ابهام در مهدویت

در اسلام جهت جلوگیری از انحراف و ایجاد ابهام در مقوله مهدویت تمهیداتی در نظر گرفته است.

برای مثال از همان آغاز پیامبر از وجود مهدی، ماهیت ایشان و عملکرد ایشان و دیگر مسائل مرتبط با آن را پیشگویی فرموده‌اند تا هیچگونه نقطه ابهام و انحراف در این مسئله باقی نماند.

جالب آنکه ایشان جمع کنیه ابوالقاسم و نام محمد را که نام مخصوص خودشان و حضرت مهدی (عج) است جز برای محمدبن حنیفه فرزند امام علی علیه السلام تحریم نمودند<sup>۲</sup> تا در آینده کسی بر اساس فقط نام خود ادعای مهدویت نکند و اسباب گمراهی مسلمین و شیعیان پیامبر را فراهم نیارود.

با این همه رجوع به اخبار و احادیث وارده و معتبره در این مقوله خود بهترین و محکمترین راه جهت جلوگیری از انحراف و ایجاد شک و شبهه است که علما و روای حدیث به این مهم همت گماشته‌اند و امروزه ما از این منابع ناب اسلامی بهره‌مند هستیم. برای نمونه دانشمند معاصر زمان ما و مرجع معظم تقلید آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی در کتاب «منتخب الاثر» از ۱۵۴ منبع معتبر احادیث متفاوتی را در شأن مهدی موعود (عج) نقل فرموده‌اند که به برخی از آنها و تعدادشان در منابع ایشان اشاره می‌شود تا معلوم گردد با وجود چنین اخباری که از ناحیه پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومین وارد شده دیگر جای هرگونه ابهام و انحرافی

۱. مجله انتظار موعود ۱۱-۱۲، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۳ ش، قم ص ۳۴۲  
۲. الذهبی. شمس الدین محمد بن محمد بن عثمان (قرن ۸). سیر اعلام النبلاء. مؤسسه الرساله، بیروت، الطبعة الثانية ۱۴۰۲ هـ ق، الجزء الرابع ص ۱۱۵ (ذیل ابن الحنفیه)



وجود نخواهد داشت، مگر اینکه عده‌ای بیمار دل اسباب انحراف و ابهام در این مسئله ایجاد نمایند.

(البته ما در اینجا برای رعایت ایجاز به همه موارد اشاره نمی‌کنیم)

- ائمه دوازدهگانه اول ایشان «علی» و آخر ایشان «مهدی» ۹۱ حدیث
- ائمه دوازدهگانه و آخر ایشان «مهدی» ۹۴ حدیث
- ائمه دوازدهگانه و نهمین از نسل «حسین»، قائم ایشان است ۱۰۷ حدیث
- ائمه دوازدهگانه با ذکر اسامیشان ۵۰ حدیث
- بشارتهای وارده در ظهور مهدی (عج) ۶۵۷ حدیث
- مهدی از اهل بیت است ۳۸۹ حدیث
- اسم مهدی، اسم پیامبر و کنیه‌اش کنیه پیامبر و شبیه‌ترین مردم به ایشان است ۴۸ حدیث
- شمائل مهدی ۲۱ حدیث
- مهدی نام پدرش حسن است ۱۴۷ حدیث
- مهدی فرزند بهترین کنیزان (نرجس) است ۹ حدیث
- در بین ائمه وقتی سه اسم محمد، علی و حسن آید چهارمی آنها قائم است ۲ حدیث
- مهدی دنیا را از عدل پر می‌کند ۱۲۳ حدیث
- مهدی دو غیبت دارد ۱۰ حدیث
- مهدی یکی از غیبتهایش طولانی است ۹۱ حدیث
- در علت غیبت ایشان ۷ حدیث
- در عمر طولانی حضرت ۳۱۸ حدیث
- در پنهان بودن ولادت ۱۴ حدیث
- در اینکه بیعت کسی برگردنش نیست ۱۰۰ حدیث
- در اینکه دشمنان خدا را می‌کشد و زمین را از شرک پاک می‌کند ۱۹ حدیث
- در اینکه امر خدا را آشکار می‌کند اسلام را گسترش می‌دهد و پادشاه عالم می‌شود ۴۷ حدیث

● در اینکه مردم را به سوی هدایت قرآن و سنت باز می‌گرداند. ۱۵ حدیث و احادیث و روایات بسیاری که ایشان تحقیق نموده‌اند و کلاً در این زمینه وجود دارد که رجوع، تأمل، تفقه، و فهم آنها می‌تواند ما را با حقیقت ناب صاحب الزمان (عج) نزدیک و از انحراف و شبهه در مهدویت جلوگیری نماید.<sup>۱</sup>

### □ القاب حضرت (عج)

چنانکه در روایات آمده نام مقدس حضرت (عج)، «محمد» و کنیه ایشان مانند پیامبر «ابوالقاسم» است. برای آن حضرت (عج) القاب بسیاری است که از آن جمله‌اند:

صاحب الزمان

صاحب الامر

صاحب العصر

بقیة الله

مهدی

حجة الله

قائم

منتظر (Montazar)<sup>۲</sup>

### □ شکل و شمایل ظاهری حضرت (عج)

رسول خدا ﷺ فرموده: «مهدی (عج) شبیه‌ترین مردم است به من در خلق و خُلق»<sup>۳</sup> (خلقت و اخلاق)

«در اخبار عامه [اهل سنت] آمده: رنگش رنگ عربی و جسمش چون جسم بنی

۱. رک: صافی الکلایگانی، لطف الله. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر (علیه السلام)، مکتبه الصدور، طهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ق

۲. رک: طبرسی نوری، حاج میرزا حسین. نجم ثاقب در احوال امام غائب (روی جلد: نجم الثاقب). مسجد مقدس صاحب الزمان (عج) جمکران. قم، چاپ سوم. ۱۳۷۲ ه. ش. باب دوم صص ۴۱-۹۸

۳. طبرسی نوری، میرزا حسین، پیشین. باب ۳، ص ۹۹

اسرائیل یعنی در طول قامت و بزرگی جثه است.<sup>۱</sup>  
 از امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل است:  
 «در پشت مبارکش دو نشانه و علامت است یکی به رنگ بدن شریفش و دیگری  
 شبیه علامتی که در کتف مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود.»<sup>۲</sup>  
 از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل است:  
 «رخسارش چون ستاره درخشان، برگونه راستش خال سیاهی است.»<sup>۳</sup>

### □ در معنی مهدی

مهدی در لغت عربی به معنی هدایت شده و از ماده «هَدَى» و اسم مفعول  
 است.  
 این لقب مانند «قائم» از معروفترین و مشهورترین القاب حضرت  
 محمد بن الحسن العسکری (عج) محسوب می شود.

### وجه تسمیه

#### ● الغیبة (طوسی) (از منابع شیعی)

امام صادق علیه السلام: قائم را مهدی نامیدند به آن دلیل که (مردم را) به سوی امری که  
 از آنها پنهان است؛ هدایت می کند.<sup>۴</sup>

#### ● عقد الدرر (یوسف بن یحیی السلمی) (از منابع سنی)

امام باقر علیه السلام: «مهدی را مهدی می گویند زیرا که هدایت می کند به سوی امری  
 پنهان، و بیرون می آورد تورات و انجیل را از زمینی که آن را «انطاکیه» می گویند.  
 و در روایت دیگر راجع به وجه این لقب فرموده اند: او را مهدی نامیده اند چون  
 هدایت می کند به سفرهای تورات، پس بیرون می آورد آنها را از کوههای شام، و  
 یهود را دعوت می کند به سوی آنها و آنها به خاطر این کتابها اسلام می آورند که

۱. طبرسی نوری، میرزا حسین. پیشین، ص ۱۰۰

۲. همو. پیشین، ص ۱۰۱

۳. همو. پیشین، ص ۱۰۲

۴. محمد بن حسن، طوسی. الغیبه. ص ۴۷۱

تعدادشان نزدیک به سی هزار می شود.

### □ برخی روایات و اخبار اهل سنت راجع حضرت (عج)

از ناحیه روات و محدثان عامه (اهل سنت) احادیث و روایات فراوانی در مورد حضرت مهدی (عج) به دست ما رسیده که مورد وثوق علماء فریقین (شیعه و سنی) است. در زیر تیمناً به مواردی اشاره می شود:

#### ● پیامبر ﷺ:

- مهدی از عترت من است و از اولاد فاطمه علیها السلام<sup>۱</sup>  
- در آخر الزمان مردی از فرزندان من خروج می کند که در اسم همنام من است و کنیه اش، کنیه من است. زمین را از عدل پر می کند همانگونه که از جور پر شده است.<sup>۲</sup>

#### ● امام حسین علیه السلام:

برای صاحب این امر (یعنی مهدی) دو غیبت است: یکی از آنها به طول انجامد تا آنجا که گویند او مرده است ...<sup>۳</sup>

#### ● پیامبر ﷺ:

از ماست کسی که پشت سر او عیسی بن مریم علیها السلام نماز می گزارد.<sup>۴</sup>

#### ● پیامبر ﷺ:

بعد از من دوازده نفر خلیفه از قریش می باشند.<sup>۵</sup>

۱. المقدسی الشافعی السلمی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر، ص ۳۶

۲. همو. پیشین ص ۵۱

۳. همو. پیشین صص ۱۷۸-۱۷۹

۴. همو. پیشین ۲۰۸

۵. الحسینی الجلالی، السید محمد جواد. احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل. مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين بقم المشرفة. مطبعة مؤسسه النشر الاسلامی - الطبعة الخامسة قم. ۱۴۵۹. ص ۳۴

● پیامبر ﷺ:

مهدی از اهل بیت من است خداوند، کار او را در یک شب اصلاح می‌کند.<sup>۱</sup>

● پیامبر ﷺ:

مهدی طاووس اهل بهشت است.<sup>۲</sup>

همچنین پیامبر ﷺ در روایتی دیگر مهدی (عج) را از نسل امام حسین علیه السلام بر می‌شمرد<sup>۳</sup> و صدها روایت دیگر که به جهت پرهیز از اطاله کلام از درج آنها صرف نظر می‌کنیم و علاقمندان می‌توانند به کتابهای روایی اهل سنت و تشیع رجوع فرمایند.

### □ برخی کتابهای اهل سنت راجع به حضرت (عج)

دانشمندان اهل سنت کتابهای بسیار زیادی راجع به شخصیت حضرت صاحب الزمان (عج) و روایات موجود و مرتبط با ظهور و قیام ایشان به رشته تحریر در آورده‌اند. در زیر فقط به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- المهدی (شمس الدین بن قیم الجوزیه)
- عقد الدرر فی اخبار المتتظر (یوسف بن یحیی مقدسی سلمی)
- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان (علی بن حسام الدین متقی هندی)
- البیان فی اخبار صاحب الزمان (ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی)
- المشرب الوردی فی اخبار المهدی (ملا علی قاری حنفی مکی)
- مناقب المهدی (حافظ ابونعیم اصفهانی)
- تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزمان (ابن کمال پاشایی حنفی)

و ...

۱. الحسینی الجلالی، السید محمد جواد. پیشین. ص ۶۲

۲. الکنجی الشافعی. محمد بن یوسف. البیان فی اخبار صاحب الزمان ص ۱۱۵

۳. همو. پیشین صص ۱۱۸-۱۱۷

## □ لزوم اعتقاد به حضرت (عج)

### ● شناخت

لزوم و وجوب اعتقاد به حضرت مهدی (عج) آنگاه معنا پیدا می‌کند که در روایات متعدد به اهمیت شناخت ایشان اشاره شده است. برای نمونه حدیث معروف از پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»<sup>۱</sup> (هر کس بمیرد و نسبت به امام زمانش معرفت و شناختی نداشته باشد (مرگش همانند مرگ انسانهای دوران جاهلیت [پیش از اسلام] است).

از این حدیث چنین استفاده می‌شود که عدم اعتقاد و شناخت نسبت به هر امام به طور کلی، و به تخصیص صاحب الزمان (عج) متساوی با جاهلیت و نادانی است.

### ● انکار

در روایت انکار حضرت صاحب الزمان (عج) معادل سازی با گناهان دیگر شده تا به عظمت آن پی برده شود.

#### - مرگ در دوران جاهلیت

پیامبر ﷺ: کسی که «قائم» از فرزندان مرا در دوران غیبتش انکار کند به مرگ جاهلی مرده است.<sup>۲</sup>

#### - تکذیب و انکار رسول الله

پیامبر ﷺ: کسی که او [یعنی حضرت قائم - عج -] را در دوران غیبتش انکار نماید مرا انکار نموده است، و کسی که او را تکذیب کند مرا تکذیب کرده است.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام: کسی به ائمه از پدران و فرزندانم اقرار کند اما «مهدی» از

۱. ابن طاووس، ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر. الاقبال بالاعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة. دارالکتب الاسلامیه. تهران. ۱۳۶۷ هجری شمسی. ص ۴۶۰

۲. ابن بابویه محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۲۹ ح ۱۲ ص ۴۱۳

۳. همو. پیشین. ج ۲ باب ۲۹ ح ۶ ص ۴۱۱

فرزندانم را انکار نماید، همانند کسی است که به جمیع انبیاء اقرار کند اما محمد صلی الله علیه و آله را انکار نماید.<sup>۱</sup>

### □ اولاد و همسر حضرت (عج)

این بحث از بحث‌های معرفتی راجع به حضرت (عج) محسوب نمی‌شود. داشتن یا نداشتن اولاد یا همسر اهمیتی چندان در شناخت صاحب الزمان (عج) ندارد.

دیدگاه اهل حدیث در مورد این موضوع به دو شکل است: یک عده با استفاده از روایاتی که در دست دارند برای ایشان اولاد و همسر در نظر گرفته‌اند و عده‌ای دیگر نظر مخالف دارند.

#### ● آیت‌الله صافی گلپایگانی می‌نویسد:

«باید متذکر بود که جواب این پرسش، در هاله قدس غیبت امام (عج) قرار دارد و خفاء امر امام (عج) که یکی از نشانه‌ها و خصایص آن حضرت است در پاسخ این سؤال نیز اثر می‌گذارد. لذا به طور تحقیق و یقین نمی‌توان به آن پاسخ داد. چون در این زمینه احادیث و روایات اطمینان بخشی در دست نداریم، یا اینکه به نظر حقیر نرسیده است، و اگر در عصر ائمه علیهم السلام و در وقت صدور سایر روایات اینگونه پرسش‌ها مطرح شده باشد شاید بعضی از روایات احادیث برای اینکه در جوهر مطلب دخالت نداشته‌اند به حفظ و ضبط احادیث آن همت نگماشته‌اند.

بعضی از روایاتی هم که در دسترس است با چشم پوشی از وضع سند و متون آنها یا از جهت اختلاف نسخه یا عنوان متن، ضعف دارند، مانند روایت شیخ الطائفة (شیخ طوسی) (قدس سره) در کتاب «غیبت» از «مفضل بن عمر» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که اگر چه این جمله آن:

«لا یطلع علی موضعه احد من ولده و لا غیره»

(بر مکان ایشان هیچ کس، حتی فرزندی از فرزندانش اطلاع ندارد)

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۳۹ ح ۴ ص ۴۱۱

که با قطع نظر از مناقشه بعضی در آن، بر وجود فرزند برای آن حضرت دلالت دارد.

اما «غیبت نعمانی» این جمله را چنین روایت کرده است:

«لا یطلع علی موضعه احد من ولی و لا غیره»

(از مکان ایشان هیچ کس حتی دوستانشان نیز خبر ندارند)

با وجود این اختلاف، استناد به نقل «غیبت شیخ» اطمینان بخش نیست. بلکه نقل «غیبت نعمانی» از برخی جهات، مانند علو سند و لفظ حدیث، معتبرتر به نظر می‌رسد.

بعضی از روایات، مثل خبر «کمال الدین انباری» و خبر «زین الدین مازندرانی» از جهت غرابت و ضعف ظاهری که در متن آنها است قابل استناد نمی‌باشند.<sup>۱</sup> و بعضی دیگر، همچون فقرات برخی از «ادعیه و زیارات» نیز صراحت ندارند.

در بررسی اخبار و احادیث به حدیث معتبری که موجب اطمینان باشد و خصوصاً متضمن تفصیل این موضوع باشد؛ نرسیدیم و دنبال کردن و تعقیب این موضوع هم لزومی ندارد. چنانکه وضع جناب «خضر» که به اتفاق شیعه و سنی در حیات است ... از این جهات نیز بر ما نامعلوم است.

و همچنین وضع حضرت «عیسی» با اینکه زنده است در این امور عادی از جهات متعدد نامعلوم است.<sup>۲</sup>

● صاحب «اثبات الوصیه» آورده است:

ابن ابی حمزه به خدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد:

برای ما روایت شده که امام از دنیا نمی‌رود تا اینکه امام و فرزند بعد از خود را

ببینند؟

امام رضا فرمودند:

۱. جهت اطلاعات بیشتر راجع به دو خبر یاد شده و بحث اولاد و همسر حضرت (عج) به تحقیقات محقق محترم حجة الاسلام علی اکبر مهدی پور در کتاب جزیره الخضر (جزیره خضراء و تحقیقاتی پیرامون مثلث برمودا نوشته ناجی النجار) رجوع کنید.

۲. صافی گلپایگانی، لطف الله. پاسخ ده پرسش. مؤسسه انتشارات حضرت معصومه (س). قم. دی ماه ۱۳۷۵ / نیمه شعبان ۱۴۱۷ ه.ق.



آیا در همین حدیث روایت نشده که غیر از «قائم»؟  
گفتند: نه!

امام رضا علیه السلام فرمودند: بلکه روایت شده ولی شما نمی دانید که چرا گفته شده و معنای آن چیست؟<sup>۱</sup>

● شیخ طوسی نیز در کتاب پر ارج «الغیبه» با اندک تفاوتی در متن حدیث و از طرق خویش همین روایت را ذکر نموده است.

ابو حمزه از امام رضا علیه السلام پرسید: آیا شما امام هستید؟  
امام علیه السلام فرمودند: بله

(در ظاهر آن زمان امام رضا علیه السلام فرزند گرامیش امام جواد علیه السلام به دنیا نیامده بودند)

پس ابو حمزه عرض کرد:

من از امام صادق علیه السلام شنیدم که می گفت: امامی نیست مگر آنکه فرزند بعد از خود را ببیند.

پس امام رضا فرمودند: نه آیا پیرمرد فراموش کرده ای یا خودت را به فراموشی زده ای؟ که امام صادق علیه السلام فرمودند: امامی نیست مگر آنکه فرزند بعد از خود را ببیند مگر آن امامی که به جهت حسین بن علی خروج می کند (یعنی مهدی) پس او را عقب و فرزندی نیست. پس ابو حمزه عرض کرد: فدای شما شوم! راست گفتی جدت اینگونه فرموده بود.<sup>۲</sup>

### □ بحث داغ و شایع مهدی در قرون اولیه اسلامی

ابتدای بحث را با روایتی از امام جواد علیه السلام آغاز می کنیم.

صقربن ابی دلف گوید: از امام جواد علیه السلام شنیدم که می فرمود: امام بعد از من فرزندی علی (امام هادی علیه السلام) است. امر او امر من و گفتار او گفتار من و طاعت او طاعت من است. امام پس از او فرزندش حسن (امام عسکری علیه السلام) است. امر او امر

۱. المسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی الهذلی. اثبات الوصیة للإمام علی بن ابیطالب. المطبعة الصور - قم. ۱۴۱۷ هـ ق ۱۹۹۶ م. ص ۲۰۸  
۲. محمد بن حسن، طوسی. الغیبه. ص ۲۲۴

پدرش و کلام او کلام پدرش و طاعت او طاعت پدرش می باشد.  
 سپس (امام جواد) سکوت فرمودند. (صَقْرَبْنِ ابی دَلْفِ گوید) عرض کردم:  
 ای فرزند رسول خدا! امام پس از حسن علیه السلام کیست؟  
 ایشان به شدت گریستند و آنگاه فرمودند:  
 پس از حسن علیه السلام فرزندش قائم به حق است که انتظار او را می کشند (منتظر).  
 عرض کردم: ای فرزند رسول الله! چرا او را قائم می گویند؟  
 امام فرمودند: چونکه او پس از آنکه یادش بمیرد و بیشتر معتقدان به امامتش  
 مرتد شوند؛ قیام می کند...»<sup>۱</sup>

با توجه به خبر یاد شده درمی یابیم از دید امام جواد حضرت مهدی (عج) در  
 روزگاری خواهد آمد که یادش در جامعه اسلامی و حتی در بین شیعیان این امام  
 (عج) به واسطه طولانی شدن غیبت از میان رفته و به استناد حدیث معتبر امام  
 جواد علیه السلام حتی یادش در دلها می میرد. این مسئله مصداق بارز و عینی زمان ماست.  
 در سطح وسیع و در جهان اسلام معرفت صحیح و دقیق نسبت به این پیشوای  
 راستین الهی وجود ندارد. حتی بسیاری از شیعیان و پیروان ایشان نیز از معرفت  
 مقبول راجع به آن حضرت برخوردار نیستند. بی شک گریستن امام جواد علیه السلام در  
 زمان بیان این روایت به علت وجود چنین مصیبتی برای شخص مهدی (عج) و  
 جهان اسلام بوده است. امید آنکه یاد مهدی (عج) این آخرین منجی و پیشوای به  
 حق بشریت با تلاشهای مسلمین بیش از پیش زنده و احیاء شود.  
 با این اوصاف، خلاف زمان ما در قرون اولیه اسلامی یاد مهدی (عج) با آنکه  
 هنوز به دنیا نیامده بودند، بسیار داغ و شایع بوده است.

#### ۱. نصوص متعدد برای قائم (عج)

در روایات بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرفته تا حضرت امام حسن عسکری علیه السلام  
 به نصوص و بیانههای صریحی راجع به مهدی (عج) و ویژگیهای مرتبط با او برخورد  
 می کنیم که در اصل موتور محرک برای شایع بودن مبحث مهدی (عج) در قرون

۱. ابن بابویه، محمدبن علی. پیشین. ج ۲ باب ۳۶ ح ۳ ص ۳۸۷

اولیه اسلامی بوده است.

## ۲. کنجکاوی و پرسش مسلمین راجع به حضرت (عج)

با توجه به اینکه پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام از وجود مهدی (عج) و قیام جهانی او یاد می‌کردند آوازه مهدی (عج) پیش از ولادتش در همه جا پیچیده بود و عده‌ای از مسلمین از سر کنجکاوی یا تعمق بیشتر از حضرات معصومین علیهم السلام راجع به دیگر ویژگیهای مهدی (عج) پرسش به عمل می‌آوردند.

● از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: عُمَر (خلیفه دوم) از امیر المؤمنین علیه السلام درباره مهدی سؤال نمود و به امام عرض کرد: ای پسر ابوطالب! من را از مهدی خبر بده و بگو نام او چیست؟

(علی علیه السلام) فرمودند: اما ... اسمش را نمی‌گویم<sup>۱</sup> ...

روایت فوق بیانگر زنده بودن یاد مهدی (عج) در صدر اسلام است و عدم ابراز دقیق نام حضرت مهدی (عج) را به جهت احراز شرایط امنیتی از سوی اهل بیت باید دانست. در حالی که در بسیاری از روایات منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله، نام مهدی (عج)، همانام ایشان روایت شده است.

● داوود بن کثیر رقی می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: صاحب الامر (مهدی آل محمد) کیست؟

فرمودند: او طرید (طرد شده)، وحید (تک و تنها)، غریب و غائب از خاندان خود و خونخواه پدرش است.<sup>۲</sup>

● از عمار از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که گفت: در یکی از غزوات با پیامبر بودم و علی در آنجا [سران شرک] را به هلاکت رساند. خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم و گفتم: ای رسول خدا، علی علیه السلام آن طور که شایسته جهاد در راه خدا بود به مجاهده پرداخت.

سپس پیامبر فرمودند: این بخاطر این است که او از من و از من او اویم. او وارث علم من و آداکننده دین من و محقق‌کننده وعده من و خلیفه بعد از من است و اگر او

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۵۶ ح ۳ ص ۲۴۸

۲. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۴ ح ۴ ص ۳۶۱

نبود مؤمن واقعی و خالص بعد از من شناخته نمی شد.  
جنگ با او جنگ با من و جنگ با من جنگ با خداست. و صلح و دوستی با او  
صلح و دوستی با من و صلح و دوستی با من صلح و دوستی با خداست.  
همانا او پدر نوه‌های من و ائمه بعد از من است. از صلب و نسل او ائمه هدی  
خارج می شوند و از ایشان است مهدی این است.  
عمار یاسر خدمت پیامبر ﷺ عرض می کند: پدر و مادرم به فدای شما! ای  
رسول خدا ﷺ این مهدی کیست؟

پیامبر ﷺ فرمودند: ای عمار! به درستی که خداوند (تبارک و تعالی) با من عهد  
کرده که از صلب حسین ائمه نه گانه خارج می شوند و نهمین فرزند او از ایشان غائب  
می شود و این قول خداوند (عزوجل) است ﴿قل ارايتم ان اصبح ماؤکم غوراً فن  
یاتیکم بماء معین﴾ (الملک / ۳۰) (بگو اگر صبح کنید در حالی که آب شما فرو رفته  
باشد پس چه کسی آب گوارا برای شما می آورد).

برای او غیبتی طولانی است که گروهی از عقیده به او باز می گردند و عده‌ای  
دیگر بر آن ثابت قدم می مانند. پس در آخر الزمان [مهدی] خارج می شود و دنیا را از  
قسط و عدل لبریز می کند. او در راه تأویل [آیات و احکام اسلام] به جهاد می پردازد  
همانگونه که من در راه تنزیل [و اثبات حقانیت قرآن] جهاد کردم و او هم نام من و  
شبهه‌ترین مردم به من است<sup>۱</sup>.

### ۳. رفع ابهامات از شخصیت مهدی (عج)

برخی از مسلمین برای هر چه بیشتر آگاه شدن و زدودن غبار از حقیقت مهدی  
(عج) به طرح سئوالاتی هر چند پیش پا افتاده از محضر معصومین علیهم السلام اقدام  
می نمودند.

برای مثال از محضر مقدس امام صادق علیه السلام پرسش شد که آیا «مهدی» و «قائم»  
هر دو یک نفر هستند؟ و امام پاسخ داد: مهدی و قائم یکی هستند.  
از روایت فوق مستفاد می شود در قرون اولیه اسلامی بحث مهدی یا قائم زیر

۱. المجلسی. محمدباقر. پیشین. ج ۳۶ باب ۴۱ ح ۱۸۳ صص ۳۲۷-۳۲۸

ذره بین مسلمین قرار داشته و از بحثهای شایع و مهم به شمار می‌رفته است.

#### ۴. تربیت شیعه از سوی ائمه در آرزوی حضرت (عج)

یکی از مواردی که گواه بر زنده بودن بحث مهدی (عج) در قرون اولیه اسلامی است نوع تربیت معنوی شیعیان بر اساس آرزوها از سوی ائمه معصومین علیهم‌السلام است و این مطلب خود گواهی بر اشتیاق شیعیان به مهدی آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ظهور دولت حقه ایشان بوده است. علی بن یقطین یکی از اصحاب امام کاظم علیه‌السلام گوید: موسی بن جعفر علیه‌السلام به من فرمودند: دویست سال است که شیعه به آرزوها تربیت می‌شود. [چون این خبر را علی بن یقطین به پدرش گفت. پدرش یقطین که در ظاهر در

دستگاه خلفای عباسی بود در مقام سؤال از وی پرسید]

چرا آنچه درباره ما (اوضاع و احوال دولت عباسی) گویند واقع می‌شود اما آنچه در مورد شما (یعنی ظهور دولت حقه آل محمد توسط مهدی - عج -) می‌گویند واقع نمی‌شود؟

علی به پدرش گفت: آنچه درباره ما و شما گفته شده هر دو از یک منبع است (یعنی هر دو از منبع وحی است که از طریق پیامبر به ائمه معصومین علیهم‌السلام رسیده و ایشان به مردم ابلاغ می‌کنند)، جز اینکه امر شما چون وقتش رسیده بود خالص آن به شما عطا شد و مطابق آنچه به شما گفته بودند به وقوع پیوست، ولی امر ما (یعنی ظهور دولت حقه آل محمد توسط مهدی - عج -) هنوز وقتش نرسیده است. پس به (تربیت خاص معصومین به روش) آرزوها دلگرم شده‌ایم. اگر به ما بگویند این امر (یعنی ظهور دولت حقه) تا دویست یا سیصد سال دیگر واقع نمی‌شود دل‌های (شیعیان) سخت شده و بیشتر مردم از اسلام برمی‌گردند، ولی می‌گویند: چه قدر زود می‌آید. برای اینکه دل‌ها گرم شود و گشایش نزدیک گردد.<sup>۱</sup>

در دعای شریف عهد از قول امام باقر علیه‌السلام، ظهور و فرج مهدی علیه‌السلام برای مؤمنین نزدیک و برای کافران و مخالفان دور قلمداد شده است!

۱. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحق. الکافی. دارالکتب الاسلامیه چاپ چهارم. تهران.

۱۳۶۵ ه. ش. ج ۱، ح ۶، باب کراهیه التوقیت، ص ۳۶۹

## ۵. نوشتن کتاب برای حضرت (عج) پیش از ولادت او

در کتابهای فهرست و رجال به کتابهای برخوردار می‌کنیم که دانشمندان اسلامی چه شیعه و چه سنی به موضوع مهدی (عج) و غیبت او پرداخته‌اند این در حالی است که ایشان هنوز به دنیا نیامده بودند و این مطلب نیز گواهی دیگر بر زنده بودن و داغ بودن بحث مهدی (عج) در قرون اولیه اسلامی دارد. در کتابها به طور مجزا یا به شکل ضمنی از مهدی آل محمد علیهم‌السلام یاد شده است، که در قافله دوم به این موضوع پرداخته‌ایم. اما در این قافله به فراخور موضوع به کتابهایی که به طور مستقل راجع به شخصیت ایشان در پیش از ولادت به رشته تحریر درآمده اشاره‌ای گذرا می‌کنیم.

### ۱. حسن بن علی بن ابی‌حمزه بطائنی

از اصحاب امام کاظم علیه‌السلام بوده و چندین کتاب در این رابطه نوشته است که یکی از آنها کتاب «القائم» کوچک است که نجاشی (از علمای علم رجال در قرن پنجم) آن را گزارش داده است.

از قید صغیر (کوچک) معلوم می‌شود که مؤلف دو کتاب به نام «قائم» داشته که فقط کوچک آن به دست نجاشی رسیده است.<sup>۱</sup>

### ۲. ابوعلی حسن بن احمد صفار

که اصحاب امام رضا علیه‌السلام را درک کرده و کتابی به نام «دلائل خروج القائم» دارد.<sup>۲</sup>

### ۳. علی بن مهزیار اهوازی

از اصحاب امام رضا علیه‌السلام، امام جواد علیه‌السلام و امام هادی علیه‌السلام بوده و کتابی به نام

۱. مهدی‌پور، علی‌اکبر. کتابنامه حضرت مهدی (علیه‌السلام). ناشر: مؤلف. چاپ اول. پاییز

۱۳۷۵ ه.ش. ۱۴۱۷ ه.ق. جلد اول ص ۱۱ (نقل شده از: رجال نجاشی ص ۳۷)

۲. همو. پیشین. ج ۱ ص ۱۲ (نقل شده از: رجال نجاشی ص ۱۹)

«القائم» داشته است.<sup>۱</sup>

۴. فضل بن شاذان نیشابوری

از اصحاب امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام بوده که در سال ۲۶۰ هـ ق چند روزی قبل از شهادت امام حسن عسکری بدرود حیات گفته و تعدادی از آثار خود را به حضرت بقیه الله اختصاص داده که یکی از آنها کتاب «القائم» است.<sup>۲</sup>

۵. عبدالله بن جعفر حمیری

از اصحاب امام حسن عسکری که او نیز تعدادی کتاب در این رابطه دارد یکی از آنها «قرب الاسناد الی صاحب الامر (عج)» است.<sup>۳</sup>

## ۶. فرج

فرج به معنی گشایش و در اصطلاح دینی به معنی و مفهوم حمایت خداوندی در مورد پیامبر یا امام است تا بتوانند در اجرای احکام الهی بدون مزاحمت و آزار دشمنان فعالیت کنند و به سبب آن بلا و مصیبتی که بر سر قوم یا شیعیان پیامبر یا امام الهی آمده؛ برطرف و زایل شود. از آنجا که احکام اسلام به علت وجود دشمنان خارج از دین و افراد جاهل و منافق در دین آن طور که بایسته بود به منصفه ظهور نرسیده لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام روزگار فرج و گشایش خویش و تحقق آرمانهای اسلام و آسودگی شیعیان و پیروان را به زمانی بشارت می دادند که قائم آل محمد یعنی حضرت «محمد بن الحسن العسکری» به اذن خدا قیام می کند و آن وقت دنیا را از عدل و قسط و احکام حیات بخش اسلام لبریز خواهند نمود و آزار و اذیت دشمنان و منافقین را از میان جامعه اسلامی ریشه کن می سازند؛ به امید آن روز.

در قرون اولیه اسلامی از معصومین علیهم السلام به کرات از مسئله فرج و گشایش امر

۱. مهدی پور، علی اکبر، پیشین، ج ۱ ص ۱۲ (نقل شده از: رجال نجاشی ص ۲۵۳)

۲. همو، پیشین، ج ۱ صص ۱۲-۱۳ (نقل شده از: رجال نجاشی ص ۳۰۷)

۳. همو، پیشین، ج ۱ ص ۱۲ (نقل شده از: رجال نجاشی ص ۲۰۲)

هدایت اهل بیت و شیعیان پرسیده می شد که به چند نمونه اشاره می کنیم:

● امام باقر علیه السلام

یکی از اصحاب امام از ایشان می پرسند که فرج شما چه زمانی خواهد بود؟ امام می فرمایند: هیهات! هیهات! فرج ما نخواهد آمد تا وقتی که غربال شوید، غربال شوید غربال شوید و تا سه بار این را تکرار کرد و سپس فرمودند: تا زمانی که خداوند تعالی، گدیر را از میان ببرد و زلالی را باقی بگذارد!.

● امام صادق علیه السلام

یکی از اصحاب امام به نام ابوبصیر خدمت امام عرض می کند: فدای شما شوم! فرج چه زمانی است؟ امام می فرمایند: ای ابوبصیر! تو طالب دنیا هستی. کسی که این امر را بشناسد به واسطه انتظارش برایش فرج حاصل شده است.<sup>۱</sup> ابوبصیر در مجلسی دیگر به محضر امام صادق علیه السلام عرض می کنند که آیا به نظر شما من قائم را درک می کنم؟ امام می فرمایند: ای ابوبصیر! آیا تو امام خود را نمی شناسی؟ او عرض می کند: به خدا قسم بله! و شما آن امام هستی. سپس امام می فرمایند: ای ابوبصیر به خدا قسم چه اهمیتی برای تو دارد [وقتی که امام زمان تو حی و حاضر در برابر تو قرار دارد بخواهی] در سایه قائم (صلوات الله علیه) با شمشیرت حضور داشته باشی؟<sup>۲</sup>

● امام رضا علیه السلام

از محضر ایشان از فرج سؤال می شود. حضرت علیه السلام می فرمایند: به درستی که خداوند (عزوجل) می فرماید: ﴿فانتظروا لى معكم من المنتظرين﴾ (بگو: انتظار بکشید که من نیز همراه شما از منتظران هستم<sup>۳</sup>).

۱. طوسی، محمدبن جعفر. پیشین. فصل ۵ ص ۳۳۹

۲. کلینی رازی، محمدبن یعقوب بن اسحق. پیشین. ج ۱ باب من عرف امامه لم یضره ح ۳ ص ۳۷۱

۳. همو. پیشین. ج ۱. باب انه من عرف امام ح ۴ ص ۳۷۱

۴. ابن بابویه، محمدبن علی. پیشین. ج ۲ باب ۵۵ ح ۴ ص ۲۴۵



● امام هادی علیه السلام

یکی از شیعیان حضرت، نامه‌ای به جانب امام می‌فرستند و از ایشان از فرج سؤال می‌کنند. امام در جواب می‌فرمایند: هنگامی که صاحب شما [یعنی مهدی موعود] از سرای ستمکاران [مقصود سامراء است] غائب باشد. پس در آن هنگام متوقع فرج باشید.<sup>۱</sup>

● امام عسکری علیه السلام

امام عسکری علیه السلام بر برخی دوستان خود وارد شد و فرمودند: اگر نبود مردی [خائن] در بین شما که آنچه را که در این مجلس گفته می‌شود به سلطان (خلیفه وقت) خبر می‌دهد، هر آینه شما را آگاه می‌کردم که فرج شما چه زمانی است؟<sup>۲</sup> یا همه این اوصاف در قرون اولیه اسلامی بحث ظهور و فرج مهدی نیز مانند ابعاد متفاوت شخصیت ایشان بسیار زنده و معروف بوده است. تا آنجا که در یک روایت از شخصی یاد شده که مقیم مغرب بوده و به هنگامی که امام حسین علیه السلام در کربلا بر ضد یزید خروج و قیام کرد و در اثر آن به فیض شهادت نائل شد این شخص از عظمت این قیام و اوج مظلومیت امام گفته است: «انتظر خروج المهدی و ظهور عیسی بن مریم»<sup>۳</sup> علیه السلام: خروج مهدی و ظهور عیسی بن مریم را انتظار می‌کشم.

۷. متمهدیان (مهدیان دروغین)

متمهدی یعنی مهدی نما (مهدی غیر واقعی) که به دو دسته تقسیم می‌شوند. مهدی نمایان قبل از ولادت حضرت و بعد از ولادت ایشان. عده‌ای از متمهدیان بعد از ولادت در قافله پنجم (پراکنده‌ها) ذکر شده است اما بحث ما راجع به مهدیان دروغین قبل از ولادت حضرت مهدی (عج) است که این

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۳۷ ح ۳ ص ۳۸۱

۲. نباطی بیاضی، علی بن یونس (۸۷۷ هـ ق). الصراط المستقیم. چاپ اول کتابخانه حیدریه نجف. ۱۳۸۴ هـ ق ج ۲ ح ۲۵ ص ۲۰۹

۳. رک. المجلسی. محمد باقر. پیشین. ج ۳۴ باب ۳۵ صص ۳۲۸-۳۳۰

نیز خود گواهی بر داغ بودن و شایع بودن بحث مهدی (عج) در قرون اولیه اسلامی است.

در تعریف متمهدی باید گفت: متمهدی یعنی مهدی نمایی که از سوی افراد جاهل مهدی خوانده شود یا آنکه خود ادعای مهدی بودن به ناحق دارد. برای دسته اول از محمدبن حنفیه باید یاد کرد. ایشان طبق آراء غلط فرقه کیسانیه و طرفدارانش در کوه رَضوی در نزدیکی مدینه غائب شده‌اند و مهدی امت می‌باشند، بدون آنکه خود جناب محمدبن حنفیه چنین ادعایی دروغین داشته باشند.

برای دسته دوم از «محمدبن عبدالله نفس زکیه» باید یاد کرد که در دوران خلافت منصور دوانیقی و امامت امام صادق علیه السلام ادعای پوچ مهدویت نمود.<sup>۱</sup>

#### ۸. مغلطه کاریهای خلفاء

از منظر ما مغلطه کاریهای خلفاء اموی و عباسی نیز دلیل و گواه معتبری در شایع بودن و داغ بودن بحث مهدی (عج) در قرون اولیه اسلامی دارد. یعنی نه تنها مردم عادی بلکه حکام و خلفاء جور آن روزگار از وجود مهدی به عنوان قائم و منتقم آل محمد و مؤسس دولت حقه آل محمد آگاهی کافی داشتند اما به واسطه عوام فریبی و اینکه صلاحیت خلافت بر جامعه اسلامی را نداشتند به مغلطه کاری پرداختند.

#### معاویه

● «در مجلسی که گروهی از بنی هاشم در نزد معاویه (لعنة الله علیه) بودند. خلیفه ستمگر اموی خطاب به آنها می‌گوید:

«این که شما گمان می‌کنید پادشاهی هاشمی و مهدی قائم از آن شماست عقیده‌ای باطل است، بلکه مهدی همان عیسی بن مریم است. امر خلافت (در واقع) به دست ماست تا آن را به او (یعنی عیسی) تسلیم کنیم.»

۱. الاصفهانی، ابوالفرج. مقاتل الطالبین. شرح و تحقیق: السید احمد صقر. دارالمعرفة للطباعة و النشر. بیروت لبنان. ص ۲۳۲ به بعد

«ابن عباس» که در آن جلسه حضور داشت خطاب به معاویه می‌گوید: ... اما اینکه گفتی ما (یعنی بنی هاشم) گمان داریم که برای ما حکومتی است که مهدی (عج) حاکم آن است (در حالی که ما ظن و گمان نداریم بلکه یقین داریم) همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿زعم الذین کفروا ان لن یبعثوا﴾ (التغابن/۷)

(کافران پنداشتند که هرگز برانگیخته نمی‌شوند)

در حالی که همه شهادت می‌دهند که برای ما ملک و حکومتی است، اگر از عمر دنیا یک روز باقی باشد خداوند متعال کسی را از ما می‌فرستد تا زمین را پر از عدل و قسط نماید همانگونه که از ظلم و جور پر شده است.

اما اینکه می‌گویی: مهدی همان عیسی بن مریم است. عیسی کسی است که برای مقابله با «دجال» (انسان بدکاری که در ادیان مختلف از شر او سخن به میان آمده است) فرستاده می‌شود و هرگاه «دجال» او را ببیند نابود می‌گردد ولی امام از ما کسی است که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده و پشت سر او نماز می‌خواند»<sup>۱</sup>

— منصور دوانیقی

دومین خلیفه ستمگر عباسی «منصور دوانیقی» بود. نام اصلی او «عبدالله» و از دیگر مغلظه کاران در عرصه مهدویت پیش از ولادت مهدی (عج) به شمار می‌آید. چنانکه در بحث متمه‌دیان آوردیم. محمد بن عبدالله نفس زکیه در همان زمان ادعای مهدویت نمود.

طبق اسناد و مدارک تاریخی، منصور قبل از اینکه به خلافت بنی عباس برسد، با شخص مذکور بیعت کرده بود. اما چون خلیفه شد دیگر نمی‌توانست محمد بن عبدالله را به عنوان مهدی امت قبول داشته باشد چون برای خلافت و مطامع دنیویش بسیار مضر بود، لذا در صدد قتل وی برآمد.<sup>۲</sup>

روزی منصور یکی از غلامانش را طلب کرد و به وی گفت: پای منبر (نفس زکیه)

۱. المجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. مؤسسه الوفاء، بیروت - لبنان. ۱۴۵۴ هجری قمری. ج ۳۳ باب ۲۰ ص ۲۵۶

۲. رک: الاصفهانی، ابوالفرج، پیشین، ص ۲۳۲ به بعد

برو و گوش کن که محمد چه می گوید.

آن غلام گوید: من رفتم و شنیدم که می گفت: شما مردم شک ندارید که من «مهدی» هستم. پس این سخن وی را به منصور گزارش دادم. او گفت: دشمن خدا دروغ می گوید! بلکه مهدی فرزند من است!<sup>۱</sup>

آنچه باید تذکر داد نام فرزند منصور، محمد و نام منصور، عبدالله بوده که دقیقاً با نام محمد بن عبدالله (نفس زکیه) یکی است.

در برخی روایات مجعول از قول پیامبر آمده است که مهدی هم نام من است و نام پدرش نیز هم نام پدر من (عبدالله) می باشد.

می توان نتیجه گرفت احادیثی مجعول و این چنینی که محصول مغلطه کاریهای خلیفه عباسی و چه بسا طرفداران نفس زکیه بوده از آن زمان توسط جاعلان و دلالان حدیث ساخته شده و به کالبد جامعه اسلامی تزریق شده است.

قدیمی ترین کتابی که به این مورد اشاره شده که نام مهدی نام پیامبر و نام پدرش نیز نام پدر پیامبر است - کتاب «سنن ابی داوود» است<sup>۲</sup> که سالها بعد از واقعه نفس زکیه و خلافت منصور به رشته تحریر در آمده است.

## ۹. اعتقاد راسخ خلفاء به مهدی (عج)

این نکته نیز بسیار جالب توجه و حائز اهمیت است.

● مروان بن محمد (آخرین خلیفه اموی)

ابوالعباس فلسطی گوید: من به مروان بن محمد گفتم: به محمد بن عبدالله (نفس زکیه) سخت گیری کن زیرا او مدعی امر (خلافت) است و او را مهدی نامیده اند.

مروان گفت: مرا با او چه کار! او (قطعاً) مهدی نیست. و پدرش هم (یعنی پدر

۱. الاصفهانی، ابوالفرج، پیشین. ص ۲۴۰

۲. السجستانی الازدی، الحافظ ابی داوود سلیمان بن الاشعث. (۲۰۲-۲۷۵ ق). سنن (ابی داوود). راجعه علی عدة نسخ و ضبط احادیثه و علق حواشیه: محمد محیی الدین عبد الحمید. دار احیاء السنة النبویه. الجزء الرابع، کتاب المهدی ص ۱۰۷

مهدی موعود هم) این شخص نیست بلکه او فرزند ام ولد (کنیز) بوده است<sup>۱</sup> و مروان تا زمانی که کشته شد کاری به (نفس زکیه) نداشت.<sup>۲</sup> (چون طبق روایات می دانست که او قطعاً مهدی موعود نیست)

● منصور دوانیقی (دومین خلیفه عباسی)

مسلم بن قتیبه گوید: منصور مرا فراخواند و به او وارد شدم. او گفت: محمد بن عبدالله (نفس زکیه) خروج کرده و او را مهدی نامیده اند. قسم به خدا که او مهدی نیست.

(ای مسلم!) مطلبی را به تو می گویم که قبل از این به کسی نگفته ام و بعد از این نیز نخواهم گفت. قسم به خدا پسر من هم آن مهدی نیست که در روایات آمده است. بلکه من برای تیمن و تفأل این کار را کردم<sup>۳</sup> (یعنی نام او را محمد گذاشتم و لقب مهدی برایش برگزیدم). این سند تاریخی نشان می دهد این خلیفه ستمگر با روایات در باب مهدی کاملاً آشنا بوده و به خاطر مطامع دنیوی خویش آخرتش را ویران ساخت.

● معتمد عباسی (خلیفه زمان ولادت حضرت مهدی - عج -)

این مورد نیز نمونه ای جالب و استثنایی در اعتقاد راسخ یک خلیفه ستمگر به وجود و حقانیت مهدی (عج) از طریق اخبار و روایات و شایع و داغ بودن بحث مهدی در قرون اولیه اسلامی است. آنچه از مفاد تواریخ به دست می آید این است که این خلیفه ستمگر پیوسته خانه امام حسن عسکری علیه السلام را زیر نظر داشته تا به مجرد اینکه فرزند پسری از ایشان پا به عرصه وجود نهاد او را گرفته و به قتل برساند چون، خبر اینکه مهدی آل محمد از اولاد حسن عسکری علیه السلام است در همه جا شایع بود.

اما آنچه موضوع را جذاب می کند اعتقاد راسخ و عمیق این خلیفه ظالم به

۱. مادر امام حسن عسکری طبق روایات ام ولد بوده است. رک: کلینی رازی، محمد بن اسحاق، پیشین. ج ۱ ص ۵۰۳  
 ۲. الاصفهانی، ابوالفرج. پیشین ص ۲۴۷  
 ۳. همو. پیشین. ص ۲۴۷

وجود مهدی (عج) از اولاد امام عسکری علیه السلام است و این اعتقاد راسخ آنجا معنا پیدا می‌کند که پس از رحلت امام عسکری علیه السلام یکی از کنیزان آن امام را به مدت دو سال یا بیشتر مورد مراقبت و تحت نظر افراد خبره قرار می‌دهند تا اگر از بطن او مهدی موعود (عج) به دنیا آید وی را سریعاً به قتل برسانند.<sup>۱</sup>

این عمل خلیفه، بیانگر اعتقاد راسخ وی به این موضوع دارد، تا آنجا که زمانی غیر متعارف و غیر عقلانی برای بارداری انسان لحاظ کرده و این امر به واسطه یقین او به این مسئله بوده است.

به هر روی این حکایات تاریخی نیز گواهی آشکار بر زنده بودن یاد مهدی (عج) در آن روزگاران است.

#### ۱۰. اقدامات منتظران (شیعه - سنی)

- آویزان کردن شمشیر

در زیر آمادگی یک عالم سنی برای یاری حضرت مهدی (عج) قبل از ولادت ایشان بیان می‌شود:

«عباد بن یعقوب رواجنی» از بزرگان اهل سنت بود. «بخاری»، «ترمذی»، «ابن ماجه»، «ابوحاتم»، «بزاز» و دیگر محدثان اهل بیت از او روایت کرده‌اند و همه رجالیون بر وثاقت او تأکید کرده‌اند.<sup>۲</sup>

نقل است که «قاسم بن زکریا» برای استماع حدیث به خدمت «رواجنی» رفت. بالای سرش شمشیری آویخته مشاهده کرد؛ پرسید:

این شمشیر از آن کیست؟

رواجنی پاسخ داد:

«من آن را مهیا کرده‌ام که در محضر حضرت مهدی علیه السلام با آن شمشیر بزنم»<sup>۳</sup>  
نکته جالب توجه این است که رواجنی به سال ۲۵۰ ق وفات کرده<sup>۴</sup> و حضرت

۱. ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین. ج ۱، ص ۴۳

۲. الذهبی، محمد بن احمد بن عثمان. سیر اعلام النبلاء. بیروت. ۱۴۵۱ ق، ج ۱۱ ص ۵۳۷

۳. همو. میزان الاعتدال. بیروت. ج ۲ ص ۳۷۹

۴. البخاری، محمد بن اسماعیل. التاريخ الكبير. بیروت، ج ۶ ص ۴۴

بقیة الله (ارواحنا فداه) به سال ۲۵۵ ق متولد شده است.

جالبتر اینکه از او کتابی به یادگار مانده به نام «اخبار المهدی المنتظر»<sup>۱</sup>.  
اهمیت کتاب رواجی در این است که آن را پیش از تولد حضرت بقیة الله علیه السلام نوشته است.<sup>۲</sup>

نمونه ذکر شده نیز بیانگر زنده بودن بحث مهدی (عج) در قرون اولیه اسلامی برای همه مسلمانان است.

- اظهار آمادگی با روزه

کرام (یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام گوید: من پیش خود قسم یاد کردم که هرگز در روز غذا نخورم (یعنی روزه بگیرم) تا اینکه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند. پس خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و به ایشان عرضه داشتم:

مردی از شیعیان شما برای خود به گردن گرفته که هرگز در روز غذا نخورد تا قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند.

آنگاه امام علیه السلام فرمودند:

ای کرام! پس باید روزه بگیری به جز دو روز عید (مقصود عید فطر و عید قربان) و ایام تشریق<sup>۳</sup> (مقصود ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذیحجه در ایام حج است).

- انتظار ماه به ماه و سال به سال

«مسعدة» از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل می کند:

«در محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودم. پیر مردی که پشتش خمیده بود و بر عصایش تکیه کرده بود؛ وارد شد. پس از سلام و دریافت پاسخ حضرت، عرض کرد: ای فرزند پیغمبر! دست خویش را بیاور تا ببوسم. بعد از اینکه دست حضرت را بوسید؛ گریست.

حضرت فرمودند:

۱. الزرکلی، خیر الدین. الاعلام. چاپ پنجم. بیروت. ۱۹۸۰ م، ج ۳ ص ۲۵۸  
۲. مهدی پور، علی اکبر. با دعای ندبه در پگاه جمعه. نشر موعود (مؤسسه فرهنگ موعود عصر). چاپ اول. تابستان ۱۳۸۰ ش صص ۳۷-۳۸  
۳. النعمانی، محمد. الغیبه. ص ۹۴

چرا گریه می‌کنی؟

عرض کرد: ای پسر پیامبر! صد سال است که به انتظار قائم شما زندگی کرده‌ام و ماه به ماه و سال به سال به خود وعده داده‌ام. (که قائم آل محمد علیهم‌السلام امروز خروج (ظهور) می‌کند، فردا خروج می‌کند...) اکنون سن من بالا رفته، استخوانم فرسوده شده و اجلم فرا رسیده است، ولی هنوز در شما مایه سروری (و آن قسم نشانه‌هایی که در اخبار و روایات در وصف قائم آل محمد علیهم‌السلام آمده) مشاهده نمی‌کنم، شما سر گشته و رانده هستید و دشمنان (در اطراف شما) در پروازند. چگونه با این حال گریه نکنم؟

چشمان حضرت علیه‌السلام از اشک خیس شد. فرمود: پیرمرد! اگر خدا تو را عمر دهد قائم ما را خواهی دید و با ما در درجه اعلی خواهی بود، و اگر اجل تو فرا رسد روز قیامت با ما که «ثقل محمد» هستیم خواهی بود.

(چنانکه) او فرمود: بعد از خودم دو ثقل (دو چیز سنگین) در میان شما (امت اسلام) به جای می‌گذارم. اگر به آنها چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد. آن دو چیز، کتاب خدا و اهل بیت من هستند. پیرمرد عرض کرد: دیگر ترسی ندارم.

آنگاه حضرت فرمودند: ای پیرمرد! قائم ما از صلب «حسن» (امام حسن عسکری علیه‌السلام) بیرون می‌آید. حسن نیز از صلب «علی» (امام هادی علیه‌السلام) و علی از صلب «محمد» (امام جواد علیه‌السلام) و محمد از صلب «علی» (امام رضا علیه‌السلام) و علی از صلب این فرزند من (یعنی موسی بن جعفر (امام کاظم) علیه‌السلام) و او نیز از صلب من است. ما دوازده تن همگی پاک و معصوم هستیم.<sup>۱</sup>

### ۱۱. توقع مهدی قائم بودن از دیگر ائمه

نکته دیگری که به کرات مشاهده شده توقع مهدی قائم بودن از سوی مسلمین نسبت به ائمه غیر از حضرت مهدی (عج) بوده است. هر چند همه آنها مهدی و قائم به امر خدای یکتا بودند، لکن آن مهدی قائمی نبودند که در اخبار و روایات

۱. المجلسی، محمد باقر. پیشین. ج ۳۶ ح ۱۷. صص ۴۰۸-۴۰۹



فراوان از ناحیه پیامبر ﷺ وارد شده که دنیا را از عدل و داد پر می‌کند. همانگونه که از ظلم و جور پر شده است. این نکته نیز خود گواهی دیگر بر زنده بودن یاد مهدی و داغ بودن بحث آن در قرون اولیه اسلامی است. این مسئله یک مسئله روشن و واضح بوده و همه مسلمین در انتظار ظهور و خروج قائم آل محمد بوده‌اند. مع الوصف به موارد ذیل دقت شود:

امام حسین علیه السلام

● عیسی خشاب گوید: به امام حسین علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب الامر (مهدی آل محمد) هستید؟  
امام فرمودند: خیر! اما صاحب الامر، طرد شده، آواره و خونخواه پدرش است<sup>۱</sup>...

امام باقر علیه السلام

● عبدالله بن عطا گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: شیعیان شما در عراق فراوانند. به خدا قسم در میان اهل بیت شما کسی مثل شما وجود ندارد. پس چرا خروج (قیام به حق) نمی‌کنید؟  
امام فرمودند: ای عبدالله بن عطا! سخنان یاوه گوش تو را پر کرده. به خدا قسم! من صاحب (قائم آل محمد صلی الله علیه و آله) شما نیستم.  
عرض کردم: پس صاحب ما کیست؟  
فرمودند: بنگرید (آن زمانی را که) آن کس از ما که ولادتش بر مردم پنهان است او صاحب شماست.<sup>۲</sup>

● از حکیم بن ابونعیم روایت شده که گفت: من در مدینه به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. عرض کردم: مرا در بین رکن و مقام نذری است که اگر شما را ملاقات نمایم از مدینه خارج نشوم تا این که بدانم شما قائم آل محمد هستید یا نه؟

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱. ص ۳۱۸  
۲. المجلسی، محمد باقر. پیشین، ج ۱ باب ۳۲ ح ۲ ص ۳۲۵

امام باقر علیه السلام به من جوابی نفرمودند:

من مدت سی روز در مدینه اقامت کردم تا این که یک روز در بین راه به امام باقر علیه السلام برخورد کردم. امام به من فرمود: تو که هنوز اینجا ایستی؟

خدمت امام عرض کردم: من که به شما گفتم چه نذری کرده‌ام، ولی شما به من دستوری ندادی!

امام فرمودند: صبح زود به نزد من بیا!

صبح زود خدمت آن حضرت رفتم. ایشان فرمودند: حاجت خود را بگو؟  
عرض کردم: من روزه و صدقه‌ای نذر کرده‌ام که اگر شما را ملاقات کنم از مدینه خارج نشوم تا اینکه بدانم شما قائم آل محمد صلی الله علیه و آله هستید یا نه؟

اگر شما قائم باشید من با شما ارتباط پیدا کنم و گرنه دنبال کار خودم بروم.  
امام فرمودند: همه ما (ائمہ) قائم به امر خداییم.

عرض کردم: آیا شما مهدی هستید؟

فرمودند: همه ما به سوی خدا هدایت می‌کنیم.

عرض کردم: آیا شما صاحب شمشیر هستید؟

فرمودند: همه ما صاحب و وارث شمشیر هستیم.

عرض کردم: آیا شما هستید که دشمنان خدا را می‌کشید و دوستان خدا را عزیز می‌کنید؟ آیا دین خدا به واسطه شما ظاهر خواهد شد؟

امام فرمودند: ای حکیم! من چگونه می‌توانم آن شخص (یعنی مهدی موعود - عج -) باشم در حالی که به این سن (پیری و کهنولت) رسیده‌ام. «ان صاحب هذا الامر اقرب عهداً باللبن منی» (صاحب الامر کسی است که به زمان شیر خوارگی نسبت به من نزدیک‌تر است) [یعنی جوان‌تر از من به نظر می‌رسد یا در خردسالی به امامت می‌رسد].

بعد از سخن طولانی فرمودند: خدا حافظ تو باشد. برو! و طلب معاش کن.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام

● یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از ایشان می پرسند:

آیا شما صاحب الامر هستید؟

امام فرمودند: زره رسول خدا به قامت من بلند است. برای من رکاب گرفته می شود. صاحب الامر، زره پیغمبر را که می پوشد با قامت مبارکش مساوی خواهد بود. برای صاحب الامر رکاب گرفته نخواهد شد.

این موضوع چگونه عملی است در حالی که آن کودک [یعنی مهدی - عج -] که مادر بزرگش (جده) باید او را پرورش دهد هنوز متولد نشده است.<sup>۱</sup>

تذکر: توضیحات راجع به جده (مادر بزرگ حضرت مهدی - عج -) در قافله دوم آمده است.

امام کاظم علیه السلام

● یونس بن عبد الرحمن گوید: بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم و خدمت ایشان

عرض کردم:

ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستید؟

فرمودند: من قائم به حق هستم، اما قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می سازد و آن را از عدل و داد پر می کند همانگونه که از ظلم و جور لبریز شده است او پنجمین نفر از فرزندان من است.<sup>۲</sup>

امام رضا علیه السلام

● ایوب بن نوح گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: ما امیدواریم که شما

صاحب الامر باشید و خداوند (عزوجل) بدون جنگ و خون ریزی آن را (خلافت مسلمین) به شما باز گرداند همانطور که با شما بیعت شده و (از ناحیه مأمون عباسی) سکه به نامتان ضرب شده است.

امام رضا علیه السلام فرمودند: ... هیچ یک از ما ائمه نیست جز آنکه به خدعه و نیرنگ کشته شده یا در بستر خود بمیرد تا زمانی که خداوند عزوجل مردی را برای این امر برانگیزد که ولادت او پنهان و نسبش آشکار است.<sup>۳</sup>

۱. المسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین. پیشین ص ۲۶۳

۲. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین، ج ۲ باب ۲۴ ح ۵، ص ۳۶۱

۳. همو. پیشین، ج ۲. ص ۳۷۰

● ریان بن صلت گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ امام فرمودند: من صاحب الامر هستم، اما آن کسی که زمین را از عدالت پر می‌کند چنانکه از جور پر شده آن شخص، من نیستم.

چگونه او باشم در حالی که ضعف بدن مرا می‌بینی و قائم کسی است که در سن افراد کهنسال ولی به شکل و قیافه یک جوان قیام می‌کند.

نیرومند است تا بدانجا که اگر دستش را به بزرگترین درخت روی زمین دراز کند آن را از جای برکند و اگر بین کوهها فریاد بزند صخره‌های آن از هم می‌پاشد. عصای موسی و انگشتر سلیمان با اوست. او چهارمین از فرزندان من است. خداوند او را نهان ساخته و سپس آشکار می‌کند...<sup>۱</sup>

امام جواد علیه السلام

بحث داغ و شایع مهدی (عج) در قرون اولیه اسلامی را با روایتی از امام جواد علیه السلام ختم می‌کنیم.

عبدالعظیم حسنی گوید: بر سرور خود امام جواد علیه السلام وارد شدم و می‌خواستم از قائم پرسش کنم آیا مهدی خود اوست یا غیر او؟

امام جواد علیه السلام آغاز به سخن کرد و فرمودند: ای ابوالقاسم! قائم ما همان مهدی است. کسی که باید در غیبتش او را انتظار کشند و در ظهورش او را فرمان ببرند و او سومین از فرزندان من است، و قسم به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت مبعوث فرمود و ما را به امامت مخصوص گردانید اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد. خداوند آن روز را طولانی گرداند تا در آن قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همچنان که از ظلم و جور لبریز شده باشد، و خدای (تبارک و تعالی) امر او را در یک شب اصلاح نماید چنانکه امر موسی کلیم را اصلاح فرمود. او رفت تا برای خانواده‌اش شعله‌ای از آتش بیاورد اما چون بازگشت رسول و پیامبر بود.

سپس امام فرمودند: برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج (قائم آل محمد) است.<sup>۲</sup>

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین، ج ۲ باب ۳۵ ح ۸، ص ۳۷۶

۲. همو. پیشین، ج ۲، باب ۳۶ ح ۱، ص ۳۷۷

## قافله دوم

---

---

غیبت مهدی (عج)

---

## حدیث قافله

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

مردم زمان غیبت او (مهدی - عج -) که معتقد به امامت و منتظر ظهورش هستند از (مردمان) هر زمانی بافضیلتترند، زیرا خداوند (تبارک و تعالی) به آنها چنان عقل و فهم و معرفتی عطا کرده است که غیبت نزد ایشان به منزله مشاهده (امام) است و ایشان را در آن زمان به منزله مجاهدین پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داده است که با شمشیر به جهاد برخاسته‌اند؛ آنان مخلصان واقعی و شیعیان راستین و دعوت کنندگان به سوی دین خداوند (عزوجل) هستند.

کمال الدین ج ۱ باب ۳۱ ح ۲

### □ غیبت حضرت (عج)

حضرت محمد بن الحسن العسکری علیه السلام، منجی بشریت در سال ۲۵۵ هـ و در شهر سرمن رأی (سامراء) در عراق کنونی دیده به جهان گشودند. ایشان از همان ابتدای ولادت در پنهانی و استتار به سر می بردند. در سال ۲۶۰ هـ پدر بزرگوارشان حضرت امام حسن بن علی العسکری علیه السلام دیده از جهان فرو بستند و رسماً امامت و خلافت به حضرت محمد بن الحسن (مهدی) صاحب الزمان علیه السلام رسید. ایشان در آن زمان با اینکه پنج سال داشتند به هدایت خلق می پرداختند و از طریق نواب خاص، پیامهای هدایت را به خلق می رساندند. غیبت ایشان را می توان به دو دسته تقسیم نمود. یکی غیبت صغری که از زمان امامت ایشان (سال ۲۶۰ هـ) آغاز و تا سال ۳۲۹ هـ ق؛ تداوم داشت. مدت این غیبت صغری (کوچک) ۶۹ سال بود و دیگری غیبت کبری (بزرگ) که از سال ۳۲۹ هـ ق تا اکنون (۱۴۲۹ هـ ق) ادامه دارد و بشریت در انتظار ظهور این منجی همچنان چشم به راه مانده است.

در معنی غیبت باید گفت: غیبت یعنی استتار و پنهان زیستن، به نحوی که کسی مطلع از ماهیت واقعی شخص نگردد، تا نتوانند موجبات خطری را برای وی فراهم سازند.

### □ نواب اربعه (نائبان چهارگانه) در غیبت صغری

از سال ۲۶۰ تا سال ۳۲۹ هـ ق که دوران غیبت صغری حضرت (عج) بود تمامی ارتباط مسلمین و شیعیان با حضرت (عج) از طریق چهار نائب خاص ایشان صورت

می‌گرفت. چهار نایب (نواب اربعه) که از وکلای ویژه و ممتاز ایشان محسوب می‌شدند و دیگر وکلاء در مرتبه پایین‌تر قرار داشتند و به شکل زیر مجموعه، موظف به رساندن توقیعات و پیامهای صاحب الزمان (عج) به مردم بودند.

### ۱. ابو عمر و عثمان بن سعید عمری (وفات: حدود ۲۶۵ ق)

وی در ابتدا وکیل و نماینده امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بود.<sup>۱</sup> او را «زیات» و «سمان» (روغن فروش) نیز می‌نامیدند. گویند: برای آنکه امر وکالت و سفارت صاحب الزمان (عج) را مخفی نگه دارد از طریق روغن فروشی تقیه نموده است. چنانکه شیعیان، اموالی را که به امام حسن عسکری علیه السلام تقدیم می‌کردند؛ ابتدا به «ابو عمرو» تسلیم می‌شد و او از راه تقیه و پنهانکاری آنها را در خیک روغن می‌نهاد و سپس به خانه امام علیه السلام می‌برد.<sup>۲</sup> «کشی»، اسم او را «حفص بن عمر عمری» گفته که ممکن است اسم مستعار وی بوده تا شناخته نشود.<sup>۳</sup> (والله اعلم)

### ۲. ابو جعفر محمد بن عثمان عمری (وفات: ۳۰۴ یا ۳۰۵ ق)

وی پسر نایب اول امام (عج) بود. در دوران نیابت وی خفقان و جَوّ پر اختناق عباسی حاکم بود چنانکه ابو علی متیل گوید: «ابو جعفر (محمد بن عثمان) مرا به خرابه‌ای برد. نامه‌ای از صاحب الزمان را خارج کرد مطالب آن را برایم خواند و گفت: این مطالب را حفظ کن و سپس نامه را پاره کرد»<sup>۴</sup> صدوق (علیه الرحمة) او را «روغن فروش» معرفی کرده و پیداست که شغل پدر

۱. المجلسی، محمد باقر. پیشین. ج ۵۱. ح ۹. ص ۳۶۲

۲. طوسی. محمد بن حسن. پیشین. فصل ۶ ص ۳۵۴

۳. رک: کشی. اختیار معرفة الرجال (المعروف برجال الکشی). تصحیحی و تعلیق، میرداماد الاسترآبادی. تحقیق: السید مهدی الرجایی. مؤسسه ال البيت (عليهم السلام) لاحیاء، التراث. قم. ج ۲. ش ۱۰۱۵. ص ۸۱۳

۴. رک: ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین. ج ۲. ح ۲۰. ص ۴۹۹ (تلخیص)



را ادامه داده است.<sup>۱</sup>

### ۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (وفات: ۳۲۶ ق)

این نائب خاص امام زمان (عج) نیز تلاشهای فراوانی انجام داد و از راه تقیه و پنهانکاری پیامهای امام را به مردم و علاقه‌مندان می‌رساند و به جهت از بین نرفتن منصب نیابت صاحب الزمان (عج) بسیار اهل تقیه بود تا آنجا که روایت شده است: «روزی به شیخ ابوالقاسم حسین بن روح (رضی الله عنه) خبر رسید که یکی از خادمان او «معاویه» (لعنة الله عليه) را لعنت می‌کند و به وی دشنام می‌گوید. حسین بن روح دستور داد تا او را بیرون کنند و از خدمت عزل نمایند. خادم یاد شده مدتی زیاد به حسین بن روح سر می‌زد تا شاید به خدمت برگردد ولی حسین بن روح او را بازنگرداند»<sup>۲</sup>

موارد یاد شده نشان می‌دهد که نواب امام زمان (عج) تا چه اندازه تیزبین و اهل تقیه بودند تا مبادا منصب سفارت و وکالت امام (عج) دچار هجمه خلیفه ستمگر وقت گردد و مردم از فیض وجود امام عصر (عج) در دوران غیبت صغری محروم گردند. نکته‌ای که باید علاقه‌مندان و محبان امام زمان (عج) توجه داشته باشند این است که پیام ناب و راستین مهدویت که امروز بعد از گذشت بیش از ده قرن به دست ما رسیده نتیجه تلاش و زحمات طاقت فرسای بزرگانی چون نواب اربعه و دیگر علماء راستین بوده که از بذل جان، مال و وقت خویش دریغ نکردند.

### ۴. ابوالحسن علی بن محمد سمیری (وفات: ۳۲۹ هـ ق)

ایشان آخرین نائب امام زمان (عج) بودند که با رحلتشان دوران غیبت صغری به پایان رسید.<sup>۳</sup> و از سال ۳۲۹ ق تا به امروز ۱۴۲۹ ق امام عصر (عج) در دوران غیبت کبری (تامه) به سر می‌بردند و هیچ وکیلی به شکل وکلاء و نواب اربعه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲. باب ۴۵. ح ۳۵. ص ۵۰۴

۲. طوسی، محمد بن حسن، پیشین. ص ۳۸۶

۳. رک: همو. پیشین ص ۳۹۳ به بعد

ندارند.

لازم به تذکر است که قبور مطهر این چهار نایب در کشور عراق و در شهر بغداد و مشهور است.

### □ آخرین توقیع شریف

توقیع اصطلاحاً به نامه‌های حضرت صاحب الزمان (عج) اطلاق می‌شده که توسط نواب و نمایندگان ایشان در دسترس عوام و خواص قرار می‌گرفت و حضرت (عج) در آنها مشکلات و مسائلشان را پاسخ می‌دادند.

آخرین توقیع شریف در عصر غیبت صغری به جناب «علی بن محمد سمري» (آخرین نایب حضرت - عج -) شرف صدور یافته است متن آن بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سمري! خداوند اجر برادرانت را به عزای تو عظیم گرداناد! که تو ظرف شش روز آینده خواهی مُرد. پس خود را برای مرگ مهیا کن و به احدی وصیت مکن که پس از وفات تو قائم مقام (و جانشین) تو شود که (اکنون به اذن الهی) دومین غیبت (یعنی غیبت کبری (تامه)) واقع گردیده است، و ظهوری نیست مگر پس از اذن خداوند (عزوجل) و آن بعد از مدتی طولانی، و قساوت دلها و پر شدن زمین از ستم واقع خواهد شد، و به زودی کسانی نزد شیعیان من می‌آیند و ادعای مشاهده (دعوی باییت و نایب بودن) کنند. بدانید هر که پیش از خروج «سفیانی» و «صیحه» (ندای آسمانی) ادعای مشاهده (دعوی باییت و نیابت) کند، دروغگوی مُفتری است و لاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم»<sup>۱</sup>

### □ وکلاء حضرت (عج)

چنانکه پیشتر یاد آور شدیم نواب اربعه نمایندگانی نیز داشتند که پیامها و توقیعات امام (عج) را از ناحیه نواب به مردم انتقال می‌دادند.

۱. طوسی، محمد بن حسن. پیشین. ص ۳۹۵

از جمله آنها به افراد زیر تیمناً اشاره می شود:

- حاجزبن یزید<sup>۱</sup>
- حسن بن نصر<sup>۲</sup>
- محمدبن ابراهیم بن مهزیار<sup>۳</sup>
- قاسم بن علاء<sup>۴</sup>
- قاسم بن محمدبن علی بن ابراهیم بن محمد الهمدانی<sup>۵</sup>
- محمدبن جعفر بن محمدبن عون الاسدی<sup>۶</sup>
- محمدبن علی بن بلال<sup>۷</sup>

### □ ابعاد متفاوت توقیعات

توقیعات که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان (عج) شرف صدور می یافته از کانال نواب اربعه به طور مستقیم و سایر وکلاء آن حضرت (عج) به طور غیر مستقیم به دست مردم می رسید. موضوعات و مطالب آنها بسته به تنوع سئوالات و نیازمندیهای مادی و معنوی مردم بسیار پر تنوع بوده است. برای مثال در کتابهای ارزشمند «احتجاج» و «کمال الدین» قسمتهایی از توقیعات با موضوعات فقهی (حلال و حرام) روایت شده است.

حتی عده ای جهت نامگذاری فرزند خود با حضرت (عج) مکاتبه داشتند.<sup>۸</sup> شخصی برای حل مشکلات خانوادگی<sup>۹</sup>، شخصی برای اینکه سفر دریایی برود یا

۱. کلینی رازی، محمدبن یعقوب بن اسحق. پیشین. ج ۱. ح ۱۴ ص ۵۲۱

۲. ابن بابویه، محمدبن علی. پیشین ج ۲. ص ۴۴۳

۳. همو. پیشین. ج ۲ ص ۴۴۲

۴. الحرالعاملی، محمدبن حسن (المتوفی ۱۱۵۴ ق). خاتمه تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تحقیق: السید محمد رضا الحسینی الجلالی. مؤسسه ال بیت علیهم السلام لاحیاء التراث. الطبعة الاولى رمضان ۱۴۱۲. قم المشرفه، الجزء الثاوثون. الفائدة الثانية عشره (احوال الرجال). ص ۴۴۹

۵. همو. پیشین. ص ۴۵۰

۷. همو. پیشین. ص ۴۷۸

۶. همو. پیشین. ص ۴۶۵

۸. ابن بابویه، محمد ابن علی. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۲۲ ص ۴۹۸

۹. همو. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۱۹ ص ۴۹۷

نرود<sup>۱</sup> یا شخصی دیگر برای اینکه کنیزی اختیار کند و او را باردار سازد<sup>۲</sup> با حضرت صاحب الزمان (عج) مکاتبه داشته است. یعنی محدودیتی در ظاهر نبوده و همانگونه که عوام و خواص در زمان ظاهر بودن دیگر ائمه از ایشان می توانستند چه از جنبه مادی و چه از جنبه معنوی پرسش نمایند. در دوران غیبت صغری صاحب الزمان (عج) نیز بدین سبک (مکاتبه) به پاسخ سئوالات خود نائل می شدند. نمونه سئوالات و پاسخهای امام (عج) بسیار فراوان است که به جهت رعایت ایجاز از آن صرفنظر می شود.

نتیجه بحث اینکه مردم و شیعیان در غیبت صغری به راحتی (البته از طریق نواب و وکلاء) با امام زمان مکاتبه داشتند و حتی سئوالات پیش پا افتاده مثل موارد یاد شده را از امام عصر (عج) می پرسیدند و امام با بزرگواری نیازهای آنها را پاسخ می فرمودند.

### □ علل غیبت حضرت (عج)

#### ۱. قتل و کشته شدن امام (عج) (جنبه عمومی)

مهمترین عامل همین مسئله است که سبب شد امام (عج) به اذن خداوند در غیبت و نهان زیستی و دوری ظاهری از خلق مأموریت یابند. زراره از امام صادق علیه السلام روایت می کند که حضرت علیه السلام فرمودند: برای قائم پیش از قیامش غیبتی است. راوی عرض می کند: به چه علت؟

امام علیه السلام پاسخ می فرمایند: او می ترسد که ذبحش کنند<sup>۳</sup> (یعنی او را به قتل برسانند)

تذکر: خوف و ترس برای امام زمان (عج) که جانشین خدا در زمین برای مردم است معنایی ندارد، بلکه در اینجا به معنی و مفهوم خوف و ترس از اضمحلال و زوال هدایت الهی امامت بر خلق است.

۱. همو. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۱۴ ص ۴۹۱

۲. همو. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۱۲ ص ۴۸۹

۳. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲. باب ۴۴. ح ۱۰. ص ۴۸۱

### ۲. قتل امام (عج) از سوی خلیفه وقت (جنبه خصوصی)

همزمانی ولادت مهدی (عج) با حکومت خلیفه ستمگر عباسی (المعتمد بالله) نیز از دیگر دلایل غیبت ایشان به شمار می آید. تا آنجا که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام مأموران خلیفه به خانه امام ریختند بلکه مهدی (عج) را دستگیر نمایند، و پیوسته خلیفه ستمگر در جستجوی صاحب الزمان (عج) بود که اگر او را در همان سن کودکی هم یافت به قتل برساند.<sup>۱</sup>

### ۳. بیعت نکردن با ستمگران زمانه

امام صادق فرموده‌اند: قائم (عج) برانگیخته می شود در حالی که بیعت هیچکس (از ستمگران و خلفاء ظالم زمانه به شکل ظاهری و باطنی) برگردنش نیست.<sup>۲</sup>

تذکر: ائمه پیش از حضرت صاحب الزمان (عج) از جانب خداوند مأمور بودند تا در ظاهر با خلفاء بیعت داشته باشند و لذا راه تقیه پیش گرفته بودند. چون اگر این کار را انجام نمی دادند سیستم امامت از هم می پاشید و شیعیان ایشان بیشتر از آنچه که مورد عداوت ستمگران زمانه بودند مورد غضب و عناد و نابودی واقع می شدند. اما این مسئله در مورد حضرت مهدی (عج) فرق می کند، چون ایشان به شکل قوی از ناحیه خداوند تأیید و یاری خواهند شد و مؤسس دولت حقه آل محمد صلی الله علیه و آله می باشند. پس این فرض در مورد ایشان صدق نمی کند.

### ۴. غضب خداوند

از امام جواد علیه السلام نقل است:

«هنگامی که خداوند (تبارک و تعالی) بر مردمان غضب نماید ما را از همجواری

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ ص ۴۷۴

۲. همو. پیشین. ج ۲. باب ۴۴. ح ۳، ص ۴۸۹

ایشان دور می سازد»<sup>۱</sup>.

در روایتی دیگر از قول حضرت صاحب الزمان (عج) خطاب به پسر مازیار [مهزیار] آمده است: ای پسر مهربان! پدرم ابو محمد (امام عسکری) با من عهد کرده که با قومی که خداوند به آنها غضب کرده مجاورت نکنم»<sup>۲</sup>.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در بیانی صریح فرموده اند:

«بدانید که زمین هرگز از حجت خداوند (عزوجل) خالی نمی شود لکن خداوند خلقش را به جهت ظلم و جور و اسرافشان بر خویش از (دیدار حجت خدا) نابینا می سازد»<sup>۳</sup>.

پس واضح است که خداوند بر امت اسلام به خصوص آنان که کورکورانه به حمایت از خلفاء و مزدورانشان پرداختند غضب نموده و اینگونه حجت خویش را از میان ایشان غائب ساخته است. مسلمانانی که فقط نام اسلام را در خود داشتند و احکام و سنت پیامبر را فراموش کرده بودند.

### ۵. امتحان مؤمنین و غربال مردم

● امام صادق علیه السلام فرموده اند: این امر (یعنی غیبت مهدی - عج -) بر شما واقع نگردد مگر پس از یأس. نه به خدا سوگند تا آنکه از یکدیگر متمایز شوید. نه به خدا سوگند این امر بر شما واقع نشود تا آنکه امتحان شوید. نه به خدا سوگند این امر بر شما واقع نشود تا آنکه شقی، بدبخت و سعید، کامروا گردد»<sup>۴</sup>.

در بیانی دیگر امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«به خدا سوگند امام شما سالیانی از روزگارتان غیبت کند و قطعاً مورد امتحان واقع می شوید تا بدانجا که عده ای گویند: او مرده یا هلاک شده یا به کدام وادی سفر کرده است؟»<sup>۵</sup>

۱. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحق. پیشین. ج ۱. ص ۳۴۳

۲. المجلسی، محمد باقر. پیشین. ج ۱۲، ص ۱۲

۳. النعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب. الغیبه. مکتبه الصدوق. طهران. ۱۳۹۷ هجری. ص ۱۴۱

۴. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین، ج ۲ باب ۳۳ ح ۳۲ ص ۳۴۶

۵. همو. پیشین، ج ۲ باب ۳۳ ح ۳۵ ص ۳۴۷

## ۶. مهلت به کافران

قطعاً یکی از علل غیبت مهلت خداوند به کافران است تا در قیامت هیچ عذرو بهانه‌ای نداشته باشند. چنانکه خداوند به شیطان رجیم تا زمان معلوم در علم خویش مهلت داده است.

## ۷. خروج ودایع الهی

خدمت امام صادق علیه السلام عرض شد: چرا امیر المؤمنین (علی بن ابیطالب علیه السلام) در ابتدا با مخالفین (خلافت) خود نجنگید؟  
امام فرمودند: به دلیل آیه‌ای که در کتاب خدا آمده است: ﴿لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم عذاباً ایماً﴾ (الفتح/۲۵)

(اگر (جماعت مردم کافر و مؤمن) از یکدیگر جدا می‌گشتید کسانی که از ایشان کفر ورزیده بودند به عذاب دردناک مبتلا می‌شدند)

راوی گوید: عرض کردم مقصود از جدا شدن ایشان چیست؟

امام فرمودند: جدا شدن ودایع (امانت‌های) مؤمنی که در اصلاب قوم کافر وجود دارد. (یعنی افراد مؤمنی که از افراد بد و کافر به دنیا می‌آیند). قائم نیز چنین است. او ظهور نمی‌کند تا آنکه ودایع خداوند (عزوجل) (از اصلاب افراد کافر) خارج می‌شود و چون خارج شد بر دشمنان آشکار خدا مسلط می‌شود و آنها را نابود می‌سازد.<sup>۱</sup>

روایت فوق یکی دیگر از جنبه‌های فرعی غیبت را مشخص می‌نماید. در تاریخ موارد فراوانی به چشم می‌خورد که افراد خوب و وارسته‌ای از صلب افراد بدکار و گنهکار به وجود آمده‌اند. برای مثال آنچه در تواریخ مسطور است از نسل «حجاج بن یوسف» شخصی پرهیزگار و عاشق اهل بیت به وجود آمد یا از نسل «یزید» شخصی پرهیزگار و خداجود پا به عرصه وجود نهاد. این روایت یکی از وظائف غیبت را بیان نموده و قابل تأمل است. حکمت ودایع الهی که در صلب افراد کافر قرار دارد

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین، ج ۲ ص ۲۴۱

این است که مردم آگاه باشند که این تفکر خود انسان است که در زندگی تأثیر گذار است. ارث یا ژنتیک یا محیط در برابر قوه عقل سلیم از قدرت نا چیزی برخوردارند و گذشته از مسئله قائم (عج) این مطلب خود گواهی بر لطف خداست که انسان با توجه به اختیار و عقل شخصاً مسیر زندگی خود را معین می‌کند، همانطور که موارد عکس نیز وجود داشته، برای مثال فرزند نوح در قرآن از کافرین به نوح محسوب شده است.

به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت مقصود کلی روایات آمدن عده‌ای افراد مؤمن و خاص است که به جهت یاری مهدی (عج) پا به عرصه وجود می‌نهند و شرایط را برای معجزه ظهور ایشان فراهم می‌سازند.

#### ۸. عدم افزایش قوه‌ها و استعدادها جهت پذیرش حکومت جهانی

قطعاً یکی از دلایل غیبت عدم افزایش استعدادها برای پذیرش حکومت جهانی اهلبیت علیهم‌السلام بوده است.

اگر یک انسان خردمند مقداری شیر به عنوان یک نوشیدنی پر خاصیت تهیه کند بی شک آن را در ظرفی می‌ریزد که پاک و فاقد آلودگی است. مثل ظهور و حقیقت صاحب الزمان (عج) نیز همینگونه است. ظهور اهداف و آرمانهای الهی مهدی (عج) در زمان و مکانی تجلی می‌یابد که حداقل افرادی باشند که هم قوه و استعداد پذیرش این امر را در خود ببینند و هم شرایط را برای تحقق آن مهیا سازند. پس هیچ وقت امر ظهور واقع نمی‌شود، مگر آنکه زمینه‌سازیهایی معنوی صورت گرفته باشد، چرا که حکومت عدل جهانی وقتی معنی می‌یابد که اختیار انسان نفی نشود، و او با شوق و میل و از روی آگاهی به سوی حقیقت هدایت گردد و گرنه برای خداوند کاری نداشته که در زمانهای گذشته با اجبار این امر را محقق سازد.

#### ۹. عدم درخواست مردم از عمق وجود

در تاریخ و سیر انبیاء چون بررسی شود ملاحظه می‌گردد که بسیاری از پیامبران خدا توسط مردم به قتل رسیدند، چنانکه خدا در قرآن فرموده: ﴿يَقْتُلُونَ النَّبِيْنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (البقره/۶۱) ([کافران] پیامبران را به ناحق می‌کشند) یا در جای دیگر فرموده:



﴿يقتلون الذين بالقسط من الناس﴾ (ال عمران/۲۱) ([کافران] می‌کشند، مردمی را که دیگران را به عدالت دعوت می‌کنند).

ائمه قبل از حضرت مهدی (عج) نیز همگی یا به قتل رسیدند یا مسموم شدند. لذا در این میان عده‌ای بسیار از مردم به ظلم راضی بودند که گناهشان از ظالم بیشتر است، همانگونه که عامل کار خوب از خود کار خوب، خوبتر است. پس در علم خدا گذشت که روزگار غیبت و فتنه‌ها فرا رسد و مردم در امور دنیوی و اخروی خویش دچار اشکال شوند تا از خداوند از عمق وجود و از ژرفنای عقل و دل ظهور یک قائم و منجی را طلب کنند و عاشقانه در برابر خلیفه خداوند سر تعظیم فرود آورند.

### □ غیبت‌های نادرست در اسلام

همان طور که در قافله اول در «بحث داغ و شایع مهدی (عج) در قرون اولیه اسلامی» آوردیم؛ عده‌ای از مسلمانان از سر ناآگاهی و جهالت مسئله غیبت را در تطبیق با حجت الهی و خلیفه واقعی (حضرت مهدی - عج -) اشتباه گرفته و این حقیقت را در موضع غیر خود در نظر آوردند.

### ● عمر (خلیفه دوم)

شیخ صدوق می‌نویسد:

«اولین شخص که در تطبیق مسئله غیبت به اشتباه افتاد؛ عمر بن خطاب (خلیفه دوم) بود. زیرا او وقتی رسول اکرم ﷺ رحلت فرمودند؛ گفت: به خدا سوگند محمد ﷺ نمرده است، بلکه غیبت کرده همچنان که موسی علیه السلام از قومش غیبت کرد و به زودی این غیبت سر آمده و پیامبر ظاهر خواهد شد.

آنگاه ابوبکر (خلیفه اول) در حالی که مردم دور تا دور عمر را گرفته بودند و از گفتارش تعجب می‌کردند؛ سر رسید و گفت:

﴿انک میت و انهم میتون﴾ (الزمر/۳۰)

([ای محمد!] تو می‌میری و ایشان هم خواهند مرد!)

عمر گفت: ای ابوبکر! آیا این آیه در کتاب خداست؟

ابوبکر پاسخ داد: بلی!<sup>۱</sup>

### ● سبائیه

پیروان عبد الله بن سباء را «سبائیه» گویند. شیخ طوسی در کتاب «الغیبه» خویش، سبائیه را از جمله مسلمانانی قلمداد کرده که در مورد غیبت و مسائل مرتبط با آن به اشتباه افتاده‌اند و ایشان معتقد بودند که علی علیه السلام نمرده و او مهدی امت است، و نبود او را غیبت در نظر گرفته‌اند.<sup>۲</sup>

### ● کیسانیه

فرقه‌ای از ایشان محمد بن الحنفیه (فرزند امام علی علیه السلام) را مهدی می‌دانستند (و معتقد بودند که در کوه رَضوی در غیبت به سر می‌برد و زنده است) و فرقه‌ای پسر او «ابو هاشم عبدالله» را و فرقه‌ای [از ایشان] «عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابیطالب» را.

### ● مغیره

اصحاب «مغیره بن سعید» که بعد از وفات حضرت امام محمد باقر علیه السلام مذهبی اختراع نمود و «محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب» را مهدی معرفی می‌کرد و می‌گفت که او زنده است و نمرده و مقیم است در کوهی که او را «علمیه» می‌گویند.

### ● ناوسیه

که منکر فوت حضرت صادق علیه السلام شدند. (و برای او غیبت در نظر گرفتند)

### ● اسماعلیه

که منکر فوت اسماعیل پسر حضرت صادق علیه السلام شدند.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱. صص ۳۱-۳۲

۲. رک: طوسی، محمد بن حسن. پیشین. ص ۱۹۲

### ● مبارکیه

که فرقه‌ای است از اسماعیلیه و «محمد بن اسماعیل بن جعفر» را پیامبر و «قائم» می‌دانند.

### ● واقفیه

که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را قائم و مهدی موعود می‌دانستند، آنها را اصحاب هارون (خلیفه) مشتبه کردند که امام نمرده و غائب شده است.

### ● محمدیه

که بعد از امام حضرت علی النقی علیه السلام، پسرش محمد را که در حیات آن حضرت وفات یافت؛ امام می‌دانند و می‌گویند نمرده و زنده است و اوست قائم مهدی.

### ● عسکریه

که امام حسن عسکری علیه السلام را غائب قائم دانستند و می‌گفتند که او نمرده ...<sup>۱</sup> اما از همه این طائفه‌ها و فرقه‌ها بالاتر و به حق‌تر فرقه هادی و ناجی شیعه اثنی عشری است که بر اساس اخبار و روایات صحیح و معتبره از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، غیبت را منحصر در شخص محمد بن الحسن العسکری علیه السلام می‌دانند و کسی را جز او قائم و مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله برای امت اسلام نمی‌شناسند.

### □ برخی کتابها راجع به غیبت حضرت (عج) پیش از ولادت ایشان

عنوان این کتابها «الغیبة» بوده است. نکته قابل ذکر این است که قطعاً در لابلای کتابهای بسیاری از دانشمندان اسلامی به مبحث «غیبت صاحب الزمان (عج)» پرداخت شده است. در اینجا به برخی مؤلفینی اشاره می‌شود که مسئله «غیبت» را

۱. رک: الطبرسی النوری. حاج میرزا حسین. نجم ثاقب. باب ۴. صص ۱۶۲-۱۶۰

به عنوان یک کتاب یا رساله مستقل در نظر آورده‌اند:

۱. ابو اسحاق ابراهیم بن صالح انماطی کوفی اسدی<sup>۱</sup> (از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام)
۲. ابو الحسن علی بن حسن بن محمد طائی جرمی شاطری<sup>۲</sup> (از همعصران امام موسی کاظم علیه السلام)
۳. ابو الحسن علی بن عمر اعرج کوفی<sup>۳</sup> (از یاران امام موسی کاظم علیه السلام)
۴. حسن بن علی بن ابی حمزة بطائنی<sup>۴</sup> (هم عصر با امام رضا علیه السلام)
۵. ابوالفضل عباس بن هشام ناشری<sup>۵</sup> (از اصحاب امام رضا علیه السلام، متوفی ۲۳۰ هـ ق)

### □ غیبت پیامبران خدا

غیبت تنها منحصر به حضرت صاحب الزمان (عج) نبوده و آنچه از تواریخ و روایات بر می آید که شماری از پیامبران الهی نیز بنا به مصالحی مدتی در غیبت و پنهان زیستی و دوری گزینی از خلق به سر می بردند.

شیخ صدوق دانشمند بزرگی که از افتخارات جهان اسلام محسوب می شود راجع به مسئله غیبت پیامبران تحقیق نموده است.

شیخ محمد بن علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق متوفی ۳۸۱ ق از اعلام و بزرگان روایی جهان اسلام به شمار می رود که در ثبت و ضبط اخبار و روایات معصومین علیهم السلام تلاش بسیاری کرده و بدین مناسبت به جهت اخذ احادیث معتبره و درک راویان ثقه و مورد اعتماد به شهرهای مختلف اسلامی عزم سفر نمودند.

در یکی از مسافرتها و در فضای غربت، شبی دلتنگ شده و درباره آنچه از اهل و عیال در «ری» (یکی از شهرهای باستانی ایران که در نزدیکی تهران پایتخت ایران

۱. النجاشی، احمد بن علی. رجال (النجاشی). انتشارات جامعه مدرسین قم. ۱۴۰۷ هجری قمری، ص ۱۵

۲. همو. پیشین، ص ۲۵۴

۴. همو. پیشین، ص ۳۶

۳. همو. پیشین، ص ۲۵۶

۵. همو. پیشین، ص ۲۸۰

قرار دارد) به جای گذاشته بودند؛ مقداری اندیشه می‌کنند. هنگامی که خواب بر ایشان مستولی می‌شود در عالم رؤیا مشاهده می‌کنند که در مکه معظمه و مشغول طواف خانه خدا هستند. در طواف آخر به ناگاه با حضرت صاحب‌الزمان (عج) مواجه می‌شوند. امام (عج) به شیخ می‌فرماید: چرا در باب «غیبت» کتابی تألیف نمی‌کنی تا غم و اندوهت زایل شود؟

شیخ پاسخ می‌دهد: یا ابن رسول الله! درباره غیبت بیشتر رساله‌هایی تألیف کرده‌ام.

امام (عج) می‌فرماید: نه! به آن طریق، بلکه اکنون تو را امر می‌کنم که درباره غیبت، کتابی تألیف کنی و «غیبت انبیاء» را در آن بازگویی!

شیخ صدوق (علیه‌الرحمه) از خواب برمی‌خیزد و از آغازین لحظات صبح، شروع به تألیف کتاب ارزشمند و گرانسنگ «کمال‌الدین و تمام‌النعمة» می‌کند.<sup>۱</sup> و در آن از غیبت پیامبران الهی و برخی اخبار راجع به شخص صاحب‌الزمان (عج) تحقیقات ارزشمندی می‌نماید؛ ما نیز از این کتاب ارزشمند خلاصه‌ای از اخبار غیبت پیامبران الهی را روایت می‌کنیم:

برای حفظ نبوت، پیامبران الهی برخی آشکارا و برخی در پنهانی به هدایت مردم می‌پرداختند.

خطر گزند ستمکاران زمانه به پیامبران در بیشتر اوقات سبب می‌شد تا آنها به اذن خدا در غیبت و دوری‌گزینی از خلق به طور کامل یا مختصر قرار گیرند و این امر غیبت از سنت‌های الهی است، که توجه به آن باعث ایجاد فهم عمیق در غیبت حضرت صاحب‌الزمان (عج) خواهد شد.

«آغاز مسئله غیبت از دوران متصل به زمان حضرت ادریس علیه‌السلام بود تا آنجا که برای شیعیان و پیروان این پیامبر الهی تهیه قوت و روزی بسیار سخت و دشوار شده بود و طاغوت ستمگر زمانه گروهی از آنها را به قتل رساند. در این هنگامه به اذن خداوند حضرت ادریس علیه‌السلام ظهور کردند و به شیعیان و پیروان خود مژده فرج و قیام قائمی از فرزندانش به نام نوح علیه‌السلام را دادند تا اینکه ادریس علیه‌السلام به سوی خداوند

۱. ابن بابویه، محمدبن علی. پیشین. مقدمة المؤلف. صص ۴-۳

رفت (طبق برخی روایات به آسمان چهارم رفته‌اند) و شیعیان ادریس علیه السلام نسل اندر نسل در انتظار قائمشان نوح علیه السلام بودند و بر عذاب سخت طواغیت و ستمگران زمان خود صبر پیشه کردند، تا آنکه خداوند نبوت حضرت نوح علیه السلام را آشکار کرد.<sup>۱</sup> چون خداوند (تبارک و تعالی) نبوت حضرت نوح علیه السلام را آشکار کرد و شیعه و پیروان ایشان به فرج و گشایش امر نبوت یقین حاصل کردند ... نوح شیعیانش را فراخواند و فرمود: بدانید پس از وفات من غیبتی خواهد بود که در آن هنگامه طاغوتها و ستمگران ظاهر خواهند شد و خدای تعالی به واسطه قائمی از فرزندان من فرج شما را می‌رساند، و اسم او هود علیه السلام است. خوش منظر و باوقار است و در شکل و شمایل و اخلاق شبیه من است. و خداوند هنگام ظهور هود علیه السلام دشمنان شما را با طوفان به هلاکت خواهد رساند. لذا آن مردم پیوسته در انتظار ظهور منجی خود (هود) بودند، تا آنجا که دل عده‌ای از آنها نسبت به ظهور او سخت شد، و خداوند هنگام یأس و نومیدی آنها حضرت هود علیه السلام را ظاهر ساخت. و دشمنان آنها را عذاب نمود.<sup>۲</sup>

سپس بعد از هود دوباره غیبت واقع شد تا آنکه حضرت صالح علیه السلام ظاهر شد.<sup>۳</sup> حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام نیز در غیبت به سر می‌بردند.<sup>۴</sup>

حضرت یوسف علیه السلام نیز غیبت داشتند با این تفاوت که بیست سال از خانواده خود در غیبت به سر می‌بردند. (سبک نبوت ایشان فرق داشته است) به طوری که سه روز این غیبت در چاه و چند سال آن در زندان عزیز مصر و باقی سالها در امارت و فرمانروایی بودند.<sup>۵</sup>

وقتی وفات حضرت یوسف علیه السلام فرا رسید. ایشان شیعیان و خانواده خود را جمع کرد و به آنها فرمود: سختی و مصیبت شدیدی به آنها خواهد رسید، تا آنجا که مردانشان را بکشند و شکم زنان باردارشان را پاره کنند تا اینکه شخصی از فرزندان «لاوی بن یعقوب» به عنوان قائم بزخیزد. لذا بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) حدود

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین، ج ۱، ص ۱۲۷

۲. همو. پیشین، ج ۱، صص ۱۳۵-۱۳۳ (تلخیص)

۳. همو. پیشین، ج ۱، باب ۲ ص ۱۳۶

۴. همو. پیشین، ج ۱، باب ۴ ص ۱۳۸ به بعد

۵. همو. پیشین، ج ۱، باب ۵، ص ۱۴۱

۴۰۰ سال منتظر این منجی و قائم بودند تا اینکه حضرت موسی علیه السلام ظهور کرد و او از نسل «لاوی بن یعقوب» بود و از زمان ظهور ایشان به عنوان پیامبر تا فرج و گشایش بنی اسرائیل (غرق شدن فرعون) چهل سال فاصله بود.<sup>۱</sup>

البته در این میان نیز حضرت موسی علیه السلام بیست و هشت سال از قومش به دور بودند و در غیبت به سر می بردند.<sup>۲</sup>

بعد از وفات حضرت موسی علیه السلام حضرت «یوشع بن نون» علیه السلام به امر نبوت قیام کرد و بسیار از مردم زمانه سختی و بلا کشید.<sup>۳</sup> آنگاه خداوند پیشوایان مردم (پیامبران) را از زمان یوشع بن نون تا زمان حضرت داوود علیه السلام به مدت چهار صد سال در پنهانی و استتار قرار داد. که تعداد آنها یازده نفر بود و پیروان و شیعیان آنها به نزد ایشان آمد و شد داشتند تا اینکه نوبت به آخرین آنها رسید و از میان خلق غائب شد، و سپس ظهور کرد، و پس از ظهورش به داوود علیه السلام به عنوان قائم بشارت داد و گفت: او کسی است که زمین را از جالوت (ستمگر زمان داوود) پاک خواهد ساخت، و فرج و گشایش مردم در ظهور این شخص است.<sup>۴</sup>

حضرت سلیمان بن داوود علیه السلام نیز دوران غیبت داشتند.<sup>۵</sup>

بعد از حضرت سلیمان علیه السلام، آصف بن برخیا عهده دار مقام نبوت بود. مردم و شیعیان احکام الهی را نزد او می آموختند، تا اینکه به اذن خدا ایشان نیز مدت زیادی غائب شدند و سپس ظهور کردند و به واسطه غیبت ایشان بلا و گرفتاری بنی اسرائیل افزایش یافته بود و بخت النصر (حاکم ستمگر آن زمان) هر کدام از ایشان را می یافت به قتل می رساند تا اینکه آصف علیه السلام وفات نمود.<sup>۶</sup>

بعد از آصف بن برخیا علیه السلام نبوت ظاهری به حضرت دانیال علیه السلام (که مقبره ایشان در ایران و شهر شوش است) رسید. بخت النصر (حاکم زمانه) ایشان را نود سال در زندان اسیر نمود. به واسطه این امر بلا و مصیبت بر بنی اسرائیل افزوده شد، و شیعیان و قوم دانیال علیه السلام و کسانی که منتظر ظهور او بودند در اثر طول غیبت

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین، ج ۱، باب ۶، صص ۱۴۷-۱۴۵ (تلخیص)

۲. همو. پیشین، ج ۱، باب ۶، ح ۱۴ ص ۱۵۲

۳. همو. پیشین، ج ۱، باب ۷ ص ۱۵۴

۴. همو. پیشین، ج ۱، باب ۷ ص ۱۵۴

۵. همو. پیشین، ج ۱، باب ۷ ص ۱۵۶

۶. همو. پیشین، ج ۱، باب ۷ ص ۱۵۶

(زندانی بودن) او در دین به شک افتادند، تا اینکه بخت النصر به واسطه خوابی که دید بر دانیال ترحم کرده و او را آزاد ساخت و بنی اسرائیل همه به دور دانیال به امید فرج و گشایش جمع شدند و اندکی بعد دانیال از دنیا رفت.<sup>۱</sup>

حضرت دانیال علیه السلام وفات کرد و امر نبوت پس از خود را به حضرت عزیر علیه السلام تفویض نمود. مردم با ایشان انس داشتند و احکام دینی را از وی می آموختند تا اینکه به خواست خدا (به جهت امتحان قلوب مؤمنین و شیعیان و دلایل دیگر) او را یکصد سال از میان مردم غائب ساخت و سپس او را ظاهر ساخت. حجت های الهی پس از او نیز غائب بودند، گرفتاری و سختی بر مردم (بنی اسرائیل) رو به فزونی گذاشت.<sup>۲</sup>

همچنان عذاب و سختی بر بنی اسرائیل فراوان بود تا آنکه به اذن خداوند حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام در سن هفت سالگی به نبوت مبعوث شد و به بنی اسرائیل مژده داد که پس از بیست سال و اندی با ظهور شخصی به نام «مسیح» علیه السلام فرج و گشایش مردم حاصل می شود.<sup>۳</sup>

برای حضرت عیسی علیه السلام چندین غیبت بود که ناشناس در زمین سیاحت می کرد و شیعیان و پیروانش از او خبر نداشتند، سپس ظهور کرد و حضرت «شمعون بن حمون» علیه السلام را وصی خود ساخت. چون حضرت شمعون علیه السلام درگذشت. حجت های الهی و پیامبران پس از وی غائب بودند. و این غیبت ۲۵۰ سال به طول انجامید.<sup>۴</sup> فاصله زمانی بین حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله (آخرین پیامبر خدا) پانصد سال بود که در ۲۵۰ سال آن پیامبری آشکار نبود و مردم به دین عیسی عمل می کردند.<sup>۵</sup>

تا آنکه طبق آیات قرآن و روایات، عیسی علیه السلام هم به ظهور محمد صلی الله علیه و آله بشارت داد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله ظهور کردند و همین طور بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله دوازده امام امر خلافت و رسیدگی به امور شیعیان ایشان را عهده دار شدند که پیامبر، آخرین آنها را غائب و قائم خوانده بود و غیبت ایشان تا زمان ما ادامه دارد و

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین، ج ۱، باب ۷، صص ۱۵۸-۱۵۷ (تلخیص)

۲. همو. پیشین، ج ۱، باب ۷ ص ۱۵۸

۳. همو. پیشین، ج ۱، باب ۷ ص ۱۵۸

۴. همو. پیشین، ج ۱، باب ۸ ص ۱۶۰

۵. همو. پیشین، ج ۱، باب ۸ ص ۲۰



ایشان کسی جز حضرت «محمد بن الحسن العسکری» مهدی صاحب الزمان (عج) نیستند. و امروز همه بشریت در هر جای دنیا در انتظار قیام این قائم و فرج ایشان است، و ما آن روز را نزدیک می‌بینیم.

### □ غیبت برای فرشتگان خدا

نکته خیلی جالب این است که مسئله غیبت خلیفه و جانشین خدا فقط منحصر به انسانها نبوده و پیشتر از این مسئله به اذن خدا برای فرشتگان الهی نیز رخ داده است. «خداوند (تبارک و تعالی) دین خود را به وسیله ایمان به «غیبت» تأکید نموده و فرموده است: ﴿هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب﴾ (البقره/۲) (... قرآن هدایت برای متقین و کسانی که به غیب ایمان دارند ...)

البته ایمان به غیبت ثواب بیشتری برای مؤمن به همراه دارد. چون برای پرستندگان حق در ایمان به غیبت ثواب بیشتری قرار دارد، لذا خداوند فرشتگان را از این ثواب محروم نساخت. در اخبار و روایات آمده است:

«خداوند سبحان هفتصد سال قبل از آفرینش آدم علیه السلام این اعلام را به فرشتگان نمود و در این مدت برای فرشتگان این طاعت بود و در این قول خدای (عزوجل) که فرموده: ﴿و اذ قال ربک للملئکه انی جاعل فی الارض خلیفه﴾ (البقره/۳۰) (و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت که من در زمین خلیفه قرار می‌دهم)

از جهات بسیاری به غیبت امام می‌توان احتجاج کرد. اول آنکه: (مسئله) غیبت پیش از وجود (خود خلیفه) از همه انواع غیبت رساتر و بلیغ‌تر است، چون که فرشتگان تا قبل از آن (موجودی به عنوان) خلیفه ندیده بودند ولی ما (به عنوان انسان در طول تاریخ زندگی بشری) شاهد خلفای (الهی) بسیاری بوده‌ایم که قرآن و اخبار متواتر از آنها خبر داده است، به گونه‌ای که (برای ما حکم) مشاهده یافته است اما فرشتگان از هیچکدامشان اطلاعی نداشتند. پس آن غیبت رساتر و بلیغ‌تر است. دوم آنکه: غیبت (خلیفه) از فرشتگان از جانب خداوند (عزوجل) بوده است، ولی این غیبتی که برای امام (زمان) است از ناحیه دشمنان خدا صورت گرفته است، (که خطر تهدید جانی برای امام عصر (عج) دارند)، پس اگر در غیبتی که از جانب خداوند است عبادتی برای فرشتگان باشد دربارہ غیبتی که از ناحیه دشمنان

خداست چه می‌توان گفت؟ در حالی که غیبت امام (و اعتقاد به آن) عبادت مخلصانه‌ای است که در آن غیبت نیست و علت این سخن آن است که امام، غائب، طرد شده و به حق او تعدی شده است، و خون شیعیانش به دست دشمنانش جاری شده و اموالشان به غارت رفته... و کسی که در اعتقاد به پیروی آن امام به سر برد در اجر جهاد با او شریک است و از دشمنانش بیزاری جسته و در برائت دوستان امام از دشمنان امام اجری است و در دوستی با دوستانش پاداشی است که از پاداش آن فرشتگان الهی که به جهت اعتقاد به خلیفه غائبی که هنوز در عدم و نیستی بوده؛ برتر است.<sup>۱</sup>

### □ زمینه سازی ائمه برای غیبت

سوای پیشگویی‌ها و بشارت‌های حضرت پیامبر ﷺ و ائمه متقدم، ائمه متأخر نیز چون امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام اقداماتی خاص جهت آماده سازی مردم برای امر غیبت انجام می‌دادند که نباید از نظر دور داشت.

#### ۱. معرفی امام عصر (عج)

اولین و اساسی‌ترین مرحله، آماده سازی برای ورود به عصر غیبت، اثبات حقانیت و معرفی امام معصوم بود. طبعاً امام عسکری علیه السلام باید فرزند خود، امام مهدی (عج) را به عنوان جانشین خود به شیعیان می‌شناساند. معرفی امام عصر (عج) به رغم وجود دشواریهای فراوان و کمین دشمن برای اطلاع از وجود امام عصر (عج) و به شهادت رساندن آن حضرت، در محفل‌های خصوصی انجام شد. در یکی از محفل‌ها، چهل تن از بزرگان شیعه و وکلاء حضرت از جمله «عثمان بن سعید عمروی» (وکیل تام الاختیار و باب امام هادی و امام عسکری علیه السلام و اولین نائب خاص امام عصر - عج -) حضور داشتند:

«... حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، عثمان بن سعید را نداء داد و او سر پا ایستاد. آنگاه حضرت فرمود: آیا به شما بگویم که برای چه منظوری آمده‌اید؟

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱. صص ۱۱-۱۲

حاضران گفتند: آری ای فرزند رسول خدا!  
حضرت فرمود: (شما چهل نفر) آمده‌اید تا درباره امام بعد از من سؤال کنید.  
گفتند: آری!

در این هنگام کودکی چون پاره ماه که بسیار شبیه «ابومحمد» (امام عسکری  
علیه السلام) بود وارد شد.

امام علی‌السلام فرمود: این کودک، امام شما بعد از من و جانشین من است. از او  
اطاعت کنید و اگر متفرق شوید هلاک می‌شوید. بعد از امروز او را نخواهید دید تا  
اینکه مدت غیبتش به پایان رسد. (از این پس) آنچه «عثمان» (نائب اول حضرت  
مهدی - عج -) به شما می‌گوید بپذیرید و از دستورهای او پیروی کنید چرا که او  
نماینده امام شما (مهدی - عج -) است...<sup>۱</sup>

چنانکه ملاحظه می‌شود امام عسکری علی‌السلام علاوه بر معرفی حضرت مهدی  
(عج) به غیبت ایشان نیز تصریح کردند تا شیعیان آمادگی ذهنی پیدا کنند.

## ۲. کاهش ارتباط مستقیم با شیعیان

با وجود انس شیعیان به حضور امام، قطع شدن و نهی ارتباط مستقیم شیعیان با  
امام معصوم ضربه شدیدی به روحیه آنان وارد می‌ساخت. لذا ائمه برای جلوگیری  
از وارد شدن چنین صدمه‌ای به شیعیان، پیشاپیش طوری برنامه ریزی کردند که  
مسئله عدم دسترسی مستقیم به امام، امری عادی تلقی شود.

امام هادی علی‌السلام و امام عسکری علی‌السلام برنامه ویژه‌ای را نیز در این رابطه به اجرا  
گذاشتند.

«مسعودی» می‌نویسد:

«حضرت ابوالحسن عسکری [امام هادی علی‌السلام] خود را از شیعیان به جز عده  
کمی از خواص آنان پنهان می‌داشت. چون نوبت به امام ابو محمد [امام حسن  
عسکری علی‌السلام] رسید، ایشان با خواص شیعیان خود و غیر ایشان از پشت پرده سخن  
می‌گفت. مگر در اوقاتی که به دارالخلافة می‌رفت. این اقدام امام هادی علی‌السلام و امام

عسکری علیه السلام مقدمه چینی برای عصر غیبت و انس گرفتن شیعیان با غیبت امام (زمان - عج - بود) <sup>۱</sup>

### ۳. ارجاع به وکلاء

ارجاع امور شیعیان به وکلاء از سوی ائمه به ویژه امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام نیز گرچه نیاز مبرم شرایط سیاسی جامعه شیعه بود ولی این موضوع در آماده سازی شیعیان برای مدیریت جدید و عدم دسترسی به امام معصوم بسیار مؤثر بود.

### ۴. ارجاع به کتابهای معتبر

یکی از شیوه‌های مرسوم در میان شیعیان در زمان حضور ائمه این بود که چون مسائل مهمی برای آنان پیش می‌آمد به وسیله نامه به طور مستقیم از ائمه علیهم السلام استفتاء می‌کردند، و یا اینکه پرسشهای خود را به وکلاء ارجاع می‌دادند و آنان در صورت ندانستن پاسخ آنها، پرسشها را به ائمه منتقل می‌کردند و پاسخ آنها را دریافت می‌کردند و سپس به افراد می‌رساندند. <sup>۲</sup>

باز نزدیک شدن عصر غیبت، امام عسکری علیه السلام کتابهای معتبر را به عنوان یکی از منابع استخراج احکام مورد نیاز به شیعیان معرفی کرد. «بورق پوشنجانی خراسانی» می‌گوید:

«عازم سفر حج شدم. در راه رفتن چون به سامراء رسیدم از طریق اصحاب متوجه شدم که امام عسکری علیه السلام در حبس است چون از سفر حج باز می‌گشتم؛ متوجه شدم که حضرت از حبس آزاد شده است. لذا خدمت امام علیه السلام رسیدم و کتاب «یک روز و یک شب» (تألیف فضل بن شاذان) را به حضرت ارائه کردم تا درباره آن نظر دهد. حضرت آن کتاب را گرفت و ورق به ورق ملاحظه کرد و سپس فرمود:

مطالب این کتاب صحیح است و سزاوار است که به آن عمل شود. <sup>۳</sup>

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۷۸

۱. مسعودی، اثبات الوصیه ص ۲۸۶

۳. همو. پیشین، ج ۵۰ ص ۵۰۰

### ۵. تشویق اصحاب به گردآوری مجموعه‌های روایی

افزون بر اقدامات مستقیم امام عسکری علیه السلام جهت غنی ساختن منابع مکتوب شیعیان در آستانه عصر غیبت، اصحاب آن حضرت نیز فعالیت چشمگیری جهت گردآوری و تدوین روایات و نیز کتابها و اصول تدوین شده از سوی اصحاب در دوران ائمه پیشین داشته‌اند که علاوه بر احساس نیاز شیعیان عنایت و تشویق امام عسکری علیه السلام نیز در این کار مؤثر بوده است. به عنوان مثال: «عیاشی» در مورد «محمد بن علی بن حمزه» از اصحاب امام عسکری علیه السلام می‌نویسد:

«هیچ کتابی در موضوعات مختلف از امامان علیهم السلام بر جای نمانده بود مگر اینکه پیش او وجود داشت.»<sup>۱</sup>

### ۶. ارجاع به فقیهان

یکی دیگر از اقدامات مهم امام عسکری علیه السلام جهت آمادگی شیعه برای ورود به عصر غیبت و تحکیم و تثبیت موقعیت شیعه در آن عصر و خروج مردم از حالت سرگردانی، ارجاع فقیهان با تقوا را به عنوان مرجع و ملجأ شیعه معرفی کرد و فرمود:

«هر فقیهی که نگه دارنده نفس خود (از معاصی)، حافظ دین خود (از انحرافات و بدعتها)، مخالف هوا و هوسهای خویش و مطیع فرمان پروردگار خود باشد بر عوام مردم است که از او پیروی و تقلید کنند.»<sup>۲</sup>

### □ نقش «جَدّه» در زمان غیبت حضرت (عج)

جَدّه در لغت عربی به معنای مادر بزرگ است. در احادیث مهدویت به طور اختصاصی به مادر بزرگ امام زمان (عج) اطلاق می‌شود همو که همسر امام هادی علیه السلام و مادر امام حسن عسکری علیه السلام بوده است.

ایشان اُم وَلَد (کنیز) بودند و شیخ کلینی نام او را «حدیث» یا «سوسن» روایت

۱. رجال کشی، ص ۵۲۰

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۵ (مطالب فوق بر گرفته از: دشتی، محمد. میرزا مهدی صادقی. در آستانه غیبت. تاریخ زندگانی ائمه معصومین زندگانی امام حسن عسکری (ع). انتشارات فیض کاشانی. چاپ اول، بهار ۱۳۷۲. صص ۲۷۷-۲۷۱)

کرده<sup>۱</sup> و صاحب «کتاب قم» نام او را «سمانه» و معروف به «ام الحسن» ذکر نموده است.<sup>۲</sup>

این شخصیت کم شناخته ولی در عین حال تأثیرگذار در تاریخ غیبت صغری، منشأ اقدامات و برکات متفاوت بوده است.

به عنوان پژوهشگر در عرصه مهدویت حیف دیدم که نقش این بانوی بزرگوار که در اغلب کتب از آن غفلت شده در «قافله شکر» نادیده گرفته شود. باشد تا شکری بر شکرهای آن افزوده و کام خوانندگان و محبان، شیرین تر گردد.

### الف) وصایت امام زمان (عج)

نکته قابل اهمیت در شخصیت «جده» این است که ایشان وصی حضرت صاحب الزمان (عج) در دوران پس از شهادت امام عسکری علیه السلام بودند. نقل است:

«احمد بن ابراهیم گوید: در مدینه بر «حکیمه» دختر امام جواد علیه السلام و خواهر امام هادی علیه السلام در سال ۲۶۲ ق وارد شدم و از پشت پرده با وی سخن گفتم و از دینش پرسیدم.

امام (زمان - عج -) را نام برد و گفت: فلان بن الحسن و نام وی را بر زبان جاری ساخت.

گفتم: فدای شما شوم! آیا او را مشاهده کرده‌ای یا آنکه خبر او را شنیده‌ای؟  
گفت: خبر او را از امام عسکری علیه السلام شنیده‌ام و آن را برای مادرش نوشته بود.

گفتم: آن فرزند کجاست؟

گفت: پنهان است!

گفتم: پس شیعه به چه کسی مراجعه کند؟

گفت: به جده او مادر امام عسکری علیه السلام

۱. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. پیشین. ج ۱. ص ۵۰۳

۲. قمی، حسن بن محمد بن حسن. تاریخ قم (کتاب قم). ترجمه: حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی. تصحیح و تحشیه: سید جلال‌الدین طهرانی. انتشارات توس. چاپ اول. تهران ۱۳۸۶ ش. ص ۲۰۳

گفتم: آیا به چه کسی اقتداء کنم که او به زنی وصیت کرده است؟  
گفت: (در این کار او) به حسین بن علی علیه السلام اقتداء کن، زیرا امام حسین علیه السلام در ظاهر به خواهرش «زینب» وصیت کرد و او امر امام سجاد علیه السلام نیز به خاطر حفظ جانش به «زینب» نسبت داده می شد.<sup>۱</sup>

### ب) پرورش صاحب الزمان (عج)

از ظاهر برخی روایات استفاده می شود که پرورش و حفاظت از حضرت مهدی (عج) در بُره‌های از زمان بر عهده جدّه بوده است.

روایتی از امام صادق در قسمت «بحث داغ و شایع مهدی (عج) در قرون اولیه اسلامی» آوردیم که در آنجا شخصی از محضر امام صادق علیه السلام پرسیده بود که آیا شما صاحب الامر هستید؟ و امام در آخر کلام مبارکشان فرموده بودند: ... این موضوع چگونه عملی است در حالی که آن کودک (حضرت مهدی - عج -) که مادر بزرگش (جدّه) باید او را پرورش دهد؛ هنوز متولد نشده است.<sup>۲</sup>

از روایت فوق الذکر نقش جدّه در پرورش مهدی (عج) استفاده می شود.

### ج) گریز به همراه صاحب الزمان (عج)

شیخ مسعودی صاحب «اثبات الوصیه» گزارش کرده است:  
«امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۵۹ (یک سال قبل از شهادتشان) مادر خود (یعنی جدّه) را دستور می دهد که به سفر برود.

ایشان به مادر خود خبر داد که در سال ۲۶۰ هجری چه گرفتاریهایی گریبان گیر ایشان خواهد شد. امام، حضرت صاحب الزمان (عج) را طلب کرد. اسم اعظم خداوند و میراثهای پیامبران را به (مهدی - عج -) تسلیم نمود. (جدّه) به اتفاق حضرت صاحب الزمان (عج) به طرف مکه رهسپار شد»<sup>۳</sup>

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین، ج ۲ باب ۴۵ ح ۲۷ ص ۵۰۱

۲. المسعودی، علی بن الحسین، پیشین، ص ۲۶۳

۳. همو، پیشین، صص ۲۵۵-۲۵۶

**(د) دشمنی جعفر کذاب با جدّه**

چون خبر وفات امام عسکری علیه السلام به مادرش رسید از مدینه به سامراء آمد. داستانهای مفصلی با جعفر برادر امام حسن علیه السلام دارد. جعفر از جدّه طلب ارث می نمود و نزد سلطان (معتد عباسی) بدگویی می کرد و حرمت او را می شکست در حالی که خدا دستور به حفظ آن داده بود.<sup>۱</sup>

**(ه) عدم ابراز وجود مهدی (عج) نزد قاضی (مسئله ارث)**

از ظاهر روایات معلوم می شود جدّه با حضرت مهدی (عج) پیوند و ارتباط نزدیک و تنگاتنگی داشته است.

ایشان بعد از وفات امام عسکری علیه السلام مدعی وصایت حضرت شدند و طبق نظر قاضی، ارث امام عسکری علیه السلام بین جدّه و جعفر کذاب تقسیم شد.<sup>۲</sup> این در حالی است که جدّه با آگاهی کامل از حضور مهدی (عج)، وجود او را خبر نداده و بی شک در نزد قاضی از عدم وجود هرگونه اولاد برای حضرت امام عسکری علیه السلام از لحاظ امنیتی شهادت داده است.

**(و) مدفن**

این شخصیت بزرگوار وصیت می کند بعد از مرگ، او را در همان سرای امام حسن عسکری علیه السلام (سامراء) دفن نمایند.<sup>۳</sup>

**□ مکان حضرت (عج) در دوران غیبت**

مکان ایشان نامعلوم و دقیقاً مشخص نیست در غیر این صورت غیبت معنا نداشت.

**● مدینه**

از امام عسکری علیه السلام پرسیده شد اگر حادثه ای برای شما رخ دهد کجا از فرزند

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین، ج ۲ باب ۴۳ ح ۲۴ ص ۴۷۴

۲. همو. پیشین، ج ۱ ص ۴۳  
۳. همو. پیشین، ج ۲ باب ۴۳ ح ۱۵ ص ۴۴۲



شما سراغ بگیریم. ایشان پاسخ فرمودند: در مدینه<sup>۱</sup> و در روایتی دیگر امام صادق مدینه (طیبه) را مکان مناسبی برای مهدی (عج) در دوران غیبت دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

### ● کوه رضوی (مدینه)

یکی از کوهها اطراف مدینه (البته با فاصله) رضوی نام دارد که طبق گفتار امام صادق علیه السلام آن جا پناهگاه خوبی برای امام زمان (عج) است.<sup>۳</sup>

### ● ذوطوی (مکه)

نام یکی از مناطق در شمال مکه است که طبق برخی روایات امام عصر (عج) در دوران غیبت در این منطقه به سر می‌برد.<sup>۴</sup>

### ● کرعه (یمن)

در برخی روایات مکانی را که امام عصر (عج) در دوران غیبت در آنجا حضور دارند «کرعه» قریه‌ای در «یمن» معرفی شده است.<sup>۵</sup> به هر حال، حضور حضرت در همه این مکانها نشانی از آوارگی و تغییر مکان ایشان دارد تا شناخته نشوند. بحث راجع به مکان حضرت (عج) مفصل است، و ما انشاءالله در کتابهای بعدی بدان خواهیم پرداخت. از ظاهر روایات استفاده می‌شود ایشان در مکانهای دور دست، بیابانها، کوهها اقامت دارند تا از لحاظ امنیتی برایشان خطری ایجاد نشود.

## □ انواع غیبت

از ظاهر روایات چنین مستفاد می‌شود که مسئله غیبت انواع و انحاء و علل و عوامل مختلف داشته است (والله اعلم بحقائق الامور)

۱. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحق، پیشین، ج ۱ ح ۲ ص ۲۳۸
۲. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحق، پیشین، ج ۱ ح ۱۶ ص ۳۴۰
۳. المجلسی، محمد باقر، پیشین، ج ۵۲ ح ۷ ص ۱۵۴
۴. النعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر، الغیبة، ح ۳۰ ص ۱۸۲
۵. المجلسی، محمد باقر، پیشین، ج ۳۶ باب ۴۱ ح ۱۹۵ ص ۳۳۵

### ۱. غیبت به جهت کشته نشدن

معروفترین و مهمترین وجه برای غیبت حفاظت از گزند ستمگران زمانه است که در مورد پیامبران و خصوصاً حضرت مهدی (عج) رقم خورده و بدان اشاره کرده‌ایم.

### ۲. غیبت به جهت اعتبار

نمونه دیگر برای غیبت، غیبت برای اعتبار است که در مورد حضرت ابراهیم خلیل به وقوع پیوسته است، که ظاهراً جهت اعتبار (عبرت گرفتن) به اذن خداوند به شهرها و بلاد دیگر مسافرت نموده‌اند<sup>۱</sup> و از قوم و مردم خویش غیبت نموده‌اند. این نوع غیبت با غیبت به جهت کشته نشدن تفاوت دارد. همان طور که در قرآن حضرت ابراهیم از خداوند خواسته تا زنده شدن مردگان را به چشم خود ببیند تا اطمینان قلبی نسبت به مسئله معاد و قیامت پیدا کند؛ دورنیست این نوع غیبت برای حضرت ابراهیم علیه السلام به جهت اعتبار (عبرت گرفتن) به منظور تقویت روحی و معنوی ایشان بوده است. حال در آن زمانها که به بلاد دیگر سفر می‌کردند مورد آزار قومشان واقع می‌شدند یا خیر به هر روی خداوند پیامبر خویش را مدتی از میان قومش نهان نموده و اگر مورد آزار قوم هم نبودند چه بسا غیبت ابراهیم خلیل یکی از جوهش امتحان قوم از سوی خدا در پایداری و اعتماد به خدای ابراهیم علیه السلام بوده است.

### ۳. غیبت به جهت عبادت و امتحان

چنانکه در قرآن آمده موسی علیه السلام چهل روز در کوه طور اقامت گزید یعنی چهل روز از میان قوم خود غائب شد. این نوع غیبت با آن نوع غیبت که موسی از ترس غائب شده بود تفاوت کلی دارد. اولاً: موسی در کوه طور مشغول عبادت و تکلم در زمان خاص با خداوند بوده

۱. ابن بابویه، علی بن محمد، پیشین، ج ۱ باب ۴ ح ۷ ص ۱۳۹

است (بدون هیچ خوف و ترس)

ثانیاً: مکان موسی (یعنی کوه طور) معلوم و مشخص بوده، خلاف دیگر غیبت‌ها که مکان برای دیگران معلوم نیست.

از ظاهر آیه چنین استفاده می‌شود غیبت چهل روزه به جهت عبادت برای موسی عليه السلام و تقویت معنوی و روحانی برای ایشان بوده و از سوی دیگر نبود و غیبت او از میان قوم بنی اسرائیل یک نوع امتحان برای آنها محسوب می‌شده است تا آنجا که طبق صریح قرآن، بنی اسرائیل به ساحت مقدس هارون، جانشین موسی، بی احترامی کرده و یکتاپرستی را ترک و گوساله پرست شدند.<sup>۱</sup>

پس غیبت چهل روزه موسی نیز از قوم بنی اسرائیل از منظر ما در طبقه بندی انواع متفاوت غیبت از نوع عبارت و امتحان در نظر گرفته می‌شود.

#### ۴. غیبت به جهت سیاحت

چنانکه در بحث «غیبت پیامبران الهی» آوردیم:

«حضرت عیسی چندین غیبت داشتند که ناشناس در زمین سیاحت می‌کردند و قوم و شیعیانش از او خبر نداشتند و سپس ایشان ظاهر گشتند.»  
در اینجا سئوالی پیش می‌آید که به چه علت حضرت عیسی عليه السلام، سیاحت و سیر و سفر می‌کردند در حالی که پیامبر یا امام مأمور به هدایت قوم و شیعیان خود است و نباید بدون عذر و دلیل ایشان را ترک و به سیر و سیاحت پردازد؟

موضوع وقتی جالب می‌شود که در روایتی از امام صادق عليه السلام می‌خوانیم که یکی از شباهتها و سنت‌های حضرت مهدی (عج) به عیسی عليه السلام، سیاحت است.<sup>۲</sup>  
و این موضوع هنگامی جالب‌تر هم می‌شود که در روایات معتبره از قول پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که در امت من رُهبانیت و سیاحت نیست<sup>۳</sup> (یعنی تشریح نشده است).

از سویی دیگر خداوند بارها در قرآن فرموده است که: در زمین سیر و سفر کنید تا ببینید عاقبت مکذبین و دروغگویان چه شد، یا ببینید که خلقت چگونه آغاز

۱. رک: البقره / ۵۱ و الاعراف / ۱۴۲ ۲. همو. پیشین. ج ۱ ص ۲۸

۳. الطبرسی النوری، میرزا حسین. مستدرک الوسائل و مستنبط الرسائل. مؤسسه ال بیت قم.

۱۴۰۸ قمری. ج ۷ باب ۳ ح ۲ ص ۵۰۸

شد.<sup>۱</sup>

پس این که پیامبر ﷺ سیاحت را تشریح نکرده‌اند و از سوی دیگر خدا به سیر و سفر در زمین امر کرده است چه توجیهی دارد؟  
در فهم این مسئله و این نوع غیبت و بیان این اشکالات و ابهامات باید ابتدائاً در معنی و مفهوم «سیاحت» تدقیق و تحقیق کنیم.  
صاحب بحار الانوار آورده:

«۱. سیاحت به معنی جاری و روان شدن بر زمین است (یعنی به مفهوم سیر و سفر)

۲. دوری از شهرها و اقامت در بیابانها و ترک جماعات (کارهای عمومی) (نوعی فردگرایی و ریاضت)

۳. سیاحت در زمین به منظور ایجاد شر، سخن چینی و فساد بین مردم»<sup>۲</sup>

از قول پیامبر ﷺ در بحار آمده است که سیاحت امت من روزه است.<sup>۳</sup>

سائح نیز به معنی روزه دار گفته شده است.<sup>۴</sup>

سائح در معجم «متن اللغة» نیز به معنی کسی که به مسجد رفت آمد دارد نیز اطلاق شده است.<sup>۵</sup>

صاحب معجم سیاحت را حرکت در زمین به جهت عبادت و ترهب (رهبانیت) معنی کرده است که به صورت عمومی برای غیر از عبادت و رهبانیت نیز در نظر گرفته شده است<sup>۶</sup> یعنی به معنی همان سیر و سفر که معروف شده است.

صاحب «بحار» در جایی دیگر راجع به «سیاحت» آورده است:

«از احکام دین عیسی عليه السلام سیاحت در زمین به جهت اطلاع از عجائب قدرت خداوند و هدایت بندگان خدا و فرار از دشمنان خدا و ملاقات با دوستان او بوده است که در شرع مقدس اسلام این حکم منسوخ شده چنانکه روایت شده که در

۱. رک: ال عمران / ۱۳۷ و عنکبوت / ۲۰

۲. رک: المجلسی، محمد باقر، پیشین، ج ۵۶ ص ۳۲

۳. همو، پیشین، ج ۶۶ باب ۳۸ ص ۳۵۶ ۴. همو، پیشین ج ۵۶ ص ۳۲

۵. شیخ احمد رضا، معجم متن اللغة موسوعه لغویة حدیثه، المجلد الثالث، دارمکتبة الحیاء، بیروت

۶. همو، پیشین ص ۲۴۱ ۱۳۷۸ هـ ۱۹۵۹ م، ص ۲۴۱

اسلام سیاحت نیست و سیاحت این امت روزه داری است»<sup>۱</sup>  
در کتاب مشکوة الانوار روایتی راجع به «عثمان بن مظعون» آمده است که در آنجا عثمان به پیامبر ﷺ عرض می‌کند که می‌خواهم در زمین سیاحت کنم و پیامبر ایشان را از این عمل نهی می‌کنند و به وی می‌فرمایند که سیاحت امت من رفت و آمد به مساجد و انتظار برای نماز بعدی است.<sup>۲</sup>

همین روایت را شیخ طوسی در تهذیب الاحکام آورده که عثمان به پیامبر عرض می‌کند که می‌خواهم سیاحت کنم و در کوهها به سر برم و پیامبر وی را نهی می‌کنند و می‌فرمایند سیاحت امت من جهاد است.<sup>۳</sup>

روزی یکی از دانشمندان یهودی به محضر علی بن ابیطالب علیه السلام شرفیاب می‌شود و سئوالات متعددی راجع به شخصیت عیسی علیه السلام از امام علیه السلام می‌پرسد، در قسمتی از بحث، خطاب به امام علیه السلام عرض می‌کند: درباره عیسی می‌پندارند که بسیار اهل سیاحت (سفر) بوده است.

امام علیه السلام تأیید کرده و می‌فرمایند: همین طور است و سیاحت محمد صلی الله علیه و آله در جهاد بود. مدت ده سال اقدام به مجاهده و جنگ (با کفار) نمود.<sup>۴</sup>  
در ابتدای بحث روایتی از کمال الدین صدوق نقل کردیم که از قول صادق آل محمد صلی الله علیه و آله آمده بود:

«... و اما سنة عیسی فالسیاحة و اما سنة محمد صلی الله علیه و آله فالسيف»

«... و اما (سنت مهدی) از عیسی سیاحت است و اما (سنت مهدی) از محمد شمشیر است.»<sup>۵</sup>

با توجه به روایت دانشمند یهودی که علی علیه السلام سیاحت در مورد پیامبر را جهاد دانسته و این روایت اخیر که سنت مهدی از محمد را شمشیر و قبل از آن سنت

---

۱. المجلسی، محمد باقر. پیشین. ج ۷۰ ح ۱۳۱ ص ۲۴۵  
۲. طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن. مشکوة الانوار (مشکاة الانوار). کتابخانه حیدریه. نجف. چاپ دوم. ۱۳۸۵ هـ ص ۲۶۲  
۳. طوسی، محمد بن جعفر. تهذیب الاحکام. دارالکتب الاسلامیه. تهران. چاپ چهارم. ۱۳۶۵ ش. ج ۶ ح ۵ ص ۱۲۲  
۴. الطوسی، احمد بن علی. الاحتجاج. نشر مرتضی. مشهد. ۱۴۵۳ هجری قمری. ج ۱ ص ۲۲۵  
۵. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱ ص ۲۸

مهدی (عج) از عیسی را سیاحت یاد کرده، لذا سیاحت عیسی و شباهت آن به مهدی (عج) در جهاد نیست و نمی‌توان آن را با سنت مهدی از محمد ﷺ که شمشیر و خروج با شمشیر (یعنی بر پای حق) یکی دانست و گرنه لزومی نداشت یک معنی را به دو شکل بیان کنند، با عنایت به اینکه عیسی قیام با شمشیر نداشته است.

نتیجه بحث اینکه با توجه به این روایات و قرائن موجود استفاده می‌شود سیاحت در لغت عربی معانی متفاوت دارد که یکی از آنها کنج عزلت گزیدن در مکانی دور و به طور ناشناس به جهت عبادت است، که در ظاهر از آداب دین عیسی ﷺ بوده و در اسلام منسوخ شده است، و از سوی دیگر حضرت مهدی (عج) نیز اهل رهبانیت نیستند چون ایشان از پیشوایان بزرگ این دین هستند و به عدم تشریح آن از همه آگاه‌ترند. پس با توجه به بحث «مکان حضرت (عج) در دوران غیبت» که آوردیم ایشان در مکانهایی چون جبل رضوی یا مکانهای ناشناخته دیگر اعم از بیابان و صحاری و براری زندگی می‌کنند تا شناخته نشوند، سیاحت در اینجا و شباهت مهدی (عج) به عیسی ﷺ که در روایت آمده است به این معنا است.

راجع به غیبت عیسی به روش سیاحت نیز باید گفت که یک نوع غیبت متفاوت است که چه بسا به طور ناشناس در مکانهایی چون کوهها یا بیابانها مشغول به عبادت بوده‌اند که هم تقویت معنوی و روحانی شوند و هم چه بسا از گزند مخالفان در امان باشند.

### ۵. غیبت در شکم ماهی

از آیات کریمه قرآن استفاده می‌شود که قوم حضرت یونس علیہ السلام در گمراهی به سر می‌بردند و تلاشهای معنوی این پیامبر نیز راهی به جایی نبرد و یونس علیہ السلام از هدایت آنها ناامید و خسته شد و از خداوند برای آنها طلب عذاب کرد.

یونس علیہ السلام زودتر از موعد، قوم خود را ترک نمود و به سوی دریا شتافت، در آنجا طعمه یک ماهی شد و قسمتی از دوران غیبت خود از قومش را در بطن و شکم ماهی به سر برد.

غیبت یونس از دو جنبه تفاوت دارد:  
اولاً: به اراده خود از میان قوم غیبت نمود که خداوند عجله او را ناپسند دانست  
و با همه غیبت‌ها تفاوت اساسی دارد.  
ثانیاً: بستر غیبت او (شکم ماهی) در نوع خود بی سابقه و بی نظیر است.<sup>۱</sup> و  
شاید نوعی تنبیه تلقی شود.

### ۶. غیبت دانیال نبی علیه السلام

چنانکه در بحث «غیبت پیامبران الهی» آوردیم:  
«بعد از آصف بن برخیا علیه السلام، نبوت ظاهری به حضرت دانیال علیه السلام رسید. بخت  
النصر (حاکم زمانه) ایشان را نود سال در زندان اسیر نمود. به واسطه این امر، بلا و  
مصیبت بر بنی اسرائیل افزوده شد و شیعیان و قوم دانیال علیه السلام و کسانی که منتظر  
ظهور او بودند در اثر طول غیبت (زندانی بودن) او در دین به شک افتادند تا اینکه  
بخت النصر به واسطه خوابی که دید بر دانیال ترحم کرده و او را آزاد ساخت»<sup>۲</sup>  
غیبت دانیال علیه السلام از قوم خویش تفاوت با دیگر غیبت‌های دیگر در شکل و  
کیفیت دارد.

اولاً: در غیبت‌های دیگر خداوند پیامبر خود را از دشمنانش پنهان می‌داشت.  
در این غیبت، دشمن پیامبر صلی الله علیه و آله او را در غیبت (زندانی) قرار می‌دهد.  
ثانیاً: ستمگر زمانه، خودش اسباب فرج و ظهور دانیال را به واسطه خوابی که  
دیده بود؛ فراهم کرد.

### ۷. غیبت یوسف

نبوت یوسف علیه السلام به شکلی متفاوت بود و غیبت او نیز متفاوت بود.  
در اصل او از خانواده خود در زمانی که حتی پیامبر هم نبود در غیبت به سربرد.  
سه روز این غیبت در چاه و چند سال آن در زندان عزیز مصر، و باقی سالها در  
امارت و فرمانروایی بود. و روی هم رفته بیست سال از خانواده خود در غیبت به

۱. رک: قلم / ۵۰-۴۸، صفات / ۱۴۸-۱۴۲، انبیاء / ۸۸-۸۷ و یونس / ۹۸  
۲. رک: ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین، ج ۱ باب ۷، صص ۱۵۷-۱۵۸ (تلخیص)

سر می برد و تنها منتظر او پدرش حضرت یعقوب علیه السلام بود.<sup>۱</sup> پس کیفیت غیبت ایشان تفاوت با دیگر غیبت ها داشته است.

### ۸. غیبت ناشناخته ای برای محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام

در روایات به یک غیبت ناشناخته برای شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام نیز برخورد کردم که ذکر آن در این مجال خالی از لطف نیست.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«علی بن ابیطالب علیه السلام همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در غیبت بود و هیچکس به آن غیبت آگاه نشد.»<sup>۲</sup>

این نمونه غیبت نیز جزء موارد متفاوت و نوادر آن محسوب می شود چه بسا وجه آن از اسرار ربوبی باشد (و الله اعلم)

### ۹. غیبت برای فرشتگان الهی

راجع به این مسئله پیشتر بحث مبسوط داشته ایم.

کلاً از موارد یاد شده در می یابیم غیبت اشکال، کیفیات، نوادر و استثنائات نیز دارد که در پاره ای حقیقت امر بر ما پوشیده است.

### ۱۰. غیبت نمادین امامین عسکرین علیهما السلام

امام هادی و امام عسکری علیهما السلام نیز به جهت آمادگی شیعیان چنانکه اشاره شد غیبت نمادین داشتند. امام هادی از مردم خود را پنهان می ساخت مگر عده اندکی و امام عسکری نیز از پشت پرده با آنها سخن می گفت. پس این نوع غیبت به جهت آمادگی برای غیبت صاحب الزمان (عج) در نوع خود بی نظیر و از لحاظ کیفیت تفاوت دارد.

### □ خلفای بنی عباس از زمان ولادت تا غیبت تامه حضرت (عج)

خلیفه در لغت عرب به معنای جانشین است در علوم اسلامی خلیفه جانشین

۱. رک: همو. پیشین. ج ۱ باب ۵ ص ۱۴۱

۲. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۳۳ ح ۲۶ ص ۳۴۴



خدا است. چنانکه خداوند در قرآن خطاب به حضرت داوود علیه السلام فرموده است:

﴿يا داوود انا جعلتك خلیفه فی الارض...﴾ (ص ۲۶۱)

(ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم)

ائمه معصومین علیهم السلام نیز به عنوان جانشینان بر حق پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله خلفاء الهی محسوب می شوند. چنانکه در کتب معتبر اهل سنت از طریق جابر بن سمره و از قول پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده:

«پیوسته اسلام عزیز است تا اینکه دوازده خلیفه بر آنها حاکم گردد. آنگاه پیامبر کلمه ای گفت که من آن را نفهمیدم به پدرم گفتم که پیامبر چه فرمود؟ او گفت: همه آن خلیفه ها از طایفه قریش هستند.»<sup>۱</sup>

از بررسی این روایت که در کتاب سنن ابی داوود از کتب معتبر اهل سنت آمده و تطبیق آن با روایات متناظر چنین استفاده می شود: تا زمانی اسلام عزیز و گرامی محسوب می شود که دوازده خلیفه پیامبر یعنی همان دوازده امام معصوم علیهم السلام بر جامعه اسلامی خلافت داشته باشند. خلیفه مأمور ساماندهی و پیشوایی مردم هم در امور دنیوی و هم در امور اخروی است.

### — خلیفه به حق خداوند پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله

اولین آنها علی بن ابیطالب علیه السلام و آخرین آنها حضرت مهدی صاحب الزمان (عج) است که متأسفانه در طول تاریخ اسلام توسط افراد منافق و کج فکر این ساده ترین حق مردم از جامعه انسانی تزییع شد. آثار مخرب و ویرانگر اندیشه های خلفای اموی و عباسی در تاریخ ثبت و ضبط است، و بر کسی پوشیده نیست و نیازی به تفحص عمیق ندارد. خلیفه الهی کسی است که هم در راستای علوم مادی و هم در راستای علوم معنوی از سوی خدا و رسول تأیید شده باشد. خلفای ستمگر اموی و عباسی تنها نام خلیفه را یدک می کشیدند و در برآورده کردن حوائج مردم چه مادی و چه معنوی عاجز و ذلیل بودند تا آنجا که خیلی از احکام اسلام را علناً زیر پا می گذاشتند. در چنین شرایطی ائمه و خلفای به حق الهی چون امام

۱. السجستانی الازدی، الامام الحافظ ابی داوود سلیمان بن الاشعث. سنن. دار احیاء السنة النبویه، جزء ۴، ص ۱۰۶

صادق علیه السلام، امام رضا علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و امام زمان علیه السلام به واسطه دنیا طلبی آنها در حاشیه جامعه قرار داشتند و از همه تأسف بارتر اینکه مردم مسلمان هم حق این ائمه راستین را آن طور که بایسته بود به جای نیاوردند. و عده کثیری به ظلم راضی بودند. آری! ریشه همه مشکلات جهان اسلام و به طور کلی بشریت چه در گذشته و چه در زمان ما از همین غفلتها و نادانیهها سر چشمه گرفته است.

در زیر اسامی خلفاء ستمگر و بی مایه عباسی از زمان ولادت حضرت (عج) تا سال ۳۲۹ (پایان غیبت صغری) ذکر می شود:

۱. المعتمد بالله: سال مرگ: ۲۷۹ هـ

عمر: پنجاه و یک سال

علت مرگ: سر بریان به افراط خورد و بدان در گذشت.<sup>۱</sup>

۲. المعتضد بالله: سال مرگ: ۲۸۹ هـ

عمر: چهل و هفت سال

علت مرگ: از افراط مباشرت، نماند.<sup>۲</sup>

۳. المكتفی بالله: سال مرگ: ۲۹۵ هـ

عمر: سی و چهار سال<sup>۳</sup>

۴. المقتدر بالله: سال مرگ: ۳۱۰ هـ

عمر: سی و هشت سال

علت مرگ: کشته شد.<sup>۴</sup>

۵. القاهر بالله: یک سال و نیم در حکومت بود. دشمنان چشمان او را میل

کشیدند و شانزده سال و نیم بعد مرد

عمر: پنجاه و یک سال<sup>۵</sup>

۶. الراضی بالله: سال مرگ: ۳۲۹ هـ

۱. مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر بن محمد بن نصر (سنه ۷۳۰ هـ). تاریخ گزیده. به اهتمام

دکتر عبدالحسین نوایی. مؤسسه چاپ و انتشارات امیر کبیر. تهران. ۱۳۲۹ ش

۲. مستوفی قزوینی، حمدالله، پیشین، ص ۳۳۶

۳. همو. پیشین، ص ۳۳۷

۴. همو. پیشین، ص ۳۴۰

۵. همو. پیشین، ص ۳۴۲

عمر: سی و دو سال<sup>۱</sup>

افرادی که ذکر آنها به میان آمد همان خلفاء ستمگر عباسی بودند که وجودشان و وجود حامیان ایشان یکی از دلایل اصلی غیبت حضرت صاحب الزمان (عج) بوده است.

اگر به عمر آنها دقت شود غیر از المقتدر که کشته شد یا القاهر که چشمش را میل کشیدند و خلع شد، همگی از عمر کوتاهی برخوردار بودند و از ظاهر روایات تاریخی چنین بر می آید که این خلفاء عمرشان را بیشتر صرف باده گساری، زن بارگی و شکم بارگی می نمودند، چنانکه المعتمد خلیفه زمان ولادت حضرت (عج)، در اثر افراط در خوردن سر بریان (اصطلاحاً کله پاچه) و خلیفه بعدی در اثر افراط در مباشرت (همنشینی با زنها) به درک واصل شدند.

سؤال مهم اینجاست: آیا واقعاً این خلفاء و نظایر آنها در گذشته ایشان و آینده ایشان، صلاحیت حکومت بر جامعه مسلمین را داشتند؟ آیا واقعاً آنها می توانستند احکام خداوند را در زمینه های مادی و معنوی در جامعه برقرار کنند؟ آیا آنها به دین خدا آگاه تر بودند یا ائمه معصومین علیهم السلام؟ اینها سئوالاتی است که اگر شخصی از اندک خرد و معرفتی برخوردار باشد می تواند به آن پاسخ صریح و صحیح و محکمی بدهد.

### □ هدایت مردم در دوران غیبت حضرت (عج)

هدایت مردم در هنگام سختیها و نیاز آنها به پاسخ مسائل دینی خصوصاً مسائل جدید در جامعه و معرفی امام غائب (عج) بر عهده فقها و علماء امت است که کارشناسان دینی محسوب می شوند.

● در روایتی که از امام زمان (عج) نقل شده است ایشان به نقش هدایتگری راویان حدیث در هنگام غیبت اشاره فرموده اند:

«... و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا انهم حجتی علیکم و انا

۱. همو. پیشین، ص ۳۴۴. در ضمن المتقی بالله خلیفه عباسی بود که در آغاز غیبت کبری (۳۲۹ هـ) به حکومت رسید.

حجة الله عليهم<sup>۱</sup> ...»

(و اما (راجع به) حوادث واقعه (مسائلی که مردم نیاز دارند که از لحاظ شرعی بدانند در حالی که امام غائب است) پس رجوع کنید به روایات احادیث که ایشان بر شما حجت و من حجت خدا بر آنها هستم ...)

در این حدیث شریف به نقش مهم فقها و روایات حدیث اشاره شده که ایشان پناهگاه مردم در دوران غیبت و فتنه‌ها هستند.

● در روایتی دیگر که از قول امام دهم علیه السلام در کتاب «احتجاج» طبرسی آمده به نقش فقها و علما در دوران غیبت حضرت قائم (عج) اشاره شده است. ایشان فرموده‌اند:

«پس از غیبت قائم شما، از علماء عده‌ای هستند که مردم را به امامت او (یعنی قائم) دعوت می‌کنند و برای آن دلالت و راهنمایی می‌کنند و با استفاده از حجتهای الهی از دین او دفاع می‌کنند تا بندگان ضعیف النفس خداوند از وساوس پیروان ابلیس و فریبکاریهای نواصب (دشمنان علی بن ابیطالب علیه السلام) مصون دارند. اگر این علماء نباشند همه از دین خدا منحرف خواهند شد. همچنان که ناخدایان، سکان کشتی را در دست دارند؛ (در آن هنگامه نیز) علماء، قلبهای شیعیان را با صلابت در اختیار گرفته و از انحراف آنان جلوگیری می‌کنند. آن علماء در پیشگاه خداوند (عزوجل) مرتبه والایی دارند.»<sup>۲</sup>

### □ وظایف منتظران در دوران غیبت حضرت (عج)

در خصوص وظایف منتظران آن حضرت موارد فراوانی را می‌توان ذکر کرد که فقط به این چند نمونه اشاره می‌شود:

- شناخت صحیح و عمیق امام عصر (عج)
- خودسازی و تزکیه نفس برای حفظ ایمان و افزایش تقوی
- دعا در جهت تعجیل فرج حضرت (عج)
- زمینه سازی صحیح و اصولی برای ظهور از طرق مختلف و ...

۱. المجلسی، محمد باقر. پیشین. ج ۵۳ باب ۸۱ ح ۱۰، ص ۱۸۱

۲. الطبرسی، احمد بن علی. پیشین. ج ۱ ص ۱۸ و ج ۲ ص ۴۵۵

قافله سوم

---

---

ظهور مهدی (عج)

---

## □ نشانه‌های نزدیک شدن به قیام جهانی حضرت (عج)

این نشانه‌ها به دو گروه کلی نشانه‌های اصلی (قطعی) و نشانه‌های فرعی تقسیم می‌شوند.

### - نشانه‌های فرعی

در کتابهای حدیث، فراوان به این مسئله اشاره شده و ابعاد متفاوت نشانه‌ها مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. برای نمونه از امام باقر علیه السلام سؤال شد که قائم چه زمانی خروج (قیام) می‌کند؟ حضرت علیه السلام فرمودند:

آنگاه که مردها به زنها و زنها به مردها شبیه شوند. و مردها به مردها اکتفا کنند و زنها به زنها (یعنی همجنس بازی رواج یابد) و صاحبان فروج (یعنی زنها) بر پشت زین‌ها سوار شوند (مقصود خود نمایی و تبرج زنهاست) و شهادتهای دروغ پذیرفته شود، و شهادتهای راستین مردود اعلام گردد، و مردم خون ریزی و زناکاری و رباخواری را آسان در نظر گیرند، و از اشرار به واسطه زبانشان پرهیز کنند ... این هنگام است که قائم ما خروج می‌کند.<sup>۱</sup>

### - نشانه‌های قطعی (اصلی)

۱. ابن بابویه، محمدبن علی، کمال‌الدین، ج ۱ باب ۳۲ ح ۱۶ ص ۳۳۱

امام صادق فرمودند:

پیش از قیام قائم پنج نشانه است:

- یمانی
- سفیانی
- منادی آسمانی
- فرو رفتن زمین در بیداء
- کشتن نفس زکیه<sup>۱</sup>

### توضیحات

۱. یمانی از اصحاب و یاری کنندگان مهدی است که از یمن قیام می‌کند.
۲. سفیانی خبیث‌ترین مردم است و از شام قیام می‌کند.
۳. منادی آسمانی یا صیحه که به حق دعوت می‌کند.
۴. فرو رفتن زمین در بیداء (خسف بیداء): بیداء نام محلی است در جنوب غربی مدینه منوره که ظاهراً لشکر سفیانی در آنجا به اذن خدا در زمین فرو می‌رود.
۵. کشتن نفس زکیه (روح پاک) که در روایات او را محمد بن الحسن خوانده‌اند که بین رکن و مقام کشته می‌شود<sup>۲</sup>.

### □ احتمال بداء در نشانه‌های قطعی ظهور

بداء در لغت به معنی آشکار شدن و در اصطلاح دینی به معنی آشکار شدن حقیقت یک موضوع از جانب خداوند است. برای مثال و فهم بیشتر می‌توان به مسئله قبله در اسلام اشاره کرد. ابتداء مسلمین به طرف «بیت المقدس» نماز می‌خواندند. سپس در حکمی خداوند قبله مسلمین را به جانب کعبه تغییر داد. در این مسئله بداء صورت گرفته است. یعنی حقیقت برای خدا از اول آشکار و

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. ج ۲ باب ۵۷ ح ۱ ص ۶۴۹  
 ۲. راجع به جزئیات بیشتر و مفصلتر به کتابهای کمال الدین (شیخ صدوق)، الغیبه (طوسی)، الغیبه (نعمانی) و ... رجوع کنید.

برای مسلمین غیر منتظره بوده است.

این مسئله و مسائل این چنینی نشان از جهل خداوند نیست بلکه یکی از حکمت‌های مهم آن امتحان مردم است تا معلوم گردد چه افرادی فرمانبردار امر پیامبر یا امام خود هستند، و چه افرادی به لجاجت و مخالفت می‌پردازند. از امام صادق علیه السلام روایت است که: خداوند به چیزی چون (مسئله) بداء بزرگ شمرده نشده است.<sup>۱</sup>

یا امام رضا علیه السلام نیز فرموده‌اند: هرگز خداوند پیغمبری را مبعوث نکرد مگر با حکم حرمت شراب و اقرار به بداء.<sup>۲</sup>

### - بداء در نشانه‌های قطعی ظهور

این احتمال برای محبان و علاقه‌مندان به ساحت اقدس صاحب الزمان (عج) وجود دارد که در مرحله پایین‌تر برای نشانه‌های فرعی و در مرحله‌های بالاتر برای نشانه‌های قطعی که از ناحیه معصومین علیهم السلام راجع به ظهور حضرت (عج) به دست ما رسیده مسئله بداء رخ دهد. شاهد این مدعی روایتی در کتاب پر ارج «الغیبه» شیخ نعمانی می‌باشد.

«ابو هاشم جعفری گوید: در حضور امام جواد علیه السلام از «سفیانی» و قطعی بودن آن در روایت‌ها سخن به میان آمد. پرسیدم: آیا در امر حتمی هم بداء پیش می‌آید؟ امام فرمودند: بله! گفتم که می‌ترسم درباره قائم علیه السلام هم بداء پیش آید. ایشان فرمودند: قائم وعده الهی (میعاد) است و در آن تخلف نمی‌شود»<sup>۳</sup>

### □ اصحاب و یاران حضرت (عج)

در روایات متعدد به این مسئله اشاره شده است. در این جا تنها به روایتی از حضرت عبد العظیم الحسنی که در آن راجع به اصحاب و یاران حضرت صاحب الزمان (عج) مطالبی ذکر شده؛ بسنده می‌گردد.

۱. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحق. پیشین. ج ۱ باب البداء ح ۱ ص ۱۴۶

۲. همو. پیشین. ج ۱ باب البداء ح ۱۵ ص ۱۴۸

۳. النعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر. پیشین. ح ۱۰ ص ۳۰۳



جناب عبد العظیم حسنی (رحمة الله عليه) گوید: به امام جواد علیه السلام (امام نهم) عرض کردم:

امیدوارم که شما قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشید کسی که قرار است زمین را پر از عدل و داد نماید همچنانکه از ظلم و جور لبریز شده است. امام علیه السلام فرمودند: ای ابوالقاسم! [کنیه حضرت عبد العظیم است] هیچ یک از ما نیست جز آنکه قائم به امر خدای تعالی و هدایت کننده به دین الهی باشد. لکن آن قائمی که خدای تعالی به واسطه او زمین را از اهل کفر و انکار پاک سازد و آن را پر از عدل و داد نماید کسی است که ولادتش بر مردمان پوشیده و مخفی و شخصش از ایشان پنهان، و بردن نامش (به لحاظ شرایط امنیتی) حرام است، و او هم نام و هم کنیه رسول الله صلی الله علیه و آله است و او کسی است که زمین برایش در هم پیچیده شود و هر دشواری برایش هموار گردد و از اصحابش ۳۱۳ نفر به تعداد اصحاب پیامبر در جنگ بدر از دورترین نقاط زمین به گرد او فراهم آیند و این همان کلام خدای متعال است که فرمود: ﴿این ما تکونوا یات بکم الله ان الله علی کل شیء قدیر﴾ (البقره/۱۴۸) (هر جا که باشید خداوند شما را جمع می کند که خداوند بر هر کاری تواناست)

و چون این تعداد از اهل اخلاص به دور او جمع شوند، خدای تعالی امرش را ظاهر سازد و چون «عقد» که عبارت از ده هزار مرد باشد کامل شد به اذن خدای تعالی قیام کند و دشمنان خدا را بکشد، تا خدای تعالی خشنود گردد...<sup>۱</sup>  
در روایات به تعدادی زن نیز در سپاه مهدی (عج) اشاره شده که به پرستاری و تیمار مجروحان می پردازند.<sup>۲</sup>

### □ چگونگی محسوب شدن از اصحاب حضرت (عج) (طبق روایت)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هر کس دوست دارد که از اصحاب قائم (عج) باشد پس باید «منتظر» او باشد، «با تقوا» (ورع) بوده و «اخلاق نیکو» (محاسن الاخلاق) داشته باشد. در این صورت او منتظر (واقعی) است. اگر بمیرد و قائم (عج) بعد از وفات او قیام کند اجر و

۱. ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین. ج ۲. باب ۳۷ ح ۲ صص ۳۷۷-۳۷۸

۲. طبری. محمد بن جریر. دلائل الامامه. دارالذخائر للمطبوعات. قم. ص ۲۶۰

پاداشش مثل کسانی است که او را درک کرده‌اند. سپس جدیت داشته باشد و منتظر باشد. گوارا باد بر شما ای گروه آمرزیده!»<sup>۱</sup>

### □ پاداش منتظران حضرت (عج)

در لسان صدق معصومین علیهم‌السلام در جزاء و پاداش انتظار فرج قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بیانات متفاوت ولی همسویی ذکر شده که زوایای مختلف این موضوع را نشان می‌دهد.

#### ● برترین عمل عبادی

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: برترین اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه خداوند (عزوجل) است.<sup>۲</sup>

#### ● شمشیر زدن در رکاب قائم

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: اگر کسی از شما بگوید اگر قائم آل محمد را درک کنم او را یاری خواهم کرد او مانند کسی است که همراه او (برای ایجاد عدالت) شمشیر می‌زند، نه بلکه مانند کسی است که همراه او شهید شود.<sup>۳</sup>

#### ● غلطیدن در خون خود

امیرالمؤمنین علیه‌السلام: منتظر امر ما [فرج صاحب الزمان - عج -] مانند کسی است که در راه خداوند در خون خود بغلطد.<sup>۴</sup>

#### ● حضور در خیمه قائم (عج)

امام صادق علیه‌السلام: هر کس از شما به این باور بمیرد و منتظر این امر باشد مانند

---

۱. المجلسی. محمد باقر. پیشین. ج ۵۲. ص ۵۰. ص ۱۴۰  
۲. ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین. ج ۲. باب ۵۵. ج ۳. ص ۶۴۴  
۳. همو. پیشین. ج ۲ و باب ۵۵. ح ۲. ص ۶۴۴  
۴. همو. پیشین. ج ۲. باب ۵۵. ح ۶. ص ۶۴۵

کسی است که در خیمه قائم (عج) باشد.<sup>۱</sup> برای حسن ختام حدیث شریفی از امام رضا علیه السلام نقل می شود.

محمد بن فضیل از اصحاب امام رضا علیه السلام گوید از امام رضا علیه السلام از فرج (قائم آل محمد) سؤال نمودم. حضرت فرمودند: خداوند (عزوجل) می فرماید: ﴿انتظروا انی معکم من المنتظرین﴾<sup>۲</sup> (الاعراف/۷۱) (انتظار بکشید که من نیز با شما از منتظرانم). در اهمیت و ثواب انتظار برای فرج قائم آل محمد علیه السلام برای اهل خرد همین روایت کفایت می کند.

### □ ظهور حضرت (عج)

در دو مبحث الف) زمان ظهور، ب) مکان ظهور بحث خواهیم کرد.

#### الف) زمان ظهور

در روایات بسیار زمان دقیق ظهور را زمانی مخصوص در علم خدا دانسته اند و تعیین کنندگان زمان ظهور حضرت صاحب الزمان را دروغگو خوانده اند<sup>۳</sup> و این مطالب در اسرار خدا محفوظ است. اما وظیفه منتظران آن حضرت (عج) باید تلاش در جهت آماده سازی و زمینه سازی هر چه بیشتر در راستای ظهور و فرج صاحب الزمان (عج) باشد و پیوسته برای ظهور ایشان آمادگی معنوی لازم را داشته باشند. در برخی روایات روز ظهور روز جمعه اعلام شده ولی زمان دقیق تعیین نشده است.<sup>۴</sup>

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۵۵. ح ۱ ص ۶۴۴

۲. همو. پیشین. ج ۲ باب ۵۵. ح ۴ ص ۶۴۵

۳. کلینی رازی. محمد بن یعقوب بن اسحق. پیشین. ج ۱. باب کراهیه التوقیت. ج ۱ ص ۳۶۸ به بعد

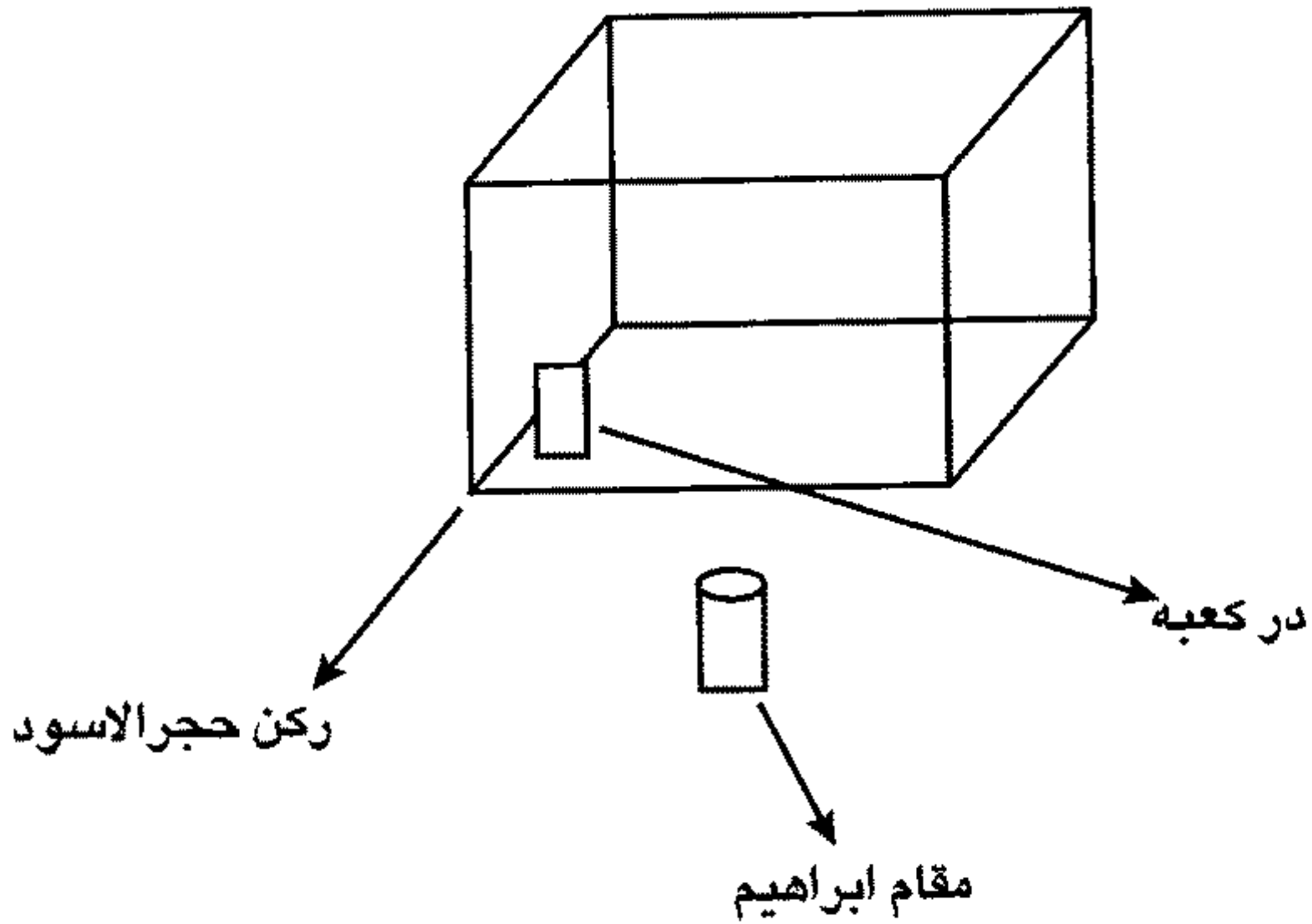
۴. الف) امام صادق: قائم ما اهل بیت در روز جمعه خروج می کند.

ابن بابویه. محمد بن علی (شیخ صدوق). الخصال. جامعه مدرسین حوزه علمیه. قم چاپ دوم. ۱۴۰۳ قمری. ج ۲ ح ۱۰۱ ص ۳۹۴

ب) امام صادق: قیام قائم (عج) روز جمعه خواهد بود. همو، من لا یحضره الفقیه. حقه و علق علیه السید حسن الموسوی الخراسان. دارالکتب الاسلامیه. تهران. الطبعة الخامسة. ۱۳۹۰ هـ. ق. با ۵۷ (فی وجوب الجمعة و فضلها...) ش ۲۳ ص ۲۷۲

### ب) مکان ظهور

طبق روایات بسیار مکان ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) در شهر مکه (ام القرای جهان اسلام) و از کنار کعبه و بین رکن حجرالاسود و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام است.<sup>۱</sup>



شکل ۱- محدوده حضور حضرت مهدی (عج) در زمان ظهور جهانی ایشان (بین رکن و مقام)

### □ اهمیت حضور در دولت حق صاحب الزمان (عج) (طبق روایت)

روزی یکی از اصحاب حضرت صادق علیه السلام به نام «عمار سباطی» خدمت امام عرض می‌کند:

«فدایت مردم برای چه آرزو کنیم زمان ظهور دولت حق از اصحاب قائم باشیم؟ در حالی که هم اکنون در سایه امامت شماست و بهترین اعمال را انجام می‌دهیم. حضرت از گفته «عمار» تعجب کردند و فرمودند: سبحان الله! دوست ندارید خداوند حق و عدالت را در شهرها ظاهر نماید؟ وضع مردم را بهبود بخشد و وحدت کلمه و

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. کمال الدین و تمام النعمة. ج ۲. باب ۴۷. ح ۱. ص ۵۲۷

الفت بین قلوب ایجاد نماید؟ آیا علاقه ندارید زمانی بیاید که دیگر روی زمین گناه انجام نشود و حدود الهی اجرا گردد؟ حق به صاحبانش برسد به گونه‌ای که هیچ کس از کسی نترسد؟

ای عمار! به خدا قسم از شما کسی که منتظر قیام دولت حق باشد نمی‌میرد مگر اینکه مقامش از بسیاری افراد که در جنگ بدر و جنگ اُحد (در رکاب رسول الله) به شهادت رسیده‌اند بالاتر است. پس بشارت باد شما را<sup>۱</sup> (به چنین دولتی و چنین ثوابی)

### □ اهمیت و فائده انتظار ظهور حضرت (عج)

انتظار چه از بعد فردی و چه از بعد اجتماعی قابل تحلیل و بررسی است. اگر این مقوله را با دید کلان و در سطح یک جامعه ببینیم قطعاً در جامعه‌ای که انتظار و فلسفه انتظار منجی به شکل مثبت و سازنده شکل گرفته و مردم آن به فهم دقیق و درک عمیق از انتظار دست یافته‌اند؛ طبعاً اقدامات وسیع به جهت پایه ریزی اصول اسلامی، انسانی و اخلاقی در ابعاد گوناگون مادی و معنوی تحقق می‌پذیرد و مسیرهای انحطاط و فروپاشی طبقات مختلف جامعه مسدود می‌شود.

### □ ویژگی‌های عصر ظهور حضرت (عج)

فوائد و ویژگی‌های بسیاری در عصر ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) و دولت کریمه ایشان وجود دارد و خیلی از آنها نیز قابل پیش بینی است. در زیر به چند نمونه که در روایات اسلامی آمده توجه کنید:

- انسانها از رشد عقلانی برخوردار شوند (بحار الانوار ج ۵۳ ص ۳۳۶)
- راهها امن شود (ارشاد مفید ص ۳۶۴)
- ثروت به طور مساوی تقسیم گردد (عقد الدرر ص ۴۰)
- همه گنجها را استخراج نماید (الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۱۶۴)
- جهان در آسایش و آرامش بی نظیر قرار گیرد (سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۶۶)

- زمین برکاتش را خارج سازد (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۸)
- حکومت‌های جابرانه ریشه کن شوند (منتخب الاثر ص ۴۷۱)
- امتیازهای طبقاتی از بین برود (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۹)
- نشانی از شرک و کفر در روی زمین باقی نماند (کمال الدین ج ۲ ص ۶۷۰)
- قلب مؤمن از فولاد استوارتر شود (غیبت نعمانی ص ۱۶۷)
- هر حقی به صاحب حق بر می‌گردد (ارشاد مفید ص ۳۴۳)
- عدالت در همه جا گسترده شود؛ احدی مورد ستم قرار نگیرد<sup>۱</sup> (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۲)

### □ سختی‌های هنگام ظهور حضرت (عج)

- یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام در مدینه به خدمت ایشان شرفیاب شد و عرض کرد:

آنان (مقصود فرقه ضاله مرجئه است که به اعتقاد و ظن غلط خویش شخصی را بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله با نظر و رأی خود انتخاب کرده و اطاعت از او را واجب و لازم می‌دانند با این حال به مهدی امت هم اعتقاد دارند) می‌گویند که چون مهدی (عج) قیام کند همه کارها از برای او به خودی خود درست شود و به اندازه حجامت کردنی خون ریخته نشود.

امام علیه السلام فرمودند:

هرگز چنین نیست. سوگند به آن کس که جان من به دست اوست اگر کارها به خودی خود برای کسی درست می‌شد هر آینه برای رسول خدا صلی الله علیه و آله درست می‌شد. آنگاه که دندانهای جلو آن حضرت (توسط مخالفین و مشرکین) شکست و صورت مبارکش زخم برداشت<sup>۲</sup>.

مقصود از کلام امام علیه السلام این است که با زحمت و قبول رنج فراوان این امر برای امام غائب (عج) محقق می‌شود.

۱. رک: مهدی پور، علی اکبر. او خواهد آمد. ویرایش دوم، مؤسسه انتشارات رسالت چاپ نهم، نیمه شعبان ۱۴۱۱ هـ.ق. قم. صص ۱۰-۷

۲. النعمانی، محمد بن ابراهیم. پیشین. باب ۱۵ ح ۲ ص ۲۸۴

- امام صادق علیه السلام فرمودند:

قائم ما که قیام می‌کند با نادانی مردم روبرو می‌شود بیشتر از آنچه که رسول خدا صلی الله علیه و آله از نادانی دوره جاهلیت با آن مواجه بود.

گفتم: این چگونه ممکن است؟

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوبهای تراشیده را می‌پرستیدند، و قائم ما هنگامی قیام می‌کند و به سوی مردم می‌آید که همه مردم کتاب خدا را بر ضد او تأویل می‌کنند و با آن بر علیه او احتجاج می‌نمایند!<sup>۱</sup>  
این خبر اشاره به جهل مردم زمانه ما دارد که در پوشش حرفها و اصطلاحات به ظاهر زیبا و فریبنده، مطالب غیر حق را ارائه کرده و در واقع در پوشش علم به گسترش جهل می‌پردازند.

### □ زنده شدن مردگان در زمان ظهور حضرت (عج)

طبق روایات در زمان ظهور حضرت ولی عصر (عج) افرادی که از دنیا رفته‌اند از خاک برمی‌خیزند و دوباره زنده می‌شوند؛ این بازگشت فقط منحصر به افراد مؤمن خالص و مشرک کامل است و برای همه افراد نیست.<sup>۲</sup> ظاهراً بدکارانی که زنده می‌شوند به جهت انتقام کشیدن از آنها و تحقیر ایشان است. از مفضل بن عمر از اصحاب امام صادق علیه السلام روایت شده که گفت: ما یاد حضرت قائم (عج) کردیم و آنان که در انتظار فرج وی مُردند. امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی که قائم قیام کند می‌آیند در قبر مؤمن و به او می‌گویند فلانی! امام زمان تو ظاهر شد اگر می‌خواهی به او ملحق شوی بشو و اگر می‌خواهی در کرامت پروردگارت بمانی بمان.<sup>۳</sup>

### □ رشد انسانها در عصر ظهور حضرت (عج)

از آنجا که انسان برای کمالات و رسیدن به مراتب عالیه انسانی خلق شده است، مهمترین هدف ظهور، تلاش برای رشد و پیشرفت عقلانی بشر است. این امر

۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم. پیشین. باب ۱۷ ح ۱ صص ۲۹۶-۲۹۷

۲. المجلسی، محمد باقر، پیشین، ج ۶ ص ۲۵۳-۲۵۴

۳. طوسی، محمد بن حسن. پیشین. (ذکر طرف من العلامات الکائنه....) ص ۴۵۹

محقق نمی شود مگر آنکه بشر روی به علم و دانش حقیقی و الهی بیاورد و از آنجایی که مهدی (عج) خلیفه واقعی خداوند بر روی زمین است و به منابع و سرچشمه های علم دسترسی دارد، مسیر بشر برای رسیدن به کمالات و مراتب عالیة انسانی را آسان می کند.

### - تسلط علمی امام زمان (عج)

حضرت (عج) بر تمامی علوم آگاهی دارند و ایشان می توانند امور مادی و معنوی بشر را کفایت و کفالت کنند. ایشان در همه رشته های علم در قله رفیع آن قرار گرفته اند.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که دنیا برای صاحب این امر (حضرت مهدی و دیگر ائمه) مانند یک گردو جلوه گری می کند.<sup>۱</sup>

این مطلب علاوه بر اینکه احاطه کامل علمی امام علیه السلام را بیان می کند. نشانگر یک اعجاز از سوی امام صادق علیه السلام نیز هست. پیش از آنکه گالیله به کروی بودن زمین اشاره کند و مورد مخالفت شدید علمای مسیحیت قرار گیرد، امام صادق علیه السلام قرنها پیش به کروی بودن زمین و دنیا در قالب تمثیلی از «گردو» اشاره فرموده اند و به راستی دنیا در منظر ایشان چون یک گردو جلوه گر است.

### - رشد علمی

امام صادق علیه السلام فرموده اند: علم ۲۷ حرف دارد. تمام آنچه پیامبران آورده دو حرف است و مردم تا امروز بیشتر از دو حرف آن را نشناخته اند. پس هنگامی که قائم ما قیام کند ۲۵ حرف دیگر را بیرون می آورد و آن دو حرف را بدانها می افزاید تا آنکه تمام ۲۷ حرف را نشر دهد.<sup>۲</sup>

### - معنوی ترین هدف ظهور

از امام باقر علیه السلام روایت شده است:

۱. المجلسی، محمد باقر، پیشین ج ۲۵ باب ۱۳ ح ۱۰ ص ۳۶۷

۲. همو. پیشین ج ۵۲ باب ۲۷ ح ۷۳ ص ۳۳۶



هنگامی که قائم ما قیام می‌کند بر سر بندگان (خدا) دست می‌کشد (کنایه از برکت حضور و رشد معنوی و علمی در عصر ظهور آن جناب است) پس عقلهای مردم جمع و اخلاقشان کامل گردد.<sup>۱</sup>

### - رشد علم پزشکی

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

هر صاحب بیماری یا ضعف که قائم اهل بیت من را درک کند قوت می‌گیرد و (شفا می‌یابد)<sup>۲</sup>

### - رسانه تلویزیون و ماهواره

از معجزات پیشگویی امام صادق علیه السلام و از ویژگیهای زمان ظهور حضرت مهدی (عج) نمونه روایت زیر می‌باشد.

صادق آل محمد علیه السلام فرموده‌اند:

«در وقت ظهور (مهدی) همه چشم‌ها او را می‌بینند.»<sup>۳</sup>

این حدیث به زمان ظهور حضرت اشاره دارد که رسانه‌هایی چون تلویزیون و ماهواره ایجاد شده‌اند (مثل زمان ما) که به هنگام ظهور، تصویر و فیلم مبارک حضرت (عج) به همه جای جهان ارسال می‌شود و همه جهان او را می‌بینند و گرنه دیدار حضرت توسط همه چشم‌ها غیر ممکن است، مگر اینکه غرض حدیث صرفاً ماهواره و تلویزیون باشد. این قبیل احادیث و روایات در زمان ما معنا پیدا کرده است.

در روایتی دیگر از قول امام صادق علیه السلام آمده است: در زمان قائم، مؤمنی که در شرق عالم قرار دارد برادر خود را در غرب عالم می‌بیند و او که در غرب است برادر خود را در شرق می‌بیند.<sup>۴</sup> این روایت نیز به برخی از پیشرفتهای زمان ما مانند

۱. المجلسی، محمدباقر. پیشین ج ۵۲ باب ۲۷ ح ۷۱ ص ۳۳۶

۲. الراوندی، قطب الدین. الخرائج و الجرائح. مؤسسه امام مهدی (عج). قم. چاپ اول. ۱۴۰۹ ق. ج ۲ ص ۸۳۹

۳. المجلسی، محمدباقر. پیشین ج ۵۳ باب ۲۸ ص ۶

۴. همو. پیشین. ج ۵۲ باب ۲۷ ح ۲۱۳ ص ۳۹۱

تلویزیون، ماهواره، موبایل‌های تصویری و... نزدیک است.

### - فضاپیما (سفینه فضایی)

از مضمون حدیث امام باقر علیه السلام چنین به دست می‌آید: مهدی (عج) بر مرکب‌هایی (سفینه‌های فضایی) که در آنها رعد (صدا)، صاعقه و برق (نیروی مغناطیسی و انفجالات آنها) استفاده شده؛ سوار می‌شود و به آسمانها و دیگر زمین‌ها سفر می‌کند.<sup>۱</sup>

روایت فوق نشان از رُشد فضاوردی در عصر حضرت مهدی (عج) است. این روایت و نظایر آنها گوشه‌ای از معجزات معصومین علیهم السلام و قطره‌ای از دریای بیکران دانش الهی آنهاست.

اگر تصور کنیم این روایات و خصوصاً روایت اخیر که در زمان ما قابل فهم‌تر است بیش از هزار سال پیش از ناحیه امام باقر علیه السلام شرف صدور یافته زمانی که بشر، بهترین مرکب خود را اسب و الاغ و... تصور می‌کرد پس به معجزه بودن آن بیشتر پی می‌بریم.

### - عدالت در پایین‌ترین مراتب

امام عصر (عج) عدالت خویش را از پایین‌ترین تا بالاترین سطح جامعه می‌گسترانند. شاهد این مدعا روایات اخیر است که نشان دهنده اجرای عدالت در عرصه «راهنمایی و رانندگی» است.

### - ایجاد بزرگراه

امام باقر علیه السلام فرمودند: «[مهدی علیه السلام] بزرگ راهها را توسعه می‌دهد...»<sup>۲</sup>

### - حقوق پیاده‌ها و سواره‌ها (قوانین راهنمایی و رانندگی)

امام کاظم علیه السلام فرموده‌اند: «زمانی که قائم ما قیام کند می‌گوید: ای سواره‌ها!

۱. رک: المجلسی، محمد باقر. پیشین ج ۵۲ باب ۲۷ ح ۲۷ و ۲۸

۲. همو. پیشین ج ۵۲ باب ۲۷ ح ۶۱ ص ۳۳۳

(موتور سوارها، ماشین سوارها و ...) از وسط راه (خیابان) حرکت کنید و ای پیاده‌ها! (عابرین) از کنار دو طرف راه (پیاده‌روها) حرکت کنید. پس اگر هر سواره‌ای از پیاده‌رو برود و کسی را معیوب سازد (ما او را موظف به پرداخت دیه می‌کنیم و هر پیاده‌ای از وسط راه (خیابان) طی طریق کند و به او آسیبی برسد (یعنی با موتور یا ماشین و ... تصادف کند) برای او دیه در نظر گرفته نمی‌شود»<sup>۱</sup>

روایت اخیر نشانگر این است که عدالت مهدی (عج) به عنوان یگانه خلیفه مادی و معنوی بشر در ساده‌ترین و پایین‌ترین قسمت‌ها نیز وجود دارد.

---

۱. طوسی، محمدبن حسن. تهذیب الاحکام ج ۱۰ ح ۱۰ باب ۲۸ ص ۳۱۴

قافله چهارم

---

---

مهدی  
خدا، پیامبران و ائمه

---

### □ برخی آیات قرآن مرتبط با حضرت (عج)

آیات راجع به حضرت (عج) فراوان است و ما به چند نمونه شاخص آن اشاره می‌کنیم:

● ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾  
(انبیاء/۱۰۵)

(حقیقتاً در زبور (داوود) بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که صالحان وارث زمین خواهند شد.)

منظور از «عبادی الصالحون» حضرت قائم و اصحاب ایشان هستند.<sup>۱</sup>

● ﴿الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ...﴾ (حج/۴۱)  
(همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند...)

امام باقر علیه السلام در شأن نزول آیه فرموده‌اند: این آیه مربوط به خانواده پیامبر است تا آخرین ایشان. مهدی (عج) و اصحابش سراسر زمین را مالک می‌شوند و دین به وسیله آنها ظاهر می‌گردد و به وسیله آن حضرت و یارانش بدعتها و باطل از بین می‌رود...<sup>۲</sup>

● ﴿أَمِنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكَ خَلْفَاءَ الْأَرْضِ﴾ (النمل/۶۲)

۱. المجلسی، محمد باقر، پیشین ج ۹ ش ۱۱۱ (تفسیر القمی) ص ۲۲۴

۲. همو، پیشین ج ۵۱ ح ۹ صص ۴۸-۴۷

(ای آن کسی که دعای درمانده را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف بر می‌کند و شما را جانشین زمین قرار می‌دهد...)

امام صادق علیه السلام در شأن نزول این آیه فرمودند:

«این آیه در مورد حضرت قائم علیه السلام نازل شده زیرا او مضطر (درمانده) است. (در زمان ظهور) هنگامی که نماز در مقام ابراهیم به جا می‌آورد و دعا (جهت فرج و ظهور) می‌نماید خداوند نیز اجابت فرموده، سوء و بدی (و پریشانی) را از او دور می‌کند و او را خلیفه (و جانشین خود) روی زمین قرار می‌دهد.»<sup>۱</sup>

● ﴿هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون﴾  
(التوبه/۳۳)

(او کسی است که پیامبرش را به هدایت و دین راستین فرستاد تا آنرا بر هر چه دین است غالب گرداند هر چند مشرکان خوششان نیاید)

مُفَضَّل از امام صادق علیه السلام پرسید: مگر در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله دین اسلام بر تمام ادیان برتری پیدا نکرده بود؟

حضرت فرمود: «اگر اسلام بر تمام ادیان برتری پیدا کرده بود باید نام و آداب آن ادیان مضمحل می‌شد، این در حالی است که مجوسیان، یهودیان و مسیحیان و فرقه‌های دیگر حتی شرک و بت پرستی، پرستش آفتاب، ماه، ستارگان و آتش همه در کنار اسلام وجود دارد. بلکه معنی واقعی آیه (اشاره به فرج و ظهور) مهدی دارد...»<sup>۲</sup>

### □ یاد مهدی (عج) در کتب مقدس ادیان و مذاهب

بحث راجع به این موضوع بسیار جذاب و در عین حال مبسوط است، در خیلی از کتب قدیمی و باستانی نام پیامبر و اهل بیت او آمده است ولی ما در اینجا فقط خلاصه‌وار به یاد مهدی (عج) اشاره می‌کنیم:

۱. المجلسی، محمد باقر. پیشین ج ۵۱ ص ۱۱ ص ۴۸

۲. همو. پیشین ج ۵۳ ص ۳۳

- زبور حضرت داوود عليه السلام

● مزمور ۳۷ بند ۹:

... شریران منقطع می شوند اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد.

● مزمور ۳۷ بند ۱۸-۱۷

... چون بازوهای شریران شکسته می شود و خداوند صدیقان را تکیه گاهست و خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود.

● مزمور ۳۷ بند ۲۲

... زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد اما ملعونان وی منقطع خواهند شد.

● مزمور ۳۷ بند ۲۹

... صدیقان وارث زمین شده؛ ابدأ در آن ساکن خواهد شد.

● مزمور ۳۷ بند ۲۴

... به خداوند پناه برده؛ راهش را نگاه دار! که تو را به وراثت زمین بلند خواهد کرد و در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید.<sup>۱</sup>

همان طور که در قسمت قبل در مورد برخی آیات مرتبط با حضرت (عج) آوردیم که: ﴿لقد كتبنا في الزبور من بعد الذکران ان الارض يرثها عبادي الصالحون﴾ (انبیاء/۱۰۵)

(حتماً ما در زبور پس از تورات نوشتیم که صالحان وارث زمین خواهند بود) آیه فوق اشاره به این مزامیر از کتاب زبور حضرت داوود دارد. علاوه بر موارد یاد شده در کتب مقدس هندوان نیز از مهدی (عج) یاد شده است.

۱. صادقی، محمد. بشارات عهدین. دارالکتب الاسلامیه. طهران. چاپ چهارم. تابستان ۱۳۸۲ ش (تألیف ۱۳۷۷ ق). صص ۲۳۸-۲۳۷

## - کتاب شاکمونی

«شاکمونی» از اعظم کفره هند است که به عقیده آنان پیغمبر و صاحب کتاب آسمانی است.<sup>۱</sup> در این کتاب راجع مهدی (عج)، آمده است:

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلائق دو جهان (سید العالمین)، کیشین بزرگوار تمام شود و او (یعنی حضرت مهدی - عج -) کسی باشد که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان، کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند... دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او ایستاده (قائم) باشد و خداشناس باشد...»<sup>۲</sup>

باید تذکر داد که موارد فوق عیناً در روایات اسلامی وجود دارد و جالب است که این ادیان و مذاهب هندوان پیش از اسلام بوده‌اند.

## - کتاب دید

این کتاب در نزد هندیان از کتب آسمانیست.

گوید: «پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید.»<sup>۳</sup>

موارد فوق نیز عیناً در روایات اسلامی وجود دارد برای مثال از امام باقر علیه السلام روایت شده که: خداوند مهدی را «منصور» نامید همانطور که پیامبر را «احمد» و «محمد» و «محمود» و «عیسی» را «مسیح» نامید.<sup>۴</sup>

## - جاماسب‌نامه

نام و یاد مهدی (عج) در کتب مقدس زرتشتیان از ادیان قدیمی و پیش از اسلام نیز متجلی است. در کتاب جاماسب آمده است:

«مردی بیرون آید از زمین تازیان (عربستان) از فرزندان هاشم (خاندان بنی هاشم) مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بردین جدش (یعنی حضرت

۱. صادقی، محمد. پیشین. ص ۲۴۲

۲. همو. پیشین صص ۲۴۲-۲۴۳

۳. همو. صص ۲۴۵-۲۴۶

۴. المجلسی، محمد باقر. پیشین. ج ۵۱ ص ۳۰



محمد ﷺ) با سپاه بسیار و روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین پر داد کند...<sup>۱</sup> موارد فوق نیز با روایات اسلامی تطابق دارد و البته کل این موارد قطره‌ای از دریا است.

### □ اوصیای پیامبران از آدم (ع) تا حضرت (عج)

از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «من سرور پیامبران هستم و جانشین (وصی) من سرور همه اوصیاست و جانشین او سرور همه جانشینانند.

آدم علیه السلام از خداوند (عزوجل) درخواست کرد که وصی شایسته‌ای برای او قرار دهد. خداوند به او وحی کرد که من انبیاء را به واسطه نبوت گرامی داشتم سپس خلق خود را اختیار کردم و بهترین آنها را اوصیاء قرار دادم.

پس آدم علیه السلام گفت: ای پروردگار من! وصی مرا بهترین اوصیاء قرار بده! خداوند وحی فرمود که: ای آدم! به «شیث» وصیت کن و او همان «هبة الله بن آدم» است و آدم به شیث وصیت کرد و شیث به پسرش «شبان» وصیت نمود که او فرزند «نزله حورا» است که خداوند او را از بهشت فرو فرستاد و او را تزویج شیث نمود و شبان به فرزندش «مجلث» وصیت کرد و او به «محقوق» و او به «غثمیشا» وصیت کرد و او به «اخنوخ» که همان «ادریس» پیامبر است و ادریس به «ناخور» و ناخور آن را به «نوح» تسلیم کرد و نوح به «سام» وصیت نمود و سام به «عثام» و او به «برعیثا» و او به «عمران» و عمران آن را به «ابراهیم خلیل» تسلیم نمود و ابراهیم به فرزندش «اسماعیل» وصیت کرد و او به «اسحاق» و او به «یعقوب» و او به «یوسف» و او به «بثریا» و او به «شعیب» و او به «موسی بن عمران» و او به «یوشع بن نون» و او به «داود» و او به «سلیمان» و او به «آصف بن برخیا» و او به «زکریا» و زکریا آن را به «عیسی بن مریم» تسلیم نمود و عیسی به «شمعون بن حمون صفا» وصیت کرد و او به «یحیی بن زکریا» و او به «منذر» و او به «سلیمه» و او به «بُرده»، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و «برده» آن را به من تسلیم نمود و من آن را

به تو ای «علی» تسلیم خواهم کرد و تو آن را به وصی خود خواهی داد و وصی تو آن را به اوصیا تو که از فرزندانست هستند خواهی سپرد یکی بعد از دیگری تا آنکه برسد به بهترین خلق زمین پس از تو<sup>۱</sup>.

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:  
 «پس از من دوازده امام هستند که اول آنها علی بن ابیطالب علیه السلام و آخریشان «قائم» است. آنان جانشینان و اوصیاء و اولیای من و حجتهای الهی بر امتم بعد از من می باشند. کسی که به (حقانیت) ایشان اقرار کند مؤمن و آنکه ایشان را انکار کند کافر است.<sup>۲</sup>»

### □ شباهتهای مهدی (عج) به پیامبران الهی

امام صادق علیه السلام فرمودند: در صاحب این امر (حضرت مهدی - عج -) سنتهایی از انبیاء وجود دارد.<sup>۳</sup>

#### ● نوح علیه السلام

- [سنت مهدی - عج -] از نوح، طول عمر است.<sup>۴</sup> (امام سجاده علیه السلام)  
 - خداوند، دیرزیستی او [حضرت مهدی - عج -] را مانند دیرزیستی نوح مقدر کرده است.<sup>۵</sup> (امام صادق علیه السلام)

#### ● ابراهیم علیه السلام

- [سنت مهدی - عج -] از ابراهیم ولادت پنهانی و کناره گیری و عزلت از مردم است.<sup>۶</sup> (امام سجاده علیه السلام)

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱ باب ۲۲ ح ۱ صص ۲۱۳-۲۱۱  
 ۲. همو. پیشین. ج ۱، باب ۲۴، ح ۴، ص ۲۵۹  
 ۳. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۳ ح ۴۶ ص ۳۵۰  
 ۴. همو. پیشین. ج ۲ باب ۵۴ ص ۵۷۷  
 ۵. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۳ ح ۱ ص ۳۵۴  
 ۶. همو. پیشین. ج ۲ باب ۵۴ ص ۵۷۷

● موسی علیه السلام

- [سنت مهدی - عج - از موسی علیه السلام] خوف (از ستمگران زمانه) و غیبت است.<sup>۱</sup> (امام سجاد علیه السلام)

- [سنت مهدی - عج - از موسی علیه السلام] خائف و ترسان بودن است.<sup>۲</sup> (امام صادق علیه السلام)

- [سنت مهدی - عج - از موسی علیه السلام] دوام خوف (از ستمگران زمانه)، طول غیبت، پنهانی ولادت، رنج شیعیانش پس از وی است که آزار و اذیت می بینند تا اینکه خداوند (حکم) ظهور دهد و او را بر دشمنانش نصرت و تأیید فرماید.<sup>۳</sup> (امام باقر علیه السلام)

● داوود و سلیمان علیهما السلام

- زمانی که قائم ال محمد صلی الله علیه و آله قیام کند در میان مردم به مانند داوود حکم و قضاوت خواهد نمود و به بینه و شاهد نیازی نخواهد داشت، چرا که خداوند امور را به وی الهام می کند و او بر اساس دانش (الهی) خویش قضاوت می کند. (امام صادق علیه السلام)<sup>۴</sup>.

- زمانی که قائم قیام کند به حکم داوود و سلیمان حکم کند و گواه طلب نکند.<sup>۵</sup>

● عیسی علیه السلام

- سنت او (مهدی - عج -) از عیسی اینکه درباره او می گویند مرده است ولی او نمرده است.<sup>۶</sup> (امام باقر علیه السلام)

- شباهت او (مهدی - عج -) با عیسی اختلافی است که درباره وی می کنند تا آنجا که گروهی گویند متولد نشده است و گروهی گویند از دنیا رفته و گروهی گویند

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۵۴ ص ۵۷۷

۲. همو. پیشین. ج ۱ ص ۲۸

۳. همو. پیشین. ج ۱ باب ۳۲ ح ۷ ص ۳۲۷

۴. المجلسی، محمد باقر. پیشین. ج ۵۲ ص ۳۳۸

۵. کلینی رازی. محمد بن یعقوب بن اسحاق. پیشین. ج ۱ باب فی الائمة اذا ظهر امرهم... ح ۱ ص ۳۹۷

۶. ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین. ج ۱ باب ۳۲ ح ۶ ص ۳۲۷

کشته شده و به صلیب آویخته شده است.<sup>۱</sup> (امام باقر علیه السلام)

- [سنت مهدی - عج - از عیسی علیه السلام] اختلاف مردم درباره اوست.<sup>۲</sup> (امام سجاد علیه السلام)

- [سنت مهدی - عج - از عیسی علیه السلام] سیاحت است.<sup>۳</sup> (امام صادق علیه السلام)  
برای عیسی علیه السلام چندین غیبت بود که ناشناس در زمین سیاحت می کرد و قوم و شیعیانش از او خبری نداشتند.<sup>۴</sup>

- [سنت مهدی - عج - از عیسی علیه السلام] در خوفش و مراقبت یهود است.<sup>۵</sup> (امام باقر علیه السلام)

### ● یوسف علیه السلام

- شباهت او با یوسف آن است که از خاص و عام غائب است.<sup>۶</sup> (امام باقر علیه السلام)  
توضیح: مفهوم روایت فوق این است که حضرت مهدی (عج) به اذن خدا از بهترین و بدترین مردم در غیبت است همانگونه که یوسف علیه السلام از پدرش یعقوب علیه السلام و برادرانش در غیبت بود.

- [سنت مهدی - عج - از یوسف علیه السلام] زندان است.<sup>۷</sup> (امام باقر علیه السلام)  
توضیح: در ظاهر امام زمان (عج) در طول زندگی به زندان نیفتاده است لذا توجیه این روایت آن است که همانطور که یوسف علیه السلام سر قضیه زلیخا بی گناه شناخته شد اما عزیز مصر با این حال او را به زندان افکند. حضرت مهدی (عج) نیز با توجه به اینکه حق است و همه به حقانیت او واقف هستند، اما مورد ظلم و ستم مردم زمان خودش واقع شده است. چه بسا «سجن» و «حبس» که به معنی زندان است کنایه ای از دوران غیبت هم باشد و تمثیلی باشد، چنانکه به یک زندانی دسترسی راحت نیست به ایشان نیز در دوران غیبت دسترسی راحت نیست و لذا گاهی زندان غیبت تعبیر می شود.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱ باب ۳۲ ح ۷ ص ۳۲۷

۲. همو. پیشین. ج ۲ باب ۵۴ ص ۵۷۷

۳. همو. پیشین. ج ۱ ص ۲۸

۴. همو. پیشین. ج ۱، باب ۸ ح ۱۸ ص ۱۶۱

۵. صافی گلپایگانی، لطف الله. پیشین. ص ۳۷۲

۶. ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین. ج ۱ باب ۳۲ ح ۷ ص ۳۲۷

۷. همو. پیشین. ج ۱ باب ۳۲ ح ۶ ص ۳۲۷

- [سنت مهدی - عج - از یوسف این است که] برادرانش او را مبیعه کردند (فروختند) و با او سخن می‌گفتند و او را نمی‌شناختند.<sup>۱</sup> (امام صادق علیه السلام)  
توضیح: مفهوم روایت این است که مهدی (عج) در میان مردم ظاهر می‌شود اما مردم امام زمانشان را نمی‌شناسند.

- [سنت مهدی - عج - از یوسف علیه السلام] مستور بودن است. خداوند بین او و مردم حجابی قرار می‌دهد. مردم او را می‌بینند اما نمی‌شناسند.<sup>۲</sup> (امام صادق علیه السلام)  
- [شباهت مهدی (عج) به یوسف علیه السلام] در جمال (زیبایی) و سخای (کرم) اوست.<sup>۳</sup> (امام باقر).

### ● ایوب علیه السلام

[شباهت مهدی (عج) به ایوب علیه السلام] گشایش بعد از آشوب و بلواست (امام سجاد علیه السلام)<sup>۴</sup>

### ● یونس بن متی علیه السلام

شباهت او با یونس بن متی علیه السلام آن است که پس از غیبت خود در سن زیادی (که باید قاعدتاً می‌داشت هنگامی که به سوی قوم) بر می‌گردد جوان است.<sup>۵</sup> (امام باقر علیه السلام)

### ● خضر و ذوالقرنین علیهما السلام

تذکر: ذوالقرنین علیهما السلام پیامبر نبوده است.

مثل او (مهدی - عج -) در این امت مثل خضر و ذوالقرنین علیهما السلام است او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی‌یابد مگر کسی که خداوند (عزوجل) او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج موفق

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱ ص ۲۸

۲. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۳ ح ۴۶ ص ۳۵۱

۳. صافی گلپایگانی. لطف الله. پیشین. ص ۳۷۲

۴. ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۵۴ ص ۵۷۷

۵. همو. پیشین. ج ۱ باب ۳۲ ح ۷ ص ۳۲۷

سازد.<sup>۱</sup> (امام عسکری علیه السلام)

● صالح علیه السلام

- صالح علیه السلام زمانی از قوم خود غیبت کرد و آن روز که غائب شد مردی کامل، خوش اندام با ریش فراوان، لاغر میان، سبک گونه و در میان مردان متوسط القامه بود.

چون به نزد قومش بازگشت او را از چهره‌اش تشخیص ندادند. در حالی که مردم سه دسته بودند:

منکرانی که هرگز برنگشتند.

آنان که اهل شک و تردید بودند.

و دیگران که اهل ایمان و یقین بودند.

صالح، هنگامی که برگشت به دعوت اهل شک و تردید پرداخت و به آنها گفت: من «صالح» هستم. اما او را تکذیب کردند و دشنام دادند و از خود راندند و گفتند: خدا از تو بیزار باد! صالح به شکل تو نبود. آنگاه که به نزد منکران آمد؛ آنان نیز سخن او را نشنیدند و به سختی از او دوری کردند.

سپس نزد دسته سوم رفت که اهل ایمان و یقین بودند و به آنها گفت: من صالح هستم. گفتند: برای ما خبری بازگو تا شک ما برطرف گردد و ما شکی نداریم که خداوند خالق است که هر کسی را که بخواهد به هر شکلی در می‌آورد و به ما خبر داده‌اند و نیز در میان خود، نشان‌های قائم را آنگاه که بیاید بررسی کرده‌ایم و صحت آن به وسیله یک خبر آسمانی محقق می‌شود.

صالح گفت:

من صالحی هستم که ناقه (شتر) را برای شما آوردم.

گفتند: راست گفتی! آن همان است که ما بررسی کرده‌ایم.

آن شتر چه نشانه‌هایی داشت؟

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱ باب ۳۸ ح ۱ ص ۳۸۵

صالح گفت: یک روز شتر آب می نوشد و یک روز شما. گفتند: به خدا و آنچه آورده‌ای ایمان آوردیم و این چنین است که خداوند (تبارک و تعالی) فرموده است: ﴿قال الملا الذین استکبروا من قومه للذین استضعفوا لمن امن منهم اتعلمون ان صالحاً مرسل من ربه قالوا انا لما ارسل به مؤمنون﴾ (الاعراف/۷۵) (منکران (قوم صالح) به مستضعفان که ایمان آورده بودند گفتند آیا واقعاً شما یقین دارید که صالح از سوی پروردگارش فرستاده شده است آنها گفتند ما به آنچه او مأموریت یافته ایمان داریم)

و اهل شک و منکران گفتند: ﴿انا بالذی آمنتم به کافرون﴾ (الاعراف/۷۶) (ما نیز به آنچه شما ایمان دارید کافر هستیم). (راوی گوید): گفتم: آیا در آن روز در میان ایشان دانشمندی آگاه به صالح بود؟ امام فرمودند: خداوند عادل‌تر از آن است که زمین را بدون عالم و دانشمند بگذارد که او مردم را به سوی خداوند (عزوجل) راهی می‌کند و آن قوم بعد از خروج صالح تنها هفت روز در حال بلا تکلیفی بودند و امامی را نمی‌شناختند ولی آنها به همان دین خداوند (عزوجل) که در دستشان بود عمل می‌کردند و با هم متحد بودند و چون صالح علیه السلام ظهور کرد، دور او جمع شدند و همانا مثل قائم [مهدی (عج)] مثل صالح علیه السلام است.<sup>۱</sup>

#### ● محمد صلی الله علیه و آله

- [سنت مهدی - عج - از محمد صلی الله علیه و آله] قیام با شمشیر است.<sup>۲</sup> (امام صادق علیه السلام)  
 - [سنت مهدی - عج - از محمد صلی الله علیه و آله] این است که به هدایت او مهدی می‌شود و به روش او حرکت می‌کند.<sup>۳</sup> (امام صادق علیه السلام).  
 - شباهت او [مهدی (عج)] با جدش پیامبر، خروج او با شمشیر است و اینکه او دشمنان خدا و رسولش و ستمگران و طاغوتها را خواهد کشت و او با شمشیر و رعب یاری می‌شود و هیچ پرچمی از او برنگردد.<sup>۴</sup> (هر سپاهی به هر نقطه‌ای بفرستد، پیروز می‌شود و هرگز بدون فتح و پیروزی برنمی‌گردد).

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱ باب ۳ صص ۱۳۷-۱۳۶

۲. همو. پیشین. ج ۱ ص ۲۸

۳. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۳ ح ۴۶ ص ۳۵۱

۴. همو. پیشین. ج ۱ باب ۳۲ ح ۷ ص ۳۲۷

□ شباهت منتظران پیامبر (ص) و منتظران مهدی (عج)

در کتابهای آسمانی چون تورات و انجیل و نیز تعالیم پیامبران الهی همگی از ظهور پیامبر بزرگ اسلام یاد شده بود.

لذا آن دسته از مردم و خصوصاً دانشمندان که از موضوع با خبر بودند منتظر ظهور و خروج پیامبر بودند.

● زیدبن عمرو بن نفیل از کسانی است که در جستجوی دین حنیف بود و امر (نبوت) پیامبر (اسلام) را می‌شناخت و منتظر خروج (ظهور) او بود و در طلب پیامبر به قتل رسید<sup>۱</sup>

● ابوالمؤیهب راهب از کسانی است که پیش از بعثت، پیامبر و وصیش علی بن ابیطالب (صلوات الله علیه) را با صفاتش می‌شناخت.<sup>۲</sup>

● بحیرای راهب از کسانی بود که پیامبر را قبل از ظهورش به صفت و نعت و نسب و اسم و پیامبری می‌شناخت و از منتظرین خروج (ظهور) او بود.<sup>۳</sup>

● تبع پادشاه (یمن) نیز از کسانی بود که پیامبر ﷺ را می‌شناخت و منتظر خروج (ظهور) او بود زیرا خبر آن به وی رسیده بود و می‌دانست که پیامبر به زودی از مکه ظهور می‌کند و به یثرب (مدینه) مهاجرت خواهد کرد.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام راجع به تبع فرموده است: او خبر دار شده بود که از این شهر (مکه) پیامبری ظهور خواهد کرد که به یثرب مهاجرت خواهد نمود به همین خاطر گروهی از مردم یمن را با یهودیان در آنجا منزل داد تا او مبعوث شود و وی را یاری کنند. تبع به دو قبیله «اوس» و «خزرج» سفارش کرد که همین جا باشید تا این پیامبر ظاهر گردد اما من اگر او را درک کنم بدو خدمت می‌کنم و با او خواهم بود.<sup>۵</sup>

حال پیامبر ﷺ پیش از نبوت همان حال قائم و صاحب الزمان ما در این هنگامه است. زیرا پیامبر ﷺ را در آن حال جز احبار و رهبانان و عالمان نمی‌شناختند و

۱. رک: ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین ج ۱ باب ۲. ح ۴۳ صص ۱۹۸-۱۹۹

۲. رک: همو. پیشین. ج ۱ باب ۱۶ ح ۳۹ صص ۱۹۱-۱۹۰

۳. رک: همو. پیشین. ج ۱ باب ۱۴ ح ۳۵ ص ۱۸۲ به بعد

۴. همو. پیشین. ج ۱ باب ۱۱ ص ۱۶۳

۵. همو. پیشین. ج ۱ باب ۱۱ ص ۱۷۱-۱۷۰



اسلام در میان ایشان غریب بود. اگر یکی از آنها از خدای (تبارک و تعالی) تعجیل فرج پیامبر و ظهورش را مسئلت می‌کرد، اهل جهل و گمراهی او را مسخره می‌کردند و می‌گفتند: این پیامبر که او را «پیامبر شمشیر» (پیامبر ایجاد کننده عدالت) می‌نامید و دعوتش به شرق و غرب عالم خواهد رسید و سلاطین عالم مطیع او خواهند شد چه زمانی ظاهر خواهد شد؟ چنانکه امروزه نیز جاهلان به ما می‌گویند: این مهدی که به او معتقد هستید که ظهور می‌کند؛ پس کی ظاهر خواهد شد؟ و بعضی منکر و بعضی دیگر معترف به وجود او هستند.<sup>۱</sup>

### □ شباهت و وظیفه فقهاء در غیبت موسی و حضرت (عج)

چنانکه در مباحث قبلی اشاره کردیم وظیفه هدایت مردم در دوران غیبت به عهده فقهاء و راویان حدیث است. آنان که با گفتار و کردارشان باعث آرامش مردم و قوت قلب بیشتر در جهت انتظار فرج قائم می‌شوند.

از رسول خدا ﷺ روایت شده است:

وقتی وفات یوسف فرا رسید یوسف، شیعیان و اهل بیت خود را فرا خواند و پس از حمد و ثنای الهی به آنها گفت:

سختی شدیدی به آنها خواهد رسید، تا آنجا که مردانشان را بکشند و شکم زنان باردارشان را پاره کنند، تا آنکه خداوند حق را در قائم ایشان که از فرزندان لاوی بن یعقوب است ظاهر سازد و او مردی گندمگون و بلند قامت است و صفات و ویژگیهای او را برشمرد.

دوران غیبت بر بنی اسرائیل و سختی‌ها به وقوع پیوست. آنها چهار صد سال منتظر قیام قائم [یعنی موسی علیہ السلام] بودند تا آنکه ولادت او را بشارت دادند و علامت ظهورش را مشاهده کردند و سختی آنها شدت یافت و (دشمنان آنان) با سنگ و چوب به ایشان حمله کردند و فقیهی که به احادیث او آرامش می‌یافتند تحت تعقیب قرار گرفت و مخفی شد پس با او نامه نگاری کردند و گفتند: ما در گرفتاریها به احادیث تو آرامش می‌یافتیم. پس آن فقیه ایشان را به بیابانها برد و با آنها حدیث

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱ باب ۲۰ ص ۲۰۰

قائم (موسی علیه السلام) و صفات او و نزدیکی ظهور او را می گفت...

سالها از این قضیه می گذرد تا «خداوند به آن فقیه وحی کرد که به ایشان بگو: از جای خود حرکت نکنید که اذن فرج شما را دادم» در این میان موسی علیه السلام در حالی که سوار بر درازگوشی بود ظاهر شد و آن فقیه خواست او را به شیعیان معرفی کرده و موجبات آگاهی و بصیرت آنها را فراهم سازد. موسی آمد و فقیه پرسید:

- فرزند که هستی؟

- گفت: فرزند عمران

- گفت: او فرزند کیست؟

- گفت: فرزند «قاهث» فرزند «لاوی» فرزند «یعقوب»

- گفت: چه آوردی؟

- گفت: رسالت از جانب خداوند (عزوجل)

آن فقیه بر خاست و به دست موسی بوسه زد. سپس در میان ایشان نشست و آنها را خوشدل کرد، و اوامر موسی را ابلاغ و ایشان را متفرق کرد. از این زمان تا فرج (واقعی) ایشان که به غرق فرعون حاصل شد، چهل سال فاصله بود.<sup>۱</sup>

## □ شباهت منتظران غیر واقعی صاحب الزمان (عج) به منتظران غیر

### واقعی موسی علیه السلام

«موسی علیه السلام به میقات پروردگارش (در کوه طور) رفت تا پس از سی شب (به سوی قومش) بازگردد اما خداوند (مدت زمانی را که موسی باید آنجا می بود) به ده شب (دیگر) کامل ساخت و (مدت) میقات او چهل شب گردید. چون زمان مراجعت موسی (از کوه طور) ده شب از قرار قبلی (که به قومش گفته بود) به تأخیر افتاد. (منتظران غیر واقعی و بی خرد بنی اسرائیل) این مدت اندک را بسیار شمردند و دلهایشان از قساوت لبریز شد و از دستور خداوند و از دستور (حضرت موسی علیه السلام) سرپیچی کردند و هارون خلیفه و جانشین موسی را (نافرمانی نمودند) و او را ناتوان شمردند تا آنجا که نزدیک بود (هارون) را به قتل برسانند. (قوم موسی فقط به

۱. ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین. ج ۱ باب ۶ ص ۱۴۵ به بعد

خاطر این ده شب دست از پرستش خدای یگانه برداشتند) و پیکر گوساله‌ای را که از آن صدا تولید می‌شد مورد پرستش قرار دادند و از پرستش خدای یکتا باز ایستادند، و سامری (آن کسی که آن بت شبیه گوساله را درست کرده بود) به آنها گفت که: «این همان خدای شما و خدای موسی است» و حضرت هارون علیه السلام پیوسته ایشان را پند می‌داد و از پرستش گوساله باز می‌داشت و می‌گفت:

﴿یا قوم انما فتنم به وان ربکم الرحمن فاتبعونی و اطیعوا امری قالوا لن نبرح علیه عاکفین حتی یرجع الینا موسی﴾ (طه / ۹۳-۹۴)

(ای مردم! شما به این گوساله آزمایش شدید اما پروردگار (واقعی) شما خداوند رحمن است. از من (به عنوان جانشین و وصی موسی) پیروی کنید و امر مرا اطاعت کنید. (آنها گفتند: ما دست از پرستش گوساله بر نمی‌داریم تا اینکه موسی (از میقات و کوه طور) بازگردد.

﴿و لما رجع موسی الی قومه غضبان اسفاً قال بئسما خلفتمونی من بعدی اعجلتم امر ربکم...﴾ (الاعراف/ ۱۴۹)

(و هنگامی که موسی به نزد قومش غضبناک و ناراحت بازگشت گفت: در غیاب من چه کارهای زشتی انجام دادید آیا به امر پروردگارتان شتاب داشتید...) پس شگفت آور نیست اگر نادانان این امت نیز مدت غیبت صاحب الزمان (عج) را طولانی شمارند و بی هیچ دلیلی و بدون بصیرت از مذهب خود برگردند).

### □ شباهت خسف بیداء و غرق فرعون

چنانکه گفتیم «سفیانی»، خبیث‌ترین مردم در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) و از دشمنان آن حضرت است.

او به مدینه حمله ور می‌شود تا مهدی (عج) را به قتل برساند به خواست خداوند در «بیداء» (نام بیابانی در جنوب مدینه) زمین دهان باز کرده و لشکریانش را می‌بلعد. این اتفاق شبیه غرق شدن لشکریان فرعون در زمان حضرت موسی علیه السلام است. هنگامی که آنها قوم بنی اسرائیل را تعقیب می‌کردند و دریای نیل به برکت وجود حضرت موسی علیه السلام از میان گشوده شد و راه همواری ایجاد شد تا قوم بنی اسرائیل از فوعون و لشکریان او بگریزند. هنگامی که لشکر فرعون به آنها نزدیک

شد و در محدوده دریای شکافته شده قرار گرفت به اذن خدا آبهای کنار رفته آنها را در برگرفتند و ایشان در نیل غرق شدند و گزندی به موسی و قوم او نرسید.

### □ شباهت امتحان اصحاب طالوت (ع) و اصحاب حضرت (عج)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

اصحاب طالوت نبی علیه السلام به یک رود آزمایش و امتحان شدند همانطور که خداوند تعالی فرموده است: ﴿مبتلیکم بنهر﴾ (البقره / ۲۴۹) و اصحاب قائم (عج) نیز به همین شکل امتحان می شوند.<sup>۱</sup>

### □ رابطه معنوی حضرت لوط (ع) و حضرت (عج)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که لوط علیه السلام به قومش می گفت:

﴿لوان لی بکم قوه او اوی الی رکن شدید﴾ (هود / ۸۰)

(ای کاش در برابر شما توانایی (قوه) می داشتم یا به ستون محکم (رکن شدید) مأوی می گرفتم)

آرزو داشت که قوه (توانایی) قائم (حضرت مهدی (عج)) را داشته باشد و با (ذکر اصطلاح رکن شدید (ستون محکم)) استواری اصحاب (صاحب الزمان - عج -) را یاد کرده است.<sup>۲</sup>

مؤلف گوید: از این آیه شریفه به خوبی پیداست که مهدی (عج) و ویژگیهای اصحابش قرنهای قبل از ولادت ایشان برای اهل حقیقت معروف و مورد آرزو و تمنا بوده است. (اللهم اجعلنا من انصاره و اعوانه) در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است:

«قائم بدنی قوی دارد تا آنجا که اگر دستش را به بزرگترین درخت روی زمین دراز کند آن را از جای برکند و اگر بین کوهها فریاد کشد صخره‌های آن فرو ریزد».<sup>۳</sup>

۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم. پیشین. باب ۲۰ ح ۱۲ ص ۳۱۶  
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین ج ۲ باب ۵۸ ح ۲۷ ص ۶۷۳  
 ۳. همو. پیشین. ج ۲ باب ۲۵ ح ۷ ص ۳۷۶

### □ آرزوی موسی (ع) برای قائم آل محمد شدن

امام باقر علیه السلام فرمودند: در سفر اول تورات، فرمانروایی و فضیلتی که به «قائم آل محمد» داده می شود نظر «موسی بن عمران» را جلب نمود.

موسی علیه السلام عرض کرد: پروردگارا! مرا «قائم آل محمد» قرار بده! به او گفته شد که او از ذریه «احمد» (پیامبر آخر الزمان) است سپس به سفر دوم نگاه کرد همانند آن را دید و همان خواهش را نمود و همان پاسخ را شنید. سپس به سفر سوم نگاه کرد و مانند آن را دید و همان خواهش را نمود و همان پاسخ را نیز شنید.<sup>۱</sup>

### □ رابطه خضر و حضرت (عج)

الف) خضر علیه السلام، مونس تنهایی حضرت مهدی (عج)

از امام رضا علیه السلام روایت است:

«حضرت خضر علیه السلام از آب حیات نوشید و او زنده است و تا نفع صور (قیامت) نخواهد مرد و او نزد ما (اهل بیت) می آید و (عرض) سلام می کند و ما آوازش را می شنویم اما شخصش را نمی بینیم و او هر جا که یاد شود حاضر می شود و هر کس که او را یاد کند باید بر او سلام کند و او همه ساله در موسم حج حاضر می شود و همه مناسک را به جای می آورد و در بیابان «عرفه» وقوف می کند و بر دعای مؤمنین آمین می گوید و خداوند به واسطه او تنهایی قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل کند و [غربت او را] با وصلت [خضر علیه السلام] بر طرف سازد».<sup>۲</sup>

### ب) حکمت عمر طولانی خضر علیه السلام

همانطور که می دانیم و در روایات ما آمده حضرت خضر (علی نبینا و علیه السلام) حداقل از زمان حضرت موسی علیه السلام تا کنون زنده است. روایتی از امام صادق علیه السلام در دست است که حکمت خداوند را از عمر طولانی خضر بیان فرموده اند: «بنده شایسته (خدا) [یعنی خضر علیه السلام]، خدای تعالی عمر او را طولانی ساخته

۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم. پیشین باب ۱۳ ح ۳۴ ص ۲۴۰

۲. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ماروی من حدیث الخضر ح ۴ صص ۳۹۱-۳۹۰

است ولی نه به خاطر نبوتی که برای وی تقدیر کرده است و یا کتابی که بر وی فرو فرستد و یا شریعتی که به واسطه آن شرایع انبیاء پیشین را نسخ و یا امامتی که بر بندگان اقتداء به آن لازم باشد، و یا طاعتی که انجام دادن آن بر وی واجب باشد بلکه چون بر علم خداوند گذشته بود که عمر قائم علیه السلام (حضرت مهدی علیه السلام) در دوران غیبتش طولانی خواهد شد تا به جایی که بندگان مسئله غیبت را به واسطه طولانی بودنش انکار کنند، خداوند عمر بنده صالح خود را طولانی نمود تا از طویل بودن آن به طولانی بودن عمر قائم علیه السلام استدلال شود و حجت دشمنان و عناد ورزان قطع گردد و برای مردم علیه خداوند حجتی نباشد.<sup>۱</sup>

### □ شباهت و رابطه حضرت عیسی علیه السلام و حضرت (عج)

شباهت‌های بسیار زیادی می‌توان میان حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مهدی (عج) پیدا کرد که فقط به چند نمونه بسنده می‌کنیم:

#### ۱. سن کم عیسی در هنگام نبوت

چنانکه از قرآن مطلع هستیم عیسی علیه السلام از همان کودکی، نبوت داشت و شباهت مهدی و عیسی علیه السلام این است که مهدی (عج) نیز از پنج سالگی منصب امامت را بر عهده داشتند.

#### ۲. عمر طولانی

هر دو شخصیت از عمر طولانی برخوردارند و هر دو تا زمان ما زنده هستند.

#### ۳. نماز پشت سر حضرت مهدی (عج)

چنانکه در روایات قبلی آوردیم حضرت عیسی علیه السلام در زمان ظهور پشت سر حضرت مهدی (عج) نماز می‌خواند.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ ح ۵۳ ص ۳۵۷

۴. مهدی از نسل شمعون نبی علیه السلام است.

با توجه به روایت ازدواج حضرت عسکری علیه السلام با نرجس خاتون (س) که در قافله اول آوردیم. نرجس از طریق مادری از اولاد شمعون نبی و وصی حضرت عیسی علیه السلام بوده است. به این شکل نیز مهدی (عج) یک ارتباطی با عیسی علیه السلام پیدا می‌کند.

و ارتباطات بسیاری نیز وجود دارد که ما به جهت رعایت ایجاز از آنها می‌گذریم.

### □ شباهت و رابطه امام حسین علیه السلام و حضرت (عج)

میان امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی (عج) نیز شباهت‌ها و ارتباطاتی وجود دارد که ما فقط به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

#### ۱. قیام با شمشیر

هر دو بزرگوار قیام با شمشیر دارند، قیام امام حسین بر ضد حکومت مستبدانه و ستمگر اموی (یزید بن معاویه) که منجر به شهادت ایشان و یاران وفادارشان شد و خون تازه‌ای در رگهای اسلام به جریان افتاد و قیام با شمشیر حضرت مهدی (عج) که منجر به تأسیس حکومت حقه آل محمد صلی الله علیه و آله و تولید عدالت در سراسر عالم می‌شود.

#### ۲. مهدی از نسل حسین علیه السلام است.

در روایات بسیار مهدی (عج) را از نسل حسین اعلام و او را نهمین فرزند حسین بیان فرموده‌اند.

مثلاً مهدی (عج) را از نسل امام حسن علیه السلام اعلام فرموده‌اند و این خود یک رابطه دیگر امام حسین علیه السلام با مهدی (عج) است.

#### ۳. منتقم خون حسین علیه السلام

حضرت مهدی (عج) منتقم خون پاک امام حسین علیه السلام است و در روایات به این

رابطه معنوی اشاره شده است و ما آن را در قافله پنجم آورده‌ایم و دهها رابطه دیگر که تیمناً به این چند نمونه بسنده شد.

### □ رابطه لقب امام ششم و حضرت (عج)

در لقب «صادق» به معنی راستگو برای امام جعفر بن علی علیه السلام امام ششم مسلمین جهان، حکمت و ارتباطی با حضرت صاحب الزمان (عج) وجود دارد. در یکی از روایات معتبره، شخصی از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام از ایشان اسامی اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌پرسد تا این که در نام بردن آنها نوبت به امام ششم می‌رسد. امام زین العابدین وجود نازنین ایشان را پیشگویی می‌فرمایند و در ادامه کلام می‌فرمایند امام جعفر را در آسمان «صادق» می‌خوانند. همنشین امام زین العابدین علیه السلام، از علت وجود این نام پرسش می‌کند: (با توجه به اینکه همه ائمه صادق و راستگو هستند)

در جواب امام می‌فرمایند: پدرم از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت فرموده است: «آنگاه که فرزندانم جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام متولد شد نامش را «صادق» بگذارید که پنجمین از سلاله او فرزندی است که نامش «جعفر» است و به خدا دروغ می‌بندد و ادعای امامت می‌کند و او نزد خدا «جعفر کذاب» است و مدعی مقامی است که اهل آن نیست و مخالف پدر خویش (یعنی امام هادی علیه السلام) و حسود بر برادر خود (یعنی امام عسکری علیه السلام) است. او کسی است که می‌خواهد در هنگام غیبت، ولی خدا (یعنی حضرت مهدی - عج -) را برملا سازد<sup>۱</sup> [و جای او را به خلیفه وقت نشان دهد تا وی را به قتل برسانند].»

از این روایت استفاده می‌شود که حتی لقب امام صادق علیه السلام که شخص ایشان در بین مسلمین چه شیعه و چه سنی از جایگاه ممتازی برخوردار می‌باشند. سالها قبل از ولادت ایشان مرتبط با حضرت صاحب الزمان (عج) در نظر گرفته شده و این نکته بسیار جالب توجه و درخور مذاقه است.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین ج ۱ باب ۳۱ ح ۲ صص ۳۲۰-۳۱۹



### □ ابراز فخر پیامبر و معصومین علیهم السلام از وجود حضرت (عج)

آنچه از اخبار ملاحظه می شود این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر معصومین علیهم السلام به اشکال گوناگون نسبت به وجود نازنین حضرت بقیه الله علیه السلام ابراز افتخار می کردند. وجود مهدی (عج) از نسل خویش را از بزرگترین افتخارات برای خود می دانستند.

در روایات فراوان از ائمه معصومین علیهم السلام به واژه های بسیاری چون «قائما» (قائم ما) «قائما اهل البیت» (قائم ما اهل بیت) یا «القائم منا» (قائم ما) برخورد می کنیم.

#### ● امام صادق علیه السلام فرمودند:

یک روز شخصی یهودی به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله رسید و در برابر حضرت ایستاد و به ایشان خیره شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: چه می خواهی؟

گفت: آیا شما افضل و برتر هستید یا موسی علیه السلام که خداوند با او صحبت کرد و تورات و عصا و معجزاتی چون شکافتن دریا و سایبان ابر بر او نازل فرمود؟ پیامبر فرمودند: تعریف از خود ناپسند است ولی می گویم.

زمانی که آن خطا از آدم علیه السلام سرزد با این جملات به سوی خداوند توبه نمود و گفت: «خداوندا به حق محمد صلی الله علیه و آله و آتش به درگاہت مسئلت می کنم که مرا ببخشایی!»

خداوند نیز از خطایش درگذشت.

نوح علیه السلام وقتی سوار کشتی شد و از غرق شدن ترسید اینگونه دعا کرد:

«خدایا! به حق محمد و آل او از تو درخواست می کنم که مرا از غرق شدن نجات دهی!» پس خداوند (عزوجل) او را نجات داد.

و ابراهیم علیه السلام وقتی در آتش افتاد. گفت:

«خدایا به حق محمد و آتش از تو می خواهم که مرا نجات دهی!»

خداوند نیز آتش را بر او سرد و سلامت کرد.

موسی علیه السلام چون عصایش را بر زمین افکند با مشاهده (مار بزرگ) ترس و دلهره

یافت. پس اینگونه دعا کرد:

«خدایا! به حق محمد و آتش از تو می‌خواهم که مرا امنیت بخشی!»  
و خداوند فرمود:

(ای موسی!) مترس که تو والاتری ...

ای یهودی! همانا اگر موسی مرا درک می‌کرد و به من و پیامبریم ایمان نمی‌آورد،  
ایمان و نبوت او هیچ سودی برایش نداشت.

ای یهودی! مهدی از نسل من است که چون خروج (قیام) کند عیسی بن مریم  
علیه السلام برای یاریش فرود آید و او را مقدم بر خود می‌دارد و پشت سرش نماز  
می‌خواند.<sup>۱</sup>

● روزی پیامبر ﷺ خطاب به حضرت فاطمه زهرا (س) که از بیماری که منجر  
به وفات پیامبر می‌شد بسیار ناراحت بود فرمودند:

ای دخترم! ما خاندانی هستیم که خداوند (عزوجل) به ما شش خصلت  
مرحمت فرموده که به کسی قبل و بعد از ما عطا نکرده است:

۱. پیامبر ما بزرگ و مهتر همه پیامبران است و او پدر توست.
۲. جانشین ما بزرگ و مهتر همه جانشینان پیامبران است که او همسر توست.
۳. شهید (خاندان) ما سرور شهدا است و او «حمزة بن عبدالمطلب» عموی پدر  
توست.

۴. جعفر بن ابیطالب که دارای دو بال است و در بهشت با فرشتگان پرواز  
می‌کند.

۵. دو فرزند تو حسن و حسین که دو سبط امت من و سرور جوانان اهل بهشت  
هستند.

۶. قسم به خدایی که جانم در دست اوست. مهدی این امت از ماست کسی که  
زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همانگونه که از جور و ظلم پر شده است.<sup>۲</sup>

● پیامبر ﷺ فرمودند: ما اولاد عبدالمطلب از سروران بهشتی هستیم: من و  
علی و حمزه و جعفر و حسن و حسین و مهدی<sup>۳</sup> چنانکه از سه روایت مذکور

۱. الطبرسی، احمد بن علی. پیشین. ج ۱ صص ۴۸-۴۹

۲. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین ج ۱ باب ۲۴ ح ۱۰ صص ۲۶۳-۲۶۴

۳. طوسی، محمد بن حسن. الغیبة للحجة ص ۱۸۳

استفاده می شود پیامبر یکی از افتخارات خود را وجود مهدی (عج) از نسل خویش می داند چون همه پیامبران آرزومند تأسیس دولت حقه و عدالت گستر در عالم بودند و موفق نشدند تا اینکه قرعه کار را به اذن خداوند به نام مقدس مهدی (عج) زده اند.

### □ عظمت و مجد مهدی (عج) از دیدگاه ائمه

این فقره را از دو منظر «مشغولیت ذهنی ائمه» و «احترام خاص» ایشان به حضرت (عج) مورد بررسی قرار می دهیم.

#### الف) مشغولیت ذهنی ائمه علیهم السلام

از برخی روایات چنین به نظر می رسد که عظمت و مأموریت الهی و توفیق و تایید خداوندی در مورد مهدی (عج) چنان وصف ناپذیر و بی اندازه ایست که اذهان معصومین علیهم السلام را به حقیقت مهدی (عج) مشغول ساخته است.

#### ● امام علی علیه السلام

اصبغ بن نباته [از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام] گوید: بر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شدم و دیدم که ایشان غرق تفکر هستند و با انگشت بر زمین خط می کشند.

گفتم: ای امیرالمؤمنین! چرا شما را متفکر می بینم و چرا بر روی زمین خط می کشید؟ آیا به زمین و خلافت در آن رغبتی پیدا نموده اید؟

امام علیه السلام فرمودند: نه به خدا قسم! نه به آن و نه به دنیا هیچ روزی رغبتی نداشته ام، اما در مورد مولودی اندیشه می کنم که از نسل من و یازدهمین فرزند من است. او «مهدی» است و زمین را پر از عدل می کند همانطور که از ستم و ظلم آکنده شده است. او را غیبت و حیرتی است که عده ای در آن گمراه شده و عده ای دیگر در آن هدایت یابند!

● امام حسن عسکری علیه السلام

از حکیمه دختر امام جواد روایت شده است که:  
برادرزاده‌ام [یعنی امام عسکری علیه السلام] به دیدارم آمد و به او [یعنی نرجس که آن موقع در خانه حکیمه بود] نگاه عمیقی کرد. به ایشان عرض کردم: ای سرور من! می‌خواهی او را به نزدت بفرستم؟ امام علیه السلام فرمودند: نه عمه! [بلکه سبب این نگاه من این است که] از او در شگفتم! گفتم: شگفتی و تعجب شما از چیست؟ فرمودند: به زودی فرزندی از وی به وجود آید که نزد خداوند (عزوجل) گرامی است و خداوند به واسطه او زمین را از عدل و قسط سرشار می‌کند همانگونه که از جور و ستم لبریز شده است.<sup>۱</sup>

(ب) احترام خاص ائمه

از متون روایات چنین استنباط می‌شود که ائمه معصومین علیهم السلام برای حضرت مهدی (عج) احترام خاصی قائل بودند و این امر در سیره ایشان به نظر رسیده است:

● امام علی علیه السلام

شوقاً الی رؤیته<sup>۲</sup>

چقدر مشتاق دیدار اویم

یا امام علی علیه السلام در قنوت نماز خود در فراق مهدی (عج) و آرزوی دیدار او می‌فرمایند:

اللهم اناشکوا لیک فقد نبینا و غیبه امامنا فرج ذلک اللهم بعدل تظهره و امام حق تعرفه<sup>۳</sup>...

خدایا! ما به تو شکایت می‌کنیم از رحلت پیامبرمان و غیبت امامان. خداوندا!

۱- ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین ج ۲ باب ۴۲ ح ۲ ص ۴۲۶

۲- المجلسی، محمد باقر. پیشین ج ۵۱ باب ۲ ح ۱۴ ص ۱۱۵

۳- الطبرسی النوری، حاج میرزا حسین. مستدرک الوسائل ج ۴ باب ۶ ص ۴۰۴

گشایشی فراهم کن با عدالتی که ظاهر سازی و پیشوای حقی که از او شناخت داریم  
[یعنی مهدی موعود (عج)]

● امام صادق علیه السلام

امام هشتم شیعیان نیز عشق بازی خود با مهدی (عج) را اینگونه هویدا ساخته  
است:

سیدی غیبتک نفت رقادی و ضیقت علی مهادی و ابتزت منی راحة فؤادی<sup>۱</sup>...  
ای سرور من! غیبت تو خواب از چشمان من ربوده و عرصه را بر من تنگ کرده  
و آسایش دلم را سلب نموده است...  
و در جایی دیگر فرموده اند:  
لوادرکته لخدمته ایام حیاتی<sup>۲</sup>  
اگر زمان او را درک می کردم همه عمرم به او خدمت می نمودم.

● امام کاظم علیه السلام

در جایی امام هفتم شیعیان راجع به مهدی (عج) فرموده است:  
بابی القائم بامر الله<sup>۳</sup>  
پدرم به فدای او که به امر خدا قیام می کند.

● امام رضا علیه السلام

در سیره این امام عالی مقام نیز گزارش شده که به هنگام شنیدن نام مبارک «قائم»  
به احترام و عظمت حضرت حجت (عج) متواضعانه از جای برخاستند و دست  
مبارکشان را بر سر نهاده و برای فرج ایشان دعا فرمودند.<sup>۴</sup>

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین. ج ۳ باب ۳۳ ح ۵۱ ص ۳۵۳  
۲. النعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر. پیشین. باب ۱۳ ص ۲۴۵  
۳. ابن طاووس حلی، سید رضی الدین علی بن موسی. فلاح السائل و نجاح المسائل. انتشارات دفتر  
تبلیغات اسلامی. قم. باب ۲۱ ص ۲۰۰  
۴. التستری، محمد تقی. قاموس الرجال. النشر الاسلامی. الطبعة الثانية. قم. ۱۴۱۲ هـ ج ۴ ص  
۲۹۰

جالب است که بدانید از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: چرا به هنگام شنیدن نام «قائم» لازم است [مستحب است] از جای برخیزیم؟  
امام فرمودند:

برای آن حضرت غیبت طولانی هست و این لقب یادآور دولت حقه آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت اوست. لذا آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد به هر کس که حضرتش را با این لقب یاد کند نگاه محبت آمیزی می‌کند. از تجلیل و تعظیم آن حضرت است که هر بنده خاضعی در مقابل صاحب خود هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد از جای برخیزد. پس باید برخیزد و تعجیل در امر فرج مولایش را از خداوند مسئلت کند.<sup>۱</sup>

از روایات یاد شده و خصوصاً از تجمیع و برداشت دو روایت اخیر احترام خاص ائمه نسبت به ساحت مقدس صاحب الزمان (عج) استفاده می‌شود تا آنجا که امام هشتم شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به هنگام شنیدن نام مبارک «قائم»، دست بر سر مبارک خویش می‌نهند و چون عبد خاضعی نسبت به ساحت مقدس صاحب الزمان (عج) احترام می‌گذارند. علی بن ابیطالب علیه السلام نیز با آن همه مجد و بزرگواری در حسرت دیدار قائم آل محمد صلی الله علیه و آله در قنوت نماز خود از غیبت امام (عج) به خداوند شکایت می‌کند. پس از جام باده ابراز ارادت، احترام خاص و عشق‌بازی معصومین علیهم السلام نسبت به حقیقت مهدی (عج) هنگامی سرمست می‌شویم که بدانیم هر امام، مأموم امام قبل از خود است، یعنی تا زمانی که پدر گرامی هر امام زنده است او حق امامت ندارد و باید او در همه امور به پدر خود اقتدا کند، چنانکه در کهن‌ترین کتاب شیعه از افضلیت هر امام نسبت به امام بعد یاد شده است آنجا که سلمان (علیه الرحمه) از پیامبر می‌پرسد:

«یانبی الله! المهدی افضل ام ابوه؟ قال: ابوه افضل منه<sup>۲</sup>»

(ای پیامبر خدا! مهدی افضل است یا پدرش؟ پیامبر فرمودند: پدرش از او افضل است).

۱- صافی گلپایگانی. لطف الله. منتخب الاثر. ص ۵۰۶

۲- الهلالی. سلیم بن قیس. کتاب السقیفه یا کتاب سلیم بن قیس هلالی. انتشارات الهادی قم.

به راستی مهدی (عج) چه حقیقت ناب و شگرفی است که ائمه قبل از خود را که از او افضل بودند؛ چنین سرمست و شیدای خویش کرده است؟

### □ ائمه گریان برای حضرت (عج)

ائمه معصومین علیهم السلام از امام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام پیوسته در راه اعتلای نام خدا و اسلام مصیبتها و بلاهای عظیمی را متحمل شدند که بررسی مصیبتها و فشارهایی که افراد جلاد بر آنها وارد ساختند برای اهل معرفت و خرد و همه آزاد اندیشان جهان بسیار خزن انگیز و غم بار است. با این همه در برخی روایات مشاهده کرده‌ام که بعضی از ائمه با به یاد آوردن نام مهدی صاحب الزمان (عج) برای ایشان گریسته‌اند و این می‌تواند از اوج بسایا و مصیبت‌هایی که بر این امام غائب (عج) وارد آمده و خواهد آمد حکایت داشته باشد. چه بسا زجر و درد مخفیانه زیستن و از دوستان و شیعیان دور بودن و آواره کوه و بیابان شدن خیلی کمتر از درد از یاد رفتن حضرت از میان مسلمین (عج) باشد. و ما امیدواریم خداوند به همه ما این توفیق را عطا کند تا بتوانیم یاد مهدی (عج) را در همه جای جهان زنده نماییم. (والله ولی التوفیق و علیه التکلان).

مع الوصف فقط به این چند نمونه اشاره می‌شود:

#### ● امام صادق علیه السلام

جمعی از اصحاب امام صادق علیه السلام به محضر امام علیه السلام مشرف می‌شوند و می‌بینند که امام بر خاک نشستند و مانند مادر فرزند مرده جگر سوخته واله گریه می‌کنند و غم در چهره شان آشکار و چشمانشان از اشک پر شده است و با خود زمزمه می‌کنند:

ای آقا و سرور من! غیبت تو خواب از چشمان من ربوده و عرصه را بر من تنگ ساخته و آرامش و راحت قلبم را از من گرفته است.

ای آقا و سرور من! غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابدی پیوند داده است ... یکی از اصحاب از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: کدام حالی است که این غم را بر شما واجب کرده است؟

امام می‌فرمایند: ... ولادت قائم ما و غیبت او و تأخیر کردن و طول عمرش و بلوای مؤمنین در آن زمان و پیدا شدن شک‌ها و تردیدها در قلب آنها به واسطه طولانی شدن غیبت و مرتد شدن آنها از دینشان و برداشتن رشته اسلام از گردنهایشان<sup>۱</sup> ...

● امام رضا علیه السلام

«دعبل بن علی خزاعی» برای امام رضا علیه السلام قصیده‌ای را قرائت می‌کند. در دو بیت از ابیات آن مفاهیم و مضامین مرتبط با شخصیت امام قائم علیه السلام بود. امام پس از شنیدن این دو بیت، گریه شدیدی می‌کند<sup>۲</sup>.

● امام جواد علیه السلام

امام جواد علیه السلام در جایی از ائمه بعد از خود یاد می‌کردند تا به امام حسن عسکری علیه السلام رسیدند و بعد سکوت اختیار نمودند. از ایشان پرسیده شد ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله امام پس از امام حسن عسکری علیه السلام کیست؟ در این هنگام امام به شدت گریه کردند و فرمودند: پس از حسن، فرزندش قائم به حق امام منتظر می‌باشد<sup>۳</sup>.

### □ ائمه دعاگو برای تعجیل در فرج حضرت (عج)

در روایات به مواردی بر می‌خوریم که ائمه برای تعجیل در فرج حضرت صاحب الزمان (عج) و بر طرف شدن غیبت ایشان به درگاه خداوندی دعا فرموده‌اند. این امر نشان از این حقیقت مهم دارد که ائمه معصومین علیهم السلام خود آرزومند و مشتاق ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) به جهت ایجاد عدل و قسط در عالم بوده‌اند و به شکلی از منتظران آن امام غائب محسوب می‌شدند. آری شوق برپایی ظهور دولت کریمه و حقه حضرت مهدی (عج) برای همه آزاد مردان و آزاد اندیشان جهان از اهم آمال و آرزوها بوده است.

از پیشوای متقیان امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام روایت شده که در قنوت خود

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۳۳ ح ۵۱ صص ۳۵۳-۳۵۱

۲. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۵ ح ۶ ص ۳۷۲

۳. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۷ ح ۳ ص ۳۷۸



می فرمود:

«خدایا! ما به تو شکایت می‌کنیم از رحلت پیامبران و غیبت پیشوایان (یعنی مهدی آل محمد علیهم‌السلام). خدایا گشایشی فراهم کن با عدالتی که ظاهر سازی و پیشوای حقی که از او شناخت داریم...»<sup>۱</sup>

● امام باقر علیه‌السلام به زُراه فرمود: در روز جمعه پیش از آنکه برای خود دعا کنی در قنوت نمازت بگو:

«خدایا ما به تو شکایت می‌کنیم از فقدان پیامبران، از غیبت ولی امرمان، از سخت‌گیری روزگار، از وقوع فتنه‌ها، از همدستی دشمنان، از فزونی دشمنان و کمی یاران، بار پروردگارا گشایشی فراهم ساز با یک پیروزی نزدیک، نصرت شکوهمند و پیشوای عادل که برای ما ظاهر فرمایی...»<sup>۲</sup>

● یحیی بن فضل نوفلی گوید: در بغداد به محضر مقدس امام کاظم علیه‌السلام رسیدم چون از نماز عصر برداخت دستها را به سوی آسمان بر افراشت و عرضه داشت. دعای مفصلی نقل کرده و در پایان عرضه می‌دارد:

... و این که تعجیل فرمایی در فرج منتقم که انتقام تو را از دشمنانت می‌گیرد پس آنچه را که به او وعده فرموده‌ای به انجام برسان ای صاحب جلال و کرم.

نوفلی پرسید: این دعا در حق چه کسی است؟

فرمود: در حق مهدی آل محمد علیهم‌السلام

آنگاه برخی از ویژگیهای آن حضرت را می‌شمارد و در پایان می‌فرماید: بابی القائم بامر الله (پدرم به فدای آن بزرگواری که به فرمان خدا قیام می‌کند).<sup>۳</sup>

● امام هشتم شیعیان حضرت رضا علیه‌السلام نیز به شیعیان خود دستور می‌دهد که در روزهای جمعه در قنوت نماز ظهر، دعایی را در همین رابطه بخوانند.<sup>۴</sup>

۱. الطبرسی النوری، میرزا حسین. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه ال‌بیت. قم. ج ۴ ص ۴۰۴

۲. الطوسی. محمد بن الحسن (شیخ طوسی). مصباح المتعجل. بیروت. ۱۴۱۱ق. ص ۳۶۶

۳. ابن طاووس. السید علی بن موسی. فلاح السائل. قم. ص ۲۰۰

۴. همو. جمال الاسبوع. چاپ سنگی. تهران. ۱۳۳۰ق ص ۴۱۳

- امام جواد علیه السلام در قنوت نمازش برای تعجیل در امر فرج دعا کرده است.<sup>۱</sup>
  - امام هادی علیه السلام نیز در قنوت نمازش برای تعجیل در امر فرج دعا می کرد.<sup>۲</sup>
  - امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت نمازش دعای بسیار شکوهمندی برای تعجیل در امر فرج فرزند دلبندهش می خواند و از خداوند درخواست می کند که پس از سپری شدن شب ظلمانی غیبت، روز روشن عدالت را آشکار نماید.<sup>۳</sup>
- در اینجا اضافه می کنیم که این حال انتظار و اشتیاق به امامان علیهم السلام اختصاص ندارد بلکه بسیاری از اصحاب، تحت تربیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان دین، با دولت کریمه حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) آشنا گشته، عشقی جانسوز پیدا کرده شب و روز در فراق آن حضرت اشک می ریختند که یک نمونه آن جناب «سلمان» است.<sup>۴</sup>

### □ الگوی مهدی (عج) در زندگی

امام عصر (عج) فرموده اند:

«و فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة»

دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله [فاطمه زهرا] برای من اسوه نیکویی [الگوی پسندیده ای] است.<sup>۵</sup>

### □ فرزند رسول خدا (ص)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پس از من خلفاء و جانشینان و حجت های الهی بر مردم دوازده نفر هستند که اول آنان برادرم و آخر (آن حجتها) فرزند من است. گفتند: ای رسول خدا! برادر شما کیست؟ فرمودند: علی بن ابیطالب

۱. المجلسی. محمد باقر. بحار الانوار. ج ۸۵ ص ۲۲۶

۲. ابن طاووس. السید علی بن موسی. مهج الدعوات. چاپ سنگی. تهران ص ۶۲

۳. همو. پیشین. ص ۶۴

۴. الطبری، محمد بن جریر. دلائل الامامة. قم. ۱۴۱۳ ق. ص ۴۴۹ (برگرفته از: مهدی پور، علی اکبر. با دعای ندبه در پگاه جمعه، نشر موعود. صص ۳۷-۳۲)

۵. طوسی. محمد بن حسن، پیشین. ص ۲۸۱

گفتند: فرزند شما کیست؟

فرمودند: مهدی، کسی که زمین را از عدل و قسط پر می‌کند همانگونه که پر از ظلم و جور شده باشد.<sup>۱</sup>

### □ دوازده مهدی

ابوبصیر از اصحاب امام صادق علیه السلام گوید: از حضرت علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: در میان ما دوازده مهدی است که شش مهدی در گذشته و شش مهدی باقی است و خداوند با ششمین مهدی آنچه که خواهد کند.<sup>۲</sup>

### □ میراث مادی - معنوی پیامبران

بسیاری از میراث مادی پیامبران الهی مانند لباس، عصا، انگشتر و... و همین طور کتابهای آسمانی آنها در نزد مهدی (عج) باقی و حفاظت شده قرار دارد. به طوری که به جرأت می‌توان ایشان را بزرگترین گنجینه‌دار جهان دانست. از آنجایی که همه میراثهای مادی پیامبران قابلیت‌های معنوی نیز دارند (مانند انگشتر سلیمان) چه بسا اطلاق میراث مادی - معنوی بر آنها پسندیده‌تر باشد.

در روایات به عصای موسی، تابوت (صندوقچه) حضرت آدم علیه السلام، حجر موسی (سنگ موسی که هر جا اگر به آن عصایی بزنند، آب گوارا از آن خارج می‌شود) انگشتر سلیمان، زره پیامبر اسلام و دهها نمونه دیگر اشاره شده است. دور نیست گنجینه‌ها و موارث پیامبران بیشتر از آنچه که در روایات آمده؛ در نزد مهدی موجود باشد.

### □ اولین سخنرانی حضرت (عج)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«آقای ما قائم (عج) پشت خود را به دیوار کعبه تکیه داده و می‌فرماید ای جماعت مردم! هرکس بخواهد آدم و شیث را ببیند اینک من آدم و شیث هستم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین. ج ۱ باب ۲۴ ح ۲۷ ص ۲۸۰

۲. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۳ ح ۱۳ ص ۳۳۸

هرکس بخواند نوح و سام را ببیند، اینک من نوح و سام هستم. هرکس بخواند ابراهیم و اسماعیل را ببیند، اینک من ابراهیم و اسماعیل هستم. هرکس بخواند موسی و یوشع را ببیند اینک من موسی و یوشع هستم. هرکس بخواند عیسی و شمعون را ببیند، اینک من عیسی و شمعون هستم. هرکس بخواند محمد و علی را ببیند اینک من محمد و علی هستم. هرکس بخواند حسن و حسین را ببیند اینک من حسن و حسین هستم. هرکس بخواند ائمه از اولاد حسین را ببیند اینک من آن ائمه هستم<sup>۱</sup>...»

---

۱- المجلسی، محمدباقر. پیشین. ج ۵۳ باب ۲۸ ص ۹

قافله پنجم

---

---

پراکنده‌ها (متفرقات)

---

## حدیث قافلہ

پیامبر ﷺ فرمودند:

مہدی طاووس اہل بہشت است.

الطرائف. ج ۱ ح ۲۸۲ ص ۱۷۸

### □ مهدیان دروغین (متمهدیان)

همواره در کنار یک حقیقت یک مجاز نیز وجود دارد. برای مثال شبیه پول و اسکناسهای رایج در معاملات، پول و اسکناسهای تقلبی یافت می‌شود. برای برخی اوراق و مدارک حقوقی نمونه‌های جعلی نیز وجود دارد. حقیقت را در تضادها می‌توان شناخت.

با این اوصاف، مسئله تقلب و جعل راجع به حقیقت صاحب الزمان (عج) چه پیش از ولادت و چه پس از ولادت ایشان عینیت داشته است. در برابر حقیقت ناب ایشان، متمهدیان یا مهدیان دروغین و غیر راستین در ادوار مختلف قد علم کرده که چون شعله‌ای بی فروغ و با خفت، در تاریخ بشری به خاموشی گرائیده‌اند. برای یک انسان منتظر بسیار مهم است که به امام زمان خود معرفت کامل داشته باشد تا در برابر این گونه افراد سودجو و عمدتاً بی‌خرد، مبارزه و دشمنی کند و راه فتنه‌گری آنها را مسدود نماید. در زیر به نام‌های منحوس چند تن از متمهدیان فقط برای نمونه اشاره می‌شود:

### ● (علی محمد شیرازی) (ایران)

سید علی محمد شیرازی معروف به «باب» مؤسس و سرسلسه فرقه ضاله بابیه که در سال ۱۲۶۰ ق ادعای بابیت و نیابت حضرت صاحب الزمان (عج) نمود و بعد به خیال باطل و شیطانی خویش مدعی مقام مهدویت شد و ... آخر امر در سال ۱۲۶۶ ق با کمال حقارت و بصورت مفتضحانه تیرباران شد

و به اهالی آتش پیوست.

### ● (مهدی سودانی) (سودان)

محمد احمد بن عبد الله معروف به «مهدی سودانی» در کشور «سودان» در آفریقا ادعای باطل مقام مهدویت کرد. عاقبت با حقارت تمام در سال ۱۸۸۵ میلادی بر اثر تپی شدید به دوزخیان پیوست.

### ● (غلام احمد خان قادیانی) (پاکستان)

این شخص گمراه، مؤسس و سر سلسله فرقه ضاله احمدیه یا قادیانیه بود که در کشور پاکستان ادعای باطل مهدویت نمود. در سال ۱۹۰۸ میلادی به همراه دیگر متمهیدیان تاریخ به جهنم الهی رهسپار شد.

نمونه افراد فوق‌الذکر در طول تاریخ بسیار فراوان است که ما به چند نمونه بسنده کردیم. اینها افراد بی‌مایه‌ای بودند که عامل گمراهی و ضلالت عده زیادی نیز شدند.

این‌گونه افراد نتوانستند قسط و عدالت را چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی حتی در جامعه خویش ایجاد کنند و بر عکس با این ادعاهای پوچ به شعور و فهم همه انسانها بی‌احترامی و توهین کردند و بدتر از آنها پیروان غافلشان هستند که هنوز در اوج غفلت و سفاهت به سر می‌برند و به زندگی در تاریکی عادت کرده‌اند.

### □ نائبان دروغین

در کنار حقیقت ناب نواب اربعه صاحب الزمان (عج)، نائبان دروغین و جعلی نیز وجود داشتند که به برخی از نامهای منحوس ایشان اشاره می‌شود:

### ● ابومحمد حسن شریعی

شیخ طوسی آورده است: نخستین کسی که به دروغ و افتراء ادعای بابت و



سفارت از جانب امام زمان (عج) کرد و شخصی معروف به «شریعی» بود.<sup>۱</sup>

### ● محمدبن نصیر نمیری

چون امام عسکری علیه السلام وفات یافت مدعی منصب محمدبن عثمان (نائب دوم) شد و گفت من وکیل امام زمان هستم.<sup>۲</sup>

### ● احمدبن هلال کرخی

گویند، او از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود و بعد از وفات امام یازدهم، عموم شیعیان، ابو جعفر محمدبن عثمان (نائب دوم) را به نیابت از جانب آن حضرت پذیرفتند چونکه امام عسکری علیه السلام او را به نیابت خود برگزیده بود. شیعیان به ابن هلال کرخی گفتند: آیا ابو جعفر محمدبن عثمان را نمی‌پذیری در صورتی که امام واجب الطاعة او را به عنوان وکیل و نائب خود تعیین کرده است؟ پاسخ داد که: من چنین چیزی از امام عسکری علیه السلام نشنیده‌ام و منکر وکالت پدر او «عثمان بن سعید» (نائب اول) هم نیستم و اگر یقین کنم که ابو جعفر واقعاً وکیل صاحب الزمان (عج) است بر او جسارت نخواهم کرد. گفتند: دیگران این مطلب را شنیده‌اند.

گفت: شما باشید و آنچه که شنیده‌اید و خودش این مسئله را نپذیرفت. شیعیان (به واسطه لجاجت او و انکارش) او را لعن کردند و از او بیزاری جستند. آنگاه توقیعی به وسیله «ابو القاسم حسین بن روح» (نائب سوم) در مورد او و برائت و بیزاری از او صادر شد.<sup>۳</sup>

وی در کتاب شیخ جزء افرادی قرار گرفته که به دروغ مدعی سفارت و نیابت امام عصر (عج) بوده‌اند.

۱. رک: طوسی. محمدبن حسن. پیشین. ص ۳۹۷

۲. رک: همو. پیشین. ص ۳۹۸

۳. رک: طوسی. محمدبن حسن. پیشین. صص ۳۹۹-۴۰۰

## ● محمدبن احمدبن عثمان

این شخص برادر زاده محمدبن عثمان عمری (نائب دوم) و نواده عثمان بن سعید (نائب اول) بود و نادانی او مشهور بود. در ظاهر وی نیز به دروغ نیابت از سوی امام عصر (عج) نموده است.

نقل شده: عده‌ای از شیعیان در خدمت محمدبن عثمان بودند و روایات ائمه را نقل می‌کردند به ناگاه ابوبکر محمدبن احمدبن عثمان برادر زاده او وارد شد. چشم ابوجعفر (نائب دوم) که به او افتاد به آنها گفت: سکوت اختیار کنید و حرفی ننزید چونکه این شخص که می‌آید از شما نیست.<sup>۱</sup>

## ● شلمغانی

از جمله کسانی است که به مخالفت با حسین بن روح (نائب سوم) «ابو جعفر محمدبن علی (شلمغانی) بود.<sup>۲</sup> شلمغانی یکی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام و یکی از مؤلفین بزرگ و از علمای شیعه بود.<sup>۳</sup> شیخ طوسی (علیه الرحمه) در «الغیبه» آورده است:

چون شلمغانی کتاب «التکلیف» را تصنیف نمود شیخ ابو القاسم بن روح گفت: آن را بیاورید تا ببینم. کتاب را به خدمت او بردند از اول تا آخر آن را خواند سپس گفت: چیزی برخلاف روش اهل بیت علیهم السلام در آن نیست مگر در دو یا سه جا که بر ائمه دروغ بسته و خدا او را لعنت کند.<sup>۴</sup>

این شخص نیز در زمره نواب دروغین محسوب شده است، چراکه به رأی خود به پخش اکاذیب و اوهام پرداخته بود.

۱. رک: همو. پیشین. صص ۴۱۴-۴۱۲

۲. رک: طوسی. محمدبن حسن. پیشین. ص ۴۰۳ به بعد

۳. رک: النجاشی. احمدبن علی. پیشین. ص ۳۷۸

۴. طوسی. محمدبن حسن. پیشین. ص ۴۰۹

## □ احادیث دروغین

### ● نام پدر مهدی نام پدر پیامبر است

چنانکه در قافله اول در بحث داغ و شایع مهدی (عج) در قرون اولیه اسلامی و قبل از ولادت حضرت (عج) آوردیم. رقابت بر سر مقام مهدویت بین محمد بن عبدالله نفس زکیه و محمد بن عبدالله (مهدی عباسی) فرزند منصور دوانیقی خلیفه عباسی بالا گرفته بود.

در همان زمان روایتی از قول پیامبر ﷺ جعل کردند که نام مهدی نام من است و نام پدرش نیز نام پدر من است پس در ظاهر این نوع روایت محصول جعل طرفداران «نفس زکیه» یا شیادان دستگاه عباسی بوده است.

به هر روی قسمت دوم روایت که نام پدر مهدی نام پدر من است جعل و دروغ است.

### ● مهدی کسی جز عیسی بن مریم علیه السلام نیست.

همان طور که در قافله اول آوردیم. معاویه (لعنة الله علیه) عیسی بن مریم علیه السلام را همان منجی، مهدی و قائم بر شمرد. پس روایات مجعولی که عیسی بن مریم علیه السلام را همان مهدی موعود در روایات و احادیث می‌داند زائیده جعل دلان و شیادان حدیث در دستگاه اموی بوده است.<sup>۱</sup>

### ● مهدی خشن و سنگدل است!

روایاتی نیز در لابلای اخبار و احادیث به چشم می‌خورد که بیانگر خشونت برای مهدی (عج) است و چهره معصوم ایشان را خدشه دار نموده است. البته باید تذکر داد که مهدی (عج) در برابر ظلم قیام خواهد کرد و لاجرم در این امر از تحکم برخوردار است اما نه آن گونه که احکام دین را زیر پای بگذارد.

۱. رک: الهندی البرهان فوری. علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین. کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال. الطبعة الخامسة. مؤسسه الرساله. بیروت (لبنان). ۱۴۰۵ هـ. ۱۹۸۵ م. ج ۱۳ ص ۲۶۳ (... ولا مهدی الاعیسی بن مریم) در ضمن گنجی شافعی در باب ۱۱ از کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان (عج) در مقام یک عالم سنی این روایت را مردود دانسته است. رک: صص ۱۲۲-۱۲۴

به موارد زیر توجه کنید:

- «روایتی است که بیش از یک صفحه از «بحار الانوار» را به خود اختصاص داده است. در این روایت آمده است:

«حضرت مهدی (عج) پس از ظهور، عده‌ای از مسلمانان را مورد تعقیب قرار می‌دهد. آنان نیز فرار کرده و به نصارای روم (مسیحیان روم) پناه می‌برند. نصارا به آنان می‌گویند اگر می‌خواهید به شما پناه دهیم؛ باید صلیب برگردن بیاویزید و مسیحی شوید. این گروه نیز از ترس امام زمان (عج) مسیحی می‌شوند. حضرت این مسلمانان فراری را از چنگ نصرانی‌ها بیرون می‌آورد، مردان آنها را می‌کشد و شکم زنان باردار آنها را پاره می‌کند.

«فیقتل الرجال و یبقر بطون الحبالی»

باید دانست که امام زمان (عج) دارای مقام امامت است و بهتر از هر کسی احکام اسلام را می‌داند. در دین اسلام اگر زن بارداری مرتکب جنایتی گردد و حد بر او واجب شود به عنوان مثال اگر زنا دهد و چهار شاهد عادل بر زنا دادن او شهادت دهند و چاره‌ای نباشد جز آن که او را حد بزنند، مادامی که این زن باردار است جاری کردن حد بر او حرام است. باید صبر کنند تا فارغ شود و بعد حد را بر او جاری سازند.

با این همه، آیا حضرت ولی عصر (عج) شکم زن باردار را پاره می‌کنند؟! آیا این روایت جعل و دروغ نیست؟

- روایتی دیگر از قول امام باقر علیه السلام وجود دارد که در آن آمده است. «لو يعلم الناس ما یصنع الغائب اذا خرج لاحب اکثرهم ان لایروه مما یقتل الناس» (بحار، ج ۵۲، ح ۱۱۳، ص ۳۵۳)

(اگر مردم می‌دانستند مهدی (عج) پس از ظهور چه می‌کند؛ بیشتر آنها دوست نداشتند او را ملاقات کنند به دلیل کشتار مردم توسط حضرت.

در سند این روایت «مغیره بن سعید» آمده است که حضرت صادق علیه السلام در مورد او فرموده است:

«لعن الله المغیره بن سعید انه دس فی احادیث ابی کثیراً»

(خدا لعنت کند مغیره بن سعید را همانا که او در روایات پدرم [امام باقر علیه السلام] )

بسیار دست می‌برد.)

لذا چنین سخنی از طرف فردی دروغگو به امام معصوم نسبت داده شده و به هیچ وجه قابل پذیرش نیست.<sup>۱</sup>

از این قبیل روایات مجعول و غیر معتبره است که مردم را نسبت به ساحت امن و مقدس صاحب الزمان (عج) دلسرد می‌کند، و برخی تصور می‌کنند که امام زمان (عج) موجودی قاتل، آدمکش و وحشتناک است. با اینکه ایشان ستمکاران را از دم تیغ می‌گذرانند اما به این معنی نیست که انسانهای بی‌گناه از وجود او به وحشت بیفتند و ظهور پر از فیض و برکت او را از خداوند طلب نکنند.

### □ باورهای دروغین

کج‌فکریها، عدم اطلاعات صحیح و دقیق، تصورات سطحی، توهمات، الهامات شیطانی و تبلیغات سوء، باعث بروز باورهایی دروغین راجع به صاحب الزمان (عج) شده است. ما این مسئله را در زمان حال و گذشته مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### الف) باورهای دروغین در حال حاضر

۱. آیا مهدی مساوی با حمام خون است؟

آنچه که بسیار عذاب آور شده این است که عده‌ای از سر جهالت و نادانی تصور می‌کنند وقتی که مهدی می‌آید همه را از لبه تیغ می‌گذرانند. اگر او بیاید به دوست و دشمن رحم نمی‌کند و خشک و تر با هم می‌سوزند.

این عده که چنین تصویری پیدا کرده‌اند از مهدی (عج) چهره وحشتناک و سفاک در ذهنشان ترسیم نموده‌اند.

و به راستی عجیب است که کارکرد واقعی قائم یا منجی در ذهن آنها تبدیل به کارکرد یک ظالم و ستمگر شده و مهدی به عنوان منجی بشریت مبدل به یک آدمکش و قاتل گردیده است. منشأ این تصورات و توهمات همه شیطانی و از عدم

۱. شیرازی. سید صادق. مجله انتظار موعود ۱۲-۱۱ (مقاله شمیم رحمت) صص ۴۸۶-۴۸۵

معرفت و شناخت صحیح سرچشمه می‌گیرد. آن قدر که مردم با ظواهر دنیا آشنا هستند و در نظر آنها جلوه‌گری می‌کند سر سوزنی با امام زمان خود آشنایی ندارند، پس طبیعی است که در اذهان عده‌ای از آنها چنین تفکرات و تصورات مهملی شکل می‌گیرد. اگر مهدی قرار بود همه را بکشد و حمام خون به راه بیاندازد همان بهتر که ظهور نکند، یا آنکه اصل حقیقت او را منکر شویم، اما این در حالی است که طبق روایات معتبره که به دست ما رسیده؛ مهدی خلیفه الهی است که بشر را برای رسیدن به کمال در راه معنوی و مادی یاری می‌کند، اگر با چنین تفکری به این شخص نگریسته شود او موجودی دوست داشتنی تلقی می‌گردد؛ همانگونه که هست.

با این همه اگر قرار باشد مهدی (عج) هر گناهکاری را بکشد و از لبه تیغ عدالت خود بگذراند باید همه به جز خود را از لبه تیغ بگذراند. پس این استدلال یا تصور نیز صحیح و منطقی نیست. چرا که ما معتقدیم وی جانشین خدا در زمین است و همه صفات حمیده الهی در وی نیز متجلی شده است. صفاتی چون رحم، شفقت، بزرگواری و پوشانندگی عیوب مردم.

پس کسی که به این صفات آراسته و مزین است و مؤسس دولت حقه و پرچمدار عدالت در جهان است هیچ‌گاه در صدد این بر نمی‌آید که هر کس که گناه صغیره و کبیره انجام داده را از لبه تیغ خود بگذراند. عده‌ای هم که از مهدی در هراس و وحشت هستند خیال می‌کنند که به محض ظهور ایشان حتماً توسط حضرت مجازات می‌شوند. در حالی که حضرت، پوشاننده عیوب مردم نیز هستند و فقط کسانی مجازات می‌شوند که گناه آنها آشکار و به روند کل سلامت جامعه آسیب وارد می‌کنند. پس ترس بی‌مورد از مهدی، یک القاء شیطانی و موهوم است.

۲. آیا اگر مهدی بیاید قیامت بر پا می‌شود؟

یکی از اصول دین اسلام، قیامت و روز رستاخیز است. اگر مسلمانان به آن اعتقاد نداشته باشند اسلام آنها قابل پذیرش برای خداوند نیست. قیامت زمانی نامعلوم است که در آن روز مردم از قبرهایشان برمی‌خیزند و به حساب اعمالشان رسیدگی می‌شود.

قیامت هول و هراس دارد، چرا که در آن زمان کارنامه اعمال خوب و بد انسان به وی نمایانده می‌شود.

ترس فطری انسان از قیامت از یک سو، و این باور که هر وقت مهدی ظهور کند و پس از آن از دنیا رحلت کند قیامت بر پا می‌شود، چون دیگر امامی نیست؛ از سوی دیگر باعث شده که قیامت و مهدی در کنار هم قرار گیرند و دیگر مردم در باور خویش هیچ گاه آرزوی ظهور او را نداشته باشند.

اولاً باید گفت که قیامت هیچ نگرانی برای اهل تقوی و ورع و یقین ندارد، چرا که آنها در کارنامه اعمال خود عمل صالح ثبت نموده‌اند و اگر خطا و اشتباهی هم داشته‌اند از لطف و کرم خدا غافل نیستند.

ثانیاً طبق روایات هر وقت مهدی (عج) از دنیا رحلت کند دوران رجعت (بازگشت) ائمه دیگر به زمین فرا می‌رسد و اول از همه آنها امام حسین علیه السلام می‌آیند و امام زمان ما را غسل و کفن و دفن می‌کنند و دوران خلافت عدل ایشان در زمین آغاز می‌شود.<sup>۱</sup> راجع به رجعت از سوی دانشمندان اسلامی، کتابهای بسیاری در طول تاریخ به رشته تحریر در آمده است.

### ۳. آیا مهدی باعث به جان هم افتادن ادیان است؟

یکی دیگر از باورهای دروغین و شیطانی این است که عده‌ای در ذهن خود پرورانده‌اند که اگر مهدی ظهور کند همه ادیان و مذاهب به جان هم می‌افتند، یا حداقل اسلام با آنها سر ستیزه و جنگ دارد. این باور نیز ناصحیح است، چرا که طبق روایتی که در قافله اول آوردیم مهدی با هر دینی مطابق آن دین رفتار می‌کند. برای مثال با مسیحیان از انجیل و با یهودیان از تورات محابه، بحث و استدلال می‌نماید. و هنگامی که آنها به سوی دین حق گرایش پیدا می‌کنند ستیزی در میان نخواهد بود. در این بین حساب افراد لجوج و ستیزه‌جو و کج فکر از دیگران جداست.

۱. رک: المجلسی، محمد باقر. پیشین ج ۵۳ باب الرجعه ص ۳۹ به بعد

۴. آیا ظهور خیلی دور است؟

زمانی که با مردم بحث و گفتگو می‌کنیم وقتی که حرف از ظهور قائم (عج) می‌شود از روی بی‌میلی اظهار می‌کنند چه بسا این امر هزار سال دیگر رخ دهد. البته چه بسا این طور باشد اما این که این امر را بسیار دور تصور کنیم در آموزه‌های دینی به نظر نرسیده است.

چنانکه از قول امام باقر علیه السلام در دعای عهد آوردیم ظهور برای کافران و منکران دور و برای مؤمنان به این امر نزدیک است. (انهم یرونه بعیداً و نریه قریباً)

۵. همه ادیان و مذاهب منجی دارند

عموماً با هر کسی که راجع به منجی شروع به بحث می‌کنیم اولین مطلب بیان شده از سوی او این است که همه ادیان و مذاهب منجی دارند. جای مسرت است که حداقل به این مسئله واقف هستند. اما در بطن گفتارشان این تلقی وجود دارد که همه ادیان و مذاهب منجی دارند فلذا لزومی ندارد که ما این قدر به مهدی در اسلام بپردازیم.

در رد این نوع طرز تفکر باید گفت: مهدی اسلام نمونه کامل و بارز یک منجی است. یعنی مهدی آن صفات حسنه و حمیده‌ای را که یک قائم و منجی باید داشته باشد در خود جمع دارد. از سوی دیگر در هیچ دین و آیینی این قدر که در اسلام به مسئله مهدی و منجی پرداخته شده؛ عنایت و توجه چندانی نشده است. و از همه مهمتر قائم در اسلام یک موجود افسانه‌ای، تخیلی و موهوم ترسیم نشده است. بلکه او را با ویژگی‌های انسانی تعریف کرده‌اند که با فطرت انسانها بسیار سازگار است و اگر کسی با تعقل و بدون بغض به مسئله مهدویت و مطالبی که در این کتاب عنوان می‌شود؛ نگاهی حقیقت‌گرا داشته باشد به راحتی پی خواهد برد که منجی و مهدی واقعی کسی جز «محمد بن الحسن العسکری» (عج) نیست.

در اسلام مهدی نه دست و پا بسته (مانند عوام مردم) ترسیم شده و نه فرا بشر (مانند موجودات افسانه‌ای یا سینمایی) بلکه چون اسلام دین تعادل است مهدی آن نیز متعادل معرفی شده است. پس این امر با فطرت و روحیه همه انسانها سازگار است. از سوی دیگر چنانکه آوردیم در هیچ دینی به اندازه اسلام در مورد مهدی و



منجی روایت نقل نشده است و این در حالی است که خیلی از اوصاف نجاتگران بشر در ادیان و مذاهب دیگر نیز با حضرت مهدی منطبق است، یعنی منجی یک تن بیش نیست و او همان مهدی موعود است که در تمام ادیان و مذاهب نوید ظهور او آمده است.

۶. آیا مهدی ساخته سیاست مداران و دین سازان است؟

عده‌ای هم باور غلطی دارند و مهدی را ساخته و پرداخته افراد سیاستمدار و دین ساز می‌دانند. البته این عده به خدا و دین هیچ اعتقادی ندارند. این افراد با اصل دین که هدایت الهی باشد مخالف هستند، پس ابتدا باید مسئله خدا و دین را برای آنها توضیح داد و سپس مردود بودن این عقیده و باور برای آنها آشکار شود. همه باورهای غلط مذکور، حاکی از بی‌اطلاعی و نادانی افراد است. اگر انسان طعم عزت و فهم را بچشد هیچگاه تن به ذلت و جهالت نخواهد سپرد. وجود چنین باورهای دروغینی از غوطه ور شدن در توهمات و سوء هاضمه‌های معنوی و لجاجت سرچشمه گرفته است.

۷. آیا مهدی (عج) در سرداب سامراء غائب شده است؟

برخی نیز از سر جهالت و عداوتی که با شیعه دارند چنین فتنه‌انگیزی می‌کنند که مهدی (عج) در سرداب سامراء (زیرزمین خانه پدری خود) پنهان شده است در حالی که علماء شیعه چنین نظری ندارند و علت تقدس سرداب برای آن است که سه امام معصوم در آن جا زندگی نموده‌اند و لاغیر.

ب) باورهای دروغین در زمان غیبت صغری

برای نمونه به یکی از باورهای دروغین و ساختگی راجع به حقیقت صاحب الزمان (عج) در دوران غیبت صغری (دورانی که یاد ایشان حداقل بیشتر از زمان حاضر بود) اشاره می‌شود:

شیخ طوسی (قدس سره الشریف) از فرقه گمراهی در آن زمان خبر می‌دهد که معتقد بودند:

«قائمی که اصحاب ظاهر می‌گویند از فرزندان امام یازدهم است و قیام می‌کند همان شیطان است زیرا که خداوند فرموده همه ملائکه به آدم سجده کردند مگر ابلیس (ص/۷۳-۷۴) یعنی همه فرشتگان در برابر آدم سجده کردند و این شیطان بود که سجده نکرد و خدا در قرآن می‌فرماید که شیطان گفت: من در راه راست تو در کمین بندگانت هستم (اعراف/۱۶) این آیه دلالت دارد که شیطان به هنگام سجده فرشتگان ایستاده و قائم بود و بعد از کمینگاه نشست و با این دلیل می‌گویند قیام قائم یعنی آن قائمی که مأمور به سجده شد و سجده نکرد پس (قائم) همان ابلیس بود»<sup>۱</sup>

### □ القاب رمزی حضرت (عج)

بهرتر است این مقوله را از سه قسمت متفاوت بررسی کنیم تا به فهم بهتر این حقیقت دست یابیم.

الف) تحریم نام حضرت (عج)

ب) القاب رمزی حضرت (عج)

ج) کنایه به نام فریبنده حضرت (عج)

### - تحریم نام حضرت (عج)

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: صاحب الامر مردی است که جز کافر نام او را نبرد.<sup>۲</sup>

آنچه از اخبار و روایات پیدا است ائمه معصومین علیهم السلام شیعیان خویش را بر حذر می‌داشتند از اینکه نام اصل مهدی (عج) (محمد بن الحسن) به طور واضح برده شود تا مبادا حساسیت ایجاد شده و در صدد قتل او بر آیند و این نشان از اختناق، خفقان و جو جائرانه آن دوران و مظلومیت مهدی (عج) است، تا آنجا که امام صادق علیه السلام کسی را که نام اصل مهدی (عج) را ببرد کافر دانسته‌اند.

بحث راجع به اینکه بردن نام اصل حضرت (عج) یعنی «محمد» در زمان ما آیا

۱. رک: طوسی. محمد بن حسن. پیشین ص ۴۰۷

۲. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۵۷ ح ۱ ص ۲۴۸

جائز است یا حرام؟ در بین علماء اختلاف است اما از نظر ظاهری در دوران کنونی حساسیتی نسبت به نام وجود ندارد.

### - القاب رمزی حضرت (عج)

از دیگر مظاهر نظام امنیتی برای حفاظت از حضرت صاحب‌الزمان (عج) به کارگیری القاب رمزی و مخفی برای امام (عج) از سوی ائمه، علماء و مردم بوده است، تا موقعیت و مکانیت معنوی حضرت (عج) برای ستمگران لو نرود.

#### ۱. غلام (پسر جوان)

از القاب امام زمان (عج) بوده است و برای تقیه و نشناختن ماهیت اصلی ایشان به کار می‌رفته است.

(به همین خاطر) به این لقب نیز در لسان روایات و اصحاب، مکرر مذکور شده است.<sup>۱</sup>

#### ۲. غریم (بستانکار)

«... علمای رجال تصریح نمودند که از القاب خاصه است و در اخبار، اطلاق آن بر آن حضرت (عج) شایع است و «غریم» هم به معنی «طلبکار» است و هم به معنی «بدهکار» و در اینجا به معنای اول است، و این لقب مثل «غلام» از روی تقیه بود که هرگاه شیعیان می‌خواستند مالی را نزد آن حضرت یا وکلایش بفرستند یا وصیت کنند یا از جانب جنابش مطالبه کنند و در نظایر این مواقع به این لقب، ایشان را می‌خواندند و از غالب ارباب زرع و تجارت و حرفه و صناعت طلبکار بود.

شیخ مفید در «ارشاد» روایت کرده از «محمد بن صالح» که گفت: چون پدرم مرد و امر راجع به من شد؛ برای پدرم بر مردم دستکی (دفترچه) بود از مال غریم. شیخ فرمود: این رمزی بود که شیعه در قدیم آن را می‌شناختند، میان خود و خطاب ایشان حضرت را به آن نام برای تقیه بود.<sup>۲</sup>

۱. طبرسی نوری. میرزا حسین. نجم ثاقب. باب ۲. ص ۶۰

۲. همو. پیشین. باب ۲ ص ۶۱

۳. ناحیه مقدسه

... در «جنات الخلود» گفته شده است که در ایام تقیه گاهی آن حضرت را به این لقب می خواندند.

«کفعمی» در حاشیه «مصباح» خود آورده که «ناحیه» هر مکانی است که صاحب الامر (صلوات الله علیه) در آنجا بود در غیبت صغری<sup>۱</sup>.

۴. رجل (مرد)

از القاب رمزی آن جناب است که شیعیان آن حضرت (عج) را به این اسم می خواندند.<sup>۲</sup>

۵. اصل

این اسم را نیز می توان از القاب رمزی حضرت مهدی (عج) قلمداد کرد.<sup>۳</sup>

۶. صاحب الدار (صاحب خانه)

از القاب حضرت (عج) است که به شکل رمزی صاحب الدار (صاحب خانه) بیان می شده است.

۷. فقیه (دانشمند علم دین)

در پاسخ سئوالات مردم در زمینه مسائل فقهی وقتی که نائب سوم امام زمان (عج) آنها را به مردم ابلاغ می نمود در آنها از واژه فقیه استفاده می کرد و می آورد: «فقیه گفت»<sup>۴</sup> یعنی حضرت مهدی (عج) در پاسخ این سؤال فقهی چنین می گوید تا در صورت لو رفتن توقیعات شکی بر انگیزخته نشود. پس فقیه نیز یکی از القاب رمزی حضرت (عج) به شمار می آید.

۱. طبرسی نوری، میرزا حسین. پیشین. باب ۲ ص ۹۱

۲. همو. پیشین. باب ۲ ص ۵۵

۳. رک: همو. پیشین. باب ۲ ص ۴۳

۴. طبرسی. احمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ذکر طرف مما خرج ایضاً عن صاحب الزمان (عج) من مسائل الفقیه ... ص ۴۸۸ و ...

امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر کوفه فرمودند:  
 بعد از شما فتنه تاریکی خواهد بود که در آن جز «نومه» نجات نیابد!  
 گفته شد: یا امیرالمؤمنین! نومه چیست؟  
 فرمودند:

کسی است که مردم او را نشناسند و او مردم را بشناسد [مقصود حضرت مهدی (عج) است] و بدانید که زمین از حجت خداوند (عزوجل) خالی نمی ماند ولی خدا آنان را به سبب ظلم و اسراف که به خویش می کنند نابینا سازد و اگر زمین فقط یک ساعت از حجت خدای تعالی خالی بماند اهل خود را فرو برد، ولی حجت [مهدی موعود - عج -] مردم را بشناسد ولی مردم او را نشناسند، مانند یوسف که مردم (برادران خود) را می شناخت و مردم او را نمی شناختند. سپس این آیه را تلاوت فرمودند:<sup>۱</sup>

﴿يا حسرة على العباد ما یا تیمم من رسول الا كانوا به يستهزؤن﴾ (یس / ۳۰)  
 ای وای بر بندگان! هنگامی که رسولی [برای هدایتشان] می آید و آنها او را به تمسخر می گیرند).

پس «نومه» نیز از القاب رمزی حضرت است که البته در دوران ایشان مطرح نبوده بلکه به شکل رمزی و کنایی از سوی امیرالمؤمنین مطرح شده است.

#### - کنایه به نام فریبنده حضرت (عج)

دیگر از مظاهر امنیت و پرده پوشی راجع به صاحب الزمان (عج) در کنایه به نام فریبنده‌ای است که از روایات به دست ما رسیده است. این امر ظاهراً از سوی امام عسکری علیه السلام و خانواده ایشان صورت گرفته و بسیار جالب توجه و قابل تأمل است: «شیخ صدوق در «کمال الدین» روایت کرده از «حمزة بن الفتح» که گفت: مولودی برای ابی محمد (یعنی امام عسکری علیه السلام) زاده شد که امر فرمود به کتمان

۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم. پیشین. باب ۱۰ ح ۲ ص ۱۴۱

او. «حسن بن منذر» از او پرسید که اسم او چیست؟

گفت: «تامیده شد» «محمد» و کنیه گذاشته به «جعفر» و ظاهراً مراد کنیه معروفه نباشد، بلکه مقصود آن است که تصریح به اسم آن جناب نمی‌کنند، بلکه تعبیر می‌کنند از او به کنایه به «جعفر» از ترس عمویش جعفر (کذاب) که شیعیان چون به یکدیگر گویند؛ بگویند دیدیم جعفر را یا او امام است یا از او تویع رسید، یا این مال را به نزد او برد و مانند اینها... تا تابعان جعفر (کذاب) نفهمند مقصود کیست. در غیبت «شیخ نعمانی» دو خبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام است که در آن از القاب آن جناب شمرده‌اند که کنیه گذاشته شد به عموی خود، یا از او کنایه کنند به عمویش و ظاهراً مراد از آن دو خبر نیز همین باشد.

در جایی که کنیه مثلاً «ابی عبد الله» یا «ابی جعفر» است نباید گفت: «کنی بعبد الله» یا «بجعفر». پس در آنجا که چنین کلامی نوشته شد؛ غرض خود آن اسم است و الله العالم<sup>۱</sup>

### □ آمریکایی‌ها در جستجوی مهدی (عج)

- «شخصی از اهل علم، از تاجری عربستانی چنین نقل کرد: پس از جنگ خلیج فارس در سال ۹۱-۱۹۹۰ میلادی و باقی ماندن نیروهای آمریکایی در خاورمیانه از جمله در عربستان سعودی، روزی از افسری آمریکایی پرسیدم: چرا ماندن شما در منطقه به طول انجامید؟ گفت: نظر شما در این باره چیست؟ گفتم: ما تصور می‌کنیم شما به خاطر «صدام» در اینجا مانده‌اید. گفت: برداشتن صدام برایمان کاری ندارد. ما مانده‌ایم تا آن «اسماعیلی» (مقصود حضرت مهدی (عج) است که از اولاد حضرت اسماعیل نبی علیه السلام است) را که می‌گویند از کنار کعبه قیام می‌کند؛ از بین ببریم»<sup>۲</sup>

- «بعضی از فضلاء و طلابی که توسط آمریکایی‌ها دستگیر شده‌اند و به اسارت در آمده‌اند بعد از آزادی اعلام داشته‌اند که در بازجویی که به صورت محرمانه از مسئله امام زمان، ظهور امام زمان، یاران امام زمان، ارتباط مراجع موجود در نجف با

۱. طبرسی نوری. میرزا حسین. پیشین. صص ۴۹-۵۰

۲. مدنی تنکابنی، سید سلیمان. مژده ظهور ۱. چاپ اول اسفند ۱۳۸۱ ش ص ۱۱

امام زمان، طرز ایجاد ارتباط امام زمان با شیعیان، مسائلی از این قبیل را جویا می‌شدند که این نشانه توجه و حساسیت نیروهای اشغالگر به این مسئله مهم است.<sup>۱</sup>

- «بر اساس اخبار واصله از عراق به نقل از یکی از ائمه جماعت این کشور که توسط نیروهای آمریکایی بازداشت شده بود، افسران آمریکایی مأموریت خود را در عراق دستگیری یا کشتن مهدی (عج) دانستند.

به گفته این روحانی، نیروهای آمریکایی پس از توقیف او سئوالات متعددی در مورد حضرت مهدی (عج) از او پرسیدند. از جمله اینکه آیا مهدی را می‌شناسی؟ آیا از محل اقامت او خبر داری؟ وی در ادامه می‌افزاید: وقتی نیروهای آمریکا از کسب اطلاع در این خصوص ناامید گشتند قبل از آزاد کردنم؛ پیشنهاد کردند در صورتی که هرگونه اطلاعی از مهدی (عج) بدهی؛ مزدگانی دریافت خواهی کرد!<sup>۲</sup>

پیداست بعد از گذشت بیش از هزار سال از ولادت مهدی (عج) هنوز ستمگران زمانه مانند معتمد عباسی در جستجوی مهدی منجی بشریت هستند، و این گونه در برابر او موضع گرفته‌اند.

### □ ملاقات‌کنندگان با حضرت (عج)

ملاقات با حضرت صاحب الزمان (عج) در دوران غیبت تنها مختص افراد زاهد و عارف نیست، بلکه از این خورشید بی‌مانند همه اقشار بهره‌مند شده‌اند و خواهند شد.

«از بررسی دیدارهایی که در غیبت کبری به عمل آمده؛ چنین نتیجه می‌گیریم که در غالب دیدارها یکی از این دو هدف اصلی منظور بوده است:

الف) آموزش

ب) امداد

۱. رک: ماهنامه فرهنگی اعتقادی اجتماعی خوشید مکه / ۱۸ (تیر ۱۳۸۳ ش)

۲. رک: هفته‌نامه پرتو سخن (اسفند ۱۳۸۲). قم

### ● آموزش

غالب دیدارهای آموزشی برای موارد زیر انجام یافته:

۱. حل مشکلات علمی: چنانکه در مورد «مقدس اردبیلی» روی داده. (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۷۴)
۲. تعلیم معارف عالییه: در ضمن دعاهاى مأثوره
۳. پافشاری بر مسائلی که کمتر مورد توجه واقع می شود: چنانکه در مورد نماز شب، نمازهای نافله، زیارت عاشورا و زیارت جامعه، تأکید و توصیه فرموده‌اند. (نجم ثاقب ص ۳۴۳)
۴. ارشاد دیگران: چنانکه مکرر برای افراد شایسته از غیر شیعه تجلی نموده؛ آنها را به راه راست رهنمون شده‌اند. (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۷۷)

### ● امداد

دیدارهای امدادی غالباً به شکلهای زیر انجام گرفته:

۱. شفای بیمارانی که پزشکان به ایشان پاسخ منفی داده‌اند، که نمونه‌های بسیاری از آن در تاریخ ثبت شده است. (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۷۷)
۲. کمک مالی: به صورت حواله دادن همراه با یک نشان قطعی، که در موارد فراوانی اتفاق افتاده است. (نجم ثاقب ص ۳۰۶)
۳. راهنمایی گمشدگان: چنانکه تاکنون در صدها مورد اتفاق افتاده که از قافله جدا شده؛ راه را گم کرده، با خطر هلاکت روبرو شده؛ از اعماق دل بانگ «یا ابا صالح المهدی ادرکنی» بر آورده و آن امام رئوف به فریادش رسیده و او را از مهلکه نجات داده است.<sup>۱</sup>

### □ نحوه ارتباط با حضرت (عج)

با توجه به مواردی که در مبحث ملاقات کنندگان حضرت (عج) آوردیم و شکل کلی ارتباط و دیدار با حضرت را در دو قالب آموزش و امداد مطرح کردیم برای همه

۱. برگرفته از (مهدی پور، علی اکبر. جزیره خضراء. صص ۳۴-۳۳)



علاقه‌مندان و شیفتگان حضرت مهدی (عج) این سؤال است که چگونه می‌توانیم با حضرت ارتباط اختیاری داشته باشیم؟

در پاسخ باید گفت: حضرت (عج) در دوران غیبت تامه هستند و ارتباط به همه مشتاقان از لحاظ امنیتی می‌تواند برای حضرتش خطر آفرین باشد. لکن با توجه به روایات یک کلید برای ارتباط عاشقانه با خلیفه الهی به دست می‌آید و آن از استنتاج ما از روایت «احمدبن اسحاق» حاصل شده است:

احمدبن اسحاق از اصحاب امام عسکری علیه السلام گوید: بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم... گفتم: ای فرزند رسول خدا امام و جانشین پس از شما کیست؟ حضرت شتابان بلند شدند و داخل خانه شدند و سپس بازگشتند در حالی که بر شانه‌اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند قرص ماه شب چهارده می‌درخشید. آنگاه حضرت علیه السلام فرمودند:

«یا احمدبن اسحاق لو لا کرامتک علی الله عزوجل و علی حججه ما عرضت علیک ابنی...»<sup>۱</sup>

(ای احمدبن اسحاق اگر نزد خداوند (عزوجل) و حجت‌هایش دارای کرامت (گرامی) نبودی این فرزندم را به تو عرضه نمی‌کردم).

سؤال اینجاست که چطور انسان دارای کرامت می‌شود یعنی نزد خدا و حجت‌هایش گرامی می‌شود؟

پاسخ را در قرآن می‌یابیم:

﴿ان اکرمکم عند الله اتقیکم﴾ (الحجرات/۱۳)

(همانا با کرامت‌ترین شما (گرامی‌ترین) شما نزد خدا با تقواترین شماست.) پس با توجه به این موارد و استنتاج، محکم‌ترین ارتباط با مهدی (عج) (حجت غائب خدا) در تقوی نهفته است.

در معنی تقوی نیز باید گفت: تقوی نیروی معنوی درونی انسان است که انسان را از هر چیزی که او را به غیر خدا وصل می‌کند دور نگه می‌دارد.

پس اگر با تقوا باشیم امید هست که شاید امام زمان (عج) را در عصر غیبت

۱. ابن بابویه. محمدبن علی. پیشین. ج ۲ باب ۳۸ ح ۱ ص ۳۸۴

ملاقات کنیم. (اللهم ارني الطلعة الرشيدة)

### □ برخی اماکن زیارتی منتسب به حضرت (عج)

اماکن و قدمگاههای بسیاری به خصوص در کشورهای ایران و عراق به واسطه ارادت مردم آنها به ساحت اقدس حضرت صاحب الزمان (عج) وجود دارد که به جهت انتساب آن امکنه به وجود نازنین آقا بقیة الله بسیار مورد توجه عام و خاص قرار دارد. برای مثال از میان دهها مورد می توان به مسجد سهله در کوفه، قدمگاه حضرت (عج) در شهر حله (عراق کنونی)، مسجد مقدس جمکران<sup>۱</sup> و مسجد مقدس امام حسن مجتبی علیه السلام<sup>۲</sup> در قم و مسجد مقدس محدثین<sup>۳</sup> در شهر بابل از شهرهای ایران اشاره کرد که هر کدام تاریخچه مفصل، جالب و شیرینی دارند که در جای خود قابل بررسی و تحقیق است.

این گونه مکانها آثار و برکاتی دارند که خود باعث ایجاد قوت قلب برای منتظران آن حضرت (عج) در دوران غیبت کبری است. در ظاهر بیشتر این اماکن و قدمگاهها در کشور ایران و عراق وجود دارد.

### □ برخی روزها و ساعات منتسب به حضرت (عج)

#### ● شب قدر بلکه هر سه شب مردد (۱۹، ۲۱ و ۲۲ رمضان)

در تفسیر «علی بن ابراهیم» به چند سند معتبر از حضرت باقر و صادق و کاظم علیهم السلام روایت کرده که فرمودند در تفسیر آیه مبارکه «فیها یفرق من کل امر حکیم» (الدخان/۴) (در آن (شب) هر امری مقدر و معین می شود) که خداوند تقدیر می کند هر امری را از حق و باطل و آنچه می شود در این سال و از برای خداوند است در آن

۱. راجع به این مسجد تحقیقات مفصلی انجام داده ایم که ان شاء الله در آینده با نام «حدیث مستور» در معرض علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

۲. در کتابی به نام «تجلی حضور» که به زودی ارائه خواهیم داد به این مسجد و ویژگی های خاص آن پرداخته ایم.

۳. رک: میر سراجی، سید مرتضی. مسجد مقدس محدثین (مسجدی که به دستور حضرت ولی عصر (عج) بنا شده است). زعیم. تهران. چاپ اول تابستان ۱۳۸۵ ش.

بداء و مشیت که پیش اندازد آنچه را بخواهد از آجال و ارزاق و بلایا و اعراض و امراض. زیاده کند در آنها آنچه را که بخواهد و کم کند آنچه را که بخواهد، و می دهد و آن را به رسول خدای ﷺ و می دهد رسول خدا به امیر المؤمنین علیؑ و می دهد آن را امیر المؤمنین به ائمه اطهارؑ تا اینکه می رسد آن به صاحب الزمان علیؑ. شرط می کند در آن بداء و مشیت و تقدیم و تأخیر را.

### ● روز جمعه

از چند جهت اختصاص و تعلق دارد به امام عصر علیؑ یکی آن که ولادت با سعادت آن جناب در آن روز بوده دیگر آنکه ظهور موفور السرور آن حضرت در آن روز خواهد بود و ترقب و انتظار فرج در آن روز بیشتر از روزهای دیگر است.

### ● روز عاشورا (۱۰ محرم)

روز عاشورا که روز سرافراز شدن حضرت حجت علیؑ است از جانب خداوند عزوجل به لقب «قائم» چنانچه شیخ جعفر بن محمد بن قولویه در «کامل الزیاره» روایت کرده از «محمد بن حمران» که گفت حضرت صادق علیؑ فرمود: چون شد از امر حسین بن علی علیؑ (یعنی امام حسین به شهادت رسید) آنچه شد ناله و فریاد کردند ملائکه به سوی خداوند (عزوجل) و گفتند: ای پروردگار ما! چنین می کنند با حسین برگزیده تو و پسر پیغمبر تو. (امام صادق علیؑ) فرمود: پس واداشت خداوند برای ایشان ظل (سایه) قائم علیؑ را و فرمود: به این قائم (شخص ایستاده انتقام) می کشم برای حسین علیؑ از آنها که بر او ظلم کردند.

### ● وقت زرد شدن آفتاب تا غروب آن از هر روز

بنابر تقسیم که علماء کرده اند هر روز را از مطلع فجر تا غروب آفتاب به دوازده بخش به نحوی که به حسب فصول فرقی نکند و هر قسمی منسوب به امامی. هر یک از آن امامان مثل نگاهبان و حامی است از برای ساعت خود به مقتضای روایات. پس ساعت اولی از برای مولای ما علی علیؑ است و شمردند تا دوازدهم که برای مولای ما مهدی است.

● عصر روز دوشنبه

● عصر روز پنجشنبه

در آن دو وقت اعمال عباد (بندگان خدا) عرض می شود بر امام عصر علیه السلام چنانکه در عصر (روزگار) هر امامی بر آن جناب عرض می شد و در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر آن جناب.

● شب و روز نیمه شعبان

ولادت با سعادت آن جناب علیه السلام در آن بوده و این نعمت عظیمه را خداوند در آن به بندگان عطا فرموده است.

● روز نوروز (اول فروردین)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: روز نوروز، روزی است که عهد گرفت پیغمبر صلی الله علیه و آله (از مردم) برای (ولایت) امیر المؤمنین علیه السلام در «غدیر خم» پس (مردم) اقرار نمودند به ولایت او... و آن روزی است که ظاهر می شود قائم علیه السلام در آن روز و ظفر می دهد او را خداوند بر دجال...<sup>۱</sup>

□ خوش به حال ...

با بررسی و نگاهی به احادیث و اخبار مهدویت به برخی روایات از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله برخورد کردم که در آنها نوعی حالت غبطه وجود داشت که حیف دیدم آنها را جزء یکی از قسمتهای این کتاب در نظر نیاورم. از سوی دیگر به عقیده من این گونه روایات گلچین شده خود گواهی از عظمت و بزرگواری صاحب الزمان (عج) است.

● پیامبر صلی الله علیه و آله

«طوبی لمن لقیه»<sup>۲</sup> (خوش به حال کسی که او را ملاقات کند)

۱. رک: طبرسی نوری، حاج میرزا حسین، پیشین، باب ۱۱ ص ۶۲۹ به بعد

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین، ج ۱ باب ۲۴ ح ۱۱ ص ۲۶۸

«طوبی لمن احبه»<sup>۱</sup> (خوش به حال کسی که به او عشق بورزد)  
«طوبی لمن قال به»<sup>۲</sup> (خوش به حال کسی که به او باور داشته باشد)  
«طوبی لمن ادرك قائم اهل بیتی و هو مقتد به قبل قیامه»<sup>۳</sup> (خوش به حال کسی  
که قائم از اهل بیت مرا درک کند و از او در دوران غیبتش و قبل از قیامش پیروی  
کند)

● امام علی علیه السلام

«طوبی لمن ادرك زمانه و لحق اوانه و شهد ایامه»<sup>۴</sup> (خوش به حال کسی که زمان  
او را درک کند و به دوران او ملحق شود و ایام او را ببیند)  
«طوبی لمن شهد هدمک مع قائم اهل بیتی»<sup>۵</sup> (خوش به حال کسی که شاهد  
ویرانی [بدعت‌های مسجد کوفه و تغییراتی که در آن داده‌اند] به همراه قائم اهل بیت  
من است.)

● امام حسن مجتبی علیه السلام

«فطوبی لمن ادركه ایامه و سمع کلامه»<sup>۶</sup> (خوش به حال کسی که روزگار او را  
درک کند و کلام او را بشنود)

● امام باقر علیه السلام

«طوبی لمن ادركه»<sup>۷</sup> (خوش به حال کسی که او را درک کند)  
«طوبی للثابتین علی أمرنا فی ذلک الزمان»<sup>۸</sup> (خوش به حال کسانی که بر امر ما

---

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین، ج ۱ باب ۲۴ ح ۱۱ ص ۲۶۸  
۲. همو، پیشین، ج ۱ باب ۲۴ ح ۱۱ ص ۲۶۸  
۳. همو، پیشین، ج ۱ باب ۲۵ ح ۳ ص ۲۸۷  
۴. النعمانی، محمد بن ابراهیم، پیشین، ج ۵۵ صص ۲۷۵-۲۷۶  
۵. طوسی، محمد بن حسن، پیشین ص ۴۷۳  
۶. المجلسی، محمد باقر، پیشین، ج ۴۴ باب ۱۸ ص ۲۱  
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین، ج ۱ باب ۳۲ ح ۱۵ ص ۳۳۰  
۸. همو، پیشین، ج ۱ باب ۳۲ ح ۱۵ ص ۳۳۰

در آن زمان (غیبت) پایدارند.

«فیاطوبی لمن ادركه و كان من انصاره»<sup>۱</sup> (خوش به حال کسی که او را درک کند و از یاری کنندگان او باشد)

● امام صادق علیه السلام

«فطوبی لمن ادرك ذلك الزمان»<sup>۲</sup> (خوش به حال کسی که آن زمان (غیبت) را درک کند).

«طوبی لشیعة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبة و المطیعین له فی ظهوره»<sup>۳</sup> (خوش به حال پیروان قائم ما، آنان که منتظر ظهورش در دوران غیبت هستند و در زمان ظهور فرمانبردار او)

«طوبی لمن تمسک بأمرنا فی غیبة قائمنا»<sup>۴</sup> (خوش به حال کسی که در روزگار غیبت به امر ما چنگ زند).

● موسی بن جعفر علیه السلام

«طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غیبة قائمنا ... فطوبی لهم ثم طوبی لهم»<sup>۵</sup> (خوش به حال پیروان ما آنان که به رشته (الهی) ما در دوران غیبت قائم ما متمسک هستند ... پس خوش به حال آنها و باز خوش به حال آنها)

□ نقش اخبار و روایات در شناخت حضرت (عج)

مهمترین پایه شناخت حضرت مهدی (عج)، تدقیق و تحقیق در احادیث و روایات است که منجر به فهم صحیحی از این امام در ظاهر منقطع الخبر می شود. دلیل این مدعا در سه روایت زیر آمده است:

۱. النعمانی. محمد بن ابراهیم. پیشین. باب ۱۴ ح ۱۳ ص ۲۵۵  
 ۲. ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین ج ۲ باب ۳۳ ح ۵ ص ۳۳۴  
 ۳. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۳ ح ۵۴ ص ۳۵۷  
 ۴. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۳ ح ۴ ص ۳۵۸  
 ۵. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۴ ح ۵ ص ۳۶۲

### ۱. رجوع به زوات حدیث

در توقیع مبارکی که از سوی حضرت (عج) شرف صدور یافته آمده است: «... و اما به هنگام حوادث واقعه (یعنی هنگامی که مسائل و مشکلات مادی و معنوی برای مردم در روزگار غیبت رخ می‌دهد) درباره آن مسائل به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا بر آنها هستم»<sup>۱</sup>.

در این توقیع به جایگاه رفیع روایات حدیث اشاره شده و اهمیت اخبار و روایات از منظر مهدی (عج) بیشتر آشکار می‌شود.

### ۲. روایات صادق و اخبار صحیح

در توقیع شریفی امام زمان (عج) در رد عقاید باطل شخصی که برای امام عسکری علیه السلام جانشینی جز «جعفر بن علی» (جعفر کذاب) نمی‌دانست چنین فرموده‌اند: «... آنچه نوشته بودید که «میثمی» از احوال «مختار» و مناظرات و احتجاج‌هایش که جانشینی غیر از جعفر بن علی نیست و تصدیق او، همه واصل شد و جمیع مطالبی را که اصحاب شما از وی نقل کرده‌اند؛ همه را دانستم. من از کوری پس از روشنی و از گمراهی و ضلالت پس از هدایت و اعمال هلاکت بار و فتنه‌های ویرانگر به خداوند پناه می‌برم ... چگونه در فتنه افتادند و در وادی حیرت گام برمی‌دارند و به چپ و راست می‌روند و از دینشان دست برداشته‌اند، یا آنکه شک و تردید کرده‌اند و یا با حق دشمنی می‌کنند، یا آنکه روایات صادق و اخبار صحیح را نمی‌دانند و یا آن را و خود را به فراموشی می‌زنند؟ آیا نمی‌دانند که زمین هیچ وقت از حجت خدا آشکار یا پنهان خالی نمی‌ماند.

آیا انتظام و روش امامان خود را نمی‌دانند که پس از پیامبرشان یکی پس از دیگری آمده‌اند. تا اینکه به اراده خداوند (عزوجل) کار به امام سابق یعنی حسن بن علی [امام عسکری علیه السلام] رسید و جانشین پدران خویش شد و به حق و راه مستقیم هدایت کرد ... آنگاه خداوند او را به نزد خود برد و او نیز به روش پدرانش مو به مو

۱. ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین ج ۲ باب ۲۵ ص ۴۸۴

عمل کرد و به جانشینی که بدان سفارش شده بود وصیت نمود...»<sup>۱</sup>

### ۳. حکیمه و اخبار حضرت (عج)

«احمد بن ابراهیم گوید: در مدینه بر حکیمه دختر امام جواد علیه السلام و خواهر امام هادی علیه السلام در سال ۲۶۲ وارد شدم و از پشت پرده با وی سخن گفتم و از دین ایشان پرسیدم. امام (زمان) را نام برد و گفت: فلان بن الحسن و نام وی را بر زبان جاری ساخت. گفتم: فدای شما شوم! آیا او را مشاهده کرده‌ای یا آنکه خبر او را شنیده‌ای؟ گفت: خبر او را از ابو محمد (امام عسکری علیه السلام) شنیده‌ام و آن را برای مادرش نوشته بود. گفتم: آن مولود کجاست؟ گفت: مستور است ...

(در انتهای گفتگو، حکیمه به آن مرد می‌گوید:) شما اهل اخبارید (یعنی اهل اخبار و روایات هستید) آیا برای شما روایت نشده است که نهمین از فرزندان حسین علیه السلام میراثش در دوران حیاتش تقسیم می‌شود؟<sup>۲</sup>

از روایاتی که آوردیم به اهمیت و جایگاه احادیث و روایات معتبره در شناخت مهدی (عج) پی می‌بریم.

### □ تشبیهات مهدوی

باز حیف دیدم برخی تشبیهات که در لابلای اخبار و متون مرتبط با حضرت (عج) وجود دارد در این مقال ذکر نگردد، پس آنها را آوردم تا به معرفت اهل حقیقت افزوده گردد.

#### ۱. تشبیه قرآنی (راجع مهدی - عج -)

##### ● ماء معین (آب گوارا)

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «قل ارايم ان اصبح ماؤکم غوراً فن یاتیکم بماء معین» (الملك/ ۳۰)

(بگو به من خبر بدهید اگر آب شما به زمین فرو رود چه کسی آب گوارا برایتان

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲. ح ۴۲. ص ۵۱۱

۲. همو. پیشین ج ۲ باب ۴۵ ح ۲۷ ص ۵۰۱



خواهد آورد)

فرمودند: این آیه راجع به «قائم» نازل شده است. (خداوند) می‌فرماید: اگر امامتان از شما غائب شود و ندانید که او کجاست پس چه کسی امام ظاهری برای شما خواهد آورد؟ تا اخبار آسمان و زمین حلال و حرام خداوند (عزوجل) را به شما ارائه دهد.

سپس امام علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم! تأویل این آیه هنوز نیامده است و لاجرم می‌آید.<sup>۱</sup>  
پس در ظاهر «ماء معین» (آب گوارا) یک تشبیه الهی برای امام غائب (عج) است.

## ۲. تشبیهات ائمه (راجع به مهدی - عج -)

### ● خورشید پشت ابر

در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومین و روایتی از خود حضرت صاحب الزمان (عج) وجود نازنین ایشان در دوران غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه شده است.<sup>۲</sup>

وجوه و تعبیر لطیفی در تبیین این تشبیه به نظر می‌رسد:

- فیوضات، کمالات، خیرات و برکات از نور وجود ایشان به خلایق انتقال می‌یابد.

- وقتی ابر روی خورشید را می‌پوشاند؛ بالاخره مردم می‌دانند زمانی کنار خواهد رفت. پس مخلصین و مؤمنین به حضرت (عج) در ایام غیبت ایشان پیوسته منتظر فرج هستند و مأیوس نمی‌شوند چون می‌دانند آخر الامر ابر از روی خورشید رفتنی است.

- کسی که منکر خورشید شود در زمانی که ابر آن را فرا گرفته مانند کسی است که این همه آثار و تحلیلات حضرت صاحب الزمان (عج) را در دوران غیبت مشاهده می‌کند اما ایشان را انکار می‌نماید.

۱. ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین. ج ۱ باب ۳۲ ح ۴۷ ص ۳۲۶

۲. همو. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۴ ص ۴۸۵

- وقتی هوا ابری می شود و ابر سطح خورشید را می پوشاند اشعه و پرتوهای خورشید گاهی نمایان می گردد که مثل آن مثل رسیدن نور حقیقت به طور مستقیم از جانب امام (عج) به سوی اهل حق می باشد چنانکه افرادی در ایام غیبت ممکن است به خدمت حضرتش نائل شوند.

### ● ستاره

در روایاتی از معصومین، ایشان خود را به ستارگان آسمان تشبیه کرده اند. در روایتی امام زمان (عج) خویش را به ستاره تشبیه نموده است و فرموده اند: «من امان اهل زمین هستم چنانکه ستارگان امان اهل آسمانها هستند»<sup>۱</sup>.

### ● شهاب نورانی (الشهاب الوقاد)

امام باقر علیه السلام فرمودند: «... [قائم] در سال دویست و شصت (۲۶۰) غائب می شود و سپس همانند شهاب نورانی در شبی ظلمانی و تاریک پدیدار می گردد»<sup>۲</sup>. امام صادق علیه السلام فرمودند: «آگاه باشید که به خدا سوگند مهدی شما غائب خواهد شد، تا بدانجا که نادان شما بگوید: برای خداوند در خاندان محمد صلی الله علیه و آله نیازی نیست (یعنی کاری از دست خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در جهت یاری و شناسایی دین حق نخواهد بود) سپس (قائم) (عج) مانند شهاب گذرنده پیش می آید و زمین را از عدل و داد پر می کند همانطور که از ظلم و ستم پر شده است»<sup>۳</sup>.

### ● قیامت

از امام رضا علیه السلام نقل است که از محضر مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: قائم از فرزندان شما چه زمانی ظهور می کند؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مثل او مثل قیامت است که ﴿لا یجلیها توقتها الا هو ثقلت

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۴ ص ۴۸۵

۲. همو. پیشین. ج ۱ باب ۳۲ ح ۱ ص ۳۲۵

۳. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۳ ح ۲۲ ص ۳۴۳

فی السموت و الارض ال یأتیکم الابغثة...<sup>۱</sup> (الاعراف/۱۸۷)

(هیچ کس جز او (خدا) وقتش را نمی‌داند، بر آسمانها و زمین سنگین است) پر اهمیت است) و جز به طور ناگهانی به سوی شما نمی‌آید.

### ۳. تشبیه پایمردان در غیبت

#### ● تراشندگان خار درخت قتاد

«یمان تمار» گوید: خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم. به ما فرمودند: همانا صاحب الامر (مهدی - عج -) را غیبتی است. هر که در آن زمان دینش را نگه دارد مانند کسی است که «خار درخت قتاد» را با دست بتراشد. سپس این چنین و با اشاره دست (این عمل را) مجسم کرده و فرمودند: کدامیک از شما می‌تواند خار آن درخت را به دستش بگیرد. سپس مدتی سربه‌زیر انداختند و باز فرمودند: همانا صاحب الامر را غیبتی است هر بنده‌ای باید از خدا پروا کند و به دین خود متمسک باشد.<sup>۲</sup>

«قتاد» درختی است خاردار که خارهایش همچون سوزن است و تراشیدن خار درخت قتاد در عرب مثلی است جهت کارهای سخت و دشوار و در این روایت امام صادق علیه السلام عمل منتظران و پایمردان واقعی صاحب الزمان را به تراشیدن خار این درخت تشبیه فرموده‌اند.

### ۴. تشبیه منکران غیبت

#### ● خنازیر (خوکها)

امام صادق علیه السلام در روایتی منکران غیبت حضرت (عج) را به «خوکها» تشبیه نموده‌اند.<sup>۳</sup>

وجه تشبیه در این است که صفت خوک شهوت‌رانی است، پس انسانهایی که

۱. همو. پیشین. ج ۲ باب ۳۵ ح ۶ ص ۳۷۳

۲. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحق. پیشین. باب فی الغیبة ج ۱ ص ۳۳۵

۳. ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین. ج ۲. باب ۳۳ ح ۲۱ ص

غرق در لذات و شهوات دنیا شده‌اند از قوه تفکر و تعقل و تعمق کمتری برخوردارند فلذا منکر غیبت صاحب الزمان (عج) می‌شوند.

### □ مسخ بدکاران

مسخ یعنی تبدیل شدن از حالت انسانی به حیوانی.  
ابو بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: منظور خدا از عذاب خوار کننده در دنیا چیست؟

امام فرمودند: ای ابا بصیر! کدام خواری بدتر از این است که مرد در خانه و حجله خویش میان برادران و خانواده‌اش بنشیند. یکدفعه اهل خانه گریبانهای خود را پاره کنند و فریاد زنند و مردم از آنها بپرسند چه شده است؟! پاسخ دهند که فلانی هم اکنون مسخ شد. (یعنی تبدیل به یک حیوان نظیر سگ، میمون، خوک یا ... شد) (ابو بصیر گوید) عرض کردم: این (مسئله) قبل از قیام قائم (عج) است یا بعد از آن؟

فرمودند: قبل از آن<sup>۱</sup>

### □ چند حدیث مبارک از حضرت (عج)

- کسی که من را انکار کند از من نیست و راه او مانند راه پسر نوح است.<sup>۲</sup>
- برای تعجیل در فرج (گشایش اهل بیت) بسیار دعا کنید که همان فرج (گشایش) شماست.<sup>۳</sup>
- از اموری که نفعی برای شما ندارد سؤال پرسید و خود را در آموختن آنچه از شما نخواسته‌اند به زحمت نیفکنید.<sup>۴</sup>
- حق با ما و در ماست.<sup>۵</sup>

۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم. پیشین باب ۱۴ ح ۴۱ ص ۲۶۹. در ظاهر آیه مربوط به عذاب قوم عاد و عذاب با «صرصر» است. نتیجتاً تفسیر امام از ظاهر آیه یک تفسیر استطرادی است که با عذاب خوارکننده در اسلام تطبیق داده است. (لندیقهم الخزی فی الحیوة الدنیا) (الفصلت ۱۶)

۲. ابن بابویه. محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ج ۴ ص ۴۸۴

۳. همو. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۴ ص ۴۸۵

۴. همو. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۴ ص ۴۸۵

۵. همو. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۴۲ ص ۵۱۱

- هر کس به جز ما چنین گوید بسیار دروغگو و مفتری است و هر کسی جز ما ادعای آن (امر امامت و ولایت انسانها) را بنماید گمراه است.<sup>۱</sup>
- علت وقوع غیبت: خدای (عزوجل) می‌فرماید: ﴿یا ایها الذین امنوا لا تسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم تشوکم﴾ (المائده/۱۰۲)
- (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از چیزهایی نپرسید که اگر بر شما آشکار گردد شما را ناراحت می‌کند.)
- بر گردن همه پدرانم بیعت طاغوتها و ستمگران زمانه بود، اما من زمانی که خروج می‌کنم بیعت هیچ ستمگر و گردنکشی (از روی تقیه و خوف یا حفظ مصالح جامعه) بر گردنم نیست.<sup>۲</sup>
- کسانی که اموال ما را با اموال خودشان در می‌آمیزند پس هر کس آنها را حلال شمارد و آنرا بخورد حقیقتاً آتش خورده است.<sup>۳</sup>
- هیچ عملی بهتر از نماز، بینی و پوزه شیطان را به خاک نمی‌مالد، پس نماز بخوان و پوزه شیطان را به خاک بمال.<sup>۴</sup>
- هر که بر ما ستم کند از جمله ستمکاران است و لعنت خدای تعالی بر او خواهد بود زیرا خدای تعالی فرموده: ﴿الا لعنة الله علی الظالمین﴾<sup>۵</sup> (هود/۱۸) (ای لعنت خدا بر ستمکاران باد)

### □ پیروزی خدا با هزار نفر

مسعودی ظاهراً از ناحیه یکی از معصومین علیه السلام روایت کرده است:  
خداوند از اول دنیا تا آخر آن دین خود را به وسیله هزار مرد یاری کرده و خواهد کرد.

وقتی که از تفصیل آن هزار مرد سؤال شد؟

فرمودند: ۳۱۳ نفر یاران طالوت بودند.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۴۲ ص ۵۱۱

۲. همو. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۴ ص ۴۸۵

۳. همو. پیشین ج ۲ باب ۴۵ ح ۴ ص ۴۸۵ ۴. همو. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۴۹ ص ۵۲۰

۵. همو. پیشین. ج ۲ باب ۴۵ ح ۴۹ ص ۵۲۱

۳۱۳ نفر که در (جنگ) بدر با پیغمبر ﷺ بودند و ۳۱۳ نفر هم یاران قائم هستند.

الباقی ۶۱ مرد که در (روز طف) روز عاشورا با امام حسین علیه السلام شهید شدند.<sup>۱</sup> لازم به ذکر است این افراد منحصر در سپاهیان و جنگ جویان حق هستند و سواى پیامبران و برخی از ائمه و معصومین و علماء و فضلاء؛ یعنی افرادی هستند که در مواقع حساس تاریخ یکتا پرستی بشر علیه ظلم قیام نمودند و تأثیرات مثبت آن در تاریخ ساری و جاری شد و باعث شد تا یکتا پرستی به طور مطلق از میان جامعه بشری رخت بر نیندد. روایت، دلالت بر شرافت مطلق برخی از آنان ندارد.

### □ زمینه سازان حکومت مهدی (عج)

روایتی از قول پیامبر ﷺ مربوط به زمینه سازان حکومت مهدی (عج) وجود دارد که ذکر آن خالی از لطف نیست. ایشان علیه السلام فرموده اند: «مردمانی از مشرق (جزیره العرب یعنی ایران) خروج می کنند که زمینه را برای حکومت مهدی (عج) مهیا می سازند.»<sup>۲</sup>

### □ انتقام گرفتن حضرت (عج)

حضرت صاحب الزمان (عج) چنانکه در قافله سوم آوردیم عده ای از مردگان را که در کفر محض به سر برده اند به جهت انتقام کشیدن و عبرت دوباره به اذن خداوند زنده می کنند تا عذاب و خواری آنها افزوده گردد. آنان که به شعور و فهم بشری توهین کرده و مسیر هدایت را منحرف ساختند.

### ۱. ازرق و زریق

امام باقر علیه السلام فرمودند:

۱. المسعودی. ابوالحسن علی بن الحسین. پیشین ص ۱۶۶ (البته اصحاب حسین بن علی (ع) در برخی روایات بیشتر از عدد مذکور است. به هر روی به کلیت قضیه لطمه وارد نمی کند).  
 ۲. القزوینی. محمد بن یزید ابی عبدالله بن ماجه. سنن المصطفی. الجزء الثانی باب خروج المهدی ص ۵۱۹ الطبعة الاولى. مصر

«... سیصد و سیزده نفر (یار مخلص در مکه) با او [قائم - عج -] بیعت می‌کنند. (سپس آن حضرت (عج) به طرف مدینه می‌رود. بعد از آن ازرق و زریق که لعنت خدا بر آن دو باد [آن دو که به خانه حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام تجاوز کردند و در خانه را سوزاندند و به صورت حضرت زهراء سیلی زدند و پهلوی حضرت علیها السلام را شکستند و موجبات سقط فرزندش محسن و شهادت ایشان علیهم السلام را فراهم کردند] را تر و تازه از قبر بیرون می‌آورد. با آنها صحبت کرده؛ آنها را با همان هیزمی که برای سوزاندن علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام جمع آوری کرده بودند؛ می‌سوزاند. آن هیزمها هنوز نزد ما وجود دارد و به ارث یکدیگر می‌رسد.»<sup>۱</sup>

## ۲. حمیراء

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«اگر قائم ما قیام کند «حمیراء» به او برگردانیده می‌شود (یعنی از قبر برانگیخته می‌شود) تا اینکه او را تا زیانه زند و انتقام دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از او بگیرد. راوی گوید: از حضرت پرسیدم: چرا تا زیانه اش می‌زند؟

حضرت فرمودند: به خاطر تهمتی که بر مادر ابراهیم (ماریه قبطیه همسر پیامبر)

زد.<sup>۲</sup>

## ۳. قتله کربلا

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«چون کار امام حسین علیه السلام چنان شد که شد (یعنی توسط امت پیامبر صلی الله علیه و آله در راه امر به معروف و نهی از منکر و احیای دین پیامبر صلی الله علیه و آله مظلومانه به شهادت رسید) فرشتگان به سوی خدا بنای شیون و گریه سر دادند و عرض کردند: (بارالها! این امت) با حسین علیه السلام برگزیده و پسر پیامبر صلی الله علیه و آله چنین رفتار کنند؟ پس خداوند سایه (قالب مثالی) قائم (عج) را به آنها نشان داد و فرمود: با این انتقام او را می‌گیرم.<sup>۳</sup>

۱. طبری. محمد بن جریر. پیشین ص ۲۴۲

۲. المجلسی. محمد باقر. پیشین ج ۵۲ باب ۲۷ ح ۹۲ صص ۳۱۴-۳۱۵

۳. کلینی رازی. محمد بن یعقوب بن اسحق. پیشین ج ۱ باب مولد الحسین بن علی. ص ۴۶۵

### □ فضیلت شب نیمه شعبان

نیمه شعبان ماه شعبان علاوه بر مزین شدن به ولادت حضرت صاحب الزمان (عج) دارای فضائل و برکات دیگر نیز هست. چه بسا فضائل و برکات آن به یمن وجود ولادت مهدی (عج) که مقدر در آن روز بوده در آداب اسلامی در نظر آمده است.

از قول رسول اکرم ﷺ در فضیلت و برتری شب نیمه شعبان اخباری است که ما خصوصاً و تیمناً آنها را از منابع اهل سنت روایت می‌کنیم. ایشان فرموده‌اند:

- در شب نیمه شعبان خداوند می‌بخشاید اهل زمین را مگر فرد مشرک یا مشاحن (معاند، بدعتگذار و ستیزه جو) را.

- هنگامی که شب نیمه شعبان فرا می‌رسد منادی (از جانب خداوند) ندا سر می‌دهد:

آیا استغفار کننده‌ای هست که من او را ببخشم؟

آیا نیازمندی هست که من به او عطا کنم؟

پس کسی نیست که خواهشی داشته باشد مگر آنکه به او عطا کنم به جز زن زناکار یا مشرک.

- در شب نیمه شعبان خداوند به ملک الموت (عزرائیل) وحی می‌کند (اسامی

آن دسته از نفوسی را که (قرار است عزرائیل) در سال بعد آنها را قبض نماید).<sup>۱</sup>

از ظاهر روایت چنین استفاده می‌شود که شب نیمه شعبان اگر ارج و منزلتش از

شب قدر بیشتر نباشد کمتر از آن نیست.

### □ تجلیات حضور حضرت (عج) در غیبت کبری

این مبحث را در دو حوزه عنایات و برکات تقسیم می‌کنیم. عنایات وجه

ظاهری تجلیات و برکات وجه باطنی و ناپیدای آن است.

۱. الهندی البرهان فوری. علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین. پیشین. الجزء الثاني عشر. صص



## ۱. عنایات

### ● تشرفات (ملاقات با حضرت - عج -) (بیداری)

چنان که در قسمت ملاقات کنندگان با حضرت (عج) اشاره کردیم تشریف به خدمت حضرت صاحب الامر (عج) بر دو پایه آموزش و امداد استوار است. پس تشرفات نوعی از عنایات صاحب الزمان (عج) در دوران غیبت ایشان است.

### ● تشریف و بنیان مسجد

حداقل در ایران سه مسجد وجود دارد که آنها از عنایات مهدی (عج) بنیان یافته‌اند.

الف) مسجد مقدس صاحب الزمان جمکران (قم) (تنها مسجدی که امام زمان (عج) به بنای آن امر فرموده و برای آن آداب خاص در نظر گرفته‌اند و قدمت آن به سال ۳۹۳ ق باز می‌گردد)

ب) مسجد مقدس محدثین بابل (استان مازندران) (تنها مسجدی که امام زمان (عج) به بنای آن امر فرموده و نام برای آن انتخاب نموده‌اند و ما در کتابی تحقیقی مستقل به نام «مسجد مقدس محدثین» بدان پرداخته‌ایم و قدمت آن به سال ۱۱۳۶ ق باز می‌گردد)

ج) مسجد مقدس امام حسن مجتبی علیه السلام (قم) (تنها مسجدی که در چند دهه پیش، امام زمان (عج) به هنگامی که آن محوطه بیابانی بیش نبوده از وجود چنین فضای معنوی پیشگویی فرموده‌اند و ما به زودی کتابی به نام «تجلی حضور» به خدمت علاقه‌مندان حضرت (عج) ارائه خواهیم داد که در آن به بررسی کم و کیف این سه مسجد پرداخته‌ایم)

### ● تشرفات (عالم رؤیا)

در مواردی نیز حضرت صاحب الزمان (عج) برای پیروان خویش یا غیر آنها از طریق ظهور در عالم رؤیا متجلی می‌شوند. به شرطی که رؤیا از جنس صادق بوده و از دسته خوابهای گنگ و پریشان و مهمل نباشد. پس آن نیز بر دو پایه آموزش و

امداد استوار است.

● تشریح در عالم رؤیا و تألیف کتاب

مواردی را یافته‌ایم که ایشان در عالم رؤیا به تألیف و تحقیق در موضوعات، امر فرموده‌اند.

- برای مثال کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» از شیخ بزرگوار محمدبن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (متوفی ۳۸۱ ق) که در جای جای قافله شکر از آن روایت‌ها نموده‌ایم. کتاب مذکور به دستور مستقیم حضرت ولی عصر (عج) تألیف شده است و این امر در تشریحی بوده که در عالم رؤیا برای صاحب کتاب رخ داده بود که داستان آن پیشتر در قافله دوم و در مبحث «غیبت پیامبران الهی» ذکر گردید.

- مورد بعدی از این دست مربوط به جناب آیت الله موسوی اصفهانی و کتاب «مکیال المکارم» است.

ایشان در عالم رؤیا به محضر مقدس صاحب الزمان (عج) مشرف می‌شوند و امام زمان (عج) به ایشان امر می‌کند تا کتابی به نام «مکیال المکارم» در فوائد دعاء برای قائم (عج) تألیف و آن را اختصاصاً به زبان عربی به رشته تحریر در آورند.<sup>۱</sup>

## ۲. برکات

دومین قسم از تجلیات حضور حضرت (عج) در غیبت تامه (کبری) مبحث برکات وجودی ایشان است که وجه ظاهراً ناپیدا و باطنی تجلیات است.

- در خبری از قول حضرت (عج) آمده است:

به واسطه من خداوند (عزوجل) بلا را از خانواده و شیعیان من دور می‌کند.<sup>۲</sup>

- در خبری دیگری از قول ایشان آمده:

من امان برای اهل زمین هستم.<sup>۳</sup>

۱. الموسوی الاصفهانی. محمد تقی (الفقیه الاحمد آبادی) مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم. مؤسسه الامام المهدي. قم. الطبعة الاولى. مقدمه مؤلف

۲. ابن بابویه. محمدبن علی. پیشین. ج ۲. باب ۴۳ ح ۱۲ ص ۴۴۱

۳. همو. پیشین. ج ۲. باب ۴۵ ح ۴ ص ۱۶۱۵

علاوه بر این موارد دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز در کیفیت وجودی امام به طور مطلق فرمایشهایی داشته‌اند که دلالت بر برکات وجودی امام در هر عصر دارد. امام باقر علیه‌السلام: اگر امام را لحظه‌ای از زمین بردارند زمین و ساکنانش مضطرب شوند، همچنان که دریا و اهلس مضطرب شوند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه‌السلام: اگر حجت‌های خداوند در زمین نباشند زمین اهلس را بلرزاند و آنچه در آن است را بیرون اندازد.<sup>۲</sup>

امام رضا علیه‌السلام: اگر چشم بر هم زدنی زمین از حجت خالی بماند؛ ساکنانش را فرو خواهد برد.<sup>۳</sup>

پس با این اوصاف و با در نظرگیری دو قسم عنایات و برکات و خصوصاً عنایات که جنبه ظاهری دارد؛ امام عصر (عج) وجود خویش را با اشکال متفاوت از پس پرده غیبت فریاد می‌زند.

#### ● نمونه استثناء:

در این میان نمونه‌ای استثناء وجود دارد که مربوط به دو توفیق شریف است که از جانب حضرت مهدی (عج) در دوران غیبت کبری به شیخ مفید (ره) از علمای جهان اسلام در قرن پنجم ارسال شده است؛ این امر به عنوان استثناء زیر مجموعه عنایات محسوب می‌شود، با توجه به اینکه تشریف در رؤیا یا تشریف در بیداری در این امر به نظر نمی‌آید. در این دو توفیق شریف امام عصر (عج) مطالبی را برای شیخ متذکر شده‌اند و در آن فرموده‌اند که ما از گرفتاریها و پریشانیهای شیعیانمان بی‌خبر نیستیم و ایشان را رها نساخته‌ایم و مسائلی دیگر که خود نمونه‌ای از ابراز و اعلام موجودیت مهدی (عج) در دوران غیبت و فریاد و تجلی ایشان از پس پرده غیبت است.<sup>۴</sup>

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱ باب ۲۱ ح ۳ ص ۲۰۲

۲. همو. پیشین. ج ۱ باب ۲۱ ج ۴ ص ۲۰۲ ۳. همو. پیشین. ج ۱ باب ۲۱ ح ۱۵ ص ۲۰۴

۴. به جهت اطلاعات کاملتر رک: الطبرسی. احمد بن علی. پیشین. ج ۲ صص ۴۹۹-۴۹۶

### □ نماز برای حضرت (عج)

«دو رکعت نماز منسوب به آن حضرت علیه السلام از نمازهای معروفه است و جماعتی از علماء آن را روایت کرده‌اند:

اول: شیخ طبرسی صاحب «تفسیر» در کتاب «کنوز النجاح» روایت کرده که ... بیرون آمده از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان علیه السلام که هر کس رابه سوی حق تعالی حاجتی باشد، پس باید که بعد از نصف شب جمعه غسل کند و به جای نماز خود رود و دو رکعت نماز گزارد و در رکعت اول بخواند سوره «حمد» را و چون به «ایاک نعبد و ایاک نستعین» برسد صد مرتبه آن را مکرر کند و رکوع و دو سجده به جا آورد و «سبحان ربی العظیم و بحمده» را هفت مرتبه در رکوع بگوید و «سبحان ربی الاعلی و بحمده» را در هر یک از دو سجده هفت مرتبه بگوید. پس به درستی که حق تعالی البته حاجت او را بر آورد، هرگونه حاجتی که باشد مگر آنکه حاجت او در قطع کردن صله رحم باشد ...

دوم: سید عظیم القدر سید فضل الله راوندی در کتاب «دعوات» در ضمن نمازهای معصومین علیهم السلام می‌گوید: نماز مهدی علیه السلام دو رکعت است در هر رکعتی حمد یک مرتبه و صد مرتبه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل او علیهم السلام بعد از نماز.

سوم: سید جلیل علی بن طاووس در کتاب «جمال الاسبوع» همین نماز را به نحو مذکور نسبت به آن حضرت ارائه داده و لکن ذکر صد صلوات بعد از آن را نقل نکرده و فرموده این دعا را در عقب نماز بخواند:

«اللهم عظم البلاء و برح الخفاء و انکشف الغطاء و ضاقت الارض و منعت السماء و الیک یارب المشتکی و علیک المعول فی الشدة و الرخاء. اللهم صل علی محمد و آل محمد الذین امرتنا بطاعتهم و عجل اللهم فرجهم بقائهم و اظهر اعزازهم یا محمد یا علی یا علی یا محمد. اکفیاننی فانکما کافیا یا محمد یا علی یا علی یا محمد انصرانی فانکما ناصرای یا محمد یا علی یا علی یا محمد احفظانی فانکما حافظای یا مولای یا صاحب الزمان.

سه مرتبه الغوث ادرکنی ادرکنی، الامان سه مرتبه»<sup>۱</sup>

### □ ادعیه مهدوی

دعاهای مرتبط با حضرت را به دو گروه تقسیم می‌کنیم: یک گروه ادعیه مانند دعای ندبه که در صبح جمعه در فراق امام زمان (عج) خوانده می‌شود یا دعای عهد که به منظور تجدید پیمان با صاحب‌الزمان (عج) در صبحگاهان قرائت می‌گردد.<sup>۲</sup>

عده‌ای دیگر ادعیه‌ای هستند که از سوی حضرت (عج) در زمینه‌های متفاوت بیان شده‌اند.<sup>۳</sup>

### □ برخی روشهای عرض ارادت به حضرت (عج)

ابراز ارادت و عشق ورزی به ساحت مبارک حضرت مهدی (عج) در چهار حالت قلبی، بدنی، زبانی، و مالی میسر است.

- مؤمنین باید از فراق و طول غیبت آن امام (عج) مهموم و غمگین باشند.
- برای ظهور پر از فیض و برکت ایشان انتظار کشند.
- به جهت حفاظت امام از شرور عالم و سلامتی و صحت امام، صدقه دهند.
- آنچه از قدیم نیز مرسوم بوده به نیابت از امام عصر (عج) حج گزارند.
- به احترام نام مبارک ایشان به خصوص «قائم» از جای بر خیزند.
- به خداوند متعال تضرع و از او مسئلت نمایند که ایمان و دینشان را در دوران غیبت مهدی (عج) از هجوم شیاطین جن و انس مصون نگه دارد زیرا در دوران غیبت دین داری بسیار سخت و صعب است.

- توسل و استغاثه به ساحت اقدس صاحب‌الامر (عج) به جهت حل مشکلات مادی و معنوی و واسطه قرار دادن او بین خود و خدا از دیگر روشهای

۱. رک: طبرسی نوری، حاج میرزا حسین. پیشین. باب ۷ صص ۲۹۹-۲۹۷

۲. سیدبن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۲۸۱ منشورات رضی. قم - افست چاپ سنگی ۱۳۳۰ هـ

۳. رک: الاهری. الشیخ عیسی (سلیم پور). صحیفه المهدی. مؤسسه انتشارات رسالت. قم. چاپ اول. بهار ۱۳۸۵

عرض ارادت به ساحت این امام (عج) است.<sup>۱</sup>

### □ دیدگاه پژوهشگران غربی راجع به حضرت (عج)

عموماً محققان و پژوهشگران غربی با دیدی اسلام‌ستیزانه با قضیه مهدویت و خود اسلام روبرو شده‌اند. از منظر ما این گونه پژوهشگران و به ظاهر دانشمندان خاورشناس و اسلام‌شناس دچار بیماری سوء هاضمه معنوی، متأثر از برخی آراء و اندیشه‌های و سقیم در این حوزه هستند. در زیر به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

#### ۱. فان فلوتن (1806-1903) Gorole Van Vloten

این خاورشناس هلندی می‌نویسد:

«مسلماً اعتقاد به ظهور مهدی و انتظار او در بدو امر مختص به آل‌البیت (اهل بیت پیامبر ﷺ) نبوده بلکه فکر مهدی منتظر به واسطه گسترش نفوذ شیعه و فکر مهدویت در میان مسلمانان توسعه یافت چنانکه در بین اهالی سنت نیز شیوع یافت.»<sup>۲</sup>

فان فلوتن معتقد بود که عامل شکست و سقوط بنی‌امیه و به خلافت رسیدن بنی‌عباس سه چیز بوده است که از جمله آن عوامل، تفکر شیعه و آموزه مهدویت بوده است.<sup>۳</sup>

با توجه به نگاه تاریخی فلوتن، دلیل اعتقاد به مهدویت که از نظر او تحت تأثیر داستانهای دروغین بنی‌اسرائیل است، برای استفاده جهت سرکوبی و نابودی حکومت بنی‌امیه بوده است. به همین جهت نگاه فلوتن نه تنها به مهدویت بلکه به تاریخ اسلام بسیار منفی است. وی درباره اسلام نظرش این است که انتشار اسلام از راه ایجاد رعب و ترس بوده نه از راه استدلال، احتجاج و موعظه حسنه.<sup>۴</sup>

تحقیقات و اندیشه‌های فلوتن خالی از اشتباه نیست.

۱. به جهت اطلاعات کاملتر رک: طبرسی نوری، حاج میرزا حسین. پیشین. باب ۱۰ ص ۵۷۷ به بعد

۲. موسوی گیلانی سیدرضی. مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج). تهران. چاپ اول ۱۳۸۵ ش. ص ۱۰۷

۳. همو. پیشین ص ۱۰۸

۴. همو. پیشین ص ۱۰۸

«- اشکال نخست بر فلوتن این است که روش تحقیق او منحصرأ تاریخی است و به جای آنکه به مهدویت از دیدگاه شیعه و معتقدان به آن پردازد صرفاً به تاریخی‌گری نظر دارد.

- دومین اشکال این است که شناخت او از شیعه و مهدویت از منابع دسته دوم است و از جمله آثار اسلامی که مورد توجه او قرار گرفته «مقدمه ابن خلدون» است. تألیفی که در مسئله مهدویت جایگاه مهمی ندارد و ابن خلدون از نادر اندیشمندان مسلمان است که به مخالفت با مهدویت پرداخته است.

- سومین اشکال بر فلوتن این است که وی مهدویت را عقیده‌ای تأسیس شده به وسیله مختار ثقفی (کسی که به خونخواهی امام حسین علیه السلام قیام کرد) و شیعیان کوفه می‌داند که دارای ریشه‌های فکری ایرانی و تحت تأثیرادیان ایران باستان بوده‌اند، در حالی که شیعه قبل از مختار نیز وجود داشته است و منسوب نمودن شیعه به کوفه و مختار سخنی ضعیف و آسیب‌پذیر است.

- چهارمین اشکال این است که وی بخشهای زیادی از افکار شیعیان را تحت تأثیر ادیان ابراهیمی، ادیان باستانی و داستانهای بنی اسرائیل می‌داند و برای اثبات این مدعی به مباحث زبان‌شناسی و ریشه‌شناسی کلمات می‌پردازد، در حالی که از جنبه ریشه‌شناسی اگر هم میان پاره‌ای از مفاهیم در زبان عربی با زبان عبری و فارسی رابطه باشد و از یکدیگر تأثیر پذیرفته باشند اما این امر دلیل نمی‌شود که روایات و احادیثی را که این کلمات در آنها استفاده شده است، اقتباس شده از دین یهودیان و ادیان باستانی ایران بدانیم. به عنوان مثال کلمه «شیطان» در زبان عربی دارای ریشه عبری است، اما دلیل نمی‌شود که مفهوم شیطان را در فرهنگ اسلامی برآمده از آیین یهود بدانیم.<sup>۱</sup>

مؤلف گوید: مهدویت عامل از بین رفتن بنی امیه و روی کار آمدن بنی عباس نیست، چنانکه ما در قافله اول در بحث داغ و شایع مهدی در قرون اولیه اسلامی آوردیم. خلفاء اموی همچون معاویه (لعنة الله عليه) و مروان بن محمد آخرین خلیفه اموی به خوبی مهدی را می‌شناختند و این شناخت، نشان از وجود روایات و

۱. موسوی گیلانی، سید رضی، پیشین، صص ۱۱۴-۱۱۲

اخباری بوده که از ناحیه پیامبر ﷺ در دسترس عموم قرار گرفته و در جامعه اسلامی جاری و ساری بوده است. و این نوع اظهار نظرها نشان از عدم تعمق و تدقیق پژوهشگران غربی راجع به این مسئله است.

## ۲. ایگناتس گلدتسیهر (Ignaz Goldziher (1850-1921)

وی اهل مجارستان، یهودی الاصل و از خاور شناسان برجسته غربی است که در زمینه اسلام شناسی دارای تألیفات و آثاری است و بعضی او را بنیانگذار اسلام شناسی در اروپا می دانند.<sup>۱</sup> این شخص اسلام ستیز بوده بنابراین چگونگی نگاه او به مسئله مهدویت نیز در آراء او بی اساس است.

وی می نویسد:

وحیی که محمد آورد دینی جدید نبوده است. راهبان مسیحی و اخبار (دانشمندان یهود) از استادان و معلمان پیامبر اسلام بوده اند.

اعتقاد به مسئله مهدویت در ریشه خود به عناصر یهودی و مسیحی بر می گردد و در آن پاره ای از ویژگیهای مبحث سوشیالیسم که مورد اعتقاد زرتشتیان است. (به عنوان منجی) یافت می شود.<sup>۲</sup>

پاره ای از خیال پردازیهها و تصورات سرکش و بی منطق که ساخته ذهن افراد بیکار و ماهر است به مسئله مهدویت افزوده شد که در طول زمان موجب پیدایش بسیاری از اسطوره ها از دل مهدویت شده است ... و احادیثی در موضوع مهدویت وارد شد که مناقشه مسلمانان را در برداشت. احادیثی که منسوب به پیامبر است ... و این احادیث صحیح نیست و در کتابهای صحیح ضبط نشده است.<sup>۳</sup>

آنچه پیداست این پژوهشگر غربی با بغض به مسائل اسلام نگریسته است و از درک ظرائف آنها از جمله مسئله مهدویت محروم شده است. تکرار اقتباس مسئله مهدویت از ادیانی چون یهودیت و مسیحیت و یا آیین زرتشت نشخوار همان اندیشه های همفکران سلف وی بوده است.

۱. موسوی گیلانی، سید رضی. پیشین ص ۱۱۶

۳. همو. پیشین. ص ۱۲۰

۲. همو. پیشین. ص ۱۱۹



۳. دیوید ساموئل مارگولیووث (D.S. Margoliouth (1858-1946)

او نیز از خاور شناسان غربی است که راجع به مسئله مهدی (عج) می‌نویسد: اثبات این امر دشوار است که پیامبر اسلام در زمان حیات خود منتظر مهدی موعود بوده باشد و تنها پس از وفات پیامبر اسلام به جهت ایجاد تشنج و ناآرامی میان مسلمانان و به وجود آمدن جنگ‌های داخلی بود که اعتقاد به مسئله مهدویت در میان مسلمانان مطرح گشت و مسلمانان این بحث را از مسیحیان و یهودیان اقتباس نمودند.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد استفاده نادرست از مهدویت در تاریخ اسلامی به وسیله پاره‌ای از فرصت جویان موجب شده تا خاور شناسان مسئله مهدویت را از دیدگاه سیاسی و تحولات اجتماعی بنگرند و مسئله را روشمندان و از زاویه دین‌شناسی مورد توجه قرار ندهند.<sup>۲</sup>

با این همه باید گفت: هنگامی که پیامبر مردم را دعوت به انتظار برای فرج و ظهور قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام می‌کرد خود نیز پیشاپیش در انتظار ظهور فرج صاحب‌الزمان (عج) بوده است و این امر گذشته از روایات در آیات قرآن نیز منعکس است:<sup>۳</sup> از سوی دیگر ما در قافله چهارم از یاد مهدی در میان ادیان و مذاهب یاد کردیم که یاد ایشان و انتظار برای ظهورشان از پیش از اسلام رایج بوده است.

پس اینکه خیلی به سرعت برخی از پژوهشگران غربی به جهت یکی بودن اصل مهدویت در همه ادیان ابراهیمی و آیین‌ها و مذاهب وابسته آن را اقتباسی از مسیحیت و یهودیت و ... می‌دانند به هیچ وجه صحیح به نظر نمی‌رسد.

۴. خانم آنه ماری شیمل (Annemarie Schimmel)

وی از جمله برجسته‌ترین شرق شناسان و اسلام شناسان معاصر است که در زمینه اسلامی‌شناسی، عرفان اسلامی، تاریخ ادیان، فرهنگ اسلامی و ... دارای آثار

۱. موسوی گیلانی، سید رضی. پیشین. ص ۱۵۴

۲. همو. پیشین. ص ۱۵۶

۳. سوره یونس، آیه ۲۰

متعددی است. بعضی از محققان فهرست تالیفات او را به ۱۱۳ اثر تخمین زده‌اند.<sup>۱</sup> در ظاهر این محقق غربی شدیداً دچار توهم و سوء هاضمه معنوی و عدم تشخیص صحیح مسائل اسلامی بوده است.

«خانم شیمل گویا میان شریعت یا آداب دینی با آداب و رسوم فرهنگی و قومی تفکیک قائل نبوده است و تصور نموده که هر چه در میان مردم رواج می‌یابد و تبدیل به عادت می‌گردد ریشه در شریعت و آداب دینی دارد؛ مثلاً وی پس از بیان «چشم زخم» و تأثیرات نگاه در اسلام درباره برخورد خانم‌ها در نگاه به نامحرم می‌گوید:

قبلاً راجع به چشم زخم سخن گفتم. در همین زمینه باید از نیروی منفی و مخرب «نگاه» که در قرآن ذکر شده نیز یاد کرد... این قانون شرعی که خانمها مطلقاً باید از چشم در چشم شدن با مردان غریبه پرهیز کنند یاد آور خطر نگاه است. از این جهت برخی خانمها برای اجتناب از این قبیل تماسها از عینک‌های تیره استفاده می‌کنند!»<sup>۲</sup>

وی در جایی دیگر می‌نویسد:

«در بین گروههای شیعه این اعتقاد رواج دارد که در آخر الزمان وقتی حضرت مهدی به زمین نزول می‌کنند! بر یک اسب سفید سوارند بنابراین همه ساله در مراسم عزاداری ماه محرم، اسب زیبایی را که پاهایش را با حنا رنگین کرده تا به تصور عوام چنانچه حضرت به ناگاه ظهور کردند اسب ایشان زین کرده و آماده باشد.»<sup>۳</sup> ظاهراً در ذهن ایشان در تطبیق مسئله عزاداری امام حسین علیه السلام یا تعزیه و تطبیق آن با مهدی (عج) اختلال ایجاد شده است.

نمونه دیگری از اختلال تشخیص و سوء برداشت راجع به حقیقت صاحب الزمان (عج) در قسمتی از آثار خانم شیمل یافت می‌شود. وی آورده است:

«دستمایه بازگشت رهبر یک امت یا جامعه پس از اینکه مدت مدیدی را در خفاء و غیبت به سر برده از موضوعاتی است که در تاریخ بشری صورتی قدیمی دارد. مطلبی که نخستین بار در مورد پسر علی علیه السلام یعنی در مورد محمدبن حنفیه که

۱. موسوی گیلانی. سید رضی. پیشین. ص ۱۹۴

۳. همو. پیشین. ص ۲۰۳

۲. همو. پیشین. صص ۲۰۲-۲۰۳

معمولاً تصور می‌شود در غاری زندگی می‌کند در میان شیعیان رشد و نمو یافت تا اینکه در بین شیعیان دوازده امامی به ایجاد طرز تفکر امام غائب انجامید که در انتهای زمان ظهور خواهد کرد تا جهانی را که پر از ظلم و بیداد شده از عدل و داد پر کند.<sup>۱</sup> این نوع اظهارنظر از سوی یک پژوهشگر و اسلام شناس بسیار عجولانه و غیر محققانه است و در واقع یک نوع قیاس مع الفارق است و از بغض یا عدم اطلاع صحیح خارج نیست. ما نیازی نمی‌بینیم که به جزء جزء عقاید این افراد پردازیم. اگر کسی مطالب کتاب ما را با دقت و تعمق بخواند قطعاً به پاسخ این اشکالات و سطحی بودن افق اندیشه این دانشمندان غربی پی خواهد برد. مهدی (عج) دریایی بی‌ساحل است و اینگونه اندیشیدن راجع به وی بسیار دون شأن محققین اسلام شناس است.

### □ دلایل عدم گرایش مردم به حضرت (عج)

#### ۱. عدم اطلاع رسانی صحیح و دقیق

مهمترین عامل عدم گرایش مردم به آن حضرت عدم اطلاع رسانی صحیح و دقیق راجع به ایشان بوده و هست. هر چه اطلاعات انسان در مورد یک واقعیت بیشتر شود و معرفت او نسبت به آن کامل‌تر گردد قطعاً محبت و اشتیاقش به آن چیز افزایش می‌یابد. این قاعده راجع به شناخت مهدی موعود (عج) نیز صدق می‌کند.

#### ۲. ترس بی‌مورد از منجی یا قائم (عج)

چنانکه به ضرورت اطلاع رسانی صحیح و دقیق در مورد مهدی (عج) اشاره شد هر چه شناخت، بیشتر عشق و ارادت نیز به مهدی (عج) بیشتر خواهد شد. عکس این قضیه نیز صادق است وقتی که معرفت نسبت به چیزی کم باشد حتی نسبت به آن چیز ترس و خوف به وجود می‌آید.

برای مثال شما یک محیط طبیعی خارج از شهر را تا زمانی که ندیده‌اید از قرار گرفتن در آن محیط احساس ترس می‌کنید یا حداقل با احتیاط آنجا حضور پیدا

۱. موسوی گیلانی، سید رضی، پیشین، ص ۲۰۷

می‌کنید؛ اما به محض شناخت آنجا چه بسا سپری کردن اوقات خود در آن فضا را به عنوان یکی از تفریحات خاص خود در نظر بگیرید. و در آن زمان است که ترس شما تبدیل به یک تفریح و علاقه شده است.

متأسفانه در عصر ما با وسوسه شیاطین، کارکرد واقعی مهدی (عج) که نجات بخش بشر از تاریکی به سوی نور است دچار اختلال شده تا آنجا که عده‌ای از وجود و ظهور منجی یا قائم می‌ترسند.

مثل آن مثل کسی است که شما را از داروی پزشک منع کرده و شما را از آن بترساند. در واقع مهدی (عج) به عنوان منجی و نجات‌دهنده بشریت از پرتگاههای مادی و معنوی، درمانگر بیماریها است که اگر کسی ما را از این پزشک و داروهای شفابخش او بترساند در واقع مانع از رشد و تعالی مادی و معنوی ما شده است. پس ترس بی مورد از مهدی (عج) نشان از عدم شناخت و یک ترس شیطانی است و از دیگر دلایل عدم گرایش مردم به این امام بزرگوار است.

### □ ویژگیهای امام

در لابلای کتاب از ویژگیهای امام روایتها نقل کردیم. در این مقال و برای حسن ختام این قافله روایتی را در ویژگیهای امام به طور کلی بیان می‌کنیم تا به فهم و تبیین منصب شریف امامت بیانجامد. یکی از دلایل عدم گرایش مردم به امام زمان ما و ائمه قبل از امام زمان ما عدم فهم صحیح منصب امامت برای آنها بوده است.

قطعاً ویژگیهای امام و خواص و فوائد مادی و معنوی او از زبان و لسان صدق امام هشتم علیه السلام حلاوت و شیرینی دیگری دارد که بر شکرهای این قافله خواهد افزود.

عالم آل محمد، حضرت علی بن موسی الرضا المرتضی علیه السلام در تبیین مقام و منصب شریف امامت فرموده‌اند:

«امامت ارزشی والاتر و جایگاهی بزرگتر و مکانی بلندتر و جانبی منیع‌تر و باطنی عمیق‌تر از آن دارد که مردم به واسطه عقلهای (ضعیفشان) به آن برسند یا آنکه به اختیار خود امامی را انتخاب کنند.

امامت، مقامی است که ابراهیم علیه السلام بعد از آنکه به مقام پیامبری و دوستی (با

خدا) نائل شد در مرتبه سوم (به مقام امامت) مفتخر شد. امامت، مقام پیامبران و میراث اوصیاء (جانشینان ایشان) است.

امامت، خلافت خداوند تعالی و پیامبر ﷺ و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است.

امامت، زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. امامت بنیاد پاک اسلام و شاخه پر بار آن است. به وسیله امام نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، فراوانی غنائم، صدقات و اجرای حدود و احکام (شرعی) و مرزبانی (حدود و ثغور اراضی مسلمین) تحقق می‌یابد.

امام حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می‌کند و حدود الهی را بر پا می‌کند و از دین خدا دفاع می‌کند و با حکمت (دانایی) و موعظه نیکو (مردم را) به سوی راه خدا فرا می‌خواند.

امام همانند خورشید فروزان برای دنیا است. او در افقی قرار دارد که دستها و چشم‌ها به او نمی‌رسد.

امام، ماه تابان و چراغ روشن و نور ساطع و ستاره هدایت کننده در شبهای تاریک و بیابانهای خشک و دریاها پرگرداب است.

امام، آب گوارا به کام تشنگان و راهنمای هدایت و نجات دهنده (بشریت) از گمراهی است.

امام آتش بر بلندی و گرما بخش سرمازدگان و راهنما در (عرصه‌های) مهلکه است که هر کس از آن جدا شود هلاک خواهد شد.

امام، ابر بارنده و باران سیل آسا و خورشید درخشان و آسمان سایه گستر و زمین گسترده و چشمه جوشنده و برکه و باغ است.

امام، امانتدار، رفیق (یاور و دوست) و پدری مهربان و برادری دلسوز و پناهگاه بندگان (خدا) در روزگار سختی است.

امام، امین خداوند (عزوجل) در بین مردم است و حجت او بر بندگان است و خلیفه او در شهرهایش و دعوت کننده به سوی خداوند و دفاع کننده از حرم (حدود) خداوند (عزوجل) است.

امام، از گناهان پاک و از عیوب مبرا به علم و دانش مخصوص و به حلم و

بردباری موسوم شده است. نظام (استواری) دین و عزت مسلمین و عامل خشم منافقین و نابودی کافرین است.

امام، یگانه دوران‌هاست. هیچ کس به او نرسد (به حد منزلت او کسی نمی‌رسد) و دانشمندی (در علم) با او برابری نمی‌کند. برای او مثل و مانند و نظیری یافت نمی‌شود و بدون طلب و اکتساب به فضل و برتری مخصوص شده، بلکه (این امر مستقیماً از جانب) خداوند مفضل و وهاب است.

کیست که بتواند به عمق شناخت از امام دست یابد یا آنکه بتواند او را انتخاب کند؟

هیئات! هیئات! عقلها در او گم و خردها سرگشته و چشمها بی‌فروغ و بزرگان کوچک و حکماء حیران و خطباء گنگ و خردمندان قاصر و دانایان جاهل و شعراء درمانده و ادیبان ناتوان و بلیغان عاجزند که شأنی از شئون یا فضیلتی از فضائل او را توصیف نمایند و به ناتوانی و کوتاهی خود اقرار دارند، تا چه رسد به آنکه او را توصیف و به گنه آن پی ببرند یا آنکه چیزی از امر او فهمیده شود یا کسی قائم مقام او شود؟

نه، از کجا و چگونه ممکن است؟ او مانند ستاره‌ای است که از دسترسی و توصیف بالاتر است.

این مقام چقدر از اختیار و چه قدر از عقلهای (ضعیف) فاصله دارد و کجا چنین مقامی پیدا می‌شود؟

گمان می‌کنند که (مقام و منصب امامت) در غیر خاندان پیامبر ﷺ یافت می‌شود. به خدا قسم خودشان، خویشان را دروغگو شمردند و یاوه‌گویی‌هایشان آنها را به آرزوها افکنده است ...

سختی را طلب کردند و سخن دروغ گفتند و به گمراهی دوری در افتادند. و در حیرت واقع شدند چونکه از روی بصیرت و آگاهی امام را ترک کردند و شیطان اعمال (بد) ایشان را زینت بخشید و آنها را از راه (الهی) منحرف کرد در حالی که آگاه بودند. از برگزیده خدا و پیامبر ﷺ روی گردان شدند و به سوی انتخاب شده خویش روی آوردند ...

آنان چگونه می‌توانند امام را انتخاب کنند در حالی که امام، عالم و دانشمندی

است که (در او) نادانی راه ندارد. سرپرستی است که از مقام خویش خودداری نمی‌کند. و معدن پاکی و طهارت و عبادت است.

مزین به دعوت پیامبر ﷺ است و از نسل پاک بتول (حضرت زهراء) است. در نسبت و خاندان او تیرگی وجود ندارد و پلیدی راه نیافته است؛ برای او منزلتی است که هیچ صاحب منزلتی به آن پایه نرسیده است.

از خاندان «قریش» و نسب «هاشم» و عترت پیامبر ﷺ و مورد رضایت خداست. بالاترین شرافت و شاخه‌ای از درخت «عبد مناف» (از اجداد پیامبر) است. شکافنده علم و صبرش کامل است. آفریده شده برای (منصب) امامت و به تدبیر و سیاست آگاه است و اطاعت او واجب است. قیام کننده به امر خداست و نصیحت کننده بندگان و حافظ دین خداوند (عزوجل) است ...

خداوند پیامبران و ائمه را توفیق می‌دهد و از سرچشمه و مخزن دانش و حکمت خود به آنها عطا می‌کند و از آن به دیگران نمی‌دهد و دانش ایشان بالاتر از علم اهل زمانشان است ...<sup>۱</sup>

۱. ابن بابویه. محمدبن علی. پیشین. ج ۲ باب ۵۸ ح ۲۲ صص ۶۸۰-۶۷۵

# قافله ششم

---

---

## توضیحات

---



## حدیث قافله

روزی امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابشان در مورد دوران غیبت مهدی (عج) و ایجاد فتنه‌ها و شبهات در آن عصر بیاناتی ارائه می‌فرمایند. همنشین امام علیه السلام از اوج فتنه‌ها و شبهات و عدم اعتقاد مردم به مهدی (عج) در دوران غیبت او به گریه می‌افتد. امام صادق علیه السلام او را دلداری می‌دهد و سپس او را به پرتو آفتاب متوجه می‌سازد که از داخل ایوان به خانه ایشان تابیده بود، آنگاه می‌فرمایند: آیا این آفتاب را می‌بینی؟  
همنشین امام علیه السلام عرض می‌کند: بلی!  
امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: به خدا قسم! امر ما از این آفتاب روشن‌تر است.

کمال‌الدین ج ۲ باب ۳۳ ح ۲۶ (تلخیص)

این قافله، از دو قسمت «ابهام زدایی» و «پاسخ به شبهات و سؤالات فتنه انگیز» تشکیل شده است. در قسمت اول به توجیه و بررسی برخی ابهامات و اشکالات می پردازیم و در قسمت بعد پاسخ به بعضی از شبهات و سؤالات فتنه انگیزی است که اخیراً به صورت کتابچه‌هایی در کشور عربستان و به زبان فارسی در دسترس حجاج و معتمرین قرار گرفته است. البته این شبهات مطرح شده تنها در مورد حضرت مهدی (عج) نیست و ما فقط آن دسته را که راجع به ایشان بوده در این مجموعه و در این قافله انتخاب کرده و به پاسخ آنها پرداخته‌ایم. از آنجا که خداوند در قرآن می فرماید: ﴿قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾ (البقره / ۳۵۶) (همانا رشد و (آگاهی) از گمراهی و (جهالت) تبیین و (تمیز) یافته است). و امام صادق علیه السلام چنانکه در حدیث قافله آوردیم امر اهل بیت علیهم السلام و خصوصاً امر امام صاحب الزمان (عج) را از آفتاب روشن تر و آشکارتر می داند، ما نیز به فضل خدا به پاسخ این ابهامات و اشکالات توفیق یافتیم. (والله ولي التوفيق و عليه التكلان)

﴿فبشر عبادالذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئکالذین هدیهم الله و اولئک هم اولوالالباب﴾ (الزمر / ۱۸-۱۷)

(پس بشارت بده بندگان را کسانی که سخن را می شنوند و سپس از بهترین آن تبعیت می کنند آنان که خداوند هدایتشان کرده و خردمندانند).

## الف) ابهام زدایی

### □ سن کم به هنگام امامت

چنانکه از اخبار و روایات به دست ما رسیده؛ حضرت صاحب الزمان (عج) به هنگام امامت، پنج سال بیشتر نداشتند و به اذن خداوند بعد از رحلت جانگداز پدر بزرگوارشان، مسئولیت خطیر و سنگین امامت امت اسلام را عهده دار شدند. شاید برای عده‌ای این شبهه پیش آید که چطور یک کودک پنج ساله می‌تواند بر امت اسلام امامت کند و حوائج معنوی و مادی آنها را مرتفع سازد؟ پاسخ: «قدرت ولایت» است که خداوند، امام را در این امر یاری و تأیید می‌نماید.

### ● دلیل قرآنی

الف) نبوت عیسی بن مریم علیه السلام

در سوره مبارکه مریم (س) آمده است که: حضرت عیسی علیه السلام در همان دوران طفولیت و در گهواره با مردم سخن می‌گفت و در همان گهواره مردم را با نبوت و پیامبری خویش آشنا کرد:

﴿قال انى عبدالله اتانى الكتاب و جعلنى نبيا﴾ (مریم / ۳۰) [عیسی علیه السلام] گفت: من بنده خداوند یکتا هستم که کتاب [آسمانی] را به من عطا کرده و مرا پیامبر قرار داده است.

ب) نبوت یحیی بن زکریا علیه السلام

طبق کلام خداوند پیامبری حضرت یحیی علیه السلام و هدایت کردن مردم توسط ایشان در دوران خردسالی بوده است:

﴿یا یحیی خذ الكتاب بقوة و اتیناه الحکم صیبا﴾ (مریم / ۱۲) (ای یحیی این کتاب را محکم بگیر و ما حکم (نبوت) را در کودکی به وی دادیم).

### ● دلیل روایی

امام جواد علیه السلام، نهمین اختر تابناک آسمان امامت طبق روایات معتبر در سن پایین از جانب خداوند به منصب امامت منصوب شدند. طبق روایت شیخ کلینی ایشان

هفت ساله بودند که بعد از شهادت امام رضا علیه السلام امامت امت را عهده دار شدند<sup>۱</sup>. بنابراین سن کم برای پیامبر یا امام جهت هدایت مردم از طریق قرآن و روایات، قابل اثبات است.

### □ عمر طولانی

امام عصر (عج) از سال ۲۵۵ هـ ق (سال ولادت) تا کنون که ما مشغول تحریر این اوراق هستیم (۱۴۲۹ هـ ق) به اذن خداوند زنده هستند و این عمری برابر با ۱۱۷۴ سال است. عده‌ای می‌پرسند چطور یک انسان می‌تواند این اندازه عمر کند؟ در پاسخ باید گفت: زنده ماندن دلیل نمی‌خواهد، بلکه از دنیا رفتن و مردن دلیل و علت می‌خواهد. با این حال به جهت قوت قلب علاقه‌مندان دلایلی ارائه می‌کنیم:

### ● دلیل قرآنی

الف) حضرت نوح علیه السلام

در سوره مبارکه عنکبوت آمده:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾ (العنکبوت / ۱۴)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او در میان آنها هزار سال به جز پنجاه سال (۹۵۰) درنگ کرد (و آنها را به سوی خدا خواند) سرانجام طوفان آنها را در برگرفت در حالی که از ستمکاران بودند). با عنایت به این آیه شریفه به خوبی معلوم می‌شود که حداقل توقف حضرت نوح در میان قوم خود پس از بعثت و پیش از طوفان ۹۵۰ سال بوده است و عمر واقعی ایشان طبق برخی روایات ۲۴۵۰ سال اخبار شده است.<sup>۲</sup>

۱. رک: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحق. پیشین. ج ۱ ص ۴۹۲-۴۹۱ (و شهادت امام رضا علیه السلام سال ۲۰۲ هـ ق و امام جواد علیه السلام در سال ۱۹۵ هـ ق به دنیا آمدند پس در نتیجه سن امامت و ولایت امام جواد علیه السلام هفت سالگی است).

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین. ج ۲ باب ۴۶ ج ۳ ص ۵۲۳

ب) حضرت عیسیٰ علیه السلام

این پیامبر بزرگوار خداوند نیز از عمری طولانی برخوردار بوده است و اکنون بیش از ۲۰۰۰ سال از عمر شریفشان سپری شده است.

﴿و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم... و ما قتلوه یقیناً بل رفعه الله...﴾ (النساء / ۱۵۷-۱۵۸)

(... [او مسیح] کشته نشده و به دار آویخته نشده بلکه برای [آن مردم این امر] مشتبه شد... و قطعاً (مسیح) کشته نشده بلکه خداوند او را به سوی خودش بالا برده است...)

ج) شیطان - ابلیس

از آیات شریفه قرآن استفاده می شود که شیطان از زمانی طولانی پیش از آفرینش آدم ابوالبشر موجودیت داشته و تاکنون نیز زنده و مشغول اغواگری است و این عمری بسیار طولانی و دراز است.

د) یونس علیه السلام و ماهی

یک نکته ظریف مرتبط با مسئله طول عمر در قرآن وجود دارد که آنرا باید از رقائق و ظرائف قرآنی دانست.

خداوند فرموده:

﴿فلولانه کان من المسبحین، للبت فی بطنه الی یوم یبعثون﴾ (الصافات / ۱۴۳-۱۴۴).

(و اگر [یونس] از تسبیح کنندگان [خداوند] نبود در شکم [ماهی] تا روز قیامت می ماند).

هنگامی که یونس علیه السلام از هدایت قوم خود ناامید گشت به جانب دریا رهسپار شد و طبق قصه مفصلی، آنان که در کشتی بودند وی را به دریا انداختند و او در دریا طعمه یک ماهی بزرگ شد. این قصه نمود تنبیه خداوند برای اوست که چرا بدون اذن الهی قوم خود را ترک نموده، هر چند که ناسپاس بوده اند. نکته رقیق و ظریف در

آیاتی که ذکر نمودیم این است که خداوند فرموده که اگر او را اهل تسبیح و ذکر الهی یا توبه و انابه به درگاه حضرتش نمی‌یافت یونس در شکم ماهی تا روز قیامت محبوس می‌شد. یعنی هم ماهی عمری طولانی تا قیامت می‌یافت و هم یونس در زندانی چون شکم ماهی و با آن شرایط نامناسب زنده می‌ماند؛ هرچند این اتفاق رخ نداد، اما خود گواهی بر این مطلب است که خداوند در سنت خود چه برای تنبیه مانند یونس و چه فرصت برای اغواگری مانند شیطان رجیم و چه برای هدایت خلق چون عیسی، نوح و مهدی (عج) عمر طولانی را مقدر می‌نماید و قطعاً بر او این کارها آسان است.

### ● دلیل روایی

در روایت فریقین (شیعه و سنی) حداقل حضرت خضر از عَلَيْهِ السَّلَام زمان موسی عَلَيْهِ السَّلَام تاکنون زنده است.

### □ توسل و استغاثه

در برخی روایات اسلامی به مسئله توسل و استغاثه به ساحت مقدس معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام اشاره شده است. یعنی این بزرگان را واسطه بین خود و خدا قرار داده و به وسیله و برکت ایشان از خداوند طلب حاجات یا رفع مشکلات مادی و معنوی را مسئلت می‌نماییم.

در تشرفات نیز توسل و استغاثه (طلب کمک و یاری) از حضرت مهدی (عج) به کرات دیده شده است.

بعضی می‌گویند تا وقتی خدا هست چرا ما باید امام زمان (عج) یا دیگر ائمه یا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را واسطه قرار دهیم؟

در پاسخ باید گفت: عدم آشنایی صحیح با حقیقت امام عامل بروز چنین تفکری است، یعنی شخص نمی‌داند که امام واسطه بین او و خداست، و همه برکات عالم از ناحیه امام بر خلائق نازل می‌شود. پس استغاثه و توسل به او از لحاظ عقلی و شرعی مانعی ندارد.

## ● دلیل قرآنی

الف) وسیله‌ای برای نزدیک شدن به خدا  
﴿يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وابتغوا اليه الوسيله﴾ (المائده / ۱۳۵)  
(ای کسانی که ایمان آورده‌اید! راجع به خداوند تقوا داشته باشید و وسیله‌ای [جهت تقرب] به سویش در نظر بگیرید).

ب) توسل به ساحت اقدس پیامبر اسلام ﷺ  
﴿ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا لله و استغفرهم الرسول لوجدوا لله تواباً رحيماً﴾ (النساء / ۶۴).

(اگر آنها [گناهکاران امت] هنگامی که به خود ستم کردند [سرپیچی از دستور خدا و رسول کردند] به سراغ تو آمده و طلب استغفار و بخشش از خدا می‌کردند و تو نیز برای ایشان طلب بخشش می‌نمودی [آنگاه] خداوند را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند).

ج) توسل برادران یوسف به حضرت یعقوب عليه السلام  
﴿قالو يا ابانا استغفرنا ذنوبنا انا كنا خاطئين قال سوف استغفرلكم رب انه هو الغفور الرحيم﴾ (يوسف / ۹۷-۹۸).

(برادران خطاکار یوسف عليه السلام عرض کردند: ای پدر ما! [بین ما و خداوند واسطه شود] از خداوند برای ما بخشایش گناهانمان را طلب کن! که ما [در زمینه خیانت به برادرمان یوسف] خطاکاریم!)

[حضرت یعقوب عليه السلام] فرمودند: به زودی برای شما از خداوند طلب آمرزش خواهم کرد، به درستی که خداوند آمرزنده و مهربان است).

## ● دلیل روایی

در زمان عمر (خلیفه دوم) یک سال خشک‌سالی به وقوع پیوست. عمر به عباس، عموی پیامبر ﷺ متوسل شد و او را واسطه بین خود و خدا قرار داد و گفت:

اللهم كنا نتوسل اليك بنبينا فتسقيننا وانا نتوسل اليك بعم بنبينا فاسقنا<sup>۱</sup>  
 (پروردگارا! [در زمانی که پیامبر ﷺ زنده بود ما به هنگام قحطی و خشکسالی]  
 به پیغمبرمان متوسل می شدیم پس تو ما را سیراب می کردی [اکنون] به عموی  
 پیامبر تو متوسل می شویم پس ما را سیراب گردان!).  
 به جهت حسن خاتمه این مبحث توجه شما را به فرازهایی از دعای پرفیض  
 ندبه جلب می کنم:

در این دعای شریف که از ناحیه صادق آل محمد ﷺ شرف صدور یافته و  
 مضامین آن مرتبط با حضرت صاحب الزمان است؛ می خوانیم:

خدایا! به برکت وجود شریفش [وجود نازنین مهدی - عج -] نمازهای ما را بپذیر!  
 به احترامش از گناهان ما درگذر!  
 به برکتش روزیهایمان را فراخ گردان!  
 به حرمتش غمهایمان را از بین ببر!  
 به خاطرش حاجت‌هایمان را برآورده کن!  
 یا در جایی دیگر از این دعای شریف می خوانیم:  
 این باب الله الذی منه یؤتی

کجاست آن درگاه الهی [برای هدایت خلق] که از آن می توان وارد شد؟  
 این السبب المتصل بین الارض و السماء<sup>۲</sup>  
 کجاست آن رشته متصل بین زمین و آسمان؟

از خصائص یاد شده در دعا درمی یابیم که حضرت مهدی (عج) همه کاره عالم  
 مادیات و معنویات هستند. و ما ایشان را واسطه بین خود و خدا قرار می دهیم و به  
 ایشان توسل می جوئیم. زیرا ما کوله باری سنگین از گناه و معاصی به گردن داریم اما  
 امام زمان (عج) از هر گونه گناه و ناپاکی مصون است. پس توسل و استغاثه به  
 ساحت اقدس ایشان بی احترامی به شعور انسانی یا اختلال در روند یکتاپرستی

۱. البخاری، الحافظ ابی عبدالله محمد بن اسماعیل (المتوفی سنه ۲۵۶). الصحیح (البخاری).  
 مراجعه و ضبط و فهرسه: الشیخ محمد علی القطب، الشیخ هشام البخاری، المكتبة العصریه، صیدا -  
 بیروت، الطبعة الخامسة ۱۴۲۰ هـ ۱۹۹۹ م - الجزء الاول (ج ۱)، باب (ش ۳) (سؤال الناس  
 الاستسقاء از اخطوا) کتاب الاستسقاء (ش ۱۵) ص ۳۰۲  
 ۲. رک. قمی، حاج شیخ عباس، مفاتیح الجنان، دعای ندبه



نیست بلکه در آیین موحدین و یکتاپرستان توسط پیامبر و امام از سنتها محسوب شده است.

### □ غیبت علیرغم آشکار بودن دعوت

این ابهام و اشکال نیز قابل طرح است که:

ما مسئله غیبت را برای پیامبران الهی قبول داریم ولی این امر زمانی معنا پیدا می‌کند که صاحب غیبت، دعوت الهی خود (هدایت مردم) را علنی و آشکار ساخته باشد و این امر در مورد مهدی (عج) مصداق ندارد و ایشان پیوسته در حال اختفاء یا غیبت صغری و کبری بوده‌اند، در حالی که پیامبران دعوتشان آشکار بوده و بعد غیبت داشته‌اند.

### ● دلیل قرآنی

در پاسخ و توجیه قضیه طبق آیات قرآنی خواهیم گفت:

«خداوند (عزوجل) در قصه حضرت موسی علیه السلام ما را خبر داده است که برای او شیعیانی بودند که به امر او آشنا و به ولایت او متمسک بودند؛ پیش از آنکه دعوت خود را آشکار کند. چنانکه در قرآن می‌فرماید:

﴿وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ﴾ (القصص / ۱۵).

([موسی] وارد شهر شد در حالی که مردم آنجا غافل و بی‌خبر بودند. [در این میان] دو مرد را دید که با یکدیگر نزاع می‌کردند. این یکی از شیعیان او بود و آن یک از دشمنان [موسی] و او که از شیعیان [موسی] بود علیه دشمن موسی طلب کمک کرد...).

و همچنین خداوند (عزوجل) در بیان احوالات شیعیان موسی علیه السلام در قرآن فرموده است:

﴿قَالُوا ذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْنَا...﴾ (الاعراف / ۱۲۹).

([شیعیان موسی علیه السلام] گفتند: [ای موسی] پیش از آنکه بیایی و سپس از آمدنت

آزار و اذیت شدیم...)

پس خداوند (عزوجل) در کتابش ما را آگاه کرده است که موسی علیه السلام پیش از آنکه اعلام و اظهار نبوت کند و دعوتش را آشکار کند شیعیانی داشته است که او را می شناختند اگرچه آنها نمی دانستند که این شخص همان موسی است [که طبق وعده پیامبران قبلی قرار است به عنوان قائم بنی اسرائیل ظهور کند و ایشان را از بند ستمگران زمانه برهاند].

این مطلب آنجا صدق پیدا می کند که [طبق اخبار الهی] نبوت موسی علیه السلام پس از بازگشت او از نزد «شعیب» نبی علیه السلام آشکار و علنی گردید. وقتی که پس از سالها برای شعیب علیه السلام، چوپانی کرد و با خانواده اش [دختر شعیب] ازدواج کرد [و به طرف مصر رهسپار شد]. به هر روی ورود موسی علیه السلام به شهر و دیدن آن دو نفر در حال نزاع قبل از رفتن به نزد شعیب علیه السلام [و آشکار کردن دعوت و پیامبری خویش] بوده است.<sup>۱</sup>

مع الوصف حضرت موسی علیه السلام نیز پیش از آنکه دعوت خود را به عنوان یک پیامبر علنی کند در دوران غیبت به سر می برده تا جان خود را از گزند دشمنان و معاندین حفظ نماید. سپس این ابهام که چون حضرت صاحب الزمان (عج) دعوت خود را علنی نمودند پس غیبت ایشان از درجه اعتبار ساقط است به خودی خود پاسخ دارد و با این استدلال قرآنی توجیه پذیر است، چون مورد شبیه آن در سنتهای الهی دیده شده است.

### □ لزوم تجمیع غیبت و عمر طولانی

چه بسا برای برخی از مردم این سوال یا شبهه پیش آید که اگر در علم خداوند گذشته بود که حضرت (عج) عمر طولانی مانند اکنون داشته باشند در این صورت خداوند سلسله ائمه و هدایتگران الهی را تا یازدهمین پیشوا (حضرت امام حسن عسکری علیه السلام) ادامه می داد بعد یک وقفه ایجاد می نمود بعد مهدی (عج) را از صُلب و رَحم پدر و مادری دیگر به دنیا می آورد و سپس شرایط حکومت و ظهور جهانی ایشان را فراهم می ساخت؟

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین. ج ۱ اثبات الغیبه والحکمه فیها صص ۲۸-۲۹

در پاسخ به این ابهام و اشکال باید گفت:

این نوع طرز تفکر و این نوع طرز تلقی از عدم شناخت صحیح حقیقت امام سرچشمه می‌گیرد.

اگر قرار بودن چنین مسئله‌ای رخ دهد یعنی از زمان وفات امام حسن عسکری علیه السلام تا زمانی که قرار بود به طور فرضی یک سال، صد سال، هزار سال، دو هزار سال بیشتر یا کمتر بوده به هر روی برای اهل زمین در حوزه‌ای از زمان هیچ هدایتگر اعظم، شایسته و بحقی وجود نداشت.

چنانکه در روایات عدیده‌ای یافته اسم و آنرا در قافله‌های پیشین ذکر نمودیم اگر امام یا پیشوای بحقی بر روی زمین نباشد؛ زمین اهلس را می‌بلعد. یعنی عامل بقاء و استقرار و تثبیت امورات عالم همین امام و پیشوای به حق یا همان خلیفه الهی است.

نباید این نکته را در علم امام‌شناسی نادیده گرفته شود که وجود امام و پیشوا برای مردم از کرم و لطف خداوندی سرچشمه گرفته است. با این همه باز شاید برای عده‌ای این سؤال ایجاد شود که وجود غیبت مانع از بهره‌مندی مردم حداقل از امام در ارتباط معنوی ظاهری می‌باشد؟

در پاسخ باید گفت: چنانکه در روایات آمده و ما نیز اشاره کردیم وجه انتفاع و بهره‌مندی از امام غائب مانند بهره‌مندی انسانها از خورشید پشت ابر است.

پس امام در غیبت نیز فیض‌رسان و هدایتگر است. علاوه بر اینها اگر دورانی بر بشر بگذرد که در آن هدایتگری وجود نداشته باشد این امر با سنت هدایت خداوند و عدالت و لطف او منافات دارد.

با این اوصاف وجود توأمان غیبت و عمر طولانی و تجمیع این دو امر برای حضرت (عج) توجیه‌پذیر است.

### □ ارتباط غیبت پیامبران با غیبت ائمه

شاید بواسطه اخبار و روایاتی که در کتاب ذکر کردیم برای عده‌ای اعتقاد و باور راسخ نسبت به غیبت پیامبران ایجاد شده باشد، اما این بحث مطرح شود که ماهیت مأموریت انبیاء الهی با ماهیت و مأموریت ائمه معصومین علیهم السلام تفاوت دارد، و در واقع گفته شود چه لزومی دارد که ائمه را هم شأن و هم کردار انبیاء بدانیم، تا

مسئله‌ای مانند غیبت برای همه یا برخی از آنها مطرح یا اثبات گردد؟ در پاسخ باید گفت: «هر چیزی که درباره انبیاء جائز است مو به مو در مورد ائمه نیز واجب است زیرا انبیاء، ریشه و منشأ آنها هستند و ائمه جانشینان و اوصیای انبیاء و حجت‌های خدا برای آیندگان ایشان هستند، تا حجت‌های الهی از بین نرود و احکام تا آخرین دوره تکلیف بندگان پابرجا ماند. ائمه حجت‌های خدا بر خلق هستند همانگونه که پیامبران بوده‌اند، و اطاعت از ائمه واجب است، چنانکه اطاعت از انبیاء چنین بوده است. و دلیل آن، قول خداوند (عزوجل) است: ﴿اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم﴾ (النساء / ۵۹) (از خداوند اطاعت کنید و از رسول خدا اطاعت کنید و همچنین) از صاحبان امر [ائمه] خویش) و قول دیگر خداوند: ﴿ولورده الی الرسول و الی اولی الامر منهم لعلهم الذین لیستنبطونه منهم﴾ (النساء / ۸۳) (و اگر آن را به رسول [پیامبر] و صاحبان امرشان [ائمه] ارجاع می‌داند اهل استنباط [و تحقیق] آن را درک می‌کردند [و می‌فهمیدند]).

سپس «ولات امر» (صاحبان امر) همان اوصیاء و ائمه بعد از پیامبر هستند و خداوند اطاعت از آنها را چون اطاعت پیامبرش قرار داده و اطاعت آنها را بر بندگان واجب کرده است؛ چنانکه اطاعت از رسول (پیامبر) را بر آنها واجب ساخته است، و آن را در ردیف اطاعت از خود قرار داده است.<sup>۱</sup>

وقتی اطاعت از ائمه در ردیف اطاعت از پیامبر است، وقتی روشهای زندگی آنها با توجه به شرایط زمانی و بحث هدایت مردم نیز می‌تواند با آنها عیناً همسانی داشته باشد، چنانکه در روایات به همسان بودن آنها تذکر داده شده است، بنابراین غیبت برای حضرت مهدی (عج) نیز علیرغم اینکه پیامبر نیست؛ می‌تواند عینیت و مصداق داشته باشد.

### □ لزوم وجود دوران غیبت صغری

دیگر ابهام و اشکالی که در این عرصه مقدس مهدویت ممکن است مطرح شود لزوم وجود دوران غیبت صغری برای آن جناب می‌باشد.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱ ص ۲۴

چه الزامی در علم و حکمت خداوند بوده است که دورانی با زمانی حدود ۶۹ سال بعنوان دوران غیبت صغری برای حضرت صاحب الامر (عج) در نظر بگیرد؟ و در آن از بعضی عناصر الهی بعنوان نواب اربعه یا وکلاء حضرت به طور عام موجودیت و سخن به میان آید؟  
در پاسخ باید گفت:

بشر همواره در لطف و کرم خداوندی غوطه‌ور است و این امر نیز از لطف و رحمت بی اندازه خداوند نشأت گرفته است، چنانکه ما در قافله دوم در بحث کیفیات و تنوع غیبت آوردیم یکی از انواع متفاوت غیبت، غیبت نمادین امامین عسکریین علیهما السلام بوده، چنانکه امام هادی علیه السلام خویش را از شیعیان پنهان می‌داشت مگر عده‌ای از خواص ایشان، و امام عسکری علیه السلام نیز از پشت پرده به حل و فصل مشکلات مادی و معنوی مردم می‌پرداختند.

اینگونه اقدامات که از لطف و حکمت الهی سرچشمه گرفته، بدین علت بوده که مردم و شیعیان در مواجهه با بحث غیبت حضرت مهدی (عج) دچار شوک و آشفتگی نشوند، یعنی زمینه برای پذیرش این اتفاق و امر عظیم به مرور فراهم گردد. این زمینه‌سازها و این مقدمه‌چینی‌ها همه برگرفته از لطف و حکمت الهی است. پس وجود دورانی به نام غیبت صغری (کوچک) برای جناب صاحب الزمان (عج) علاوه بر لطف و حکمت الهی از منظر عقلی زمینه و تمهیدی برای آمادگی شیعیان و مردم به جهت ورود به دوران غیبت کبری (تامه) بوده است، تا بشریت دچار ابهام، تشویش، آشفتگی و شوک نگردد.

### □ عدم وقوع ظهور موقت

در بعضی از اذهان این سؤال مطرح می‌شود که چرا حضرت مهدی (عج) در زمانهای خاص ظاهر نمی‌شوند و ادعای امامت نمی‌کنند، به طرزى که باعث افزایش ایمان و اعتقاد مردم گردد؟

در پاسخ به این پرسش می‌گوییم: ظهور موقت معنایی ندارد. دور نیست مسبب آشوب، اختلاف و ابهام شود و برخلاف تصور باعث افزایش ایمان و اعتقاد مردم به امام قائم و غائب نگردد، و اگر در صلاح خداوندی بود حتماً این امر محقق می‌شد.

نکته‌ای که باید مسلمین به آن عنایت ویژه داشته باشند این است که: مسلمان یعنی کسی که در برابر امر خداوند و رسول و ائمه معصومین علیهم‌السلام تسلیم است. بنابراین اگر در هر موردی بخواهیم اشکال کنیم و بگوییم چرا اینگونه می‌شود؟ چرا آنگونه نمی‌شود؟ این با تعریف مسلمانی تضاد دارد. مقصود این است که برخی از امور الهی تعبدیست و مسلمان باید تسلیم امر شارع دین باشد.

راجع به ظهور موقت باید گفت:

اولاً: در مبحث تجلیات حضور حضرت (عج) در دوران غیبت اشاراتی شد که به فهم این قضیه کمک می‌کند.

ثانیاً: ظهور موقت در سنت الهی راجع به مهدی (عج) مقدر نشده است و در حکمت و تدبیر الهی ظهور بدان گونه که در روایات در قافله سوم آوردیم انجام می‌پذیرد؛ چرا که در ظهور و غیبت ابعاد متفاوتی مانند امتحان مؤمنین و غربال ایشان (مخلصین از مبطلین) وجود دارد که اگر مضاف بر اینکه هدف و قیام مهدی جهانی است و یک امر موضعی و محدود نیست و کل جهان را مشمول می‌شود؛ ظهور موقت انجام می‌شد، خیلی از موارد به وقوع نمی‌پیوست. مَخْلَص کلام اینکه آنچه بهتر است و صلاح مسلمین در آن نهفته، عدم وقوع ظهور موقت برای حضرت (عج) است. هر چند تجلیات حضور حضرت را در غیبت نباید نادیده گرفت و به نوعی ظهور موقت ایشان تلقی می‌گردد.

### □ بحث «المشاهده»

چنانکه در مبحث «آخرین توفیق شریف» آوردیم؛ حضرت صاحب‌الزمان (عج) در آخرین نامه‌ای که به آخرین نائب خود انشاء فرمودند در قسمتی از آن این مطلب را تذکر می‌فرمایند که:

«...سیاتی شیعتی من یدعی «المشاهده» الافمن ادعی «المشاهده» قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کذاب مفتر...»

به زودی کسانی از پیروان من می‌آیند که ادعای «مشاهده» می‌کنند. آگاه باشید پس هر کس ادعای «مشاهده» را قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی [که از علائم به ظاهر حتمیه ظهور است] بنماید بسیار دروغگو و افترازننده است.

برخی با توجه به این خبر به طور کل تمام کسانی را که در دوران غیبت کبری (تامه) از سال ۳۲۹ هـ تا اکنون ادعای رؤیت امام عصر (عج) را داشته‌اند زیر سؤال برده و تمامی تشرفات، چه برای عوام و چه برای خواص را کذب و باطل می‌دانند و دلیل ایشان نیز همین خبر مذکور است.

باید در توجیه کلمه «المشاهده» اظهار داشت:

اولاً: چنانکه در قافله دوم در مبحث آخرین توقیع شریف آوردیم، مطالب این توقیع به مرگ «سَمُرِی» (نائب چهارم) و عدم وصیت به شخص خاص یعنی نائب بعدی و آغاز غیبت تامه اشاره دارد.

ثانیاً: طبق علم صرف در زبان عربی، «المشاهده» در باب «مُفَاعَلَه» و مصادر این باب به حالت تقابل یعنی دو طرفه است. برای مثال مشاجره، یعنی: دو طرف با هم بحث و نزاع کلامی دارند. مقاتله، یعنی: دو طرف با هم درگیر هستند. پس المشاهده در این توقیع به معنی این است که دو طرف با اراده خود با هم ملاقات داشته باشند یعنی به مثابه نایبان خاص حضرت (عج). پس اینکه مشاهده را نهی نموده‌اند به مبحث نیابت خاصه حضرت بعد از «سَمُرِی» باز می‌گردد.

ثالثاً: طبق علم نحو در زبان عربی، الف و لام در «المشاهده» از نوع عهد است. در این توقیع دو بار واژه المشاهده آمده است. پس طبق مضمون متن و قرینه «کذاب» و «مفتر» صفاتی که به مشاهده‌کننده و مدعی آن نسبت داده شده؛ به نیابت خاصه حضرت و جانشین برای «علی بن محمد سَمُرِی» (آخرین نائب) باز می‌گردد.

در نتیجه مشاهده در این توقیع شریف با رؤیت حضرت از ناحیه عوام و خواص امت که به صورت اختیاری نیست، تفاوت کلی و اساسی دارد و خارج از بحث است.

### □ بدکار بودن جعفر کذاب

شاید این اشکال نیز مطرح شود که چطور جعفر بن علی العسکری عموی حضرت مهدی (عج) بعنوان جعفر «کذاب» و «دروغگو» نامیده می‌شد، تا آنجا که نقشه قتل امام زمان (عج) را در سر داشت و امامت پس از امام عسکری علیه السلام را مدعی بود؟

در پاسخ و توجیه این مطلب باید گفت: درست است که جعفر کذاب فرزند بلافصل امام هادی (دهمین معصوم) بوده است اما اینکه پدر انسان معصوم باشد بر خوب بودن یا حقانیت فرزند او به طور مطلق دلالت ندارد.

### ● دلیل قرآنی

چنانکه در قرآن داریم «قابیل» و «هابیل» فرزندان حضرت آدم علیه السلام بودند که قابیل کمر به قتل برادر خود بست، یا فرزندان حضرت یعقوب کمر به قتل یوسف بستند و او را در چاه انداختند؛ اما به قدرت خدا او زنده ماند یا پسر حضرت نوح که از بدکاران قوم نوح به شمار می‌رفت و به نبوت و کلام نوح اعتقاد نداشت، تا آنکه خداوند او را عذاب کرد. پس با توجه به آیات قرآن و امثله قرآنی در می‌یابیم: اینکه جعفر کذاب از نسل یک انسان پاک سرشت و معصوم (امام هادی علیه السلام) بوده دلالت بر خوب بودن او ندارد چنانکه او نیز دعوی امامت داشت و با خلیفه فاسد وقت تلاش در جهت قتل فرزند امام عسکری [مهدی - عج -] نمود.

### □ توجیه عقلانی مهدی شخصی

احراز شخصیت برای حقیقت مهدی (عج) بالاتر از نوعیت آن محسوب می‌شود، چرا که اگر ما فقط به نوعیت این منجی موعود اعتقاد داشته باشیم: اولاً: تمام اخبار و روایات که او را تشخیص داده و از نسل امام عسکری علیه السلام برشمرده، به طور کل زیر سؤال می‌رود. این در حالیست که آنها طبق علم حدیث، صحیح است و از روایات ثقه برخوردار بوده‌اند.

ثانیاً: اگر نوعیت صرف در نظر آید، هرکسی می‌تواند در هر دوره‌ای و با هر انگیزه‌ای حتی مثبت خصوصاً اگر از سادات باشد؛ چنین ادعای بزرگی کند و این امر، خود به تنهایی باعث افزایش و ترویج ظلم و ستم در سطح جهان و ایجاد ابهام و آشفتگی بیشتر برای بشر خواهد شد و از عدل و لطف خداوند به دور است که انسانها را در انتظار یک مهدی ناشناخته و موهوم دچار اضطراب، نگرانی و پریشانی کند.



## □ تسلط بر جهان با ۳۱۳ یار

چنانکه در خلال کتاب آوردیم حضرت مهدی (عج) به همراه ۳۱۳ نفر قیام می نمایند. البته این افراد نمونه و الگو هستند و طبق روایات گروه های مختلفی نیز به این افراد افزوده می شوند که تا ده هزار نفر شمرده شده اند و کم کم همه مردم دنیا به خیل یاران و عاشقان صاحب الزمان (عج) می پیوندند.

حکومت بر جهان با ۳۱۳ یار مخلص و واقعی از معجزات الهی محسوب می شود و در سنت الهی به نظر رسیده است.

### ● دلیل قرآنی:

﴿فلما فصل طالوت بالجنود قال ان الله مبتليكم بنهر فمن شرب منه فليس مني ومن لم يطعمه فانه مني الا من اغترف غرفة بيده فشربوامنه الا قليلاً منهم فلما جاوزه هو والذين امنوا امعه قالوا لا طاقه لنا اليوم بجالوت و جنوده قال الذين يظنون انهم ملاقوا الله كم من فئه قليله غلبت فئه كثيره باذن الله و الله مع الصابرين﴾. (البقره / ۲۴۹).

(و چون طالوت (علیه السلام) با لشکریان بیرون شد. گفت: خداوند شما را به وسیله رودی خواهد آزموند. پس هر کس از آن بنوشد از من نیست و هر کس از آن نیاشامد قطعاً او از من است، مگر کسی که با دستش کفی برگیرد. پس جز اندکی از آنها از آن نوشیدند و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند از آن [نهر] گذشتند؛ گفتند: امروز ما را توانایی [تبرد با] طالوت و سپاهیانش نیست. کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خداوند پیروز شدند و خدا با صابران است.)

مفسرین اسلامی تعداد اصحاب طالوت عليه السلام را ۳۱۳ نفر روایت کرده اند که مطابق با عدد اصحاب حضرت پیامبر در جنگ بدر، و اصحاب صاحب الزمان (عج) است. پاسخ به این ابهام که چگونه حضرت مهدی (عج) با ۳۱۳ نفر دنیا را تحت تسلط خویش درمی آورد در آیه ذکر شده نهفته است، و برای آنان که به خداوند یقین دارند این امر تحقق پذیر است. به نظر ما خداوند با تعداد کم افرادی که در جبهه حق قرار داده در برابر افراد بسیاری که در جبهه باطل قرار دارند می خواهد به نوعی حقارت آنها را نمایان سازد که گروه های باطل و شیطانی با آن همه امکانات

خود نتوانستند در برابر نیروی حق هر چند اندک، مقاومت کنند و در آینده نیز نخواهند توانست.

### □ نزول عیسی علیه السلام از آسمان

دشمنان عیسی علیه السلام به اشتباه افتادند و کسی را که شبیه عیسی علیه السلام بود به جای وی به صلیب کشیدند.

قرآن در این رابطه آورده است:

﴿... ما قتلوه یقیناً بل رفعه الله الیه﴾ (النساء / ۱۵۸).

(عیسی یقیناً به قتل نرسیده بلکه خداوند او را به سویش بالا برده است).

مفسران اسلامی جایگاه او را در آسمان چهارم می دانند. چنانکه در روایات مهدویت آوردیم در هنگام قیام امام عصر (عج) این پیامبر الهی از آسمان نزول کرده و پشت سر حضرت صاحب الامر (عج) به نماز می ایستند.

سؤالی که قابلیت طرح دارد این است آیا همانطور که برای زنده بودن و عروج به آسمان چهارم آیه ای در قرآن وجود دارد برای نزول عیسی نیز آیه ای مرتبط یافت می شود؟

### ● دلیل قرآنی

بله پاسخ مثبت است. در دو جا حداقل به طور ظاهری به این امر اشاره شده است:

(الف) ﴿یکلم الناس فی المهد و کهلأ﴾ (ال عمران / ۴۶)

(عیسی با مردم تکلم می کند در گهواره و دوران کهولت و پیری).

(ب) ﴿تکلم الناس فی المهد و کهلأ﴾ (المائده / ۱۱۰)

(ای عیسی) [تو با مردم تکلم می کنی در گهواره و هم در دوران کهولت]

با توجه به نقل اناجیل و آنچه معروف و مشهور است عیسی علیه السلام در عهد جوانی و شباب به آسمان عروج نمود و تکلم ایشان در دوران کهولت اشاره به نزول ایشان از آسمان چهارم و همراهی با حضرت صاحب الزمان (عج) است.

## □ قیام با شمشیر

از روایات معتبره اسلامی چنین استفاده می‌شود که حضرت صاحب الزمان (عج) به هنگام ظهور جهانی خود «قیام بالسیف» دارند یعنی با شمشیر قیام می‌کنند. این مسئله برای عده‌ای سؤال‌برانگیز است و بیان می‌کنند در عصری که موشک، انواع بمب و تسلیحات هسته‌ای در جهان به عنوان سلاح برتر شناخته می‌شود، چگونه قیام جهانی یک منجی آن هم در سطح جهانی و بین‌المللی با شمشیر انجام می‌پذیرد؟

در پاسخ می‌گوییم: امام زمان به عنوان خلیفه خداوند از عقل و فهم بالایی برخوردار است، و قطعاً عقل حکم نمی‌کند که انسان در جهاد فی سبیل‌الله از یک سلاح ناکارآمد و نازل استفاده کند، در حالی که سلاحهای برتر و قوی‌تر وجود دارد و این امر در مورد امام زمان (عج) که عقل کل عالم هستند نیز صدق می‌کند. پس قیام بالسیف ایشان منافاتی با استفاده از تسلیحات مدرن و به روز ندارد. با این حال ما در این مقال وجوه متفاوتی از تعبیر قیام بالسیف (قیام با شمشیر) را ارائه می‌دهیم.

## وجوهات قیام با شمشیر

● قیام مهدی (عج) در حکم معجزه بزرگ الهی است که حتی یادکرد آن برای دشمنان هراس‌انگیز است. پس با توجه به برخی روایات که در آنها تأکید شده؛ مهدی (عج) با رعب از ناحیه خداوند تأیید و نصرت می‌شود پس دور نیست که شمشیر ایشان از بسیاری بمب‌ها و موشک‌ها از رعب و وحشتی فزاینده‌تر به اذن خداوند برخوردار باشد.

● یکی دیگر از وجوهی که می‌توان در مورد قیام با شمشیر حضرت (عج) ذکر کرد این است که فقط ایشان از طریق وعظ و خطابه و کلاسهای سرشار از حکمت، مردم را به سوی خدا نمی‌خوانند، بلکه ریشه بسیاری از مشکلات بشری را دشمنان یکتاپرستی و افراد کوردل می‌دانند، پس با دشمنان دین خدا مبارزه کرده و آثار غیرالهی و شیطانی ایشان را از زمین برچیده تا متعاقب آن زمینه عدالت و هدایت خلق بهتر فراهم شود.

● دیگر از وجوه قیام با شمشیر کنایه از قیام به حق و ایجاد عدل و قسط در جامعه بشری است، یعنی ایشان قیام به برپایی عدالت در جهان می‌کنند و ریشه‌های فساد و تباهی را از بن برمی‌کنند.

● از آنجایی که قیام پیامبران و بسیاری از انسانهای الهی با حداقل امکانات بوده و در نهایت به پیروزی حق منجر شده است این وجه را نیز می‌توان به امر قیام بالسیف افزود که خداوند پشتوانه و برکت امکانات قلیل گروههای الهی و یکتاپرست است؛ در جایی که شمشیر در برابر سلاحهای شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای واقع می‌شود به نوعی این امر حقارت طرفداران باطل و شیطان را به تصویر می‌کشد، که با همه قدرت، امکانات و اختیارات خویش شکست می‌خورند.

● چه بسا قیام بالسیف بیانگر این امر نیز باشد که مهدی (عج) متعلق به قرن سوم اسلامی است و اگر قرار بود بشر مسیر صحیح یکتاپرستی را طی کند و از قرآن و سنت پیروی نماید؛ امر قیام در همان زمان صورت می‌پذیرفت که ایشان به امامت رسیدند (اما جهل و بی‌خبری مردم آنها را از عدل و قسط الهی محروم ساخت).

● قیام با شمشیر در فرهنگ بشری تمثیلی از حالت جوانمردانه است.

● یک وجه دیگر آن هم شاید این باشد که قیام با شمشیر مهدی (عج) یعنی از بین بردن افراد خاص که بذر فساد و نفاق را در جامعه بشری کاشته‌اند، و مهدی (عج) با سلاحهای ویرانگر و کشتار جمعی عدالت را برپا نمی‌کند، بلکه سردمداران و چشمخانه‌های فساد را نابود می‌سازد و این امر خود نموداری از رأفت و عطوفت اوست.

مع الوصف امام عصر (عج) طبق روایات، با شمشیر الهی خود قیام می‌کنند و چنانکه متذکر شدیم خداوند پشتوانه گروههای الهی است و این اقل امکانات که از دید ما به نوعی به حقارت کشیدن شیطان و پیروان اوست در تاریخ ادیان الهی به وفور تکرار شده است، تا آنجا که برای ما به صورت عینی درآمده و از آن پسند و عبرت گرفته‌ایم.

## ● دلیل قرآنی

الف) حضرت آدم علیه السلام

طبق آیات قرآن و روایات وابسته هنگامی که حضرت آدم در بهشت خداوند از خاک زمین آفریده شد و خداوند او را گرامی داشت، فرشتگان در مقام تعجب به خداوند عرض کردند که این موجود قبلاً نیز شبیه داشته است، یعنی پیش از آدم علیه السلام، انسانهایی شبیه او می‌زیستند که در قوم و قبائل خود به فساد و خونریزی و قتل یکدیگر مشغول بودند، یعنی آن انسانها بیشتر حالت حیوانی داشتند. پس فرشتگان از روی تعجب به خداوند عرض کردند که این موجود سابق بر این شبیهی داشته که سابقه خوبی هم نداشته است، پس چرا دوباره نظیر این طایفه را خلق کرده‌ای؛ و تازه او را مکرم نیز داشته‌ای؟ خداوند در پاسخ به فرشتگان و مقربین درگاهش فرمود: من در آفرینش این موجود حکمتی دارم یعنی از خلقت او چیزی می‌دانم که شما الان متوجه آن نیستید.

آری فرشتگان فقط به ظاهر حکم کردند و از باطن آدم علیه السلام که خداوند علاوه بر شعور و احساسات، «عقل» برترین آفریده خود را در او قرار داده بود؛ بسیار غافل بودند سپس خداوند به آدم علیه السلام دستور داد تا اسماء الهی را که سرمنشأ فهم و معرفت بیشتر به خداوند و کلید دستیابی به اسرار و مراتب تعالی است به فرشتگان آموزش دهد. در آن هنگام تازه فرشتگان متوجه شدند که تصورشان نسبت به حقیقت آدم علیه السلام یک تصور ظاهری و سطحی بوده است، و در برابر عظمت معنوی او سر تسلیم فرود آوردند و به خاک افتادند.

آدم علیه السلام به معلمی بزرگ تبدیل شد در حالی که پیشتر انسانهایی شبیه او بودند که به قتل و خونریزی در نزد فرشتگان معروف و مشهور بودند، و فقط ظاهرشان شبیه آدم علیه السلام می‌نمود (از نسل یا هم‌خانواده او قلمداد نمی‌شوند) پس آدم علیه السلام در پس ظاهر خود حقیقتی داشت که با ارائه آن به بزرگترین معلم فرشتگان و عالم بالا مبدل شد؛ کسی که حتی فرشتگان نیز اندکی احتمال نمی‌دادند که او خلیفه خداوند است. پس او توانست عالم بالا و عالم فرشتگان را متحول سازد، کسی که با دید حقارت و بی‌بضاعتی به او نگاه می‌شد.

اتفاقاً خداوند این سنت خود را در زمین و برای پیامبران دیگر نیز جاری ساخت.

ب) حضرت موسیٰ علیه السلام

موسیٰ علیه السلام در روزگاری به نبوت رسید که علم جادو و سحر در مصر آن موقع بسیار شایع بود. این پیامبر بزرگ الهی بدون آنکه درس خوانده باشد یا پیش استادی آموزش سحر یا روشهای ابطال آنرا فرا گرفته باشد به اذن خداوند با همان عصای شبانی خویش تمامی سحر و جادوی جادوگران بزرگ و قدر قدرت مصر را باطل ساخت، تا آنجا که از عظمت ابطال او جادوگران قدر آن سرزمین در برابر موسی به خاک افتادند. الغرض موسی علیه السلام با یک عصای ساده و معمولی که در نگاه اول یک چوب می نماید با قدرت کامله خداوند و پشتیبانی او تمامی قدرت آن ساحران را زیر سؤال برد و طومار آنها را در هم پیچید. پس یک عصا، بساط آنها را برچید و به مرور این تحقیر و تلاشهای موسی و پیروانش باعث نابودی و زوال فرعون ستمگر شد.

ج) حضرت داوود علیه السلام

حضرت طالوت علیه السلام از پیامبران بزرگ الهی قوم بنی اسرائیل بود که سپاهی فراهم کرده بود تا به جنگ «جالوت» ستمگر زمانه برود، افرادی که به یاری طالوت شتافتند عده بسیار اندکی بودند که خداوند آنها را امتحان نمود و عدهای دیگر نیز به جهت شکست در امتحان الهی از جمعیت سپاه او کاسته شدند. در بین سپاهیان او لوله‌ای افتاد که ما با این نفرات کم در حالی که عدهای هم از سپاه به اذن خداوند حذف شدند چگونه می توانیم بر سپاهیان بسیار جالوت غلبه کنیم؟ در میان آنها افرادی که به قدرت خداوند اعتقاد کامل داشتند و به فهم صحیحی از خداشناسی رسیده بودند اظهار کردند که چه بسا جمعیت کمی به قدرت خداوند و به برکت او بر جمعیت انبوهی غلبه کند و بر آنها تفوق یابد. مع الوصف دو لشکر در برابر هم صف آرایی کردند. در لشکر طالوت، نوجوانی خوش آتیه به نام «داوود» بود که بعدها به پیامبری قوم بنی اسرائیل مبعوث شد. این نوجوان که چه بسا هیچ کس روی او حساب باز نمی کرد؛ با فلاخن که در دست داشت سنگی به جانب «جالوت» فرمانده سپاه کفر و شرک پرتاب کرد که از قضا بر پیشانی آن ملعون اصابت کرد و در برابر چشمان متحیر سپاهیان از اسب سقوط کرد و به زمین افتاد و در دم

به هلاکت رسید. سپاهیانش که این اوضاع را دیدند با آنکه از لحاظ تعداد و امکانات از سپاه «طالوت» بالاتر و بهتر بودند پا به فرار گذاشتند و سپاه طالوت پیروز شد. پس خداوند یک سپاه شکوهمند را با سنگی از فلاخن داوود نوجوان از سپاهی اندک مقهور ساخت، بی آنکه حتی قطره‌ای خون در اثر این صف‌آرایی بر زمین ریخته شود.

د) حضرت عیسی علیه السلام

عیسی علیه السلام نیز قصه‌ای شبیه موسی علیه السلام در تاریخ ادیان الهی دارد. او در زمانی رسماً به نبوت رسیدند که بیماری و مرگ‌ومیر در جامعه ایشان بسیار شایع بود. عیسی علیه السلام بدون آنکه پیش استاد یا طبیبی آموزش پزشکی دیده باشد به اذن خداوند و با قدرت کامله او بیماران صعب‌العلاج و لاعلاج را شفا می‌داد و حتی فراتر از مسئله پزشکی و شفادهی اقدام به زنده کردن مردگان می‌نمود و با دم مسیحایی خویش حتی به مجسمه‌های پرندگان جان می‌داد و آنها را به پرواز درمی‌آورد.

آری! دم مسیحایی عیسی پیامبر علیه السلام از صدها تجویز و نسخه طبیبان آن دوره بالاتر و کارآمدتر بود، آن قدر که حتی او مردگان را نیز به اذن خداوند زنده می‌کرد.

ه) حضرت محمد صلی الله علیه و آله

پیامبر بزرگ اسلام نیز در زمانی به نبوت معبوث شدند که ادبیات عرب جاهلی در قله‌اش قرار داشت و آنان به فصاحت و بلاغت معروف و در سرودن اشعار و گفتن جملات نغز متبحر بودند.

در همین دوران به قدرت و اذن خداوند، شخصی بی‌سواد و اُمی که کارش چوپانی و بعدها تجارت بود از میان آنها برخاست و مدعی شد که از سوی خداوند کتابی به نام «قرآن» بر قلب نازنینش نازل شده است. این کتاب نه تنها برای مردمان ادب‌دوست آن زمان، معجزه و یک امر عجیب و خارق‌العاده تلقی می‌شد، بلکه برای همه اعصار به عنوان «معجزه باقیه» به تشنگان حقیقت به ارث رسیده است. آری! محمدی که درس ناخوانده و ملاندریده بود و همگان بر این صفات او معترف و

مذعن بودند؛ کتابی از جانب خداوند به بشریت ارائه داد که تمامی تفکرات ناصحیح مردمان آن دوره و همه ادوار را تا روز قیامت برچید و سرلوحه هدایتگری شد. کتابی که برای هر مکان و برای هر زمان معجزه است و مانند معجزات موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام مربوط به مکان یا زمان خاصی نیست. آری، محمد صلی الله علیه و آله با کتاب آسمانی خود بساط مشرکان را برچید و اساس آنها را در هم شکست.

با مواردی که ذکر شد نتیجه‌گیری می‌شود آنچه در روایات ما مبنی بر قیام بالسیف (قیام با شمشیر) حضرت صاحب‌الزمان (عج) آمده؛ مطلب دور از عقل و منطق نیست، چون خداوند در شمشیر مهدی (عج) قدرتی (چه در پیکار و چه در ایجاد رعب و وحشت در دل ظالمین) قرار می‌دهد که سلاحهای بسیار مدرن بشر نیز در مقابل آن کارساز نخواهند بود.

گذشته از اینها، حضرت مهدی (عج) بر قلبها حکومت خواهند کرد، و وقتی انسانهای خردمند و زجر کشیده عالم ندای عدالت و قسط او را بشنوند، دسته‌دسته و فوج فوج به سوی او و یاری او خواهند شتافت که ما آن زمان را نزدیک می‌بینیم.

### □ بدعت نبودن ایجاد مکانهایی به نام مهدیه و...

بدعت در لغت به معنی نوآوری و در اصطلاح دینی و فقهی به معنی نوآوری در امورات دین است که از لحاظ فقه اسلامی ممنوع و غیر مشروع است، چرا که واضح آن غیر معصوم بوده است.

از سوی دیگر در ایران به طور مثال مکانهایی دائمی یا موقت وجود دارد که به آنها حسینیه یا تکیه اطلاق می‌شود و در آنها ذکر فضائل و مصائب سیدالشهداء حضرت امام حسین علیه السلام بیان می‌شود. با رشد معنویت و مهدویت، مردم مکانهایی نیز برپا ساخته‌اند که بدانها «مهدیه»، «منتظریه»، «قائمیه» و... می‌گویند، که در آنها، مجالس سخنرانی یا ادعیه برای حضرت مهدی (عج) و یا دیگر معصومین علیهم السلام برپا می‌گردد.

گروهی از سر جهل این قضیه را بدعت و مغایر با آراء معصومین برمی‌شمرند. در توجیه و پاسخ به این افراد باید گفت:

«ساختن محلی به نام «مهدیه»، «قائمیه»، «منتظریه» و امثال آنها، دقیقاً همانند



ساختن «حسینیه‌ها» و «تکایا» برای روضه‌خوانی و عرض ارادت به پیشگاه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است.

به طوری که ساختن محلی به نام «دارالشفاء» برای معالجه بیماران، «دارالایتام» برای رسیدگی به امور یتیمان، «دارالحفاظ» برای تربیت حافظان قرآن، «دارالتجوید» برای آموزش تجوید قرآن، «دارالقران» برای تعمیم آموزش قرآن، «دارالحدیث» برای نشر احادیث اهل البیت و امثال آنها شرعاً هیچ مانعی ندارد. ساختن محلی هم برای برگزاری دعای کمیل، دعای ندبه، زیارت عاشورا و امثال آنها هیچ مانعی ندارد.

روی این بیان، ساختن «مهدیه»، «قائمیه»، «منتظریه» و امثال آنها نیز شرعاً هیچ منعی ندارد. بلکه مشمول این آیه شریفه است که:

﴿تعاونوا علی البر و التقوی﴾ (سوره مائده / ۲)

(در راه نیکی و تقوا با یکدیگر تعاون و همیاری کنید)

و لذا در طول تاریخ اسلامی هر مرکزی که به عنوان «دارالکتاب»، «دارالحکمه»، «دارالعلم»، «دارالشفاء»، «دارالقراء»، «دارالحفاظ» و مانند آنها ساخته شده، هرگز مورد اعتراض قرار نگرفته است.

قدیمی‌ترین محلی که در عهد کهن توسط یک امام معصوم تأسیس شده و تا این اواخر پابرجا بوده «بیت‌الاحزان» حضرت فاطمه علیها السلام بود که توسط امیر مؤمنان علیه السلام به دنبال ارتحال رسول اکرم صلی الله علیه و آله بنیاد گردید.

استاد «توفیق ابوعلم»، پژوهشگر معروف مصری در این رابطه می‌نویسد:

«حضرت علی علیه السلام برای حضرت فاطمه علیها السلام خانه‌ای در بقیع ساخت که «بیت‌الاحزان» نامیده می‌شود. این ساختمان تا زمان ما باقی است»<sup>۱</sup>.

مجدالدین فیروزآبادی (م. ۸۱۶ ق) صاحب «قاموس اللغه» در وجه تسمیه آن به «بیت‌الاحزان» می‌نویسد:

«زیرا حضرت فاطمه علیها السلام پس از ارتحال پدر بزرگوارش حضرت سید المرسلین به

۱. ابوعلم، استاد توفیق، اهل البیت. قاهره. ص ۱۶۷

آنجا پناه می‌برد و در آن جا مشغول گریه و ناله می‌شد.<sup>۱</sup>  
ابن جبیر جهانگرد نامی اسلام (م. ۶۱۴ ق) که در قرن ششم از مدینه منوره دیدن کرده، می‌نویسد:

«در پشت گنبد عباس بن عبدالمطلب، خانه فاطمه دخت پیامبر ﷺ قرار دارد که «بیت الحزن» نامیده می‌شود. گفته می‌شود: این همان محلی است که به هنگام رحلت پیامبر، حضرت فاطمه علیها السلام به آنجا می‌رفت و در آنجا مشغول عزاداری و سوگواری می‌شد.<sup>۲</sup>»

میرزا حسین فراهانی که در اوایل قرن چهاردهم هجری از مدینه منوره بازدید کرده می‌نویسد:

«پشت گنبد ائمه بقیع، بقعه کوچکی است که «بیت الاحزان» حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است و یک ضریح کوچکی از آهن در این بقعه است.<sup>۳</sup>»

بعد از فراهانی، سرلشکر رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ ق) که در سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۲۵ ق به عنوان امیرالحاج مصری از مدینه منوره دیدن کرده، می‌نویسد:  
«در آنجا گنبدی هست که «قُبَّة الحزن» نامیده می‌شود. گفته می‌شود که حضرت فاطمه بعد از رحلت پدر بزرگوارش به آنجا پناه می‌برد و در آنجا به سوگواری می‌پرداخت.<sup>۴</sup>»

سمهودی نیز از «غزالی» نقل می‌کند که در ضمن بیان اعمال بقیع می‌نویسد:

«در مسجد فاطمه نماز بخوان»

آنگاه می‌افزاید: «و آن همان محل معروف به «بیت الحزن» است که حضرت فاطمه علیها السلام در ایام غم و اندوهش در فقدان پدر بزرگوارش در آنجا اقامت می‌کرد و به سوگواری می‌پرداخت.<sup>۵</sup>»

۱. السمهودی، نورالدین علی بن احمد، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفى. بیروت. ج ۳ ص ۹۱۸  
۲. همان

۳. فراهانی، میرزا حسین، سفرنامه، دانشگاه تهران. ص ۲۸۶

۴. رفعت پاشا، ابراهیم. مرآة الحرمین، سعودی. ج ۱ ص ۴۲۶

۵. السمهودی، نورالدین علی بن احمد. همان، ج ۳ ص ۹۰۷.

روی این بیان «بیت الاحزان» در سال ۱۱ هـ ق به دست مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام بنیاد گردید. بعدها ضریح و گنبدی بر فراز آن ساخته شد و در طول قرون و اعصار محل عبادت و زیارت زائران مدینه منوره بوده و هرگز مورد اعتراض احدی قرار نگرفت تا در هشتم شوال ۱۳۴۴ ق به دست «وهابیان» تخریب گردید. و اگر در محلی به نام «بیت المهدی»، «دارالمهدی»، «مهدیه»، «قائمیه»، «منتظریه» و غیر آن ساخته شود و در آن دعای ندبه [و ادعیه دیگر و مراسم مذهبی] برگزار گردد، نه تنها بدعت نیست بلکه مشمول آیه شریفه ﴿تعاونوا علی البر و التقوی﴾ است.<sup>۱</sup>

### □ سال و مرور زمان برای فرشتگان

در قافله دوم و در شکری از آن که مربوط به غیبت برای فرشتگان الهی بود؛ آوردیم که خلیفه خداوند یعنی آدم سالها قبل از خلقت مورد انتظار فرشتگان بوده است و فرشتگان نسبت به او در حالت انتظار به سر می بردند.

سؤالی که اینجا قابل طرح است این است که چطور برای فرشتگان هفتصدسال به عنوان زمانی برای انتظار در نظر گرفته شده حال آنکه این موجودات از جنس مجردات هستند و زمان یا احساسات بر آنها مترتب و مشمول نیست. آیا این ملاک زمانی ملاکی بر اساس روز، ماه و سال در کره زمین در نظر گرفته شده است یا خیر؟

### ● دلیل قرآنی

بحث زمان یکی از مباحث پیچیده علم است. درست است که فرشتگان از جنس مجردات هستند و در ظاهر، زمان برای آنها معنا پیدا نمی کند، اما دور نیست خداوند در پاره‌ای از موارد استثناء قائل شود و به جهت ایجاد یک حس خاص (فرضاً انتظار خلیفه خود و اهمیت آن) این اتفاق را شکل دهد. به آیه زیر توجه کنید:

۱. برگرفته از: مهدی پور، علی اکبر. با دعای ندبه در پگاه جمعه (نقد و بررسی اشکالات سندی و محتوایی دعای ندبه). نشر موعود (مؤسسه فرهنگی موعود عصر). چاپ اول تابستان ۱۳۸۰، تهران (صص ۱۵۷-۱۶۰)

﴿ تعرج الملائکه و الروح الیه فی یوم کان مقدارہ خمسين الف سنہ ﴾ (المعارج / ۴)  
 ( [در روز قیامت] ملائکه و روح به سوی او [خداوند] عروج می کنند در روزی که  
 مقدارش پنجاه هزار سال است).

با توجه به آیات قرآن که در روز قیامت ارکان زمین و آسمان از هم می پاشد  
 ستارگان فرو می ریزند و خورشید به نابودی و زوال می گراید، و از سوی دیگر  
 چرخش زمین، نور خورشید و حرکت وضعی و انتقالی از مواردی است که برای ما  
 زمان را مشخص می کند و در روز قیامت چنین اموری نیست؛ پس روز پنجاه هزار  
 ساله که مقدار زمانی برای قیامت در نظر گرفته شده یک امر احساسی تلقی می شود  
 که خداوند در نهاد انسانها قرار می دهد، در حالی که در آن موقع خورشید یا زمینی  
 نیست که بتوان طبق آن مرور زمان را به ظاهر درک یا محاسبه نمود. پس این امور را  
 خداوند در وجود بشر یا فرشته القاء می کند، یا به جهت تقریب ذهن و نزدیک شدن  
 به حقیقت آنها چنین ذکر می فرماید زیرا بسیاری از حقائق و مسائل معنوی در قالب  
 لغات و کلمات نمی گنجند.

### □ عدم همراستایی مهدویت راستین با دیگر ادعاها

برخی از روی ابهام و جهالت و برخی از روی عناد و لجاجت این طور مطرح  
 می کنند که در طول تاریخ افراد زیادی بودند که یا ادعای مهدویت داشتند یا این امر  
 به آنها نسبت داده می شد، پس این مهدی هم با آنها همراستا است و فرقی نمی کند  
 و این قصه، بهانه ای برای سرگرم کردن مردم یا سوءاستفاده از آنها است.  
 پاسخ از دو منظر قابل ذکر است: یکی افرادی که به آنها مهدی بودن نسبت داده  
 شده و دیگری آنان که خود مدعی مقام شامخ مهدویت بوده اند.

### الف) آنان که مهدویت بدیشان نسبت داده شده است.

برای مثال یکی از قدیمی ترین آنها، «محمد بن حنفیه» پسر امام علی علیه السلام است.  
 عده ای غافل مرگ او را نادیده گرفته و او را غائب و مهدی امت دانستند. این در  
 حالی است که به شهادت امام صادق علیه السلام پدرگرامیشان امام باقر علیه السلام از جمله کسانی  
 بود که در بیماری محمد بن حنفیه به عیادتش رفته و در حالت احتضار او، چشمان

وی را بسته و بعد از وفاتش او را به خاک سپرده است.<sup>۱</sup>  
بر این اساس مهدی بودن این شخص مردود و غیرقابل قبول است، و بحث  
غیبت بر او مترتب نیست و برخی صفات مهدی مانند ایجاد حکومت حقه و  
جهانی برای او گزارش نشده است. پس هم‌راستایی مهدویت راستین با این ادعا که  
مهدی امت، محمدبن حنیفه بوده است دو امر متناقض جلوه می‌کند و همسویی  
ندارد.

همینطور این نسبت غلط را به امام کاظم علیه السلام و امام عسکری علیه السلام و... داده‌اند که  
در گذشت ایشان به اثبات رسیده و با مهدویت راستین همسو نیست.

### ب) آنان که ادعای مهدویت داشته‌اند.

در این میان افراد گمراهی بودند که ادعای مهدویت داشتند، برای مثال نفس  
زکیه (محمد بن عبدالله) که داستان آنرا در قافله اول ذکر کردیم و عده‌ای از  
تمهیدیان متأخر چون علی محمد باب یا محمد احمد سودانی و صدها گمراه دیگر  
که این ادعاها نیز با مهدویت راستین همسو و هم‌راستا نیست، چرا که این افراد،  
بسیار کوتاه‌فکر و بی‌خرد بودند و حتی عدالت را در سطح کوچک نیز برپا نکردند.  
پس با آن تعریف واقعی از مهدویت راستین سازگاری ندارند و ادعای آنان موجه  
نبوده است و امامت آنها قابل اثبات نیست. با این حال افراد جاهل یا لجوج که این  
پرسش را مطرح می‌کنند که مهدویت، قصه تکراری تاریخ است به فهم این حقائق  
ناائل نشده‌اند و نیازمند هدایت‌اند.

### □ وقوع اکثر قدمگاهها یا اماکن منسوب به حضرت (عج) در ایران یا عراق

عده‌ای می‌پرسند که چرا اکثر قدمگاهها، مقام‌ها مساجد و اماکن منسوب به  
حضرت ولی عصر (عج) در کشورهای ایران یا عراق وجود دارد؟  
در پاسخ می‌گوییم: هر حقیقتی در بستر آن رشد و نمو می‌کند چنانکه یک گل در  
بستر مناسب به عمل می‌آید و در بستری غیر از آن یا رشد نمی‌کند یا آنکه از بین

۱. ابن بابویه، محمدبن علی، پیشین، ج ۱، فمما روی فی وفاه محمدبن حنیفه. ص ۳۶

خواهد رفت. کشورهای چون ایران و عراق به علت وجود شیعیان و معتقدین به امامت حضرت (عج) بستر مناسبی برای اهداف حضرت مهدی (عج) هستند. دور نیست که از برکت آگاهی مردم در جای جای جهان شاهد این مکانها باشیم. چرا که مهدی (عج) متعلق به کشور، قوم و قبیله خاصی نیست و او قطعاً دوستدار اهل تقوی و نجات‌دهنده همه بشریت است.

### □ عدم صحت عقیده افزایش ظلم جهت تعجیل در فرج

افرادی گمراه یافت می‌شوند که معتقدند اگر ظلم و جنایت در جهان افزایش یابد این امر اسباب فرج حضرت صاحب الزمان (عج) را فراهم می‌کند، چون از ناحیه پیامبر ﷺ روایت شده است که مهدی دنیا را پر از عدل و قسط می‌کند همانگونه که از ظلم و جور لبریز شده است.

در رد این نوع نگرش باید اظهار کرد که این طرز تلقی بسیار خطا و ابلهانه است. مانند طرز تفکر دزدی است که از دیگران دزدی می‌کند و به فقراء اموال را تقسیم می‌نماید. در اینجا باید گفت به طور کلی و به طور مطلق، نفس دزدی بد است و از بدی، خوبی به وجود نمی‌آید. پس این نوع طرز تفکر از هر حیث مردود و مطرود است و قابلیت بحث ندارد.

### □ گرد آمدن ۳۱۳ یار حضرت (عج) از مکانهای متفاوت در مکه

پرسش‌کننده سؤال می‌پرسد از توجیه این که چگونه ۳۱۳ نفر یار شاخص حضرت صاحب الزمان (عج) از نقاط دور و نزدیک در مکه چون برگهای پاییزی به دور شمع وجود مهدی (عج) حلقه می‌زنند و گرد هم می‌آیند؟ در پاسخ می‌گوییم: برای خداوند این امور کاری ندارد، چنانکه بسیاری از علماء و اولیای خدا مفتخر به علم «طی الارض» بوده و هستند. یعنی زمین را در اندک زمانی طی می‌کنند که این امر معجزه و عنایت الهی است.

### ● دلیل قرآنی

یکی از قصه‌های جالب قرآن داستان حضرت سلیمان عليه السلام و بلقیس ملکه قوم

سبا است. سلیمان علیه السلام، بلقیس و قومش را که در ظاهر به پرستش آفتاب مشغول بودند؛ به یکتاپرستی دعوت نمود. بلقیس قصد عزیمت به دربار سلیمان علیه السلام کرد و سلیمان علیه السلام نیز اراده کرد تا قدرت خداوند را به بلقیس و همراهانش به نمایش بگذارد.

﴿قال یا ایها الملؤا ایکم یأتینی بعرشها قبل ان یاتونی مسلمین، قال عفیریت من الجن اناتیک به قبل ان تقوم من مقامک وانی علیه لقوی امین. قال الذی عنده علم من الکتاب اناتیک به قبل ان یرتدالیک طرفک﴾ (النمل / ۳۸-۴۰)

[سلیمان] فرمود: ای بزرگان! کدامیک از شما توانایی دارید که تخت بلقیس را پیش از آنکه خودشان به نزد من بیایند برای من بیاورید؟  
جنی به نام «عفیریت» عرض کرد: من آن را نزد تو می آورم پیش از آنکه از جای خود برخیزی و من نسبت به این امر توانا و امین هستیم.

[در همین هنگامه] کسی که دانشی از کتاب [آسمانی] داشت [یعنی آصف بن برخیا علیه السلام و وصی سلیمان علیه السلام] فرمود: من آن را پیش از آنکه چشم بر هم بزنی نزد تو خواهم آورد...

این آیات شریفه نشان می دهد که در سنت الهی انتقال یک شی از جایی به جایی دیگر وجود داشته است. پس گردآمدن اصحاب صاحب الزمان (عج) به یکباره چون ابرهای پاییزی و از نقاط دور و نزدیک به مکه معظمه مطلب جدیدی در تاریخ یکتاپرستی نیست، و در سنت الهی نیز برای آن نمونه ای وجود دارد.

### □ توجیه محدود بودن ائمه به دوازده نفر

چرا باید تعداد ائمه معصومین علیهم السلام و اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده نفر باشد تا برای یکی از آنها مانند امام مهدی (عج) مسئله غیبت یا عمر طولانی رخ دهد؟  
در پاسخ باید گفت: مسئله غیبت یک امر است و عمر طولانی امری دیگر که هر دو قابل توجیه است و بدانها پرداخته ایم. اما اینکه چرا تعداد ائمه به دوازده نفر منحصر شده و پیامبر صلی الله علیه و آله آنرا به مردم خبر داده است باید اظهار کرد این امر به این علت بوده که اسباب تفرقه و تشتت برای مؤمنین ایجاد نشود و شیعیان پیامبر و اهل بیت علیهم السلام دچار آشفتگی و سرگردانی نگردند، و از اول نام و ویژگی های این افراد

(ائمه دوازدهگانه) از سوی پیامبر به مردم گزارش شده تا ابواب گمراهی و ضلالت امت اسلام مسدود گردد و این از الطاف آشکار خداوند در حق این امت بوده است.

### □ عدم وجود نام مهدی (عج) در قرآن

اگر عده‌ای یافت شوند و چنین اشکال کنند که چرا در قرآن نام مهدی (عج) و اهداف او به طور مستقیم نیامده است، باید چنین پاسخ دهیم که: در قرآن به مسئله مهدی و ویژگی‌های او و اهداف و اصحابش اشاره شده که ما در قافله پنجم به تعداد محدودی از آنها پرداخته‌ایم. اما اینکه چرا مستقیماً در قرآن از او یاد نشده است باید گفت: در قرآن به اطاعت از پیامبر و اولی الامر دستور داده شده، پس بسیاری از احکام و مسائل شریعت اسلام در سنت نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته است. برای مثال در قرآن نیامده که نماز صبح دو رکعت است، یا نماز مغرب سه رکعت، یا آنکه فلان حکم فقهی چه صورتی دارد؟ پس عدم وجود نام مهدی (عج) در قرآن به طور مستقیم به خودی خود به شخصیت عظیم و جلیل‌القدر ایشان خدشه وارد نمی‌سازد و دلیل بر عدم اعتقاد ما بر او نخواهد بود.

خداوند در قرآن آورده است که ﴿مبشراً برسول یاتی من بعدی اسمہ احمد﴾ (الصف /

(۶)

(بشارت می‌دهم که بعد از من پیامبری که نامش «احمد» است؛ می‌آید.

پس در انجیل عیسی به نام «احمد» پیامبر عظیم‌الشان اسلام اشاره شده و عیسی علیه‌السلام نیز در تعالیم خود به این پیامبر بشارت داده است اما آنهایی که کوردل و به تاریکی عادت کرده بودند به مرور این نام را تحریف کردند.

و چه بسا ذکر نام ائمه یا مهدی (عج) به طور مستقیم در قرآن، اسباب تحریف را ایجاد می‌کرد و خداوند این تدبیر را مقرر فرمود و این مباحث را در سنت و کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جای داد.

پس همین که در اخبار و احادیث معتبر ما از ناحیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام به شخصیت و اهداف مهدی (عج) اشاره شده؛ برای ما همانند حکم الهی در قرآن است چرا که کلام و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت او مطابق با احکام و اوامر الهی است و در زمینه مهدی (عج) نیز برای ما حجت کافی به حساب می‌آید.



### □ توجیه عدم تغییر ظاهری در جسم و قیافه حضرت (عج)

در روایات که بدانها اشاره کردیم آمده است که: مهدی (عج) به هنگام ظهور در سن شباب (سن بین سی تا چهل سالگی) ظاهر می‌گردد. چگونه ممکن است که یک شخص که الان بیش از هزار سال از عمرش می‌گذرد و در سن شیوخ بلکه بالاتر از آن قرار گرفته؛ به منظر و هیأت یک جوان و در سنین شباب ظاهر شود؟

### ● دلیل قرآنی

در پاسخ باید گفت: این کار برای خداوند آسان است و نمودی از آن در سنتهای الهی و در قرآن وجود دارد.

چنانکه همگان از داستان اصحاب کهف آگاهیم جوانمردانی بودند که از شر ستمگران و جاهلان زمانه به غاری پناه برده و طبق فرموده خداوند ۳۰۹ سال قمری در آن به خواب فرو رفتند و بعد از این زمان طولانی دوباره از خواب برخاستند.

﴿وَكذٰلِكَ بَعَثْنٰمُ لِيَتَسَاءَلُوْا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوْا رَبِّكُمْ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوْا اِحٰدَكُمْ يُوْرِقُكُمْ هٰذِهِ اِلَى الْمَدِيْنَةِ فَلْيَنْظُرْ اِيْهَا اَزْكٰى طَعَامًا فَلْيَاْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَ لِيَتَلَطَّفَ وَ لَا يُشْعِرَنَّ بَكُمْ اِحٰدًا. اِنَّهُمْ اَنْ يُّظْهَرُوْا عَلَيْكُمْ يَرْجُوْكُمْ اَوْ يُعِيْدُوْكُمْ فِىْ مَلْتَمِهِمْ وَ لَنْ تَفْلَحُوْا اِذَا اَبَدًا﴾ (الكهف / ۱۹-۲۰)

(ما ایشان را از [خواب] برانگیختیم؛ میانشان صحبت از مقدار [خواب] و درنگ در غار پیش آمد، یکی از آنها پرسید: چه مقدار در اینجا درنگ کردیده‌اید؟ جواب دادند یک روز تمام یا قسمتی از روز. گفتند: خداوند داناتر است به اینکه چه مدت در [این غار] بوده‌ایم. پولهایتان را به شهر بفرستید تا ببینید کدام طعام پاکیزه‌تر است تا از آن روزی خود را فراهم کنید. باید دقت کنید تا هیچ کس شما را نشناسد) تا دوباره به غار برگردید) که اگر [اهل باطل] بر شما تسلط یابند شما را یا سنگسار می‌کنند یا اینکه به آیین [باطل] خودشان برمی‌گردانند و دیگر روی رستگاری را نخواهید دید).

از این آیه کریمه به خوبی مستفاد می‌شود که هیکل و قیافه‌های این افراد به هیچ وجه تغییر نیافته بود به این علت که اگر آنها بعد از ۳۰۹ سال پیر می‌شدند در نگاه

اول همدیگر را نمی شناختند و با فرض اینکه پیر شده بودند خداوند تعجب آنها را در قرآن منعکس می نمود. از سوی دیگر قیافه های ایشان تغییر نکرده، بود چون اگر تغییر می کرد هیچ وقت از یکدیگر نمی پرسیدند و جواب نمی گرفتند که مدت درنگ ما در غار یک روز یا بخشی از آن بوده است، پس زمان از دید آنها این دوره زمانی به سرعت گذشته بود و اگر قیافه هایشان تغییر می کرد و یا پیر می شدند و همدیگر را فرضاً در آن قیافه ها می شناختند، قطعاً زمان بیشتری را بعنوان اقامت در غار در نظر می آورند.

دلیل دیگر آنکه طبق آیه، بسیار محتاط بودند که هیچکس آنها را نشناسد، تا مبادا سنگسارشان کنند یا ایشان را به کیش گمراهان مجبور سازند. پس اگر قیافه های ایشان پیر می شد یا اندکی از حالت اولیه تغییر می کرد دیگر بیم این را نداشتند که کسی آنها را بشناسد. با این حساب این قسمت از آیه نیز دلالت مطلق بر عدم تغییر قیافه این افراد داشته است.

پس در سنت های الهی نمودی یافت شد که با مرور زمان، قیافه چندین نفر تغییر نکرده است و اعجاب آورتر وقتی که می دانیم آنها در این ۳۰۹ سال زنده بودند و بدون آب و غذا و با قدرت کامله خداوند زنده ماندند.

مهدی (عج) که شأن او اجل است نسبت به اصحاب کهف، با وجود اینکه از آب و غذا استفاده می کند آیا جوان ماندن او در سن شیوخ عجیب و غیر قابل باور جلوه می کند؟

### □ نمود روش هدایتگری در غیبت

علاوه بر روایاتی که از معصومین علیهم السلام و شخص حضرت صاحب الزمان (عج) راجع به غیبت با تشبیه «خورشید پشت ابر» آمده است برای تفهیم بیشتر این موضوع به این مثال نیز توجه کنیم: مثل امام در زمان غیبت مانند مغز انسان در جمجمه است. امام در مقام تشبیه چون مغز، و جمجمه در تشبیه به منزله غیبت است. مغز آدمی کنترل تمامی اعضای ظاهری و باطنی را برعهده دارد. اگر فقط ظاهر را در نظر بگیریم اعضای چون دست، پا، چشم و... تحت فرمان و کنترل مغز هستند، یعنی مغز در قالب پوشش خود (جمجمه) به هدایت این اعضا مشغول

است و فرمانده بدن است. امام عصر (عج) نیز بدون اینکه در ظاهر پیدا و آشکار باشند اسباب ظاهری و باطنی عالم را هدایت می‌فرمایند. اگر کسی منکر وجود مغز به عنوان هدایتگر اعضا و جوارح ظاهری و باطنی شود فقط به صرف اینکه دیده نمی‌شود و در ظاهر غایب است مانند کسی است که وجود امام زمان (عج) را منکر شود در حالی که هدایت الهی از ناحیه ایشان صورت می‌گیرد و مقدورات عالم از طریق امام در عالم تسری می‌یابد.

### □ عمر طولانی (از لحاظ علم تجربی)

هر از چند گاهی در روزنامه، مجلات و یا رسانه‌هایی چون تلویزیون و رادیو مطلع می‌شویم در اطراف ما یا در نقاطی دیگر در جهان درختانی وجود دارند که عمر آنها پنج هزار سال یا بیشتر است. در اینجا باید گفت: بسیاری از همان درختان و هم‌گونه‌های آنها به مرور زمان به دلایل متفاوت از بین رفته‌اند ولی این درختان با عمری بسیار کهن از دیرباز باقی مانده و اسباب تعجب دانشمندان و عوام مردم را فراهم ساخته‌اند.

در جایی که خداوند به قدرت کامله خود یک درخت را عمری طولانی می‌بخشد. آیا امام زمان (عج) که خلیفه خداوند بر زمین است و بر همه چیز چه جماد چه نبات چه حیوان و چه انسان و حتی مجردات استیلا و توفیق دارد، نمی‌تواند به اذن و قدرت خداوند عمری طولانی داشته باشد؟

در مجله الهلال شماره ۹ تحت عنوان «انسان به زودی هزاران سال عمر می‌کند»؛ می‌نویسد:

«دکتر ژرژ کلینر که یکی از استادان دانشگاه «هال» در آلمان است، یک گیاه که آن را در زبان لاتین (سپرولینا مسکتا) می‌نامند و این گیاه بر پشت مگس‌های آبی می‌روید و بیش از دو هفته عمر نمی‌کند؛ مورد آزمایش قرار داده و آن را در شرائط خاصی تربیت کرده تا بالاخره عمر این گیاه را (که دو هفته بیش نبود) به شش سال رسانیده و این آزمایش مانند آن است که ما عمر انسانی را از وضع کنونی به ده هزار

و نهصدویست (۱۰۹۲۰) سال برسانیم»<sup>۱</sup>.

قطعاً شأن و مقام امام عصر (عج) از یک گیاه یا میکروبی که بر پشت مگسی همزیستی دارد فراتر است و هیچ بهانه‌ای برای اشکال‌تراشان در عمر طولانی نیست. علاوه بر اینکه امام تحت تربیت خداوند نه با آزمون و خطا و احتمالات دانشمندان علوم تجربی به عمر طولانی دست یافته است.

### □ تربیت شیعه به آرزوها

همانطور که در قافله اول و در بحث داغ و شایع مهدی در قرون اولیه اسلامی روایتی از قول علی بن یقظین با مضمون تربیت شیعه به آرزوها آوردیم؛ سیاست اهل بیت و معصومین علیهم‌السلام در بیان زمان فرج و قیام حضرت صاحب‌الامر (عج) یک سیاست و تدبیر براساس آرزوها و ارجاع این امر در زمانی نزدیک و قریب بوده است. آنها با توجه به اینکه از علم الهی برخوردار بودند و علائم و شرایط ظهور منجی را از پیش به خوبی می‌دانستند و برخی از مهمات آن را برای خواص و عوام مردم اخبار می‌فرمودند سیاست و تدبیرشان مبتنی بر نزدیک بودن این امر بوده است، هرچند آنها در آن موقع نیز می‌دانستند که این امر بسیار طولانی خواهد شد و حتی در برخی روایات به آن نیز اشاره کرده‌اند که اسباب گمراهی به علت طولانی شدن فراهم نگردد، بماند که خداوند به واسطه طولانی شدن مدت غیبت حضرت مهدی (عج) مؤمنان را امتحان می‌کند تا سره از ناسره متمایز گردد. در این مجال می‌خواهیم مواردی از قرآن را ذکر کنیم که حتی خداوند نیز در تربیت معنوی بندگان و عباد خویش از این سیاست استفاده کرده است تا طول مدت یک امر برای آنها اسباب قساوت و سنگدلی را فراهم نکند، چرا که یک منتظر اگر تصور کند که فلان امر الهی نزدیک است همواره در جهت رسیدن به آن و رفع معایب خویش که مانع از وصل به آن حقیقت می‌شود؛ تلاشهای پیگیر و مضاعف خواهد داشت و این در فطرت آدمی نهاده شده است و خداوند به علت آگاهی بر این مسئله و به عنوان خالق، بندگان را به آرزوها تربیت می‌کند و چون ائمه به منبع و سرچشمه

۱. ابطحی، سید حسن. مصلح غیبی. انتشارات آل یاسین. تئوری چاپ دوم نیمه شعبان ۱۴۰۵ ق  
ص ۱۰۶

علم الهی متصل هستند و مأذون و مأمور از جانب اویند؛ این سیاست را در امر مهم زمان قیام قائم (عج) در پیش گرفته بودند. در این باب به آیات زیر توجه کنید:

(الف) ﴿اقتربت الساعة...﴾ (القمر / ۱)

(قیامت نزدیک شده است).

(ب) ﴿...حتى يقول الرسول والذين امنوا معه متى نصر الله الا ان نصر الله قريب﴾ (البقره / ۲۱۴)

[مشکلات و مصائب چنان فشار آورد که] حتی پیامبر و کسانی که همراه او ایمان آورده بودند؛ گفتند: یاری و نصرت خداوند کی فرا می‌رسد؟ آگاه باشید که پیروزی خدا نزدیک است).

(ج) ﴿فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطرکم اول مره فسینغضون الیک رؤسهم و یقولون متى هو قل عسی ان یكون قریباً﴾ (الاسراء / ۵۱)

(... آنها به زودی می‌گویند چه کسی ما را [بعد از مرگ در روز معادی که می‌گویید] باز می‌گرداند [و دوباره به این شکل و هیأت درمی‌آورد].  
[ای پیامبر!] بگو: همان کسی که نخستین بار شما را آفرید. آنان سر خود را [از روی تعجب] به سوی تو خم می‌کنند و می‌گویند: در چه زمانی [امر قیامت] خواهد بود؟

[ای پیامبر!] بگو: شاید نزدیک باشد).

تذکر: این آیه قطعاً برای خداوند به معنی جهل نیست بلکه علم قیامت نزد اوست و جز او کسی بر آن مطلع نیست و این شاید دلالت بر ابهام در زمان دقیق آن برای بشر است.

(د) ﴿اولم ینظروا فی ملکوت السموت والارض و ما خلق الله من شیء و ان عسی ان یكون قد اقترب اجلهم﴾ (الاعراف / ۱۸۵)

(آیا به ملکوت آسمانها و زمین و آنچه خدا آفریده، نظر نیفکندند، شاید مرگ [اجل] آنها نزدیک شده باشد؟

(ه) ﴿و ما امرالساعة الا کلمح البصر او هواقرب...﴾ (النحل / ۷۷)

(امر قیامت همانند چشم برهم زدن [نزدیک] است. یا از آن هم نزدیک‌تر است).

(و) ﴿اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون﴾ (الانبیاء / ۱)

(حساب مردم به آنان نزدیک شده در حالی که در غفلتند و روی گردانند).

(ز) ﴿واقترب الوعد الحق﴾ (الانبیاء / ۹۷)

(وعده حق نزدیک گردد).

(ح) ﴿یسئلک الناس عن الساعة قل افا علمها عندالله و ما یدریک لعل الساعة تكون

قرباً﴾ (الاحزاب / ۶۳)

(مردم از تو درباره قیامت می پرسند بگو که علم آن فقط نزد خداست و چه می دانی شاید قیامت نزدیک باشد).

(ط) ﴿و ما یدریک لعل الساعة قریب﴾ (الشوری / ۱۷)

(و تو چه می دانی شاید که قیامت نزدیک باشد).

(ی) ﴿انهم یرونه بعیداً و نریه قریباً﴾ (المعارج ۶-۷)

(به درستی که آنان (کافران) [قیامت را] دور و ما آن را نزدیک می بینیم).

(ک) ﴿انا انذرناکم عذاباً قریباً...﴾ (النباء / ۴۰)

(همانا ما شما را به عذاب نزدیکی بیم دادیم).

با توجه به آیات کریمه ای که ذکر کردیم خداوند در سیاست تربیت بندگان خود

به خصوص در امر مهم قیامت از سیاست آرزوها یا به عبارتی نزدیک بودن آن امر

استفاده کرده است و آینده دور را نزدیک دانسته است.

جالب آنکه علی علیه السلام می فرماید:

«کل آت قریب دان<sup>۱</sup>»

(هر آینده ای نزدیک است).

### □ انتخاب مصلح کل از سوی خداوند

انتخاب پیامبر، وصی پیامبر یا ائمه صرفاً مختص به خداست. زیرا خداوند از

عاقبت انسانها آگاه است. سعید و شقی را می شناسد، لذا این امر قطعاً از سوی خدا

پسندیده است و لا غیر. انتخاب مصلح کل و نجات بخش بشر نیز از سوی انسانها

۱. سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین موسوی. نهج البلاغه. انتشارات دارالهجره قم. ص ۱۴۹

محال است و فقط آنکه از جانب خداوند انتخاب شده برای بشر راهگشاست.

### ۱. انتخاب از ناحیه غیر معصوم

در دنیای امروز و گذشته و همینطور در آینده انسانهایی بوده یا هستند و خواهند بود که خود را نجات بخش می دانستند، یا آنکه از سوی مردم به عنوان نجات بخش معرفی می شدند که هیچکدام قابلیت اجرای این مسئولیت را نداشته اند یا نخواهند داشت.

در دنیای امروز یکی از مدعیان حقوق بشر و اجرای قسط و عدالت بر جهان کشور ایالات متحده است که با نفوذ و دخالتهای آشکار و پنهان خود سعی به تحقق امر مذکور دارد و عملاً نیز شکست خورده و درمانده و اقدامات آنها باعث اشاعه بیشتر فساد و تباهی و ضدیت با قسط و عدل شده است. «مشهورترین رئیس جمهوری آمریکا، آبراهام لینکلن (Abraham Lincoln) یک فرد نژادپرست و ظالم بوده است. در چارلزتن ایلینویز (Charleston Illinois) وی در حضور جمعی از مردم که برای آشنایی با ایده ها و برنامه های او در آن مکان حضور داشتند گفته است: «من خواهان تساوی حقوق اجتماعی و سیاسی بین نژادهای سیاه پوست و سفیدپوست نه هستم و نه هیچ زمان بوده ام».

من خواهان رأی دادن یا یکی از اعضای هیئت منصفه بودن و یا پست داشتن سیاه پوستان نه هستم و نه هرگز بوده ام، و نه خواهان ازدواج سفیدپوستان و سیاه پوستان... خواهان این هستم که مرتبه (مقام) نژاد سفید، افضل باشد».

سیاه پوستان آفریقایی (African-American) نیز که به آمریکا آورده شدند. توسط سفیدپوستان آمریکایی زنده سوزانده می شدند. در مواردی آنها را با شعله کم آتش می سوزاندند تا با زجر بیشتری جان دهند. برخی را نیز به دار می آویختند. تا همین چند دهه قبل حتی محل آب خوردن سفیدپوستان و سیاه پوستان مشخص شده بود و آنها اجازه نداشتند که از محل آبخوری سفیدپوستان آب بنوشند.

اگر پیرزن سیاه پوستی در اتوبوس نشسته و یک پسر بچه سفیدپوستی وارد می شد پیرزن باید از جای خود برمی خاست و آنجا را در اختیار پسر بچه سفیدپوست قرار می داد.

سیاه‌پوستان حتی اجازه خندیدن در مقابل سفیدپوستان را نداشتند. اگر خنده خود را نمی‌توانستند کنترل کنند، باید سر خود را در داخل یک بشکه می‌کردند تا از صدای خنده خود جلوگیری نمایند. جالب اینکه نام بشکه (laughing Barrel) را نیز برای آن انتخاب کرده بودند. این شمه‌ای از ادعای آمریکا در ارتباط با حمایت از حقوق بشر (Human Right Issue) است.<sup>۱</sup>

البته ظلم در حق سیاه‌پوستان خیلی بیشتر از این موارد است؛ نه تنها سیاه‌پوستان، سرخپوستان و دیگر رنگین‌پوستان جهان نیز مورد تعرض و بی‌احترامی و هتک حقوق انسانی واقع شده‌اند. ناراحت‌کننده‌تر این واقعیت تلخ است که این بی‌احترامی‌ها و تزییع حقوق حقه انسانها از سوی کسانی صورت می‌گیرد که ادعای نجات‌بخشی و دفاع از حقوق انسانها را دارند.

پس انتخاب مصلح و نجاتگر از سوی افراد غیر معصوم نه تنها به صلاح بشر نیست، بلکه باعث انحطاط و اضمحلال بنیادهای راستین بشری خواهد شد.

## ۲. انتخاب از ناحیه معصوم

﴿ یسئلک اهل الکتاب ان تنزل علیهم کتاباً من السماء فقد سألوا موسی اکبر من ذلک فقالوا ارنالله جهره فاخذتهم الصاعقه بظلمهم... ﴾ (النساء / ۱۵۳)

(اهل کتاب از تو می‌خواهند که برایشان کتابی از آسمان نازل کنی [که با چشم ببینند و با درست لمس کنند]. اینان بزرگتر از این را از موسی طلب کردند و گفتند خدا را آشکارا به ما بنمای! [به همین علت خداوند] ایشان را به واسطه ظلمشان به عذاب صاعقه گرفتار کرد...)

در تفسیر این آیه آمده است که قوم بنی اسرائیل از موسی علیه السلام درخواست کردند که همانطور که شما با خداوند تکلم می‌کنید و صدای او را می‌شنوید، ما نیز می‌خواهیم کلام خداوند را بشنویم. موسی از میان هفتاد هزار نفر پیرو خود در بنی اسرائیل هفت هزار نفر و بعد هفتصد نفر و در آخر هفتاد نفر را گلچین نمود؛ یعنی کسانی را انتخاب کرد تا آنها را به کوه طور ببرد و با خدا حرف بزنند، که از دید

۱. میرلوحی، سید هاشم. آمریکا بدون نقاب (American without veil)، انتشارات کیهان. چاپ دوم ۱۳۸۳ ش. تهران. ص ۲۴ به بعد.



خودش از لحاظ عقل و فهم بالاتر از بقیه بوده‌اند. پس روز موعود فرا رسید و موسی آنها را به محلی برد که میقات وی با خدا بود. موسی علیه السلام در طور با خداوند تکلم کرد و آنها صدای خداوند را می‌شنیدند. این هفتاد نفر برگزیده بر موسی علیه السلام تکبر کرده و نافرمانی خدا را به جای آوردند و از موسی علیه السلام خواستند که خداوند آشکارا خود را به آنها نشان دهد، عملی که ممکن است خداوند بر آنها خشم گرفت و آن هفتاد نفر را به عذاب صاعقه میراند.<sup>۱</sup>

پس موسی علیه السلام با آن همه علم و دانش بیکران و با آن همه مقام و عظمت در انتخاب خود به مشکل برخورد کرد و هر هفتاد نفر گلچین او از میان بنی اسرائیل به او کافر شدند.

چنانکه از مطالب کتاب استفاده می‌شود امام فقط از جانب خداوند انتخاب می‌شود، و مردم در انتخاب خلیفه و امام مجاز نیستند. پس انتخاب قائم و مصلح و نجات‌بخش بشر، چه از جانب خود مردم و چه از ناحیه معصومین مانند پیامبران و اولیاء الهی نمی‌تواند مورد تأیید باشد.

### □ توجیه حقوقی وجود مهدی (عج)

از لحاظ حقوقی وجود مهدی (عج) و نسبت بُنوت (فرزندی) ایشان با امام حسن عسکری علیه السلام موجه است.

اولاً: افرادی که در خانه ایشان تردد داشته‌اند این امر را گزارش کرده‌اند برای مثال حکیمه (دختر امام جواد و عمه امام حسن عسکری) از شاهدان این امر (ولادت مهدی (عج) بوده است و این مطلب در روایات مهدویت وجود دارد.

ثانیاً: پدر آن حضرت یعنی حضرت عسکری علیه السلام تصریح می‌کند که فرزندی دارد و نام او محمد و قائم و امام بعد از خویش است، و این مسئله نیز در روایات به وفور یافت می‌شود.

ثالثاً: اگر دو نفر مرد مسلمان عادل شهادت دهند که پدر یک شخص مدعی فرزند برای خویش است این امر از لحاظ حقوقی، قابل اجرا و شخص مُحق است؛

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام تصحیح سید مهدی حسینی لاجوردی. انتشارات جهان دو جلد در یک مجلد. ۱۳۷۸ هجری قمری. تهران. ج ۱. ص ۲۰۰

چنانکه امام عسکری به افراد زیادی که مورد اعتماد بودند فرزند بزرگوارشان را نشان داده‌اند؛ یعنی علاوه بر اثبات ادعا برای مردان مسلمان عینیت نیز داشته است که این مطلب نیز در اخبار مهدویت یافت می‌شود.

علاوه بر اینها افراد زیادی در مباحث روایی ما یافت می‌شوند که در دوران غیبت صغری با این امام که مدعی بُنُوْت (فرزندی) امام عسکری نیز بود؛ مکاتبه داشته‌اند که صحت مکاتبات این نسبت را برای آنها اثبات می‌کرد.

پس از لحاظ حقوقی وجود چنین شخصیتی از اولاد امام عسکری علیه السلام با لقب «مهدی» و نام «محمد» محرز است و ارزش حقوقی دارد.

### □ امام زمان (عج) از نسل امام حسین علیه السلام است نه امام حسن علیه السلام

چرا با اینکه امام حسن علیه السلام از لحاظ مرتبت و افضلیت نسبت به امام حسین علیه السلام بالاتر است امام قائم علیه السلام از سوی خداوند از نسل حسین بن علی علیه السلام انتخاب شده است؟

در پاسخ باید گفت: مسلمان باید تسلیم امر خدا باشد و قطعاً در این امر حکمت و مصلحتی در کار بوده است. اتفاقاً این پرسش در اذهان مردمی که در عصر ولادت مهدی (عج) نیز می‌زیستند؛ مطرح بوده است چنانکه از «محمد بن عبدالله طهوری» روایت شده که گفت:

به نزد حکیمه (دختر امام جواد و عمه امام عسکری) شرفیاب شدم بعد از آنکه امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفته بود؛ تا در مورد حجت (خداوند) و اختلاف مردمان و حیرت آنها راجع به این موضوع، سؤال نمایم.

به نزد حکیمه در آمدم و او گفت: بنشین! و من نشستم سپس گفت: ای محمد! خداوند (تبارک و تعالی) زمین را از حجت ناطق یا خاموش خالی نمی‌گذارد و آن را پس از امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام در دو برادر قرار نداده است، و این برتری را مخصوص امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام قرار داده و برای آنها نظیری در زمین در نظر نگرفته است. جز اینکه خداوند (تبارک و تعالی) فرزندان امام حسین علیه السلام را نسبت به فرزندان امام حسن علیه السلام برتری داده است همچنانکه فرزندان هارون علیه السلام را بر فرزندان موسی علیه السلام برتری داد. هر چند موسی علیه السلام حجت [و افضل] بر

هارون علیه السلام بود. اما [برتری] تا روز قیامت در فرزندان هارون علیه السلام است و ناگزیر باید امت [اسلام] دچار حیرت و سرگردانی شوند تا اهل باطل از اهل حق جدا شوند و از برای مردم بر خداوند حجتی نباشد، و اکنون بعد از وفات امام عسکری علیه السلام دوران حیرت و سرگردانی فرا رسیده است.<sup>۱</sup>

### □ ناپیدایی جسم

در ملاقاتها و تشرفات به محضر مقدس حضرت صاحب الزمان (عج) بعضاً دیده می شود که در مواردی امام عصر (عج) بنابر مصالح از نظر و دیده و معرض ملاقات کنندگان در اندک زمانی پنهان و به اصلاح ما «نامرئی» می شوند که قطعاً این امر به دلیل وجود نظام امنیتی الهی در حفاظت از این امام است و این موضوع در همه ملاقاتها و تشرفات گزارش نشده است، بلکه در مواردی خاص به وقوع پیوسته است.

### ● دلیل قرآنی

(الف) ﴿وإذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون سلاباً مستورا﴾  
(الاسراء / ۴۵)

([ای پیامبر] و هنگامی که قرآن تلاوت می کنی میان تو و آنهایی که به آخرت ایمان ندارند حجاب ناپیدایی قرار می دهیم)

(ب) ﴿وجعلنا بین ایدیهم سداً و من خلفهم سداً فاغشینهم فهم لایبصرون﴾ (یس / ۹)  
(و در پیش روی آنان سدی و در پشت سرشان نیز سدی قرار دادیم و چشمان آنها را پوشانده ایم پس چیزی را نمی بینند).

### □ وجود معجزه در عمر طولانی

در مورد عمر طولانی افراد و به خصوص حضرت مهدی (عج) و دلایلی در

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، پیش ج ۲ باب ۴۱ ح ۲ ص ۴۲۷

اثبات آن از طریق عقلی و نقلی گفتگوی فراوان نمودیم و یقین حاصل کردیم که عمر طولانی برای انسان دور از دسترس نیست و این مطلب عجیب و غیرواقعی نمی‌تواند باشد. اما آن موارد با فرض صحت در حوزه فیزیولوژی و حفاظت از ساختار بدن آدمی است که موجبات عمر طولانی را فراهم می‌سازد؛ پس عوامل طبیعی دیگر مانند: سیل، زلزله، صاعقه، رانش زمین، و حوادث دیگری مانند: جنگ و نبردهای ویرانگر و کشمکش و نزاعهای عادی از ناحیه انسانها صادر می‌شود چگونه قابل توجیه هستند؟ و چه طور مهدی (عج) با فرض اینکه علم زیادی دارد و می‌تواند بدن خود را حفظ کند تا عمری طولانی یابد عوامل دیگر را چگونه کنترل می‌نماید، در حالی که یکی از آنها اگر بر او فائق آیند اسباب مرگ او مقدر می‌شود؟

در پاسخ باید گفت: همانطور که مهدی (عج) از قواعد پزشکی و هرچه باعث حفظ و صحت بدن اوست آگاهی دارد قطعاً در مقام امام و خلیفه خداوند از زمان و مکان بروز حوادث طبیعی و غیرطبیعی نیز آگاهی دارد و خود را در مواقع لزوم از آن مهالک و مواقع خطرناک دور می‌سازد. علاوه بر اینکه خداوند نیز سیستم امنیتی خاص را در مورد حفاظت از ایشان عهده‌دار است و این گونه نیز از جانب خداوند مورد حمایت خاص قرار گرفته است.

### ● دلیل قرآنی

چنانکه در قرآن خوانده‌ایم و در آن تدبیر نموده‌ایم خداوند برای حفظ پیامبران خود و بقای عمر ایشان اقدام به معطل کردن قوانین موجود در طبیعت کرده است. آنجا که موسی علیه السلام می‌خواست به همراه قومش از دست فرعون و سپاهیان‌ش بگریزد خداوند خلاف قواعد ظاهری طبیعت رود نیل را به دو قسمت نمود تا از میان آن قوم بنی‌اسرائیل و موسی علیه السلام عبور نماید پس در اینجا برای حفظ موسی و بقای عمر او و حتی افرادی عادی از پیروان او به این مهم اراده نموده است.

خواست خداوند در مورد بقاء و حفظ حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام نیز که در قرآن به آن اشاره شده قابل تأمل و تدبیر است، آنجا که پادشاه ستمگر زمان ابراهیم علیه السلام یعنی نمرود می‌خواست او را به جرم یکتاپرستی در آتش سهمگین عذاب کند

خداوند آن آتش را سرد و سلامت قرار داد تا مبادا گزندى به پیامبر خویش برسد و در حفظ و بقاء حضرت ابراهیم عليه السلام قواعد و قوانین ظاهری طبیعت را به حالت معطل درآورد و در جهت حفظ ابراهیم عليه السلام آنها را کنترل نمود، هرچند برخلاف جریان طبیعی بودند. در نتیجه این ابهام نیز که علاوه بر مسئله طول عمر برای انسان چگونه مهدی (عج) از بلايای طبیعی و غیر طبیعی گریخته است در این مقال پاسخ یافت یعنی علاوه بر اینکه طبق دلایل عقلی و نقلی عمر طولانی برای انسان امکان پذیر و غیر محال است، خداوند به منظور حفظ و بقاء خلیفه خود در زمین از معجزات و خرق عاداتی نیز استفاده می کند که به واسطه آن بلايای طبیعی و دیگر حوادث مرگ آور از ایشان دفع می شود.

### □ مسخ در قرآن

در قافله پنجم در روایتی از امام باقر عليه السلام آوردیم که قبل از قیام قائم (عج) عده ای مسخ می شوند. مسئله مسخ یا تبدیل از حالت انسانی به حیوانی در قرآن نیز به عنوان عذاب افراد بدکار ذکر شده است که به آنها می پردازیم:

(الف) ﴿ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خاسئین﴾ (البقره / ۶۵)

(و محققاً دانسته اید از حال کسانی از شما که در روز شنبه نافرمانی [امر خدا] کردند. پس ما به ایشان گفتیم که به [شکل] میمونهایی طرد شده درآید! [یعنی آنها مسخ شدند].

(ب) ﴿فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خاسئین﴾ (الاعراف / ۱۶۶)  
(و چون از آنچه از آن نهی شده بودند؛ سرپیچی و نافرمانی کردند به آنان گفتیم که چون میمونهایی طرد شده باشید)

(ج) ﴿قل هل انبئکم بشر من ذلک مثوبه عندالله من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم القرده و الخنازیر و عبدالطاغوت اولئک شرمکاناً و اضل عن سواء السبیل﴾ (المائده / ۶۰)

(بگو: آیا شما را از بدترین جزاء نزد خداوند آگاه سازم؟ کسانی که خداوند بر آنها غضب کرده و برخی از ایشان را میمون و برخی دیگر را خوک قرار داد [آنها را مسخ کرد] و آنان که طاغوت را پرستش کرده‌اند. اینها بدترین جایگاه را دارند و از راه راست گمراه‌ترین هستند).

(د) ﴿ولو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم فا استطاعوا مضیاً ولا يرجعون﴾ (یس / ۶۷)  
 (و اگر بخواهیم هر آینه ایشان را «مسخ» می‌کنیم که بتوانند بروند و نه برگردند).  
 اصحاب سبت قومی از بنی اسرائیل بودند که در حاشیه دریا زندگی می‌کردند. خداوند به آنها دستور داد تا در روزهای شنبه به ماهیگیری نپردازند. این امتحان برای عده‌ای از آنها سخت و دشوار به نظر رسید چون با خودشان می‌اندیشیدند که راه امرار معاش ما از همین طریق ماهیگیری است و چرا آن را باید در روز شنبه ترک کنیم؟ لذا حيله‌ای کردند و خود را با آن قانع نمودند یعنی در روز شنبه ماهیگیری نکردند بلکه به وسیله حوضچه‌ها یا وسایل دیگر ماهی‌ها را به محلی که در نظر گرفته بودند؛ هدایت کردند و در روز یکشنبه آنها را صید می‌کردند. خداوند نافرمانان این قوم را عذاب سختی کرد و آنها را به شکل میمون درآورد.

### □ اقتدای عیسی علیه السلام در نماز به حضرت (عج)

برای بعضی این سؤال پیش آمده که چگونه حضرت عیسی علیه السلام که از پیامبران بزرگ و شاخص الهی است در هنگام ظهور طبق روایات شیعه و سنی پشت سر حضرت مهدی (عج) به نماز می‌ایستد؟

در این باب باید گفت: براساس روایات معتبر اسلامی مقام ائمه هدی علیهم السلام از همه پیامبران الهی به جز حضرت «محمد بن عبدالله» صلی الله علیه و آله پیامبر اسلام بالاتر و جلیل‌تر است و به همین خاطر است که عیسی علیه السلام خود را مأموم می‌داند و مهدی بعنوان امام، نماز جماعت را برپا می‌کند، و قطعاً عیسی علیه السلام نیک می‌داند که در جایی که افضل هست مفضول باید به او اقتدا کند.

در تکمیل این بحث روایتی را از مسندنشین اریکه ارتضاء سلطان علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحیه و الثناء) نقل می‌کنیم که به شکل خلاصه آنرا در

آخرین مبحث قافله پنجم نیز آورده بودیم. امام هشتم علیه السلام در افضلیت مقام امامت نسبت به مقام نبوت فرموده‌اند:

«امامت ارزشی والاتر و جایگاهی بزرگتر و مکانی رفیع‌تر و جانبی منیع‌تر و باطنی عمیق‌تر از آن دارد که مردم به واسطه عقل‌های (محدودشان) به آن برسند، یا آنکه به اختیار خود امامی را انتخاب کنند. امامت، مقامی است که ابراهیم علیه السلام بعد از آنکه به مقام پیامبری و دوستی (با خدا) نائل شد در مرتبه سوم (به مقام امامت) مفتخر گردید و فضیلت و برتری است که خداوند او را به آن شرافت بخشید و آن را ستوده است و خداوند خطاب به ابراهیم علیه السلام فرموده است:

﴿انی جاعلک للناس اماماً﴾ (البقره / ۱۲۴)

(همانا تو را امام برای مردم قرار دادم)

پس ابراهیم خلیل علیه السلام با شادی [به پیشگاه الهی عرض کرد]: آیا از ذریه من نیز [امام] خواهند بود؟ خداوند فرمود:

﴿لاینال عهدی الظالمین﴾ (البقره / ۱۲۴)

(عهد من به ستمکاران نمی‌رسد)

این آیه امامت هر ستمکاری را تا روز قیامت باطل ساخته و آن را مختص برگزیدگان قرار داده است. آنگاه خداوند (عزوجل) او را گرامی داشت و امامت را در ذریه و خانواده او قرار داد: «از افرادی که برگزیده و پاک بودند...»<sup>۱</sup>

از این کلام راهگشا و گهربار حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام درمی‌یابیم که امامت مقامی بسیار رفیع و شأنی بسیار جلیل است که حضرت ابراهیم علیه السلام با آن همه مقام و عظمت بعد از مقام نبوت و خُلَّت (دوستی با خداوند) در سومین مرحله به مقام رفیع و شامخ امامت نائل شد. مع الوصف اقتدای عیسی علیه السلام به مهدی (عج) دور از آداب و سنت‌های الهی نخواهد بود.

به راستی آنان که در کتابهایشان از قول پیامبر صلی الله علیه و آله به کرات و متواتراً روایت کرده‌اند که در زمان ظهور، عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر مهدی (عج) ایستاده و به او در نماز اقتدا می‌کند. این مسئله را چه توجیهی می‌کنند؟ در حالی که بحث امامت را منکر و این خبر را صحیح می‌دانند.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۵۸ ح ۳۲ ص ۶۷۶

چگونه می‌توان بدون فهم امامت و حقیقت سلسله ائمه هدی، اقتدای مسیح علیه السلام بعنوان یک پیامبر بزرگ را به مهدی (عج) توجیه کرد؟

### □ وجود معجزه برای حضرت (عج)

چگونه در روایات یا تشرفات از وجود معجزه و اعمال خارق عادت از مهدی (عج) به ما خبر رسیده است. مگر معجزه و کارهای خارق عادت مختص به پیامبران نیست؟

اولاً: معجزه بسته به مکان و زمان تفاوت می‌کند.

ثانیاً: معجزات نیز دارای مراتب و درجات است.

ثالثاً: امام زمان (عج) همانطور که در سابق آوردیم وارث انبیاء و اولیاء است و میراث مادی و معنوی ایشان در نزد امام زمان یافت می‌شود، پس هیچ استبعادی ندارد که ایشان نیز کارهایی همچون پیامبران انجام دهند. علاوه بر اینکه آوردیم مقام امام از همه پیامبران جز حضرت محمد صلی الله علیه و آله بالاتر و والاتر است.

رابعاً: به عنوان دلیل قرآنی معجزه یا کارهایی شبیه پیامبران به موارد زیر توجه شود:

### الف) مادر موسی و وحی الهی

﴿واوحینا امّ موسی ان ارضیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم و لاتخافی و لاتحزنی انارادوه

الیک و جاعلوه من المرسلین﴾ (القصص / ۷)

(و به مادر موسی (یوکابد) وحی کردیم که او را شیر بده و چون بر او بیمناک شدی او را در نیل بیانداز و نترس و اندوهگین مشو که ما او را به تو باز می‌گردانیم و از پیامبرانش قرار می‌دهیم).

اگر کسی اشکال کند که مقصود این وحی، القاء سطحی بوده، قطعاً اشتباه می‌کند، چرا که خداوند در آخر آیه از بازگشتن و پیامبر شدن موسی به یوکابد (مادر موسی) خبر داده است. پس با اینکه مادر موسی پیامبر نبوده کاری شبیه پیامبران برای او رخ داده است.



### ب) حضرت مریم (س) و رزق الهی:

﴿... کفلها زکریا کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقاً قال یا مریم انی لک هذا قالت هو من عندالله ان الله یرزق من یشاء بغير حساب﴾ (ال عمران / ۳۷)

( [خداوند] زکریا را سرپرست مریم قرار داد. زکریا هر بار که در محراب [عبادت] بر او وارد می شد. به نزد او رزق [خوراک الهی] می یافت. [و با تعجب] می گفت: ای مریم! این از کجا برای تو آمده است. مریم می گفت: این [طعامها] از جانب خداوند است. به درستی که خداوند به هر کس که بخواهد بی حساب رزق و روزی عطا می کند).

با اینکه حضرت مریم علیها السلام پیامبر نبوده اما معجزه‌ای چون آمدن رزق و طعام از جانب خداوند برای او به وقوع پیوسته که باعث تعجب حضرت زکریا علیه السلام شده که خود از پیامبران بزرگ الهی محسوب می شود. بماند که ولادت عیسی علیه السلام علاوه بر امتحان از معجزات بزرگ مریم علیها السلام به شمار می رود.

### ج) حواریون عیسی علیه السلام و وحی

﴿واذا وحیت الی الحواریین ان امنوا بی و برسولی قالوا امنا و اشهد باننا مسلمون﴾ (المائده / ۱۱۱)

( [و یاد کن] هنگامی را که به حواریون عیسی علیه السلام وحی کردم که به من و فرستاده‌ام ایمان آورید. گفتند: ایمان آوردیم و گواه باش که ما تسلیم هستیم).

### ح) ذوالقرنین و امکانات الهی

در سوره مبارکه کهف خداوند از شخصیتی وارسته، خداشناس و صاحب قدرت به نام «ذوالقرنین» یاد می کند که مردم زمان پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او مطالبی شنیده بودند. ذوالقرنین پیامبر نبود اما از جانب خداوند تأیید و یاری می شد و خداوند برای نصرت او امکانات زیادی در نظر گرفته بود:

قدرت و حکومت: ﴿انا مکننا له فی الارض...﴾ (الکھف / ۸۴)  
(همانا ما [ذوالقرنین را] در زمین قدرت بخشیدیم).

امکانات الهی: ﴿واتینہ من کل شی سبباً﴾ (الکھف / ۸۴)  
(و ما او را از هر چیزی سببی دادیم)

حق پاداش و عقاب: ﴿و جدعندھا قوماً قلنا یذالقرنین اما ان تعذب و اما ان تتخذفہم حسنا  
قال اما من ظلم فسوف نعذبه... و اما من امن و عمل صالحاً فله جزاء الحسنی﴾. (الکھف /  
۸۸-۸۶)

(..در آنجا [ذوالقرنین] قومی را یافت. ما گفتیم: ای ذوالقرنین آیا می خواهی آنها  
را مجازات کنی یا پاداش نیکویی برای آنها در نظر بگیری. او گفت: کسانی که ستم  
کرده اند آنها را مجازات خواهیم کرد... و اما کسی که ایمان بیاورد و عمل صالح  
انجام دهد پاداش نیکو خواهد داشت...).

پس نتیجتاً و تحقیقاً وجود معجزه و اعمال خارق عادت از غیر پیامبران نیز صادر  
می شود. بماند که ما معتقدیم امام عصر (عج) از پیامبران افضیلت دارد و وارث  
ایشان است.

### □ اختلاف ظاہری قرآن با امامت یک کودک

در قرآن آیه شریفه ای وجود دارد که در آن خدا فرموده است:  
﴿وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم﴾ (النساء  
۲/)

(یتیمان را آزمایش کنید تا زمانی که به سن ازدواج برسند سپس اگر در آنها رشد  
(عقلی) یافتید اموالشان را به آنان برگردانید)

مقصود از آیه این است که شرط رسیدن یک یتیم به مال (ارث) پدر یا مادر در  
گذشته خود، رسیدن به شرایط رشد عقلی در سن ازدواج است. چون تقریباً انسان  
در سنی که به مسائل ازدواج آشنایی پیدا می کند به یک رشد نسبی از عقل نیز  
می رسد. هرچند این مطلب، مطلق نیست اما دستور و حکم خداوندی است.

همانطور که می‌دانیم رشد عقلی یا در اصطلاح روانشناسی نوین، بلوغ عقلی با بلوغ جنسی می‌توانند دو امر متفاوت و متباین باشند؛ در این آیه خداوند یک قانون کلی را بیان نموده است و در آن از واژه «رشد» استفاده کرده که این کلمه با عقل و فهم مرتبط است. همانگونه که خداوند در آیه‌ای از قول حضرت لوط علیه السلام به قوم تبه‌کار (منحرف جنسی) خویش فرموده است:

﴿...اليس منكم رجل رشيد﴾ (هود / ۷۸)

(... آیا در میان شما مرد فهمیده و عاقلی نیست)

این مسئله نشان می‌دهد که ممکن است عده‌ای حتی از لحاظ سنی فراتر از سن بلوغ جنسی باشند اما به رشد عقلی نرسیده باشند و مانند قوم لوط، عقل ایشان ناقص و کارکرد آن دچار اختلال شده باشد.

از این آیه شریفه نمی‌توان برداشت کرد که چون مهدی (عج) یک کودک بوده و طبق آیه قرآن حق تصرف در اموال خویش را نداشته پس مقام و منصب امامت او بی‌اساس است. و یا چون نماز میت بر پدر خود را اقامه کرده در حالی که به بلوغ نرسیده این نماز طبق فقه اسلامی خلل پذیر است و همینطور مواردی را که می‌توان در فقه و شریعت اسلامی یافت، مثل شهادت و گواهی، امامت جماعت، معامله و که در مورد یک کودک نابالغ برای آنها جواز صادر نشده است.

پس در پاسخ می‌گوییم: نکته اصلی و فهم مهم مسئله در رشد عقلی نهفته است، و ائمه و پیامبران استثناء محسوب می‌شوند، مانند حضرت یحیی علیه السلام و حضرت عیسی که علیه السلام در دوران کودکی و طفولیت به مقام شامخ نبوت نائل شدند و این امر بلوغ در مورد حجج الهی صدق نمی‌کند، چرا که ایشان حتی در سنین کودکی بر دیگران از لحاظ رشد عقلی برتری و افضلیت دارند.

### □ غیبت حتی برای دوستان

برخی اشکال تراشی کرده و در غیبت امام عصر (عج) شبهه ایجاد می‌کنند مبنی بر اینکه امام زمان (عج) شما طبق روایاتتان از دست ستمگران و خلفاء جور زمانه در غیبت و پنهان زیستی قرار دارد پس چرا با این حساب از دوستان خود که حامی و دوستدار وی هستند نیز غائب است؟ در جواب این اشکال می‌گوییم:

امر غیبت ولی عصر (عج) در دوران غیبت تامه (کبری) به امر خداوند از عام و خاص مردم است ولی از آنجا که امام زمان (عج) باب معرفت الله هستند و هیچ گاه این باب بسته نبوده که بخواهد باز شود، انسانهایی در همین دوران توفیق زیارت و شرفیابی به خدمت حضرت صاحب الزمان (عج) را در چارچوب مقرر از جانب خداوند دارند. پس دوستان امام (عج) به طور مطلق از فیض دیدار ایشان محروم نیستند. اما نکته‌ای که برای اهل فهم و خرد پوشیده نیست این است که دوستی امام عصر (عج) مانند همه دوستیها دارای درجات و مراتب متفاوت است و گاه دیده شده که یک دوست اسباب خطرآفرینی و مصائب را برای دوست دیگر ناخواسته فراهم می‌کند. نباید فراموش کرد که دوستان آدمی پذیرش و ظرفیت‌های متفاوت دارند و بسته به این پذیرش و ظرفیت‌های متفاوت، تبعات متفاوتی هم از دوستی با آنها عائد انسان می‌شود. برای تبیین و تدقیق در این گفتار به این روایت توجه کنید: «ابن نوح گوید: در مصر از جماعتی از اصحابمان (علماء شیعه) شنیدم که می‌گفتند: از ابوسهل نوبختی [از اقوام نائب سوم حضرت (عج)] پرسیدند که چطور شیخ ابوالقاسم حسین بن روح به این امر نیابت مهدی - عج - رسید و توبه این مقام دست نیافتی؟

ابوسهل گفت: ایشان (ائمه) بهتر می‌دانند که چه کسی را انتخاب کنند. من مردی هستم که دشمنان [شیعه] را ملاقات کرده و با آنها مناظره دارم. اگر من مکان او (حضرت مهدی - عج -) را می‌دانستم، همانطور که حسین بن روح می‌داند، شاید در هنگام مناظره (در مورد مسائل مذهبی) در اقامه دلیلی موفق نمی‌شدم لاجرم برای اثبات ادعای خود جای حضرت مهدی (عج) را نشان می‌دادم. این در حالی است که ابوالقاسم [حسین بن روح] اگر حضرت حجت (عج) در زیر دامنش هم باشد و او را با قیچی تکه‌تکه کند دامنش را نمی‌گشاید»<sup>۱</sup>.

با این روایت می‌توان علت غیبت مهدی (عج) را از دوستان نیز توجیه کرد، چه بسا عده‌ای حتی از روی محبت اسباب خطرآفرینی برای مهدی (عج) را فراهم سازند.

۱. طوسی. محمدبن حسن. پیشین ص ۳۹۱

### □ عدم اختیار همسر و داشتن فرزند برای حضرت علیه السلام

با عنایت به این که در قافله اول در بحث «همسر و اولاد حضرت علیه السلام» آوردیم در مورد این قضیه که امام عصر (عج) دارای همسر یا فرزند هستند؛ اختلافاتی وجود دارد. برخی طبق اسناد و مدارک، ایشان را فاقد این امر و عده‌ای دیگر صاحب همسر و اولاد می‌دانند.

البته باز تأکید می‌کنیم امام در غیبت به سر می‌برند و قطعاً خیلی از جزئیات زندگی ایشان برای ما ناپیدا و مبهم است، اگر غیر از این بود؛ غیبت و پنهان زیستی معنی و مفهوم نداشت، بعلاوه این مبحث از مباحث معرفتی نسبت به امام عصر (عج) محسوب نمی‌شود.

عده‌ای معتقدند چون امام زمان (عج) قرار است که احکام اسلام را در جامعه جهانی پیاده و احیاء کنند خود ایشان از مسئله ازدواج که در اسلام به آن بسیار تأکید شده و در سنت عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام بوده؛ روی گردان نیستند. علاوه بر این برخی روایات که در قافله اول به آنها اشاره کردیم و برخی متون ادعیه دلالت بر این دارد که حضرت صاحب‌الامر (عج) دارای فرزند و اولادند.

چنانکه پیشتر یادآور شدیم خیلی وجوه از شخصیت مبارک حضرت (عج) در هاله قدس غیبت، پنهان شده است. از سوی دیگر بسیاری از مؤلفه‌ها وجود ندارند که بتوان از طرق کارشناسی راجع به این موضوع نظر قطعی داد. چه در مقام رد و چه در مقام قبول این امر بر ما تاریک و پوشیده است.

روایتی که از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که برای قائم عقب و فرزندی نیست با توجه به این روایت برخی معتقدند؛ اشاره به فرزندی دارد که امام و معصوم باشد و دلالت بر عدم فرزند نمی‌کند. اگر برخی روایات که برای امام رضا علیه السلام فرزندی جز امام جواد علیه السلام نقل نشده؛ مورد تأیید واقع گردد آنگاه چه بسا بتوان گفت که این روایت به طور کل نفی داشتن فرزند برای مهدی (عج) را اثبات می‌کند، اما با این وجود باز دلیلی بر عدم اختیار همسر نیست.

اگر با دیدی دیگر به مسئله نگاه کنیم یعنی معتقد باشیم: نبود همسر و فرزند

برای مهدی (عج) ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با مسئله غیبت ایشان دارد، چون غیبت از مرحله ساده خود به مرحله کامل و تمام (غیبت تامه) رسیده است و چه بسا مسئله ازدواج و داشتن فرزند با ایجاد مسئولیت‌های متفاوتی که انسان در برابر این دو قشر (همسر، فرزند) دارد باعث برهم خوردن نظام غیبت و پنهان زیستی مهدی (عج) می‌گردد و امر مستحب ازدواج و صاحب اولاد شدن عامل از بین رفتن و زوال امر واجب حفظ امامت و حضور پنهانی از مردم می‌شود، و مسائل امنیتی که مهدی (عج) باید در قبال خویش در دوران غیبت تامه مراعات کند؛ تحت الشعاع این قضیه قرار می‌گیرد، و عمل مستحب عمل واجب را ضایع و تباه می‌سازد.

چنانکه در قافله چهارم در مبحث شباهت مهدی به پیامبران و قسمت شباهت او به حضرت یوسف علیه السلام از قول امام باقر علیه السلام آوردیم:

شباهت مهدی (عج) به یوسف بن یعقوب علیه السلام آن است که از عام و خاص غائب است.

پس این روایت غیبت او را عمومی برمی‌شمرد.

هرچند باز هم می‌توان گفت که مهدی (عج) به طور پنهانی و بدون معرفی شخصیت واقعی خود ازدواج کند یا صاحب اولاد شود تا غیبت از عام و خاص طبق فرمایش امام باقر علیه السلام خدشه دار نگردد.

به علت غامض و تاریک بودن موضوع در اینجا نظر قطعی وجود ندارد.

در روایات اسلامی از خصائص و ویژگیهای متفاوت پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به بقیه مسلمین یاد شده است. پیامبر، کاری می‌توانسته انجام دهد که آن عمل بر همه مسلمین جز پیامبر حرام است. برای مثال ایشان این اجازه را از جانب خدا داشتند که بیشتر از چهار زن دائمی اختیار کنند، در حالی که طبق احکام اسلام این مسئله برای مسلمانان حرام و غیرمشروع است. و از طرف دیگر کارهایی نیز بوده که ترک آن برای مسلمانان بلامانع ولی برای پیامبر حرام بوده است: مثلاً اقامه نماز شب بر پیامبر صلی الله علیه و آله واجب و ترک آن برای ایشان معصیت محسوب می‌شده، اما این حکم برای مسلمانان صادر نشده و فقط جنبه استحباب دارد.

مقصود ما از پیش کشیدن این بحث آن است که چه بسا در سنت الهی، احکامی متفاوت برای پیشوایان در نظر آمده است که پیروان آنها به چنین احکامی مأذون و

مأمور نیستند، و عدم اختیار همسر و نداشتن فرزند خلاف آنکه مستحب مؤکد و در سیره عملی پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام بوده؛ برای مهدی (عج) مجاز نبوده است. اگر عده‌ای اشکال کنند که مسائل یاد شده فقط مختص به پیامبر ﷺ است و لا غیر، خواهیم گفت: در روایتی از امام سجاد علیه السلام تداوم اختصاصات الهی در ناحیه ائمه گزارش شده است:

«علی الائمه من الفرض مالیس علی شیعتهم و علی شیعتنا مالیس علینا»<sup>۱</sup>  
(برائمه چیزهایی [به اذن خدا] واجب است که بر پیروانشان این چنین نیست [و همین طور] بر شیعیان و پیروان ما چیزهایی واجب است که بر ما نیست).

پس همیشه استثناء وجود دارد و همین استثنائات در عرصه‌های مختلف علوم است که آنرا جذاب و پیچیده می‌سازد. پس طبق شریعت، پیشوایان که پیروان و شیعیان خود را به امری دعوت می‌کنند که باید خود تابع همان امر باشند، ولی طبق قاعده استثناء که در همه جا وجود دارد و علت آن حکمت یا امتحان الهیست؛ برخی احکام برای پیشوایان (انبیاء و ائمه) با احکام پیروان و شیعیان آنها تفاوت دارد و خداوند استثناء لحاظ کرده است.

در روایات اسلامی آمده است که حضرت عیسی علیه السلام، زن و فرزندی ندارند چنانکه علی علیه السلام در باب زهد و تقوای عیسی علیه السلام فرموده است:

«لم تکن له زوجة تفتنه و ولد یحزنه»<sup>۲</sup>

(نه همسری اختیار کرده که او را به فتنه‌ها در اندازد و نه فرزندی دارد که او را غمناک کند).

هرچند اگر اشکال گیرند که عیسی علیه السلام به شریعتی دیگر بوده پس اینجا قیاس عیسی علیه السلام با مهدی (عج) قیاس مع الفارق است؛ در مقام پاسخ خواهیم گفت: بله، احکام دین عیسی علیه السلام با احکام دین پیامبر ﷺ که مهدی (عج) در تداوم آن قرار

۱. کلینی رازی. محمد بن یعقوب بن اسحاق. پیشین. ج ۱، باب ان اهل الذکر الذین امر الله. ح ۸ ص

۲. سید رضی. ابوالحسن محمد بن حسین موسوی. پیشین. ص ۲۲۷

گرفته؛ تفاوت دارد. اما اگر ما به مبحث ازدواج از بُعد عُرف و انسانی آن و استحبابی که چه بسا در همه ادیان برای جلوگیری از فساد در جامعه برای آن از سوی شارع دین مقدر بوده؛ در این مجال در نظر بگیریم؛ درمی یابیم که این امر ربطی به شریعت عیسی علیه السلام و تفاوت احکام آن با اسلام ندارد و مسئله عمومی است و به زمان و مکان خاص نیز محدود نمی شود. همانگونه که پیروان او ازدواج می کردند و صاحب اولاد بودند و الانسل شیعیان و پیروان مسیح علیه السلام باید منقرض می شد. چه بسا در سنت الهی، مهدی (عج) و عیسی علیه السلام یا شاید افراد دیگر نیز مستثناء شده اند.

در برخی روایات نیز به تنهایی و آوارگی و غربت مهدی (عج) اشاره شده که این دسته از روایات نزدیک به این مبحث است.

برای مثال «اصبغ بن نباته» از امیرالمؤمنین علی علیه السلام شنیده است که:

«صاحب هذا الامر الشّريد، الطّريد، الفريد، الوحيد»<sup>۱</sup>

(صاحب الامر، آواره، طرد شده، تنها (فريد) و یگانه (وحيد) است).

یا «عیسی خشاب» از امام حسین علیه السلام می پرسد که آیا شما صاحب الامر هستید؟ امام می فرمایند:

«لا ولكن صاحب الامر الطريد، الشريد...»<sup>۲</sup>

(نه! بلکه صاحب الامر طرد شده و آواره است...)

«داوود بن کثیر رقی» نیز از امام کاظم علیه السلام جوابی نظیر دیگران دریافت می کند،

آنگاه که از امام کاظم علیه السلام می پرسد: صاحب الامر (عج) کیست؟

امام علیه السلام می فرمایند: «هو الطريد، الوحيد، الغريب...»<sup>۳</sup>

(او طرد شده (از سرزمین خود)، تنها (وحيد) و غریب است).

یا روایتی از امام رضا علیه السلام که به تنهایی مهدی (عج) اشاره دارد و مرتبط با خضر علیه السلام است:

«و سیؤنس الله به وحشه قائمنا فی غیبه و یصل به وحده»

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۱ باب ۲۶ ح ۱۳ ص ۳۰۳

۲. همو. پیشین. ج ۱، باب ۳۰، ح ۵، ص ۳۱۸

۳. همو. پیشین. ج ۲، باب ۳۴، ح ۴، ص ۳۶۱



خداوند به واسطه [خضر] تنهایی (وحشت) قائم ما را در زمان غیبتش به اُنس مبدل می‌سازد و آن را با اتصال «و همنشینی خضر با مهدی (عج)» بر طرف می‌کند.

با توجه به روایات مذکور که همگی دلالت بر آوارگی، غربت و تنهایی حضرت مهدی (عج) دارند هرچند به طور مطلق عدم اختیار همسر یا داشتن فرزند از آنها استفاده نمی‌شود ولی به این فرضیه نزدیک است.

در پایان مبحث دوباره تاکید می‌کنم که این مبحث از مباحث ضروری در شناخت امام عصر (عج) محسوب نمی‌شود. ما موظف به شناخت امام و حقیقت او هستیم. نباید مغز را رها و به پوست اکتفا کنیم. و این مبحث در هاله قدس غیبت صاحب الزمان (عج) قرار گرفته و نظر قطعی راجع به آن نمی‌توان داد و نیازی به ادامه بحث دیده نمی‌شود.

### □ ضروریات زندگی

امام زمان (عج) برخی ضروریات زندگی خود را مانند غذا، لباس و مواردی از این دست که یک انسان ناگزیر از آنها است چگونه فراهم می‌کند؟ این مطالب قطعاً در اسرار خدا جای دارند چون اگر فاش و علنی بودند به مسئله غیبت مهدی خَلَل و آسیب وارد می‌شد. بعید نیست که حضرت (عج) از دو طریق مادی و معنوی به ضروریات زندگی خویش دست می‌یابند: طریقه مادی و معمولی آن بر ما پوشیده است، اما بعید نیست همانگونه که اشاره کردیم و از قرآن دلیل آوردیم حضرت مریم علیها السلام در نزد خداوند چنان شرافتی داشتند که در محراب عبادت ایشان و در مکانی که حضور داشتند از طرف خداوند رزق و طعام برایشان قرار داده می‌شد، بعید نیست امام زمان (عج) نیز شبیه این موضوع در امور مادی و روزمره خود مورد عنایت و لطف خداوند قرار گیرند، گرچه معتقدیم این مطلب و مطالبی از این دست چون بحث ازدواج، همسر و فرزند امام (عج) به معرفت مردم کمکی نمی‌کند و از سؤالات سطح پایین محسوب می‌شود و مؤمنین و شیعیان حضرت باید با اهداف الهی و آنچه امام (عج) از آنها متوقع است خود را به امام زمانشان نزدیک نمایند.

### □ عدم ایجاد حکومت جهانی در زمان پیامبر ﷺ

حکومت جهانی براساس دین مبین اسلام و ایجاد عدالت همه جانبه و جهان شمول فقط در عصر حضرت مهدی (عج) به وقوع می پیوندد. آرزویی که نه تنها برای پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم السلام بلکه برای همه پیامبران الهی و انسانهای آزاده وجود داشته است. اما چرا این امر با نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله در کل جهان محقق و منتشر نشد؟

اولاً: خواست خدا بوده و ما به عنوان مسلمان تسلیم هستیم.

ثانیاً: با مطالعه تاریخ اسلام و خیانتهایی که از سوی دوست و دشمن به این دین مبین شده است درمی یابیم که باید یک سیر تدریجی در این امر مقرر می شد تا شرایط انسانها به گونه ای شود که با فهم و تعقل در راه ایجاد حکومت جهانی برپایه عدل و اسلام به یکدیگری یاری رسانند. پس این توفیق و فضیلت به امام حجه بن الحسن العسکری علیه السلام و پیروان ایشان رسید.

### □ اثبات وجود امام زمان در هر عصر با استفاده از قرآن

چنانکه پیشتر آوردیم خداوند در قرآن اطاعت از اولی الامر را همپایه اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و خویشتن یاد کرده است:

﴿اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم﴾ (النساء / ۵۹)

(از خداوند اطاعت کنید و از رسول اطاعت کنید و صاحبان امر از شما)

پس اطاعت از ائمه در هر حال و در هر مکان واجب است. چون آنها صاحبان امر هدایت مردم به سوی خدا هستند.

در سوره مبارکه دخان آمده است:

﴿والکتاب المبین﴾ (الدخان / ۲)

﴿انا انزلنه فی لیلہ مبارکه انا کنامنذرین﴾ (الدخان / ۳)

(ما آنان را در شبی پربرکت نازل کردیم. ما همواره بیم دهنده بوده ایم).

﴿فیها یفرق کل امر حکیم﴾ (الدخان / ۴)

(در آن هر امری [بمادی یا معنوی] بر طبق حکمت [خداوندی] جدا می گردد).

﴿امراً من عندنا انا کنامرسلین﴾ (الدخان / ۵)

(امری از جانب ما که ما فرستنده آن بوده ایم).

﴿رحمه من ربك انه هو السميع العليم﴾ (الدخان / ۶)

(رحمتی از جانب پروردگارت که او شنوا و داناست).

از آیات شریفه برداشت می شود که شب قدر یا به تعبیری که در سوره دخان آمده ليله مبارکه (شب با برکت) از دو جنبه قابل بررسی است یکی نزول قرآن در آن شب و دیگری امور الهی (مادی و معنوی) که در این شب رقم خورده و جدا می گردند. نکته دیگر این است که راجع به این شب مبارک از فعل مضارع «يفرق» استفاده شده و چنانکه می دانیم فعل مضارع دلالت بر زمان حال و آینده دارد و نشان می دهد این امر استمرار و تداوم دارد، یعنی جداشدن و یا تدبیر امور الهی پیوسته در شب قدر مستدام است.

به آیات سوره مبارکه قدر نیز توجه کنید:

﴿انا انزلنه فی ليله القدر و ما ادريک ما ليله القدر. ليله القدر خير من الف شهر. تنزل الملكة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر. سلم هی حتی مطلع الفجر﴾

(ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم و توجه می دانی که شب قدر [از لحاظ عظمت] چیست؟! شب قدر [از لحاظ عظمت و فضیلت] از هزار ماه بهتر است.. «فرشتگان» و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تدبیر و جداشدن) هر امر نازل می شوند [این شب] سلامت است تا طلوع صبح).

از آیات شریفه سوره مبارکه قدر نیز درمی یابیم که علاوه بر شاخصه ها و فضائلی که راجع به شب قدر در سوره دخان آمده، در این سوره نزول ملائکه و «روح» نیز بدان افزوده می شود که به جهت تدبیر امور الهی (مادی و معنوی) به سوی اهل زمین فرو می آیند.

به علاوه باز خداوند از فعل مضارع استفاده کرده آنجا که می فرماید: ﴿تنزل الملكة و الروح...﴾

یعنی ملائکه و روح نزول پیدا می کنند و این نوع کلام دلالت بر استمرار و تداوم این امر دارد.

با این مقدمه یک بار دیگر به این روایت نیز توجه کنید:

امام جواد علیه السلام فرمودند:

«ای گروه شیعه! با سوره انا انزلناه مباحثه کنید تا پیروز شوید. به خدا قسم که آن سوره بعد از رسول الله ﷺ حجت خداوند (تبارک و تعالی) بر مردم است و این سوره سرور دین شماست [یعنی بزرگترین دلیل حقانیت شیعیان است] و نهایت دانش ماست [چون هر ساله در شب قدر امور مادی و معنوی از طریق فرشتگان و روح به امام عصر نازل می شود].

ای گروه شیعه! با آیات ﴿حم و الكتاب المبين انا انزلناه في ليله مبارکه انا کنامنذرین﴾ [سوره دخان] مخاصمه کنید.

زیرا این آیات مخصوص والیان امر بعد از رسول الله ﷺ است.<sup>۱</sup>

پس اگر با توجه به نص صریح قرآن باور کنیم که هر ساله و به طور مستمر امر خداوند از طریق فرشتگان و «روح» در زمین نازل می شود سپس ناچار به پذیرش این حقیقت هستیم که امر خداوند را صاحب الامری در زمین دریافت می نماید همانطور که در زمان حیات پیامبر ﷺ این امر انجام می شد پس لاجرم بعد از وفات ایشان نوبت به صاحب الامر بعدی یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و بعد از او جانشینان برحقش تا حضرت مهدی (عج) بوده و به همین خاطر است که یکی از القاب مهم حضرت مهدی (عج) «صاحب الامر» ذکر شده است. پس زمین هیچ گاه از صاحب الامر و اولوالامر خالی نیست و نزول ملائکه و روح و تدبیر الهی در امور فقط مختص به زمان پیامبر نبوده و پیوسته استمرار دارد. پس همانگونه که در اول بحث و از قرآن مجید شاهد آوردیم اطاعت از اولوالامر همپایه اطاعت از پیامبر و خداست، با توجه به این توضیحات و تفصیلات این آیه معنا و مفهوم پیدا می کند و گرنه اطاعت از اولوالامر در راستای اطاعت از خدا و رسول بی معنا جلوه خواهد کرد.

### □ توجیه زنده شدن مردگان در زمان ظهور حضرت (عج)

در زمان ظهور مهدی (عج) چنانکه پیشتر گفتیم افراد خوب و بد یعنی افرادی که در هر دو گروه در غایت و نهایت آن باشند به اذن خداوند زنده می شوند. زنده شدن

۱. کلینی رازی. محمد بن یعقوب بن اسحق. پیشین. ج ۱ باب فی شأن انا انزلناه... ح ۶ ص ۲۴۹

مردگان امری است که در تاریخ ادیان الهی بارها رخ داده و اطوار متفاوت داشته است.

### الف) زنده شدن پرندگان برای ابراهیم علیه السلام

﴿واذ قال ابراهيم رب انى كيف تحى الموتى قال اولم تؤمن قال بى ولكن ليطمئن قلبى قال فخذاربعه من الطير فصرهن اليك ثم اجعل على كل جبل منهن جزءاً ثم ادعهن ياتينك سعياً واعلم ان الله عزيز حكيم﴾ (البقره / ۲۶۰)

( [و به یاد آورید] هنگامی را که ابراهیم [به درگاه خداوند] عرض کرد: پروردگارا! به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ خداوند فرمود: مگر [به این قضیه] ایمان نیاورده‌ای؟ عرض کرد: آری اما می‌خواهم قلبم آرامش یابد [و به اطمینان قلبی برسم]. [پس خداوند] فرمود: در این صورت چهار نوع از پرندگان را انتخاب کن و آنها را قطعه قطعه کن. سپس بر هر کوهی قسمتی از آن قرار بده بعد آنها را بخوان [در آن وقت است که می‌بینی آنها] به سرعت به سوی تو می‌آیند و بدان خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است).

### ب) زنده شدن مقتول بنی اسرائیل

﴿واذ قال موسى قومه ان الله يامرکم ان تذبحوا بقرة قالوا اتخذنا هزوا قال اعوذ بالله ان اكون من الجهلین﴾ (البقره / ۶۷)

﴿واذ قتلتم نفساً فادراتم فيها والله مخرج ما كنتم تكتمون. فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيى الله الموتى ويرىكم آيته لعلكم تعقلون﴾ (البقره / ۷۲-۷۳)

( [به یاد آورید] هنگامی را که موسی به قوم خود گفت که خداوند به شما دستور داده تا ماده گاوی را بکشید (تا قسمتی از بدن آن گاو را به مقتولی از بنی اسرائیل بزنند که قاتل او برای مردم شناخته شده بود تا او به اذن خدا زنده شود و قاتل را معرفی نماید). [آنها] گفتند: آیا ما را مسخره می‌کنی؟ [گاو چه ربطی به زنده شدن مرده دارد]. (موسی) فرمود: به خدا پناه می‌برم از اینکه از جاهلان باشم). (و چون کسی را کشته بودید و درباره او نزاع می‌کردید و خدا آنچه را نهان می‌داشتید آشکار کرد. و ما گفتیم قسمتی از گاو را به مقتول بزنید. خدا مردگان را این چنین زنده

می‌کند و نشانه‌های قدرت خویش را به شما می‌نمایاند باشد که تعقل کنید.)

### ج) زنده شدن مردگان در طور

﴿يسئلک اهل الکتاب ان تنزل علیهم کتاباً من السماء فقد سألوا موسی اکبر من ذلک فقالوا  
ارنا الله جهره فاخذتهم الصاعقه بظلمهم...﴾ (النساء / ۱۵۳)

(اهل کتاب از تو می‌خواهند که برایشان کتابی از آسمان نازل کنی [که با چشم ببینند و با دست لمس کنند]. اینان بزرگتر از این را از موسی علیه السلام طلب کردند و گفتند: خدا را آشکارا به ما بنمای! [به همین علت خداوند] ایشان را به واسطه ظلمشان به عذاب صاعقه گرفتار کرد...).

همانطور که در بحث انتخاب مصلح کل از سوی خداوند آوردیم: موسی علیه السلام هفتاد برگزیده از قوم بنی‌اسرائیل را به کوه طور برد تا کلام خدا را بشنوند. پس از آنکه ایشان کلام خدا را شنیدند؛ تکبر کرده و تقاضای دیدار خداوند را نیز از موسی نمودند. خداوند آنها را به عذاب صاعقه میراند، در آن هنگامه موسی علیه السلام به خدا عرض کرد که اگر من تنها به سوی قوم بازگردم آنها مرا متهم می‌کنند که تو، آنها را به کوه بردی و به قتل رساندی، پس تو انسان دروغگویی هستی. به اذن خداوند این هفتاد نفر دوباره زنده می‌شوند.

### د) زنده شدن عزیز نبی و الاغ او

﴿او کالذی مر علی قریه و هی خاویه علی عروشها قال انی یحی هذه الله بعد موتها فاماته  
الله ماته عام ثم بعثه قال کم لبثت قال لبثت یوماً اوبعض یوم قال بل لبثت مائة عام فانظر الی  
طعامک و شرابک لم یتسنه و انظر الی حمارک و لنجعلک ایه للناس و انظر الی العظام کیف  
نشزها ثم نکسوها لحمًا فلما تبین له قال اعلم ان الله علی کل شیء قدیر﴾ (البقره / ۲۵۹).

(... یا همانند کسی که از کنار یک روستا عبور کرد [مقصود عزیز نبی است] در حالی که دیوارهای آن به روی سقف‌ها فرو ریخته بود. [و با خود از روی تعجب نه انکار] گفت: چگونه خداوند اینها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟ [در همان موضعی که قرار داشت] خداوند او را صد سال میراند و سپس زنده کرد و به او گفت: چه مقدار [در این محل] درنگ کردی؟ [عزیر] گفت: یک روز یا بخشی از یک روز.

[خداوند] فرمود: نه [این طور نیست] بلکه یکصد سال درنگ کردی! به غذا و نوشیدنی نگاه کن هیچگونه تغییر نکرده است ولی [در عوض] به الاغت نگاه کن [که چگونه از بین رفته و استخوانهایش نیز پوسیده است] برای آنکه تو را نشانه‌ای برای مردم [در باب زنده شدن مردگان و امر قیامت و معاد] قرار دهیم به استخوانهای [پوسیده الاغت] نگاه کن که چگونه آنها را به هم وصل می‌کنیم و گوشت بر آنها می‌پوشانیم. هنگامی که [این امر] بر او آشکار شد گفت: می‌دانم که خدا بر هر کاری توانا و قادر است.

### ه) زنده شدن هزاران نفر

﴿الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم الوف حذرالموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم ان الله لذو فضل على الناس ولكن اكثر الناس لایشكرون﴾ (البقره / ۲۴۳)

(آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ از خانه‌های خود فرار کردند؟ و آنان هزاران نفر بودند. خداوند به آنها فرمود: بمیرید! سپس خدا آنها را زنده کرد. خداوند نسبت به بندگان خود احسان می‌کند ولی بیشتر مردم، شکر بجا نمی‌آورند).

«در یکی از شهرهای شام (سوریه کنونی) بیماری طاعون راه یافت و با سرعتی عجیب و سرسام‌آور، مردم یکی پس از دیگری از دنیا می‌رفتند. در این میان عده بسیاری به این امید که شاید از چنگال مرگ رهایی یابند آن محیط و دیار را ترک گفتند. از آنجا که آنها پس از فرار از محیط خود و رهایی از مرگ در خود احساس قدرت و استقلال نمودند و با نادیده گرفتن اراده الهی و چشم دوختن به عمل طبیعی دچار غرور شدند؛ پروردگار آنها را نیز در همان بیابان به همان بیماری نابود ساخت.

از بعضی روایات استفاده می‌شود که اصل آمدن بیماری مزبور در این سرزمین به عنوان مجازات بود. زیرا پیشوا و رهبر آنان از آنان خواست که خود را برای مبارزه آماده کنند و از شهر خارج گردند. آنها به بهانه اینکه در محیط جنگ مرض طاعون است از رفتن به میدان جنگ خودداری کردند. پروردگار آنها را به همان چیزی که از آن هراس داشتند و بهانه قرار داده بودند؛ مبتلا ساخت و بیماری طاعون در آنها

شایع شد؛ آنها خانه‌های خود را خالی کرده و برای نجات از طاعون فرار کردند و در بیابان همگی از بین رفتند. مدتها از این ماجرا گذشت و «حزقیل» که یکی از پیامبران بنی اسرائیل بود از آنجا عبور نمود و از خدا خواست که آنها را زنده کند. خداوند دعای او را اجابت نمود و آنها به زندگی بازگشتند<sup>۱</sup>. بعضی از روایات تعداد نفرات آنها را ده هزار و بعضی هفتاد یا هشتاد هزار ذکر می‌کنند<sup>۲</sup>.

### (و) زنده کردن انسان و مجسمه پرنده توسط عیسی علیه السلام

﴿و رسولاً الی بنی اسرائیل انی قد جئتکم بایه من ربکم انی اخلق لکم من الطین کهیئه الطیر فانفخ فیه فیکون طیراً باذن الله و ابری الاکمه و الابرص و احی الموقی باذن الله...﴾ (ال عمران / ۴۹)

(او عیسی علیه السلام) را رسولی به سوی بنی اسرائیل قرار دادیم [که به آنها بگوید] من معجزه‌ای از طرف پروردگارتان آورده‌ام. من از گِل، چیزی شبیه پرنده درست می‌کنم، سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا پرنده‌ای می‌شود. و من به اذن خداوند کور مادرزاد و بیماری که پیسی دارد را شفا می‌دهم و مردگان را زنده می‌کنم...).

### (ز) دوبار مردن و دوبار زنده شدن

﴿قالوا ربنا امتنا اثنتین و احییتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا فهل الی خروج من سبیل﴾ (غافر / ۱۱)

(گفتند: پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دوبار زنده کردی! اکنون به گناهانمان اعتراف کردیم. آیا [ما را] راهی برای خارج شدن [از دوزخ و آتش] وجود دارد؟ پس با توجه به مواردی که از قرآن ذکر نمودیم زنده شدن مردگان در دوران ظهور مهدی (عج) برای یاری مهدی (عج) و بهره بدن از معجزه ظهور و از سوی دیگر زنده شدن برخی افراد بدکار به جهت تحقیر و چشیدن عذاب دور از سنت الهی نیست و با نص قرآن تطابق دارد.

۱. — تفسیر نمونه (بقلم جمعی از نویسندگان و زیر نظر مکارم شیرازی)، دارالکتب الاسلامیه.

چاپ ۲۵ تهران، بهار ۱۳۷۲ ش ج ۲ صص ۱۵۶-۱۵۵

۲. پیشین ج ۲ ص ۱۵۶



### □ بحث در کلمه «شیعه»

در کتاب خصوصاً در مبحث غیبت پیامبران الهی از قول حضرات معصومین علیهم السلام به جملاتی چون: «یوسف علیه السلام، شیعیان و خانواده خود را جمع کرد» یا «چون خداوند (تبارک و تعالی)، نبوت نوح را آشکار کرد و شیعه و پیروانش به فرج و گشایش امر نبوت او یقین حاصل کردند...» و دهها نمونه دیگر که اشاره شد، لذا صلاح دیدیم که واژه «شیعه» را مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم.

«شیعه» به معنای پیرو است. در فرهنگ اسلامی و طبق روایاتی که از ناحیه معصومین آوردیم شیعه به همه پیروان انبیاء و اولیاء الهی اطلاق می شود و یک واژه مجعول یا قراردادی نیست. برای مثال می توان گفت: شیعیان نوح علیه السلام، شیعیان هود علیه السلام، شیعیان عیسی علیه السلام و... و همینطور شیعیان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهلیت علیهم السلام که ما در این کتاب، بسیار چنین آورده ایم. در جایی گفته ایم شیعیان پیامبر صلی الله علیه و آله یا در جای دیگر گفته ایم: شیعیان مهدی (عج) که همه این ترکیبات در یک راستا است. پس همه مسلمین، شیعه پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام هستند. این مهم است که در قاموس الهی نیز واژه «شیعه» در نظر آمده چنانکه خداوند در قرآن فرموده است:

الف) ﴿وان من شیعه لابراهیم﴾ (الصافات / ۸۳)

(حقیقتاً ابراهیم شیعه او [یعنی حضرت نوح علیه السلام] بود).

از ظاهر و سیاق آیه پیداست که ابراهیم علیه السلام، شیعه و پیرو آیین نوح (یکتاپرستی) بوده است. پس خداوند در معرفی یکی از پیامبران بزرگ و اولوالعزم خویش او را «شیعه» می خواند. و شیعه نوح بودن برای او افتخار است.

ب) ﴿ودخل المدینه علی حین غفلة من اهلها فوجد فیها رجلین یقتلان هذا من عدوه فاستغاثه الذی من شیعه علی الذی من عدوه...﴾ (القصص / ۱۵)

([موسی علیه السلام] وارد شهر شد بدون اینکه مردم شهر متوجه باشند. پس [به ناگاه] دو مرد را در حال دعوا و زدوخورد یافت. یکی از آنها از «شیعیان» او بود و دیگری از دشمنان [موسی]. پس آنکه «شیعه» [موسی علیه السلام] بود علیه آن مرد که دشمن [موسی علیه السلام] بود؛ از [موسی] یاری خواست...).

در این آیه شریفه نیز دو بار واژه «شیعه» آمده است. پس به خوبی پیداست که واژه شیعه یک واژه اصیل در فرهنگ و ادیان الهی است و به هیچ وجه جعل و

قرارداد و بدعت در آن راه ندارد و واژه‌های دیگر ساختگی و قراردادی است.

### □ توجیه بداء در نشانه‌های قطعی ظهور

در قافله سوم ضمن همین مبحث تا حدی به توجیه مسئله بداء از طریق مثال قرآنی تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به کعبه پرداختیم. علاوه بر این مورد در قرآن موارد دیگری نیز در زمینه بداء یافت می‌شود.

#### ۱. ابراهیم و ذبح گوسفند

طبق آیات شریفه قرآن، حضرت ابراهیم علیه السلام در عالم رؤیا از طرف خداوند مأموریت یافت تا فرزندگرامی خود حضرت اسماعیل علیه السلام را ذبح کند و این امر جز امتحان برای حضرات ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام نبود. در زمانی که عزم ابراهیم علیه السلام در ذبح اسماعیل جزم شده بود خداوند گوسفندی را ظاهر کرد تا به جای اسماعیل علیه السلام ذبح گردد. پس در ظاهر در حکم خداوند تغییر حاصل شد اما این تغییر در راستای همان حکم اولیه (ذبح) صورت گرفت و به بداء در این امر می‌توان تعبیر کرد.

#### ۲. اقامت بیشتر موسی علیه السلام در طور

موسی علیه السلام طبق آیات شریفه قرآن مأمور بود تا سی روز در «طور» اقامت کند. زمانی که سی روز به اتمام رسید خداوند در حکم خود تغییر فرمودند و ده روز کامل بر آن افزودند تا چهل روز مدت اقامت حضرت موسی علیه السلام در «طور» به طول انجامد. پس در این مورد نیز خداوند در حکم خود تغییر حاصل فرمودند، اما در راستای همان حکم اولیه (اقامت در طور) بود. پس این امر نیز به بداء در حکم خدا تعبیر می‌شود، و با مسئله «نسخ» متفاوت است؛ بنابراین اگر در برخی نشانه‌های قطعی یا احتمالی ظهور بداء صورت گیرد مؤمنین باید تسلیم امر خداوند باشند و چه بسا همین امر از ناحیه خداوند از امتحانات عصر ظهور حضرت ولی عصر (عج) مقرر شده است.

## □ تقیه نائبان و مردم

چنانکه در قافله پنجم آوردیم نائبان مهدی (عج) و شیعیان در تقیه بودند. برای مثال از القاب رمزی استفاده می‌کردند یا حسین بن روح، خادمش را که به معاویه، لعنت فرستاده بود از کار برای همیشه برکنار کرد. تقیه در مفهوم ساده به این معناست که انسان مؤمن و خداپرست براساس شرایط زمانی و مکانی و عقل خود هنگامی که احساس خطر می‌کند از کاری که باید در آن لحظه انجام دهد انصراف بدهد، یا برخلاف حکم معمول خداوند اقدام نماید تا جان خود را از خطر مرگ مصون دارد و بتواند در قالب حیات، خدمات بیشتری ارائه کند. به مثالهای قرآنی و سپس روایات اسلامی جهت تبیین و تفهیم موضوع توجه کنید:

(الف) \* اذ قال يوسف لایه یا ابت انی رایت احد عشر کویکاً والشمس والقمر رأیتهم لی سجدین. قال یبنی لاتقص رؤیاک علی اخوتک فیکیدوالک کیداً ان الشیطن للانسن عدومبین\* (یوسف / ۴-۵)

([به یاد آر] هنگامی را که یوسف علیه السلام به پدرش [یعقوب علیه السلام] گفت: پدرم! من در خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه در برابر من سجده می‌کنند. [یعقوب] گفت: پسرک من خواب خود را برای برادرانت بازگو نکن که در حق تو مکر و حيله می‌کنند. به درستی که شیطان دشمن آشکاری برای انسان است).  
در اینجا حضرت یعقوب علیه السلام آموزش تقیه به فرزند خود حضرت یوسف علیه السلام داده است.

با توجه به اینکه برادران یوسف علیه السلام سابقه حسادت به او را داشتند؛ بیان کردن این رؤیا ممکن بود آنها را به مکر فرو برد و از آنجایی که مردم آن زمان تا حدی به تعبیر خواب وارد و به آن اعتقاد داشتند، پی می‌بردند که این خواب نشان از بزرگواری یوسف علیه السلام در آینده دارد، لذا اسباب مشکل و خطر آفرینی برای برادر خود فراهم می‌کردند. در اینجا حضرت یعقوب علیه السلام که از جانب خداوند علوم بسیاری را فرا گرفته بود به فرزند خود یوسف علیه السلام آموزش تقیه می‌دهد و به او تأکید می‌کند که بیان این خواب برای برادرانت به صلاح تو نیست و تو باید در این زمینه از اهل تقیه باشی و آن را تعریف نکنی!

ب) ﴿من كفر بالله من بعد ايمانه الامن اكره و قلبه مطمئن بالايمان...﴾ (النحل / ۱۰۶)  
 (کسانی که بعد از ایمان [به خداوند] کافر شده‌اند به جز آنان که به اجبار بوده در حالی که قلبشان به ایمان مطمئن نیست...)

در روایات اسلامی و تفاسیر این آیه را در شأن «عمار» از اصحاب پیامبر ﷺ دانسته‌اند. هنگامی که عمار به همراه مادر و پدرش «سمیه» و «یاسر» به پیامبر ﷺ گرویدند. مشرکان مکرر آنها را مورد آزار و اذیت قرار دادند تا آنجا که پدر و مادر عمار به فیض شهادت نائل شدند. عمار را نیز در چاهی افکندند و قرار بود آن را پر نمایند. در این هنگام عمار که تحت فشار و شکنجه بود خدایان آنها را به نیکی یاد کرد و از پیامبر ﷺ بدگفت، مشرکان او را آزاد کردند. خبر این اتفاق به گوش اصحاب پیامبر رسید و ایشان به پیامبر عرض کردند که عمار کافر شده است؛ پیامبر ﷺ فرمود: عمار سر تا پا از ایمان پر است و ایمان به گوشت و خون عمار آمیخته است. آیه مذکور موردی از تقیه را در صدر اسلام بیان می‌کند.

ج) ﴿لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المومنين و من يفعل ذلك من الله في شيء الا ان تتقوا منهم تقاه و يحذرکم الله نفسه و الى الله المصير﴾ (ال عمران / ۲۸)

(اهل ایمان نباید کافران را دوست بگیرند. و مومنان را واگذارند. هرکس چنین اقدامی کند رابطه‌اش با خدا قطع می‌شود مگر آنان که از آنها تقیه می‌کنند و خدا شما را از خودش می‌ترساند که بازگشت به سوی اوست).

در این آیه نیز به تقیه اشاره شده آنجا که مؤمنین در اثر ترس از اهل کفر مجبور به ایجاد روابطه حسنه در ظاهر با آنها هستند و به نوعی از شر آنها تقیه می‌کنند. البته، تقیه مراتب دارد و هر انسان عاقل مکلف، بسته به شرایط باید آن را انجام دهد. این مطلب به این معنا نیست که همیشه انسان از بیان عقاید خویش انصراف دهد، بلکه شرایط خاص این امر را ایجاب می‌کند.

● روایات

امام صادق علیه السلام فرمودند: تقیه کردن احدی به درجه تقیه اصحاب کهف نرسید. آنها در اعیاد (افراد بت پرست) حضور می یافتند و زُنَّاز (کمر بند مخصوص) می بستند. [و اظهار یکتا پرستی نمی کردند] از این رو خدا پاداششان را دو مرتبه داد.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرمودند: تقیه تنها برای جلوگیری از خونریزی مقدر شده است پس هر گاه به خونریزی رسید؛ تقیه نباشد.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس تقیه ندارد ایمان ندارد.<sup>۳</sup>

عبدالله بن عطا گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: دو مرد از اهل کوفه را دستگیر نموده اند و به آنها گفته اند که از امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام براثت (بیزاری) جویند. یکی از آنها بیزاری جست و او را رها کردند و دیگری [این کار را نکرد] و او را کشتند. امام علیه السلام فرمود: آنکه بیزاری بسته [تقیه کرده] و مردی است دانشمند در دین خود و اما آنکه بیزاری نجست مردی است که [به شهادت رسیده] و به سوی بهشت شتافته است.<sup>۴</sup>

□ نوآوری در عرصه دین

در روایات معتبر از قول پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که: «کل بدعه ضلاله<sup>۵</sup>» یعنی هر کس در امر دین بدعت و نوآوری کند و بر طبق رأی خود عمل کند یا سنت جدیدی ایجاد نماید نوعی گمراهی از مسیر حق محسوب می شود. مع الوصف از سویی در اخبار و روایات معتبر مهدویت با تعبیری چون «اسلام جدید<sup>۶</sup>»، «امر جدید<sup>۷</sup>»

۱. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحق، پیشین، ج ۲ باب التقیه ح ۸ ص ۲۱۸

۲. همو. پیشین. ج ۲ باب التقیه ح ۱۶ ص ۲۲۰

۳. همو. پیشین. ج ۲ باب التقیه ح ۱۲ ص ۲۱۹

۴. همو. پیشین. ج ۲ باب التقیه ح ۲۱ ص ۲۲۱

۵. همو. پیشین. ج اباب ۵۶ ح ۱۲ ص ۵۷

۶. المجلسی، محمد باقر، پیشین. ج ۵۲. باب ۲۷ ح ۱۰۸ ص ۳۵۳

۷. همو. پیشین. ج ۵۲ ص ۲۳۱

«سنه جدیده<sup>۱</sup>»، «کتاب جدید<sup>۲</sup>»، «قضاء جدید<sup>۳</sup>»، «دعاء جدید<sup>۴</sup>» مواجه می شویم. پس با عنایت به این مطلب که دینی جدید بعد از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نخواهد بود، تعبیری چون اسلام جدید، امر جدید، کتاب جدید چه معنایی می تواند داشته باشد؟ آیا بعد از قرآن، کتاب جدیدی توسط مهدی (عج) ارائه می گردد؟ آیا بعد از محمد صلی الله علیه و آله شریعتی جدید می آید؟ مگر حلال محمد تا روز قیامت حلال و حرام او تا روز قیامت حرام نیست؟

قضاء جدید (قضاوت جدید) چه معنایی در بطن خود دارد؟ همانطور که می دانیم اساس قضاوت، فقه است. آیا فقه و حلال و حرام تغییر می کند؟ برای توجیه و تفهیم بیشتر این موارد و به ظاهر تناقضات به دو مثال توجه کنید:

الف) همین کتاب...

در این کتاب به قدرت خداوند مطالبی را ارائه کردیم که از دید خیلی از مردم، جدید و متفاوت جلوه می کند. حتی خیلی از موارد یا قسمتی از مطالب آن را وقتی برای دیگران بازگو می کردم آنها اظهار تعجب می نمودند و آن مطالب برایشان جدید و تازه بود. این در حالی است که این مطالب ساخته و زاینده فکر مؤلف و محقق کتاب نیست بلکه نوعی تألیف و تحقیق متفاوت از همان منابع دست اول و کهن اسلامی محسوب می شود، پس کتاب در باطن خود حرف نو و تازه ای نیست اما از دید آنهایی که با آن برخورد می کنند بدیع و جدید به نظر می رسد. برای خوانندگان این کتاب و کتابهای نوعی نیز همین طور است و علت این امر آن است که آنها یا روی این مسئله تمرکز نکرده بودند یا اطلاعات و آگاهی ایشان در این زمینه پراکنده بوده است.

پس اگر روزی مهدی (عج) ظهور فرمایند و خیلی از موارد ناگفته دین را بازگو کنند و اختلافاتی که بین علماء در هر رشته وجود دارد از برکت وجود ایشان مرتفع شود درمی یابیم که خیلی از موارد نو و جدید در عرصه دین و دنیا از ناحیه

۱. المجلسی، محمدباقر. پیشین. ج ۵۲ ص ۲۳۱

۲. همو. پیشین. ج ۵۲ ص ۲۳۱

۳. همو. پیشین. ج ۵۲ ص ۲۳۱

۴. همو. پیشین. ج ۵۲ باب ۲۷ ح ۵۰ ص ۳۳۶

مهدی (عج) شرف صدور یافته است. پس این نوگرایی در عرصه دین به مفهوم بدعت نیست. در جایی که به بعضی احکام دین و سنتهای عملی پیامبر و نص صریح قرآن عمل نمی‌شود. در جایی که خیلی از کتابهای حدیث و منابع روایی در طول تاریخ بشر به علت جنگها و کینه‌توزیها و ویرانیهای طبیعی و غفلت و بی‌دقتی مردم از بین رفته و مطالب آن در ظاهر منسوخ شده است. این امر، جدید جلوه می‌کند. خصوصاً مطالب و نکاتی از دین که پیامبر ﷺ و معصومین علیهم‌السلام در زمان خود و برای مردم زمان خود نیز مجاز به افشاء آن نبودند و به علت حکمت، مصلحت، تقیه و ترس حتی از ناحیه مسلمین آنها را مطرح نمی‌کردند.

اما مهدی (عج) به عنوان قائم از آل محمد ﷺ بدون هیچ ترس و ملاحظه‌ای به این امر می‌پردازد و در آن هنگامه انسان تصور می‌کند که یک اسلام جدید یا سنه جدید و... در جهان شکل گرفته است، در حالی که این همان سنت و سیره رسول الله ﷺ است که مهدی در امتداد آن حرکت می‌کند و آنرا برای اولین بار بدون واهمه و به نیکی برای اهل زمین تبیین و تشریح می‌نماید (به امید آن روز).

### ب) تغییر در دین رسول الله ﷺ

در صدر اسلام از اولین لحظات و ساعاتی که پیامبر ﷺ رحلت فرمودند بدعت در امر دین آغاز و به سرعت در جامعه اسلامی ریشه دوانید، تا آنجا که بدعت‌ها برای عده‌ای از مسلمین غافل و بی‌خبر عین احکام قرآن و سنت نبوی شد. در کتاب سنن ابن ماجه قزوینی (سنن المصطفی) از کتابهای صحاح و معتبر اهل سنت روایتی وجود دارد (که البته در دیگر کتب صحاح نیز هست) که ذکر آن خالی از لطف نیست و شاهدی بر این حقیقت است که اسلام پس از پیامبر ﷺ تغییرات اساسی نموده است.

در این کتاب روایت شده است که:

«صلی بنا علی یوم الجمل صلاة ذکرنا صلاة رسول الله ﷺ فاما ان نکون نسیناها و اما ان نکون ترکناها»<sup>۱</sup>

۱. القزوینی، محمد بن یزید ابی عبدالله بن ماجه، پیشین، باب التسلیم صص ۲۹۵-۲۹۶

(علی با ما در روز [جنگ] جَمَل نماز خواند. نمازی که ما را به یاد نماز رسول الله ﷺ انداخت. [نمازی که] ما آن را فراموش کرده بودیم [نمازی که] ما آن را ترک گفته بودیم).

این مطلب از چندین حیث قابل بررسی است:

۱. جنگ جمل در سال ۳۶ قمری بین دو گروه از مسلمانان! به وقوع پیوست. اگر وفات پیامبر ﷺ سال یازده قمری باشد یعنی بعد از گذشت بیست و پنج سال نماز مسلمین چنان تغییر کرده بود که وقتی علی در آن روز به نماز ایستاد، مردم و اصحاب پیامبر ﷺ را به یاد نماز پیامبر ﷺ و نحوه صحیح خواندن آن انداخت که اضافات یا کاستی‌هایی در آن ایجاد شده بود. پس دین در عرض بیست و پنج سال تغییر کرد. هر چند اگر پژوهشگرانه به این مقوله نگاه شود از همان آغازین لحظات وفات پیامبر امر دین تغییر و در آن بدعت گزارش شده است. تأسف بار است که در صدر اسلام نماز که پایه دین است و در سنت عملی پیامبر بوده در همان اوان تغییر کرده بود.

۲. جنگ جمل نبرد دو گروه مسلمان بود که در یک طرف علی بن ابیطالب علیه السلام خلیفه خداوند و جانشین بر حق رسول صلی الله علیه و آله قرار داشت و در طرف دیگر مسلمانان غافل و جاهلی که به تصور خودشان برای احیاء و پیشبرد اسلام و در واقع برای ریشه کن کردن تفکرات به حق علی علیه السلام در برابر او صف‌آرایی کرده بودند و خود را وارث واقعی و حقیقی پیامبر و سنت او می‌دانستند.

حال آنکه علی علیه السلام در آن بحبوحه به نماز می‌ایستد و آنهایی که نظاره‌گر بودند یاد نماز پیامبر صلی الله علیه و آله می‌افتند که آن را به مرور ترک گفته و به فراموشی سپرده بودند. با مثالهایی که آوردیم به خوبی درمی‌یابیم که نوآوریهای مهدی (عج) در عرصه دین آن بدعت مذمومی نیست که در ذهن ما شکل گرفته است بلکه به علت اشراف بر علوم و عدم آگاهی مردم از همه احکام و قواعد اسلامی و اتفاقاً از میان بردن بدعتهایی که در اسلام از زمان وفات پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمان ظهور صورت پذیرفته و خواهد پذیرفت؛ امر او به هنگام قیام و خروجش برای مردم تازه و جدید به نظر می‌رسد. مثلاً تعبیر «کتاب جدید» به این معنی نیست که قرآن جدیدی نازل می‌شود در حالی که قرآن معجزه باقیه است؛ کهنه و فرسوده نمی‌شود و محدود به زمان و



مکان خاصی نیست و تا قیامت پاینده است. تعبیر کتاب جدید یعنی مهدی (عج) قرآن را آن گونه که در شأن قرآن است تفسیر و تبیین می کند که روش او برای عده ای جدید به نظر می رسد چون مطالب جدید از قرآن استفاده و استخراج می گردد که گویی کتابی جدید بر مسلمانان نازل شده است.

اما راجع به «قضاء جدید» (قضاوت جدید) خواهیم گفت: این امر هم مشمول موارد فوق الذکر نیز هست. علاوه بر آن، چه بسا یکی از وجوه آن یا وجه اصلی آن به مسئله ای باز گردد که در بحث شباهتهای مهدی (عج) به پیامبران در قافله چهارم ذکر کردیم. آنجا یادآور شدیم که یکی از شباهتهای مهدی (عج) به پیامبران الهی شباهت او به حضرات داوود و سلیمان علیهم السلام است که در جنبه قضاوت، آن دو بینه و شاهد طلب نمی کردند. این بحث برای عده ای ثقیل جلوه می کند، اما با دقت و تعمق در اخبار و روایات و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله سعی می کنیم تا به حقیقت موضوع خود را نزدیک نماییم.

علت ثقیل بودن این امر بر عده ای این است که در شریعت اسلام به حضور بینه و شاهد برای اجرای حکم و احقاق حق دستور داده شده است.

با توجه به این حکم اسلامی لزوم استفاده قاضی از بینه و دلیل برای صدور حکم استفاده می شود. پس اگر مهدی (عج) قرار است دین خدا را زنده کند و احکام قرآن را اجرا نماید پس چرا از این حکم خداوند تخطی می کند و به جای آنکه به سنت و شریعت محمد صلی الله علیه و آله عمل نماید به شریعت داوود و سلیمان رجوع می کند؟

در پاسخ به چنین ابهامی می گوئیم: اولاً: عدم طلب بینه و شاهد برای صدور حکم، طلب بینه و شاهد در موارد دیگر را نفی نمی کند.

ثانیاً: اشاره به داوود و سلیمان مقصود از حکومت قدرتمند و با اقتدار مهدی (عج) است. پس در دوران چنین حکومتی به جهت تسریع در امر قضاء این مسئله (صدور حکم بدون بینه و شاهد) از جانب امام (عج) و به دستور خدا صادر می شود.

ثالثاً: چه بسا افراد مظلومی باشند که علیه ظالم، به علت سیاست و کیاست یا واهمه از او دلیل و برهانی نتوانند اقامه کنند، چرا که ظالم با همه امکانات و قدرت

خود راههایی را که منجر به شکل‌گیری بینه برای مظلومین بوده؛ از بین برده است. در اینجا مهدی (عج) برای حمایت از مظلوم و عذاب ظالم، قضاوت علیه ظالم را بدون بینه انجام می‌دهد و ظالم را محکوم می‌نماید.

رابعاً: طبق روایتی که در قافله چهارم آوردیم؛ خداوند این احکام قضایی را به مهدی الهام می‌کند. وقتی خود خداوند الهام می‌کند پس حتماً حکمتی در آن نهفته است تا مهدی بدون بینه و شاهد و با سرعت بیشتری امر قضاوت را انجام دهد. خامساً: اگر به مفهوم واقعی امام دقت شود و بدانیم او جانشین به حق خداوند بر روی زمین است و نامه اعمال هر انسان در نزد اوست پذیرش این مطلب آسانتر می‌شود. چون در صورت ابراز حکم از سوی مهدی (عج) همه به طور تعبدی حکم او را قبول می‌کنند و بدون چون و چرا آن را به حق می‌دانند چون اطاعت از او را اطاعت از پیامبر ﷺ و خدا دانسته‌اند.

سادساً: این نوع قضاوت به مهدی (عج) نسبت داده شده است چون قاضی و حاکم وقتی بینه و شاهد در اجرای حکم خود در نظر می‌گیرد که جزئیات واقعه‌ای که باید بر آن حکم کند بر او پنهان و مجهول است. وقتی که مهدی (عج) به عنوان امام بر حق و خلیفه اعظم خداوند در زمین از اعمال و رفتار مردم آگاه است دیگر نیازی به بینه و شاهد ندارد؛ از سوی دیگر مردم هم به این علت که او را برحق می‌دانند اعتراضی نمی‌کنند. فرضاً اگر اعتراضی هم شود برای مهدی (عج) با آن همه قدرت و امکانات الهی فراهم کردن بینه و شاهد کاری ندارد. در قرآن آیه‌ای وجود دارد که مؤید این امر است که ولی هر زمان بر اعمال مردم نظارت دارد.

﴿وقل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون...﴾ (التوبه / ۱۰۵)

(و بگو عمل کنید که خدا و پیامبرش و مؤمنان عمل شما را می‌بیند).

سابعاً: چه بسا حکم امام عصر (عج) بر اساس الهام و علم خود برای این باشد که امام در پاره‌ای موارد شهادت و بینه قضاوت را باطل می‌داند.

ثامناً: در اخبار و احکام قضایی مسلمین مواردی یافت می‌شود که حاکم (قاضی) این حق را دارد که بدون بینه حکم کند.

«ابن قدامه» از علمای بزرگ اهل سنت راجع به حکم قاضی بدون بینه و براساس ظن خویش آورده است:

(الف) «ظاهرالمذهب ان الحاکم لایحکم بعلمه فی حد و لا غیره لا فیما علمه قبل الولاية و لا بعدها... و عن احمد رواية اخرى يجوز له ذلك... لان النبی لما قالت له هند ان ابوسفیان رجل شحیح لایعطينی من النفقه ما یکفینی و ولدی قال: «خذی ما یکفیک و ولدک بالمعروف» فحکم لها من غیربینه و لا اقرار لعلمه بصدقها»<sup>۱</sup>

در ظاهر مذهب [چنین مرسوم است که] حاکم (قاضی) به علم خود چه در حد و چه در غیر آن حکم نمی‌کند. علم او قبل از رسیدن به منصب قضاوت باشد و چه بعد از آن...

[با این حال] از «احمد» روایتی دیگر است که به این امر [یعنی حکم قاضی بدون بینه] و شاهد و فقط از طریق علم قاضی [مجوز می‌دهد.

«[روزی] هند [به خدمت پیامبر ﷺ شرفیاب شد] و عرض کرد:

ابوسفیان [شوهرم] مردی بخیل است که به من نفقه نمی‌دهد تا من و فرزندم را [از حوائج مادی] کفایت کند. پیامبر ﷺ فرمودند: [از مال ابوسفیان نفقه‌ات] را به طور متعارف بگیر آن قدر که تو و فرزندت را کفایت کند.

پس پیامبر به نفع هند حکم داد بدون بینه و اقرار [ابوسفیان] و تنها از طریق علمش به صدق گفتار او».

(ب) ابن قدامه در مورد مسئله جرح و تعدیل نیز حکم بدون بینه را صحیح دانسته است.

«... و اما الجرح و التعدیل فانه یحکم فیه بعلمه بغیر خلاف لانه لولم یحکم فیه بعلمه لتسلسل فان المزکین یحتاج الی معرفه عدالتهم و جرحهم فاذا لم یعمل بعلمه احتیاج کل واحد منهما الی مزکین ثم کل واحد منهما یحتاج الی مزکین فیتسلسل»<sup>۲</sup>

اما در مورد مسئله جرح و تعدیل قاضی می‌تواند به علم خود حکم کند و در این

۱. ابن قدامه، ابی محمد عبدالله احمد بن محمد (سنه ۵۳۰). المغنی. دارالکتاب العربی، بیروت - لبنان - ۱۳۹۲ - ۱۹۷۲ هـ. م. الجزء الحادی عشر. ص ۴۰۰  
 ۲. همو. پیشین، جزء ۱۱، ص ۴۰۳

مسئله اختلافی نیست. اگر قاضی به علم خود در این مسئله حکم نکند تسلسل (حلقه) ایجاد می شود یعنی برای اثبات این مسئله دو شاهد لازم است که عادل باشند و اگر قاضی به علم خود عمل نکند مجبور است که دو شاهد عادل دیگر در جهت اثبات عدالت آن دو در نظر گیرد و همین طور تسلسل ایجاد می شود. [و این امر با مشکل روبرو می گردد].

پس اگر قضاء جدید (قضاوت جدید) در مورد مهدی (عج) را همانند قضاوت داوود و خاندان او بدانیم طبق مواردی که ذکر کردیم توجیه پذیر و ما را به حقیقت آن نزدیک نموده است. علاوه بر اینها قضاوت جدید شامل بیان احکام قضایی است که در اسلام متروک مانده اند، یا از آنها غفلت شده یا خبر آن به ما نرسیده است، و این امر خود در نظام قضایی تحولی جدید ایجاد می کند.

عده ای به غلط در توجیه این مطلب آورده اند که چون در زمان ظهور مهدی (عج) وسایل و ابزار کشف جرم و جنایت پیشرفت قابل ملاحظه ای می کند، پس بینه و شاهد الزامی پیدا نمی کنند؟ در پاسخ باید گفت: این نظر از این جنبه که اختیار و آزادی انسان را سلب می کند مورد قبول نیست. قطعاً انسان در زمان مهدی (عج) نیز می تواند هم ثوابکار باشد و هم گناهکار و راه برای گناهکاران بسته نیست، چرا که اختیار از کسی به واسطه پیشرفت وسایل و ابزار آلات کشف جرم سلب نمی شود. مهدی (عج) کسانی را که خلاف قانون خدا اعم از دزدی، زنا، قتل و... انجام می دهند به مجازات می رساند، خلاف دوران ما و دورانهای گذشته که خیلی از افراد گناهکار به چنگال قانون نیفتادند یا تبرئه شدند، یا از چنگال قانون عدالت گریختند. مهدی (عج) حق هر کس را به او باز می گرداند، ولی اختیار و آزادی کسی را محدود نمی کند، چون اعمال خوب و بد در جایی معنا پیدا می کنند که اختیار از انسان سلب نشود. اگر انسانی به اجبار کار بد و خلاف شرعی انجام دهد، نزد خداوند گناهکار محسوب نمی شود، چون اختیار، شرط لازم در اجرای جزاء خیر و کیفر اعمال بد است.

### □ توجیه لقب مهدی برای حضرت (عج)

چنانکه در فصل اول آوردیم کلمه مهدی در لغت عربی اسم مفعول و به معنی

هدایت شده است. فرضاً اگر حالت فاعلی برای آن در نظر بگیریم به صورت مُهدی (Mohdi) خوانده می شود و به معنای هدیه دهنده است که قطعاً با اخبار و روایات سازگاری ندارد، اما سؤال اینجاست با توجه به اینکه کلمه مهدی جنبه مفعولی دارد چرا در روایات منسوب به امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که از منابع شیعه و سنی نقل شده بود در معنی نام مهدی معنای فاعلی در نظر گرفته بودند؟ چنانکه فرموده بودند مهدی یعنی: هدایت می کند به امر پنهان یا آنکه مهدی یعنی: هدایت می کند به سفرهای تورات. این در ظاهر با معنی مفعولی کلمه تضاد دارد.

در پاسخ باید گفت: اولاً صفت ایشان فقط «مهدی» نیست و در اخبار و روایات ایشان را «هادی» (هدایت کننده) نیز خوانده اند.

ثانیاً: هادی بودن ایشان برای خلق و مهدی بودن ایشان از سوی خالق است. یک مهدی واقعی می تواند یک هادی (هدایت کننده) واقعی نیز باشد (با فرض مفعول بودن کلمه).

ثالثاً: این مطلب در قرآن و ادبیات عرب شاهد و نمونه دارد:

در قرآن و در سوره مبارکه مریم (س) آیه ای وجود دارد که مؤید این گفتار است:  
 ﴿...انه كان وعده ماتياً﴾ (مریم / ۶۲)  
 (وعده او آمدنیست)

● صاحب «الكشف و البيان» کلمه ماتی را که حالت مفعولی دارد برابر با حالت فاعلی در نظر گرفته است، یعنی «اتیاً» و شاهد این قضیه را برابری کلمه «معصی» با «عاصی» در ادبیات عرب دانسته است.<sup>۱</sup>

● ﴿انه كان وعده ماتياً﴾ به درستی که هست وعده خدای بودنی.

سؤال: چرا نگفت وعده اتیاً؛ چنانکه جای دیگر گفت: ﴿انما توعدون لات﴾  
 جواب گفته اند: این ماتی به معنی اتی است. مفعول به معنی فاعل<sup>۲</sup>

۱. رک: الثعلبی، ابواسحاق احمد (۴۲۷ هـ ق)، *الكشف و البيان (تفسیر ثعلبی)*. دراسه و تحقیق: ابی محمد بن عاشور. مراجعه و تدقیق: نظیر الساعدی. دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى. بیروت - لبنان ۱۴۲۲ هـ / ۲۰۰۲ م جزء ۶ ص ۲۲۲

۲. سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد نیشابوری (۴۹۴ هـ ق). *تفسیر التفاسیر (تفسیر نورآبادی)*. به تصحیح علی اکبر سعیدی سیرجانی. فرهنگ نشر نو. چاپ اول. تهران ۱۳۸۱ ش. ج ۲ ص ۱۴۸۸

● «ابوالفتوح رازی» نیز ذیل آیه چنین تحلیل کرده است:

«...و گفتند: ماتی که مفعول است به معنی اتی است که فاعل باشد، یعنی وعده او آمده باشد یعنی لامحاله باشد... و گروهی اهل معنی گفتند: اتیان از آن فعلهاست که فاعل و مفعول در او راست باشد... در این قاعده فرق نباشد میان اتی و ماتی»<sup>۱</sup>

● صاحب «مجمع البیان» نیز در مورد کلمه ماتی آورده: «المفعول هنا [بمعنی]

الفاعل.... یقال اتیت علی خمسین سنه و اتت علی خمسون سنه....»<sup>۲</sup>

(مفعول اینجا به معنی فاعل است... گفته می شود که پنجاه سال بر من آمد و هم

من به پنجاه سال رسیدم...)

● ابن شهر آشوب نیز راجع به استثناءات آورده<sup>۳</sup>:

[ماتی در] ﴿وعده ماتیا﴾ (مریم / ۶۱) (وعده او آمدنی است) [و مستور در]

﴿حجاباً مستوراً﴾ (الاسراء / ۴۵) (حجاب ساتر و پوشاننده)

مفعول در حالت فاعلی هستند همانطور که مفعول بر لفظ فاعل نیز در قرآن

وجود دارد:

﴿فی عیشه راضیه﴾ (الحاقه / ۲۱) (در زندگانی که مورد رضایت است)

﴿حرماً امنأ﴾ (القصص / ۵۷) (حرمی که امنیت یافته)

﴿من ماء دافق﴾ (الطارق / ۶) (از آبی که جهیده)

﴿لا عاصم الیوم﴾ (هود / ۴۳) (امروز نگاه داشته ای نیست)

همانند قول [عرب] که می گویند:

«سرکاتم» (سر پنهان شده) (همانند سر مکتوم)

۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزاعی النیشابوری (قرن ۶). *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. به کوشش و تصحیح: دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح. بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی. مشهد. پاییز ۱۳۶۸ ش ج ۱۳ صص ۹۹-۱۰۰

۲. الطبرسی، الشیخ بن علی الفضل بن الحسن (قرن ۶). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. کتابفروشی اسلامیة. طهران. سنه ۱۳۷۳ هجری. ج ۵ جزء ۱۶ ص ۵۲۱.

۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (قرن ۶). *مشابه القرآن* (۲ جلد در یک مجلد). انتشارات بیدار. ۱۳۲۸ هجری شمسی. ج ۲ صص ۲۷۴-۲۷۵

«مکان عامر» (مکان آباد شده)

«امراه طالق» (زن طلاق داده شده)

- «زمخشری» نیز ماتی را با اینکه مفعول است به معنی فاعلی دانسته است.<sup>۱</sup>
- علامه مجلسی (علیه الرحمه) نیز در دو جا به این نکته اشاره کرده که ماتی در آیه مزبور معنی فاعلی دارد.<sup>۲</sup>

پس علت اینکه ائمه در معنی نام مهدی با اینکه مفعول است معنای فاعلی در نظر آوردند؛ در اینجا پاسخ یافت.

### ب) پاسخ به شبهات و سؤالات فتنه‌انگیز

چندی پیش از ناحیه یکی از دوستان دو کتاب به دستم رسید که در آنها برضد شیعیان پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام مطالبی فتنه‌انگیز نوشته شده بود. تأسف بارتر اینکه کتابهای یاد شده در کشور عربستان که مهد اسلام و محل ظهور مهدی منجی بشریت است چاپ و نشر یافته است.

کتاب اول که در ظاهر فاقد نویسنده مشخص است با عنوان «سؤالاتی که باعث هدایت جوانان شیعه شد» (اسئله قادت شباب الشیعه الی الحق) شامل سؤالات متفاوت و شبهه‌انگیز (البته برای بیماردلان) راجع به عقاید و روایت شیعه است که همگی از عدم فهم و تعمق نویسنده یا نویسندگان آن سرچشمه گرفته است، چرا که تمام آنها براساس قیاسات باطل و استنتاجات سطحی و غیراصولی مطرح شده است.

در مقدمه کتاب مذکور از طرف نویسنده یا سرپرست نویسندگان! آن آمده است: «باید همه کسانی که خیرخواه امت خویش و دوستدار یکپارچگی و وحدت آن هستند تا آنجا که می‌توانند برای متحد نمودن امت زیر پرچم حق و بازگرداندن آن از نظر عقیده و شریعت و اخلاق به دوران پیامبر ﷺ بکوشند... و از مهمترین گامهایی که در این راستا باید برداشته شود آگاه کردن پیروان فرقه‌های مخالف دعوت قرآن و

۱. الزمخشری، جادالله محمدبن عمر (قرن ۶). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل. الجزء الثالث. ص ۲۷

۲. المجلسی، محمدباقر. پیشین. ج ۶ ص ۲۸۲ و ج ۸ ص ۹۰

سنت از عقاید انحرافیشان است. انحرافاتى که آنها را از هدایت و از پیوستن به جماعت مسلمین بازداشته است. بنابراین به فکر آن افتادم تا این پرسش‌ها را جمع‌آوری کنم. پرسش‌هایی که از جوانان شیعه می‌شود تا شاید عقلای آنان وقتی به این پرسش‌ها فکر کنند به حق بازگردند. پرسش‌هایی که پاسخ درستی برای آن جز پذیرفتن دعوت قرآن و سنت که از چنین تناقضاتی عاری و به دور است وجود ندارد!....»

در پاسخ به نویسنده یا نویسندگان این سطور باید گفت:

اولاً: چگونه توقع وحدت امت در زیر پرچم حق از جانب مسلمین انتظار می‌رود در حالی که در کشوری که مهد اسلام است چنین کتابهایی به جهت فتنه‌انگیزی و تفرقه‌چاپ و پخش می‌شود و در آن به شیعیان پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ بی‌احترامی، و گفتار معصومین ﷺ مورد انتقاد قرار می‌گیرد. آنان که اگر نبودند امروز از اسلام اثری باقی نمانده بود.

ثانیاً: چرا عنوان کتاب خطاب به شباب و جوانان شیعه است؟ در حالی که سؤالات جنبه تخصصی دارد و خیلی از جوانان از تخصص در حوزه دین بی‌بهره‌اند و این امر اسباب گمراهی جوانان مسلمان را فراهم می‌کند.

همانطور که در مقدمه این کتاب آمده:

«...به فکر آن افتادم تا این پرسشها را جمع‌آوری کنم. پرسش‌هایی که از جوانان شیعه می‌شود تا شاید عقلای آنان وقتی به این پرسشها فکر کنند به حق بازگردند!....»

و به راستی عقلاء از جوانان شیعه با خواندن و تفکر در این سؤالات به حق باز می‌گردند و متوجه می‌شوند که مکتب اسلام و مکتب شیعیان پیامبر و اهل بیت ﷺ تا چه اندازه پرمایه و با مقدار است و امام صادق ﷺ به راستی به صدق و درستی فرمودند که امر ما از این آفتاب روشن‌تر است. یعنی اگر کسی امر ائمه معصومین ﷺ را انکار کند گویی مانند انسان سفیه و بی‌خردی است که وجود آفتاب را با آن همه تجلیات انکار می‌نماید. اگر در واقع به فکر وحدت جهان اسلام هستیم راهی جز هدایت به جانب امام عصر

۱. —. اسئله قادت شباب الشیعه الی الحق (سؤالاتی که باعث هدایت جوانان شیعه شد). چاپ اول. عربستان سعودی. ۱۳۸۵ ش برابر ۱۴۲۷ هق (بدون ذکر نام مؤلف، مترجم و ناشر) صص ۴-۵



(عج) نیست و این فتنه‌انگیزیها و شبهات سخیف و بی‌مقدار عامل تفرقه در امت پیامبر ﷺ است. با این همه ما به فضل خدا و با توکل به او و عنایت حضرت صاحب‌الامر (عج) در مقام یک جوان شیعه به سؤالات و شبهات مرتبط با مهدویت در این کتاب پاسخ می‌گوییم.

کتاب دوم نیز با عنوان «صحابه را به دست آوردم بدون اینکه اهل بیت را از دست بدهم!» (ربحت الصحابه و لم اخسر آل البيت) در معرض مسلمین قرار گرفته است.

از نوع نامگذاری کتاب غرض نویسندگان آن به خوبی آشکار می‌شود. برخی از مسلمین به اشتباه تمامی صحابه و همنشینان پیامبر ﷺ را انسانهای راست‌کردار و اهل حق می‌دانند این در حالی است که در روایتی از پیامبر ﷺ در کتاب «صحیح بخاری» از کتب معتبر اهل سنت راجع به اصحاب از قول پیامبر یک پیشگویی از قیامت شده است. حضرت ﷺ فرموده‌اند:

«لیردن علی ناس من اصحابی الحوض حتی عرفتهم اختلجوا دونی فاقول: اصحابی! فیقول لا تدری ما احدثوا بعدک»<sup>۱</sup>

[در روز قیامت] عده‌ای از اصحابم را به جانب حوض کوثر می‌آورند که من آنها را می‌شناسم [سپس آنها به اذن خداوند توسط ملائکه از برابر من] ربوده می‌شوند. پس می‌گویم: اصحاب من [کجا رفتند]؟ [خداوند] می‌فرماید: [ای پیامبر!] تو نمی‌دانی که [برخی از این اصحاب تو بعد از تو چه کارهایی کردند] که تو از آنها تنفر داری].

این روایت نشان می‌دهد که همه اصحاب پیامبر ﷺ صلاحیت لازم را نداشتند و صرف صحابه بودن دلالت بر خوب بودن و شایسته بودن نمی‌کند. همانگونه که یکی از صحابه یا اصطلاحاً حواریون مسیح علی‌ه‌السلام به نام «یهودا» اسباب توطئه در جهت قتل مسیح علی‌ه‌السلام را فراهم کرد در مورد پیامبر اسلام نیز همین امر صادق است. برخی اصحاب پیامبر دستوره‌ای پیامبر را زیر پا گذاشتند و به رأی خود عمل کردند.

۱. البخاری، الحافظ ابی‌عبدالله محمد بن اسماعیل. پیشین. الجزء الرابع (۴). باب ش (۵۳) باب فی الحوض کتاب الرقاق (ش ۸۱) ح ۶۵۸۲ ص ۲۰۵۷

پس چگونه ما صحابه را به دست بیاوریم در حالی که اهل بیت علیهم السلام را هم از دست ندهیم، و قیاس و جمع بین این دو باطل است. چگونه انسان هم تشنه باشد و هم سیراب. آیا اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام که از جانب خداوند مقام هدایتگری و خلافت داشتند با اصحاب پیامبر که برخی از علم و دانش بی بهره بودند برابر هستند؟

﴿هل يستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون﴾ (الزمر / ۹)

(آیا آنان که می دانند با آنان که نمی دانند برابرند).

پس نامگذاری کتاب و تدبیری که برای نام و مطالب آن در نظر گرفته شده چیزی جز راه فتنه انگیزی و دورشدن مسلمین و شیعیان پیامبر و اهل بیت علیهم السلام از صراط مستقیم نیست.

نویسنده این کتاب که ظاهراً از افتخار شیعه پیامبر و اهل بیت علیهم السلام بودن انصراف داده است در قسمتی از آن با عنوان «مهدی منتظر» آورده است:

«ایمان داشتن به اینکه مهدی در آخرالزمان می آید و او از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه زهرا (س) است؛ امر یقینی است که در آن هیچ شک و تردیدی نیست و اهل سنت و شیعه در این مورد با هم اختلافی ندارند.

من چون هر شیعه ای آموخته بودم که به شخصیت (صاحب الزمان) وابسته باشم. از کودکی یاد گرفته بودم که امام من القاب زیادی دارد. او (حجه الله) است او (قائم) و (صاحب الزمان) است و (ابوصالح) و (ولی عصر) و... از القاب او هستند. اما انتظار نداشتم که این شخصیتی که از کودکی به او وابسته و امیدوار بودم شخصیتی خیالی و غیرواقعی باشد و از بس که امام را دوست داشتم هرگز در این مورد فکر نکرده بودم اما پژوهش آزاد و بیطرفانه این حقیقت را برای من آشکار کرد...»<sup>۱</sup>

معلوم نیست نویسنده این کتاب چگونه پژوهش آزاد و بیطرفانه داشته که از حقیقت صاحب الزمان (عج) غافل و از آن گمراه شده است؟! و باز معلوم نیست که

۱. القضیبی، ابوخلیفه علی بن محمد. (ربح الصحابه و لم اخسر الالبیت) صحابه را به دست آوردم بدون اینکه اهل بیت را از دست بدهم) (روی جلد: آنگاه که صحابه را شناختم) مترجم: مرتضی شکری. انتشارات حقیقت. چاپ دوم. عربستان ۱۳۸۵ ش ۱۴۲۸ هـ ق ص ۵۳

طبق چه مدرکی مهدی را شخصیتی خیالی و غیر واقعی می‌پندارد در حالی که اخبار و روایات صحیحه در مورد او فراوان و امر وی از آفتاب روشن تر است؟! در این مقال به چند نمونه از این سؤالات و ابهامات پاسخ داده می‌شود.

### ۱. امام عسکری چرا مهدی را به نام خوانده است؟!

سؤال:

شیعه از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که گفت: «صاحب هذا الامر رجل لا یسمیه باسمه الا کافر....». «صاحب این امر مردی است که کسی جز کافر او را [به] اسمش صدا نمی‌زند....» (الانوار النعمانیه ۲ / ۵۳)

و از ابی محمد حسن عسکری روایت می‌کنند که به مادر مهدی گفت: «ستحملین ذکر او اسمہ محمد و هو القائم من بعدی....» «بچه دار خواهی شد و بچه ات پسری است که اسم او «محمد» است و بعد از من امام قائم اوست....» (الانوار النعمانیه ۲ / ۵۵)

آیا این تناقض نیست؟! یک مرتبه می‌گویید هر کس مهدی را به نام او صدا بزند کافر است و بار دیگر می‌گویید که حسن عسکری او را محمد نامیده است؟! پاسخ:

قیاسی که سؤال‌کننده عمدتاً در کتاب خود مطرح کرده است از نوع قیاس بی‌رابطه و مع‌الفارق است و به زعم خویش قیاس را قیاس مساوات در نظر آورده است. یعنی چون در روایتی امام صادق علیه السلام فرموده: کسی که نام مهدی را ببرد کافر است و از سویی دیگر امام عسکری فرزند خود را به نام اصلی (یعنی محمد) خوانده است. در این باب باید گفت: اولاً دو روایت صحیح و حسن به شمار می‌آیند و تضاد ظاهری آنها به واسطه کیفیت مکانی و زمانی است، اگر در جایی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند که جز کافر او را به نام صدا نمی‌زند مقصود دوران خفقان آور زمان ولادت و بعد از ولادت حضرت صاحب‌الزمان (عج) است که به نام صدا زدن امام زمان (عج) و عدم پرده‌پوشی باعث می‌شد تا خلفاء ستمگر عباسی در این زمینه بیشتر حساس و تحریک شده و به جانب امام (عج) مایل شوند، و حضور مبارک ایشان که به اذن خدا و تلاشهای امام عسکری علیه السلام و خانواده

ایشان در حالتی بین اخفاء و افشاء شکل پذیرفته بود برای ستمگران به طور مطلق و محسوس محرز گردد.

پس در چنین شرایط خفقان آور و پراختناق اگر کسی نام اصلی امام یعنی «محمد بن الحسن» را ذکر می نمود برای وجود مبارک ایشان خطر آفرین محسوب می شد. نه تنها نام، حتی از وجود ایشان به شرطی که به افراد نالایق و مخالف اطلاع داده می شد این امر اسباب دستگیری و بالتبع قتل امام (عج) را فراهم می ساخت. ثانیاً: از سویی، روایت دیگر که امام عسکری علیه السلام به مادر مهدی (عج) می فرمایند که فرزندی از تو به وجود می آید که اسم او «محمد» است هیچ ارتباطی با روایت امام صادق پیدا نمی کند، چرا که عقل حکم می کند پدر و مادر مهدی (عج) خطری برای مهدی نداشته باشند. اگر او را «محمد» نمی نامیدند یا او را بدین نام نمی خواندند پس چگونه باید او را صدا می زدند؟

فلذا در کنار هم قرار دادن این دو روایت معتبر بسیار ناشیانه و غیرکارشناسی بوده و قیاس سؤال کننده نه تنها به زعم خود از جنس هم ارز بلکه از جنس قیاس مع الفارق است.

باید در این مقال گفت: از نوع پرسش به اندازه عقل و خرد سؤال کننده پی برده می شود. هر چند کسی که سؤال می پرسد نشان از جهل اوست اما سؤال نیکو پرسیدن خود، نیمی از علم و دانش است. بماند که این سؤال از جنس سؤالات فتنه انگیز و تفرقه افکن است و با جهل رابطه عمیقی دارد.

## ۲. آیا امام عسکری علیه السلام بر شیعیان خود سخت گیر بوده است؟ سؤال:

شیعیان روایت می کنند که حسن عسکری پدر امام منتظرشان فرمان داده که خبر امام مهدی از همه پنهان شود به جز افراد مورد اعتماد و از طرفی برخلاف این می گویند که هر کس امام را شناسد او خدا را شناخته و کسی دیگر غیر از خدا را می پرستد! و اگر در این حالت بمیرد بر کفر و نفاق مرده است! (اصول الکافی ۱ / ۱۸۱-۱۸۴)

پس چرا پدرش این قدر متشدد (سخت گیر) بوده که برای شیعه چنین چیزهای

سخت و دشواری انتخاب کرده است؟

پاسخ:

باز نیز مانند سؤالات دیگر این کتاب قیاس باطل وجود دارد که از سطحی بودن اندیشه پدیدآورندگان این سؤال سرچشمه گرفته است.

از منظر ایشان چون خبر ولادت و وجود مهدی (عج) به دستور امام عسکری علیه السلام از افراد غیرمعمد به دور باید باشد و از سویی، طبق روایت هر کس امام زمان خود را شناسد به مرگ اهل کفر و نفاق مرده است، پس این کار بر شیعیان سخت خواهد بود و امام عسکری علیه السلام با این کار خویش بر شیعیان خود سخت‌گیری نموده است.

در پاسخ باید گفت: اولاً هر دو روایت صحیح و حسن به شمار می‌آیند فقط سؤال‌کننده در فهم و درک این دو به خطا رفته و از آن یک استنتاج غلط را استنباط نموده است.

پاسخ سؤال در واقع در خود سؤال قرار گرفته ولی سؤال‌کننده از آن غفلت کرده است. امام عسکری طبق روایت خبر وجود و ولادت مهدی (عج) را به جز از افراد غیرقابل اعتماد از دیگران پنهان و پوشیده داشته است. پس اگر فرد قابل اعتمادی یافت می‌شد چنانکه در آن زمان بود، پس این امر بر او دشوار و سخت جلوه نمی‌کرد و از وجود مهدی (عج) به سبب اعتمادی که بر او می‌رفت مطلع می‌شد، و او نیز برای اصحاب مورد اعتماد و ثقة خویش مطلب را بازگو می‌کرد، همانگونه که در آن زمان رخ داده بود. پس امام عسکری علیه السلام در فهم مردم از مهدی (عج) نه تنها کوتاهی یا سخت‌گیری نکرده بلکه اقدامات ایشان اسباب فهم بیشتر امام زمان (عج) را فراهم نموده بود.

۳. آیا جعفر کذاب با نائب مهدی (عج) یکسان است؟! سؤال:

سؤال:

جعفر برادر حسن عسکری پدر امام غائب می‌گوید که برادرش فرزندی نداشته است. شیعه سخن او را قبول نمی‌کنند چون به گفته آنها او معصوم نیست. (اصول

و سپس ادعای عثمان بن سعید [نائب اول] را که می‌گوید حسن فرزندی داشته است قبول می‌کنند با اینکه عثمان هم معصوم نیست! این تناقض چه توجیهی دارد؟

پاسخ:

باز هم سؤال‌کننده به خطا سؤالی پرسیده است و پیدا است هدفی جز فتنه‌انگیزی و انحراف مسلمین و شیعیان پیامبر ﷺ از صراط مستقیم و حقیقت مهدی (عج) نداشته است.

سؤال‌کننده در این سؤال، معصوم نبودن جعفر کذاب را هم‌ارز معصوم نبودن عثمان بن سعید [نائب اول حضرت (عج)] قرار داده و یک قیاس مساوات به زعم خود انجام داده است.

برای پاسخ و فهم بهتر این مسئله در دو حوزه جعفر کذاب و عثمان بن سعید به بحث می‌نشینیم.

### ● جعفر کذاب

راجع به این شخص باید گفت طبق اخبار و روایات مهدی (عج) تا جایی که برای جعفر سود داشته، از دید او وجود داشته است و جایی که وجودش برای جعفر سودی نداشته، مهدی (عج) وجود نداشته است. به علاوه طبق برخی روایات این شخص به حَسَب برخی وقایع آن دوران مهدی را به چشم خود دیده است که به آنها اشاره می‌کنیم.

### الف) جایی که برای جعفر سود داشته است.

آنجا که وجود مهدی (عج) برای جعفر کذاب سود داشته مهدی (عج) بوده است. وقتی که خلیفه وقت قصد کشتن مهدی (عج) را داشت و از کشته شدن او، جعفر سود می‌برد.

شیخ صدوق (علیه‌الرحمه) گزارش نموده است:

«... طلب مولوده هذا اشد الطلب و كان احد المتولين عليه عمه جعفر اخو الحسن بن علي بما ادعاه لنفسه من الامامه و رجا ان يتم له ذلك بوجود ابن اخيه

صاحب الزمان علیه السلام فجرت السنه فی غیبه...»<sup>۱</sup>

(...برای به دست آوردن فرزند امام عسکری علیه السلام تلاش بسیاری کردند و یکی از کسانی که سرپرست این امر بود. جعفر عموی [(مهدی)] برادر امام حسن عسکری بود که هوای امامت در سر داشت و ادعای امامت کرد و امیدوار بود که با نابودی فرزند برادرش صاحب الزمان (عج) به این مرتبت نائل شود. پس در این موقع سنت غیبت بر او [یعنی مهدی (عج)] جاری شد).

**ب) جایی که برای جعفر سود نداشته است.**

آنجا که وجود مهدی (عج) برای جعفر سود نداشته و او منکر آن است بر سر مسئله ارث و میراث است. چنانکه اخبار شده میراث امام عسکری علیه السلام بین مادرش و جعفر کذاب تقسیم شد. این در حالی است که اگر جعفر پیرو فقه و آیین پدرانش بود باید می دانست در صورتی که مادر میت زنده است برادر ارث نمی برد هر چند به خوبی می دانست که برای امام عسکری علیه السلام فرزندی نیز وجود دارد. پس در این جا فرزند امام را چون برایش نفعی نداشته نفی می کرده است.<sup>۲</sup>

**ج) جعفر، مهدی (عج) را دیده بود**

طبق بعضی گزارشها و روایات معتبره جعفر کذاب، مهدی را از نزدیک رؤیت کرده است:

— به هنگام نماز بر امام عسکری علیه السلام

«ابوالادیان گوید:.....به سامراء وارد شدم و به ناگاه صدای شیون از خانه امام عسکری علیه السلام شنیدم و او را در غسلخانه یافتم و برادرش جعفر بن علی را بر در خانه دیدم و شیعیان را برگرد او یافتم که او را [به سبب وفات برادرش] تسلیت و [به خاطر امامتش] تبریک و تهنیت می گفتند.

با خودم گفتم: اگر این امام است که [رشته] امامت باطل خواهد بود. چون

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین، ج ۱ باب اثبات الغیبه ص ۲۲

۲. ر.ک. همو. پیشین، ج ۲ باب ۴۳ ح ۲۴ ص ۴۷۴

می دانستم که او شراب می نوشد و در کاخ قمار می کند و طنبور می نوازد. چون به خانه وارد شدیم حسن بن علی (امام عسکری علیه السلام) را کفن شده بر تابوت دیدم و جعفر بن علی جلو رفت تا بر برادرش نماز [میت] بگذارد و چون قصد تکبیر کرد کودکی گندمگون با موهایی مجعد و دندانهای پیوسته بیرون آمده و ردای جعفر بن علی را گرفت و فرمود: ای عموا! عقب برو که من به نماز گزاردن بر پدرم سزاوارترم! جعفر با چهره‌ای رنگ پریده و زرد به عقب رفت. آن کودک [یعنی حضرت مهدی علیه السلام] پیش آمد و بر امام عسکری نماز گزارد... جعفر بن علی نزد معتمد عباسی رفت و ماجرای آن کودک را گزارش داد. معتمد کارگزاران خویش را فرستاد و [تا بلکه بتوانند او را دستگیر نمایند]...»

— به هنگام تقسیم ارث و میراث

محمد بن صالح گوید:

[در زمانی که جعفر کذاب بر مسئله ارث و میراث امام عسکری علیه السلام با جدّه (مادر امام) به نزاع پرداخته بود و برای خود حقی قائل بود] صاحب الزمان (عج) از موضعی نامعلوم در برابر جعفر حاضر شده و فرمودند: ای جعفر چرا به حقوق من معترض می شوی؟ جعفر متحیر و بهت زده شد و سپس امام (عج) از جلوی چشمانش پنهان گشت. بعد از آن جعفر در میان مردم در جستجوی او در آمد اما امام را نیافت<sup>۱</sup>.

— به هنگام دفن جدّه

چون مادر امام حسن عسکری علیه السلام [جدّه امام زمان (عج)] در گذشت. [در وصیت خود] گفته بود که در همان خانه [امام عسکری علیه السلام] دفن شود جعفر با آنها به منازعه برخاست و گفت: این خانه از آن من است و کسی در آن دفن نمی شود!

[در این هنگام] حضرت صاحب الزمان (عج) [خارج شدند و فرمودند: ای

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین. ج ۲ باب ۴۳ ح ۱۵ ص ۴۴۲



جعفر! آیا این خانه توست؟ سپس غائب شده و بعد از آن [جعفر] دیگر ایشان را ندید.<sup>۱</sup>

جعفر وجود امام زمان (عج) را انکار نمی کرده بلکه در صدد یافتن وی و معرفی ایشان به خلیفه ستمگر وقت بوده است. از سوی دیگر جایی که مثل مسئله ارث و میراث وجود مهدی (عج) برایش مضر بوده با توجه به اینکه در مواردی چند با چشم خود امام زمان (عج) را رؤیت کرده است در این موقع (تقسیم ارث) وجود وی را منکر شده است. مع الوصف اینکه سؤال کننده آورده است که جعفر برادر امام عسکری علیه السلام مدعی بوده که امام عسکری علیه السلام فرزندی ندارد از یکسویه نگریستن وی به اخبار و روایت مهدویت سرچشمه گرفته و یک اظهار نظر سطحی مانند مورد قبل ارائه داده که در تنگنای ذهنش به یک استنتاج غیر صحیح دست یافته است.

● عثمان بن سعید [نائب اول]

چنانکه در قافله دوم آوردیم این شخص مورد اعتماد شیعیان بوده و در راه اعتلای فرهنگ امامت و مهدویت جانفشانی‌ها نموده است. ایشان وکیل دو امام دیگر (امام هادی و امام عسکری) نیز بودند که این امر بر عظمت معنوی و وثاقت ایشان می‌افزاید و بیانگر این مطلب مهم است که این شخص در بین طائفه شیعه از جاهت و بزرگواری برخوردار بوده و برای شیعه چهره شناخته شده‌ای بوده است. در ضمن اینکه عثمان بن سعید اظهار می‌کند که امام عسکری علیه السلام فرزندی دارد، این ادعای به حق بارها گزارش شده است نه تنها از او بلکه از بسیار کسانی که امام زمان (عج) را در دوران زندگی امام عسکری علیه السلام با چشم خود ملاقات نموده‌اند. مانند احمد بن اسحاق که امام عسکری علیه السلام فرزند خود را به وی نشان دادند.

سؤال کننده غیر معصوم بودن جعفر کذاب و عثمان بن سعید را در کنار هم قرار داده و خواسته با ایجاد این شبهه این دو شخص را با یکدیگر هم ارزش بداند و وجود مهدی را منکر شود و باز قیاس باطلی کرده و به خطا رفته است.

پس این سؤال نیز مانند دیگر سؤالات وی به جهت فتنه‌انگیزی و محصول عدم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. پیشین ج ۲ باب ۴۳ ح ۵ ص ۴۴۲

تحقیق، تدقیق و فهم اخبار مهدویت است.

#### ۴. آیا شیعه حرف غیر معصوم را گوش می‌کند؟!

سؤال:

امام یازدهم شیعیان حسن عسکری وفات یافت بدون آنکه فرزندی داشته باشد. بنابراین برای آنکه پایه‌های مذهب امامی در هم شکسته نشود و از بین نرود؛ فردی به نام «عثمان بن سعید» [نائب اول] به دروغ! گفت که امام عسکری فرزندی داشته است که در چهار سالگی پنهان شده و او جانشین پدرش می‌باشد.

عجیب است شیعیان می‌گویند که ما سخن کسی جز فرد معصوم را قبول نمی‌کنیم، ولی در مورد مهمترین عقیده شان ادعای مردی را که معصوم نیست قبول می‌کنند.

پاسخ:

اولاً: امام یازدهم وفات یافت در حالی که طبق اسناد و مدارک ذکر شده برای او فرزندی بود.

ثانیاً: عثمان بن سعید به دروغ چنین ادعایی نکرد، بلکه به حقیقت مدعی بود و از سوی فقط او به این امر مدعی نبود بلکه از پیامبر تا امام یازدهم همگی بر این ادعا بودند و از شیعیان واقعی همگی بر این حقیقت واقف بودند و منحصر در عثمان بن سعید نبود.

ثالثاً: پنهان شدن امام زمان (عج) در چهار سالگی نبوده بلکه در پنج سالگی بوده است.

رابعاً: این بحث که سؤال‌کننده آورده: «عجیب است شیعیان می‌گویند که ما سخن کسی جز فرد معصوم را قبول نمی‌کنیم ولی در مورد مهمترین عقیده‌شان ادعای مردی را که معصوم نیست قبول می‌کنند»، باز از یک عده استدلالها و استنتاجهای سطحی سؤال‌کننده نشأت گرفته است و ما در پاسخ می‌گوییم:

درست است که شیعه حرف کسی جز معصوم را معتبر نمی‌داند اما باید گفت بحث وجود مهدی، غیبت، ظهور و موارد مرتبط با او از ناحیه معصومین علیهم‌السلام چون پیامبر و علی و ائمه علیهم‌السلام از نسل او اخبار شده و به دست هم عصران عثمان بن

سعید و به دست ما رسیده است. همانطور که پیشتر آوردیم؛ این ادعا منحصر در عثمان بن سعید نبوده بلکه از ناحیه پیامبر و دیگر معصومین (علیهم السلام) در دسترس شیعیان قرار گرفته است. علاوه بر این مطالب، باید اظهار کرد که تبعیت از کسی که از سوی معصوم به عنوان نائب و وکیل خاص معین شده تبعیت از خود معصوم است. پس او در این حوزه به فضل و اذن خداوند دارای جایگاهی نزدیک به عصمت است و اوامر و کلامهای معصومین را به نحو احسن به شیعیان انتقال می دهد.

برای مثال اگر مردم مصر که فرماندار و حکمران ایشان مالک اشتر بود به مالک اشکال می کردند که ما حرفهای تو را نمی پذیریم و از او امر و دستورهای تو سرپیچی می کنیم چون تو معصوم نیستی، بلکه فقط امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام معصوم است چه پاسخی باید به آنها داده می شد؟ در حالی که مالک اشتر مأمور و منصوب و نماینده امام علیه السلام بوده و تبعیت از او (در چارچوب قوانین) تبعیت از امام معصوم به شمار می رفته است. و همینطور اگر پیامبر، شخصی را امیر و فرمانده مردم قرار می داد تبعیت از او در حوزه فرماندهیش تبعیت از پیامبر بوده است. پس این ابهام و شبهه نیز به خودی خود پاسخ دارد و بسیار ناشیانه مطرح شده است.

## ۵. آیا مهدی، محمد بن الحسن است یا محمد بن عبدالله؟!

ابهام:

در حدیث مهدی آمده است: «لولم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیه رجلاً من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی و اسم ابیه اسم ابی»  
«اگر از دنیا فقط یکروز باقی بماند خداوند آن روز را طولانی می کند تا آن که در آن روز مردی از اهل بیت من برمی خیزد که اسم او اسم من است و اسم پدرش اسم پدر من است». مشخص است که اسم پیامبر «محمد بن عبدالله» است و شیعه می گویند اسم مهدی، «محمد بن الحسن» است! این اشکال بزرگی است!

پاسخ:

و به راستی این اشکال بزرگی است برای کسی که به مسائل تاریخی اسلام و اخبار و روایات مهدویت راستین به خوبی آگاهی ندارد و از روی بغض و کینه نسبت

به شیعیان پیامبر و اهل بیت علیهم السلام چنین اظهار نظری می نماید.  
پاسخ این اشکال بسیار ساده و آشکار است همانطور که ما در قافله اول در بحث داغ و شایع مهدی در قرون اولیه اسلامی و در قافله پنجم در بحث احادیث دروغین به آن پرداختیم این روایت نادر و مجعول و نتیجه دستکاری و تحریف شیادان و جاعلان حدیث در زمان دومین خلیفه ستمگر عباسی بوده است.

پس این امر هم از آفتاب روشنتر است و پیداست که سؤال کننده به جهت تشویش ذهن مسلمین و انحراف ایشان از مهدویت راستین این ابهام را مطرح کرده است. اگر این ابهام در مجامع علمی مطرح می شد سؤال کننده به واسطه عدم اطلاعات کافی در موضوع، در بین ارباب علم و دانش مورد انتقاد قرار می گرفت، اما وقتی که این ابهام و ابهامات از این دست در بحبوحه حج یا عمره در معرض «جوانان شیعه» قرار می گیرد (طبق عنوانی که برای کتاب در نظر گرفته اند) و آنها به عنوان هدف اصلی مطرح هستند نشان از یک اقدام شیطانی و تفرقه افکن دارد که ما برای این افراد در مقام یک جوان شیعه آرزومند هدایت به سوی حق هستیم. (اللهم اغفر ذنوب المسلمین).

## ۶. مگر ائمه دیگر کشته شدند پس غیبت مهدی بی مورد است!

سؤال:

شیعیان ادعا می کنند که امام دوازدهم آنها به علت ترس از کشته شدن پنهان شده است. به آنها گفته می شود که چرا ائمه پیش از او کشته نشدند؟ با اینکه در دولت خلافت زندگی می کردند و بزرگ بودند. پس چطور او کشته می شود و حال آنکه بچه ای کوچک است؟

پاسخ:

این که سؤال کننده آورده است که چرا ائمه پیش از او کشته نشدند؟ بسیار کلام غیرکارشناسی و غیرمحققانه است و نشان می دهد که طراح این مسائل از تاریخ اسلام به طور کل بی اطلاع و غافل مانده است. چه طور کشته شدن امام علی علیه السلام به دست ابن ملجم فراموش و نادیده گرفته شده است؟ چطور مسموم شدن امام حسن مجتبی علیه السلام با تحریکات معاویه دیده نشده است؟

چطور شهادت مظلومانه امام حسین علیه السلام به دست سپاهیان یزید از دید طراح این مسائل به دور مانده است؟ چطور امام رضا علیه السلام که به زهر جفای مأمون به قتل رسید

مورد توجه واقع نشده است؟ و دیگر ائمه که به فیض شهادت نائل شدند. پس این قسمت از سؤال به طور کل غیرکارشناسی مطرح شده است. از سوی دیگر سؤال کننده آورده: «چطور او [مهدی] کشته می شود و حال آنکه بچه‌ای کوچک است؟

در پاسخ می‌گوییم: برای افراد ستمگر قتل زن، کودک، پیرمرد و جوان تفاوتی نمی‌کند.

آیا سؤال کننده به تاریخ یکتاپرستی آشنایی نداشته است؟ آنجا که نمرود پادشاه ستمگر بابل از ناحیه پیشگویان و منجمان آگاه می‌شود که به زودی شخصی به دنیا می‌آید که اسباب حکومت او را مضمحل می‌سازد و او را در طلب این شخص، هر پسری را که به دنیا می‌آید به قتل می‌رساند تا آنجا که ولادت حضرت ابراهیم در خفاء صورت پذیرفت. آیا داستان ستمگر زمان موسی علیه السلام را نشنیده که او هم طبق پیشگویی منجمان دریافته بود پسری در بنی اسرائیل متولد می‌شود که برای حکومت او خطر آفرین خواهد بود؟ فرعون در طلب او کوکان بنی اسرائیل را به قتل می‌رساند اما به فضل خدا موسی علیه السلام در امان ماند.

پس هیچ استبعادی ندارد هنگامی که خلیفه ستمگر زمان ولادت مهدی (عج) با توجه به داغ بودن و شایع بودن بحث مهدی (عج) در قرون اولیه اسلامی به واسطه اخبار پیامبر و اهل بیت علیهم السلام به نیکی می‌دانسته مهدی (عج) از بین برنده حکومت‌های ظلم و جور در جهان از صلب امام حسن عسکری علیه السلام به وجود می‌آید در صدد یافتن و قتل او برآمده هر چند که مهدی (عج) کودک بوده است. با این حساب این سؤال نیز در سطح پایین و نازل خود مطرح شده و برای اهل فتنه پاسخ دندان شکنی ارائه نمودیم.

## ۷. اگر عمر کسی قرار بود طولانی شود او پیامبر صلی الله علیه و آله بود نه مهدی سؤال:

شیعیان می‌گویند که خداوند عمر مهدیشان را به خاطر آنها صدها سال طولانی کرده، چون که همه مردم و بلکه تمام جهان هستی به او نیاز دارند. به آنها می‌گوییم اگر خداوند عمر انسانی را به خاطر آنکه مردم به او نیاز دارند طولانی می‌کرد عمر

پیامبر ﷺ را طولانی می نمود؟

پاسخ:

برای تبیین موضوع یک جوابیه و یک مسئله مطرح کرده که مسئله را از طریق برهان خلف پاسخ می گوئیم:

- جوابیه:

مأموریت الهی پیامبر ﷺ با مأموریت الهی مهدی (عج) تفاوت دارد هر چند که در یک راستاست. پس هم ارزگرفتن مأموریت این دو شخص قیاس مع الفارق و باطل است. همانطور که عیسی علیه السلام و موسی علیه السلام هر دو در یک راستا مأموریت الهی داشتند اما احکام هر دو در پاره‌ای از موارد متفاوت بود. پس، از لحاظ حرکت همسو و هم راستا و از لحاظ نوع و کیفیت مأموریت غیر هم ارز هستند.

- مسئله:

از طریق برهان خلف بیان می کنیم که: مقام خضر علیه السلام نزد خداوند بالاتر است یا مقام پیامبر اسلام ﷺ؟

قطعاً پاسخ این است که مقام خضر علیه السلام پایین تر از پیامبر عظیم الشان اسلام است.

با این حساب اگر قرار بود عمر انسانی به اذن خداوند فقط برای اینکه از لحاظ مرتبت بالا است طولانی می شد؛ عمر پیامبر باید از سوی خدا چنین می گشت. پس اکنون که خداوند عمری طولانی به خضر علیه السلام بخشیده بر او اشکال وارد است. پس اگر معتقد باشیم بر خداوند اشکالی و ایرادی وارد نیست نتیجتاً پرسش سؤال کننده و قصدی که از آن در ذهن پرورانده است؛ مردود تلقی می گردد.

## ۸. آیا شیعه به سبک خود امام را انتخاب می کند؟!

ابهام:

یکی از قواعد شیعه این است که هر کسی از اهل بیت ادعای امامت کند و چیزهای خارق العاده‌ای که نشانگر صدق و راستی او هستند ارائه دهد امامت او ثابت می شود اما با آنکه زید بن علی ادعای امامت کرد؛ شیعیان امامت او را نپذیرفتند و در مقابل امامت را برای مهدی غائب خود که ادعای امامت نکرده و آن

را اظهار ننموده (چون طبق عقیده آنها در کودکی غایب و پنهان شده است)؛ ثابت کردند.

پاسخ:

اولاً: در کدام کتاب معتبر شیعه این قاعده آمده که هر کس از اهل بیت ادعای امامت کند و چیزهای خارق العاده که نشانگر صدق و راستی او است ارائه دهد؛ امام است؟

ثانیاً: در کجا آمده که حضرت زیدبن علی ادعای امامت کرده است؟ کسی که این اشکال را طرح کرده از تاریخ اسلام هیچ اطلاعی ندارد و از این موضوع بسی خبر است، و نسبت دادن امامت به آن بزرگوار از سوی طایفه «زیدیه» را ادعای امامت پنداشته است.

ثالثاً: آورده است که شیعیان امامت او را نپذیرفتند. سؤال اینجاست که چه وقت حضرت زیدبن علی ادعای امامت کرد ما بگوییم که چرا شیعیان آنرا نپذیرفتند؟  
رابعاً: در حضرت زیدبن علی چه چیز خارق العادی بود که دلالت بر امامت او می کرد؟ در حالی که طبق روایات، در امر خروج و قیامش با امام صادق علیه السلام مشورت کرده است<sup>۱</sup>. یعنی او امام نبوده بلکه تحت تربیت امام زمانش بوده و از روایات استفاده می شود که شدیداً حضرت زیدبن علی مورد تایید بوده است، پس قطعاً چنین شخصی ادعای امامت نکرده است.

خامساً: قیاس بین حضرت زیدبن علی و امام زمان (عج) از جنس قیاس مع الفارق است و ربطی به هم ندارند و از بی سوادى و بی اطلاعی شخصی که این ابهام را ساخته و پرداخته سرچشمه گرفته است.

سادساً: چه کسی گفته مهدی (عج) ادعای امامت نکرده است. در روایات به این امر بارها اشاره شده است.

ابونصر طریف گوید: بر صاحب الزمان (عج) وارد شدم.... فرمود: آیا مرا می شناسی؟ عرض کردم: بلی! فرمود: من کیستم؟ عرض کردم: شما سرور من و فرزند سرور من هستید. فرمود: از این نپرسیدم. طریف گوید: عرض کردم: فدای

۱. المجلسی، محمدباقر، پیشین، ج ۴۶ ح ۲۷ ص ۱۷۴

شما شوم پس برایم بیان فرمایید: امام زمان (عج) فرمود: من خاتم الاوصیاء (آخرین وصی پیامبر ﷺ هستم)!

● حکیمه (عمه امام عسکری علیه السلام) از شاهدین ولادت امام زمان (عج) بوده و در مورد لحظه تولد حضرت (عج) گفته است: «دیدم نوری نرجس را فرا گرفته است که من قادر به دیدن او نبودم و آن کودک را دیدم که روی به سجده نهاده و دو زانو بر زمین گذاشته است و دو انگشت سبابه خود را بلند کرده و می فرماید: شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست. یگانه ای که شریکی ندارد و شهادت می دهم که جدّم محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا و پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام است.

سپس ائمه را یک به یک شمرد تا به خودش رسید. آنگاه فرمود: پروردگارا! آنچه به من وعده فرمودی اجابت کن و کار مرا به فرجام رسان و قدمم را استوار کن و زمین را به واسطه من پر از عدل و قسط گردان!

علاوه بر این موارد ۶۹ سال غیبت صغری حضرت (عج) توأم با ارتباط از طریق نامه و توقیعات بوده که صدق آنها خود نشانی از وجود مهدی (عج) و اثبات ادعای امامت او بوده است.

پس اینکه بافنده این ابهام و اوهام تصور کرده مهدی ادعای (عج) امامت نکرده به خطا رفته است، بلکه ادعای ایشان در خفاء بوده است و طبق روایات معتبر، امام عسکری علیه السلام نیز فرزند بزرگوارشان را به افراد ثقه و مورد اعتماد نشان می دادند و به آنها تاکید می کردند که امام بعد از من این شخص است<sup>۱</sup>. پس این ابهام نیز بی اساس و بر مبنای فتنه انگیزی شکل گرفته بود.

## ۹. آیا حکومت‌های شیعی پناه مهدی (عج) هستند؟

سؤال:

شما می گوید علت پنهان شدن امام دوازدهم‌تان در غار! ترس از ستمگران است. پس وقتی این خطر با به قدرت رسیدن حکومت‌های شیعه مانند عبیدی‌ها [خلفای فاطمی مصر] و بویه‌ها [آل بویه در ری] و صفوی‌ها و اینک دولت فعلی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، پیشین. ج ۲ باب ۴۲ ح ۲ ص ۴۲۸

۲. همو. پیشین. ج ۲ باب ۴۳ ح ۲ ص ۴۳۵



ایران رفع شد چرا او ظهور نکرد؟ و چرا الان او بیرون نمی‌آید در صورتی که حکومت شیعی ایران می‌تواند او را حمایت کند؟ و میلیونها شیعه شب و روز خود را فدای او می‌نمایند و منتظر او هستند؟

**پاسخ:**

اولاً: امام زمان (عج) در غار پنهان نیستند و هیچ روایتی دال بر این موضوع وجود ندارد. ثانیاً: سؤال‌کننده به واسطه عدم اطلاع از تاریخ حکومت‌های شیعی، مرعشیان گیلان و سربداران خراسان و حکومت‌هایی که بعد از صفویه تشکیل شدند از قبیل افشاریه، زندیه، قاجاریه و پهلوی را ذکر ننموده است. از سوی دیگر به علت عدم فهم از حکومت‌هایی یاد کرده که با هدف مهدی (عج) همسو نبودند. برای مثال عبیدی‌ها یا خلفای فاطمی مصر شیعه بودند اما شیعه شش امامی و خود این افراد ادعای مهدویت و قائمیت داشتند، پس با مهدویت راستین در تضاد بودند. آل بویه یا دیلمیان نیز چهار امامی و شیعه زیدیه بودند. علاوه بر اینها مجرد وجود حکومت‌های شیعی دلالت بر خروج یا قیام مهدی (عج) نمی‌کند. مهدی (عج) در پناه حکومت‌ها نیست بلکه همه در پناه مهدی (عج) هستند. به هر حال این سؤال یا به ظاهر ابهام، بسیار ناپخته و ناشیانه طرح شده است.

## ۱۰. آیا در روایات مربوط به مهدی (عج) تناقض وجود دارد؟!

**سؤال ۱. مادر مهدی کیست؟**

آیا مادر او کنیزی است که اسمش نرگس [ترجس] است یا کنیزی است به نام صیقل یا کنیزی است به نام ملیکه یا کنیزی است که اسمش خمط است یا کنیزی است با نام حکیمه و یا کنیزی است به نام ریحانه یا اسمش سوسن است یا اینکه مادرش کنیز نیست و زنی آزاد به نام مریم است؟!

**پاسخ:**

این که در روایات اختلاف وجود دارد یک امر طبیعی است و فقط در حوزه احادیث تشیع این امر نیست بلکه در حوزه احادیث اهل سنت و حتی موارد دینی و تاریخی غیرمسلمانها نیز یافت می‌شود. پس اگر سؤال‌کننده مجرد اختلاف در احادیث را به طور ظاهری دلیل بر بطلان آن گرفته قطعاً به خطا رفته است. از سوی

دیگر همین که در روایات متعدد و از طرق مختلف نامهای متفاوت برای مادر مهدی (عج) اخبار شده است خود دلیلی می‌تواند باشد بر وجود مهدی (عج) که از مادری به نام نرجس یا سوسن یا مریم یا... به دنیا آمده است. علاوه بر اینها چه بسا خیلی از این اسامی بر یک شخص تعلق داشته و دلیل بر اختلاف نباشد؛ برای مثال، نرجس، صقیل و ملیکه در ظاهر یک شخص هستند. نام مادر مهدی (عج) قبل از آشنایی با حضرت عسکری علیه السلام ملیکه بود و به هنگام اسارت خود را نرجس خواند و به واسطه حملی که داشت (یعنی حضرت مهدی) به او لقب صقیل دادند پس این امر هم تناقض در روایات مهدی نیست. از سوی دیگر یک فرضیه نیز وجود دارد. و آن این است که امام عسکری علیه السلام تعدد زوجات داشته‌اند و برای ایشان کنیزانی بوده است. چه بسا به جهت احراز شرایط امنیتی و اینکه مادر مهدی (عج) به خوبی شناخته نشود نامهای متفاوت به او نسبت داده است یا برخی از این اسامی مربوط به کنیزان یا اقوام نزدیک حضرت عسکری علیه السلام بوده مانند: حکیمه.

## سؤال ۲. مهدی چه زمانی به دنیا آمده است؟

آیا هشت ماه بعد از وفات پدرش به دنیا آمد. یا اینکه قبل از وفات پدرش در سال ۲۵۲ هـ ق به دنیا آمد. یا اینکه در سال ۲۵۵ هـ متولد شد یا اینکه در سال ۲۵۶ هـ دیده به جهان گشوده است و یا اینکه در سال ۲۵۷ هـ به دنیا آمده است و یا اینکه در سال ۲۵۸ هـ متولد شده است؟

آیا در هشتم ذی‌القعدة متولد شده است یا در هشتم شعبان به دنیا آمده است یا اینکه پانزدهم شعبان میلاد اوست، یا اینکه در پانزدهم رمضان متولد شده است؟!  
پاسخ:

در قرآن در مورد تعداد اصحاب کهف خداوند از اختلاف مردم سخن می‌گوید.  
آیا اینکه در تعداد آنها اختلاف بوده دلیل بر عدم حقانیت آنهاست؟  
اولاً: صرف اختلاف دلیل بر بطلان اصل قضیه نیست.  
ثانیاً: وجود این روایات دلیل بر این است که بالاخره چنین شخصی بوده و از زمان ولادت او (ماه یا سال) گزارش شده است.

ثالثاً: چون خانواده مهدی (عج) زیر نظر و تحت مراقبت بودند، پیش آمدن این

اختلافات ظاهری و کم ارزش طبیعی است. وقتی که ما بحث کردیم و ولادت مهدی (عج) را در حالتی بین اخفاء و افشاء ذکر نمودیم پس این امر توجیه پذیر و قابل پذیرش است. یعنی امام عسکری علیه السلام و خانواده ایشان این گونه نبوده که بیایند و در سامراء جار بزنند و در اثر جار زدن ایشان هم روای جمع شوند و دقیقاً ماه و سال ولادت مهدی (عج) را ثبت و ضبط کنند.

این گونه سؤالات از عدم فهم صحیح جزئیات و کلیات مهدویت ناشی شده است. به علاوه این بار ما سؤال می پرسیم که آیا در مورد روز ولادت پیامبر اختلاف وجود ندارد؟ آیا در بین مسلمین این اختلاف باعث شد که آنها وجود او را منکر شوند و این تناقض یا اختلاف ظاهری را دلیلی بر عدم حقانیت او بدانند؟

### سؤال ۳. مهدی کجا اقامت می کند؟

گفته اند در طیبه [مدینه]، سپس گفته اند نه بلکه او در کوه رضوی در منطقه روحاء به سر می برد، و سپس گفته اند او در ذی طوی در مکه مقیم است سپس گفته اند او در سامراء است.

پاسخ:

با مطالعه دقیق این کتاب و اخبار مهدویت دریافته ایم که مهدی (عج) در غیبت و نهان زیستی به سر می برد. در هر کدام از این مکانها ممکن است قسمتی از زندگی پربرکت خود را گذرانده باشد و اگر در جای ثابتی زندگی می کرد او را می شناختند و دستگیر می کردند، پس تغییر مکان ایشان یک امر طبیعی و عقلانی است این سؤال نیز بی مورد مطرح شده و هدفی جز فتنه انگیزی در آن نبوده است.

### ۱۱. با وجود یارانی از فرشتگان، مهدی هنوز در سرداب پنهان است؟! سؤال:

شیعیان - در داستانهای زیادی که در مورد مهدی غایب خود می گویند، ادعا می کنند که وقتی مهدی به دنیا آمد:

«پرندگانی از آسمان بر او فرود آمدند که بالهایشان را بر سر و صورت و بدن او می مالیدند و سپس پرواز می کردند! وقتی به پدرش گفته شد که اینها چه هستند؛

خندید و گفت: اینها فرشتگانی آسمانی هستند که برای تبرک جستن به این نوزاد پایین آمده‌اند و این فرشتگان وقتی او ظهور می‌کند؛ یاوران او هستند.» (روضه‌الواعظین ص ۲۶۰).

سؤال اینجاست: وقتی فرشتگان، یاوران او هستند پس چرا می‌ترسد و در سرداب پنهان شده است؟!

**پاسخ:**

این سؤال باید در دو محور مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

**محول اول: فرشتگان**

**محور دوم: سرداب مقدس سامراء**

اما ظاهراً با توجه به عنادی که سؤال‌کننده نسبت به شیعیان پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام دارد و این مطلب را در کتاب خود آشکار ساخته، غرض اصلی او از طرح این شبهه، زیر سؤال بردن سرداب مقدس سامراء است که طبعاً به آن خواهیم پرداخت.

**محور اول: فرشتگان**

طبق آیه کریمه قرآن، فرشتگان مأموران الهی خداوند هستند که در تغییر و تحولات عالم نقش بسزایی ایفا می‌کنند. در مقابل نیروهای شیطانی خداوند، عده‌ای از فرشتگان را قرار داده تا در زمینه‌های الهی فعالیت کنند.

شیاطین: ﴿ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم...﴾ (الانعام / ۱۲۱)

(همانا شیاطین به دوستاناران خود وحی [الهام] می‌کنند...).

فرشتگان: ﴿اذ یقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا فانزل الله سکینته علیه و ایدیه بجنودالم

تروها﴾ (التوبه / ۴۰)

(وقتی [پیامبر ﷺ] در غار ثور] به همراه خود می‌گفت: حزن و اندوزه نداشته

باش چرا که خداوند با ماست. پس خداوند، آرامش و سکینه خود را بر او [پیامبر]

فرو فرستاد و او را با سپاهسانی که او نمی‌دید [فرشتگان الهی که مأموریت

آرامش‌دهی به مومنان را دارند] یاری کرد).

پس مأموریت عده‌ای از فرشتگان دقیقاً نقطه مقابل لشکریان شیاطین است. عده‌ای دیگر از فرشتگان در جنگها به اذن خدا به یاری مسلمین می‌شتابند. امداد در جنگ بدر: ﴿اذتستغيثون ربكم فاستجاب لكم اني ممدلكم بالف من الملكة مردفين﴾ (الانفال / ۹)

(به یاد آورید] زمانی را که از پروردگارتان [در جنگ بدر] تقاضای کمک می‌گردید و او تقاضای شما را پذیرفت [و گفت]: من شما را با هزار تن از فرشتگان که پشت سر هم فرود می‌آیند [و عددشان به ۳۰۰۰ نفر می‌رسد] یاری می‌کنم. امداد در جنگ حنین: ﴿وانزل جنوداً لم تروها﴾ (التوبه / ۲۶)

«و [خداوند] فرو فرستاد سپاه‌یانی که [از جنس فرشته] که نمی‌بینید» امداد در جنگ احزاب: ﴿اذجائتكم جنود فارسنا عليهم ريحاً و جنوداً لم تروها﴾ (الاحزاب / ۹)

(آنگاه که لشکرهایی به سوی شما آمدند [از فرشتگان] پس بر آنان [کافران] تند بادی و لشکرهایی که نمی‌دیدید فرو فرستادیم).

البته امداد و یاری فرشتگان در جنگهای مسلمین بدان معنی نیست که آنها وارد کارزار شده و به قتال می‌پردازند و نیروهای کفر و شرک را قلع و قمع می‌کنند چرا که طبق تواریخ اسلامی در جنگ بدر هفتاد نفر از سپاه مقابل اسلام به قتل رسیدند که نصف بیشتر آنان را علی بن ابیطالب عليه السلام به دوزخ فرستاد و نام قاتلین بقیه نیز در تاریخ مضبوط است. پس از هیچ فرشته‌ای شمشیر به دست در آن جنگ گزارش نرسیده است.

بلکه این امر خلاف سنت الهی است، زیرا در این حالت افضلیت و برتری برخی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله مانند علی عليه السلام و... در جنگها معنا پیدا نمی‌کرد، و مسئله اختیار انسان چه در سپاه اسلام و چه در سپاه کفر و شرک زیر سؤال می‌رفت. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿اذيوحى ربك الى الملكة اني معكم فثبتوا الذين امنوا سالتى في قلوب الذين كفروا الرعب...﴾ (الانفال / ۱۲)

(به یاد آر] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد. من با شما هستم. کسانی را که ایمان آورده‌اند؛ ثابت قدم دارید. به زودی در دل‌های کافران رعب و

وحشت می اندازم...).

پس در جنگها مأموریت عده‌ای از فرشتگان امداد معنوی و الهام برای اهل اسلام و ایجاد رعب و وحشت در دل کافران است همانگونه که شیاطین نیز همین عمل را با دوستان و دشمنان خود انجام می دهند.

در روایات مهدویت به کرات از امداد خداوند برای مهدی (عج) از طریق «رُعب» از ناحیه معصومین علیهم السلام سخن به میان آمده است.

علاوه بر موارد ذکر شده طبق آیات کریمه قرآن، فرشتگان مأموریت‌های متفاوتی داشته‌اند. برای مثال در آیات (۲۴-۳۰) سوره مبارکه «ذاریات» فرشتگان به شکل آدمیزاد بر حضرت ابراهیم علیه السلام نازل شدند و به او بشارت تولد فرزندی را در سن پیری و کهولت ابلاغ کردند. همان فرشتگان در آیات ۳۱ به بعد به جهت عذاب قوم لوط به سوی آنها رهسپار شدند.

با این مطالب فهمیدیم که فرشتگان مأموران الهی هستند که در امور متفاوت به اذن خدا فعالیت می کنند و چون از مطالب کتاب دریافتیم که مهدی (عج) و ارث پیامبران است ارتباط او با فرشتگان و حمایت فرشتگان از او در هر زمانی و مکانی به اذن خدا دور از عقل و سنت نیست.

پس با توکل به خدا پاسخ قسمت اول این شبهه را خواهیم داد:

اولاً: طبق حدیث، این فرشتگان یاوران مهدی (عج) در زمان ظهور هستند و پاسخ سؤال و این ابهام در خود سؤال داده شده است و ارتباطی با غیبت او و مخفی شدن او از دست ستمگران ندارد.

ثانیاً: ظاهراً سؤال کننده به مباحث فرشتگان در قرآن و سنت نبوی آشنا نبوده است و تصور کرده که یاورانی از جنس فرشته می توانند تمام یا قسمت اعظمی از دشمنان مهدی (عج) را قلع و قمع کنند و از میان ببرند، زیرا مجرد وجود فرشتگان دلالت تام بر ظهور یا عدم گریز مهدی (عج) از دست ستمگران نیست و پیروزی و ظهور منوط به اذن خداوند است چنانکه خداوند در قرآن کریم راجع به حمایت فرشتگان در جنگها فرموده است:

﴿و ما جعله الله الابشری و لتطمئن به قلوبکم و ما النصر الا من عند الله ان الله عزیز حکیم﴾  
(الانفال / ۱۰)

(و [خداوند فرو فرستادن فرشتگان در جهت یاری مسلمین در جنگها را] تنها برای شادی و بشارت و اطمینان قلبی شما قرار داده و گرنه پیروزی جز از طرف خدا نیست. به درستی که او شکست ناپذیر و حکیم است).

پس با توجه به تاریخ اسلام و با عنایت به آیات ذکر شده اگر با تصور و تفکر سؤال کننده و ایجاد کننده این شبهات به قضیه فرشتگان در اسلام نگاه کنیم. بر پیامبر ﷺ اشکال وارد است که با توجه به وجود فرشتگان با دسته های سه هزار تایی و پنج هزار تایی چرانتوانست کل دنیا را فتح کند؟ یا چرا خیلی از اصحابش در جنگها کشته شدند؟ در حالی که فرشتگان یاری گر آنها بودند.

پس پیروزی به اذن خداست و فرشتگان مأموران الهی در جهت ایجاد رعب برای کافران و ایجاد اطمینان قلبی برای مؤمنان هستند. پس استنتاج اولیه در قسمت نخست ابهام، فاسد و بی اساس است.

### محور دوم: سرداب

سرداب در زبان عربی به معنای «زیرزمین» است. همانطور که در ایران و مناطق کویری که شدت گرما اسباب مزاحمت برای انسان فراهم می کند. گذشتگان ما برای رهایی از این زحمت به ایجاد سازه ها یا ساختارهایی در معماری می پرداختند تا خود را با محیط اطراف سازگار کنند. در عراق نیز به جهت گرمایی که وجود دارد از اجزایی در ساختمان به عنوان سرداب یا زیرزمین استفاده می شده که آنها را از گزند گرما محافظت می کرد. شهر سامراء محل ولادت و سکونت امام زمان (عج) (حداقل به مدت پنج سال) نیز دارای همین نوع معماری بوده است که از سرداب یا زیرزمین به جهت دوری از شدت گرما استفاده می شده و اهل آنجا دوران گرما را در زیرزمین سپری می کردند. سرداب مقدس سامراء از آن جهت برای شیعه اهمیت دارد که سه امام بزرگوار (امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و امام زمان (عج) حداقل به مدت پنج سال) در آن زندگی کرده اند و آنجا به حضور ایشان تقدس یافته است. اما اینکه یک عده از سر جهالت بیایند و ادعا کنند که سرداب مقدس سامراء، محل غیبت همیشگی مهدی (عج) است یعنی مهدی (عج) در این مکان غائب است تا زمانی که به اذن خدا ظهور کند، این مطلب غیرواقع و با بسیاری از احادیث

و روایات معتبری که ما در کتاب آوردیم تضاد دارد. قطعاً این خرافه از سوی دشمنان مهدی (عج) ساخته و بافته شده است تا حقیقت مهدی (عج) و اخلاص و اعتقاد شیعیان را زیر سؤال ببرد.

جالب است عناد با شیعه تا آنجا پیش رفته که جدیداً مرقد مطهر امامین عسکریین علیهما السلام را دشمنان کوردل و منافق بمب‌گذاری کرده‌اند و بعد از آن در سرداب مقدس نیز بمب گذاشته‌اند. شاید غرض آنها، این بوده که اگر شیعیان اعتقاد دارند که مهدی (عج) در آنجا غائب شده و در آنجا به سر می‌برد از اعتقاد خود برگردند. این در حالی است که در کتابهای معتبر شیعه چون «الکافی»، «الغیبه» نعمانی، «الغیبه» طوسی، «کمال‌الدین» صدوق و... به غیبت مهدی (عج) در سرداب مقدس اشاره نشده و هیچ یک از علماء شیعه آن را تأیید نکرده است. پس حقیقتاً این خرافه و این مطلب غیرواقع را دشمنان و منافقینی که با شیعیان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام عناد داشته و دارند به ما نسبت می‌دهند.

برای مثال «ابن تیمیه» متوفی ۷۲۸ هـ ق از علماء معروف اهل سنت در کتاب «منهاج السنة» خویش آورده است:

«از حماقت شیعیان اینکه برای امام منتظر چندین مشهد ساخته‌اند که در آنها انتظار او را می‌کشند، از جمله سرداب سامرا که خیال می‌کنند در آنجا غایب شده است، اسب یا استری را در آنجا نگه می‌دارند، تا به هنگام ظهور بر آن سوار شود! در آن جا افرادی را گماشته‌اند که هر صبح و شام فریاد برآورد: «ای مولای ما بیرون بیا!»<sup>۱</sup>

همه‌ی کسانی که با تاریخ سامرا آشنایی دارند می‌دانند که این شهر از روز تولد حضرت مهدی علیه السلام تا به امروز، محل اقامت هزاران خانواده سنی بوده و اگر چنین مطلبی حقیقت داشت از دید آنها پنهان نبود، از چهره سرشناسی چون ابن تیمیه بسیار نکوهیده است که چنین تهمت ناروایی را به عمد جعل کرده و به شیعیان اهل بیت علیهم السلام نسبت بدهد، و از افراد سرشناس دیگری چون «ابن قیم جوزیه» بسیار زشت است که تهمت‌های پوچ او را در آثار خود نقل کنند و بر آن صحه بگذارند.

۱. ابن تیمیه، منهاج السنة، ج ۱ ص ۱۲ چ بولاق ۱۳۲۱ ق. مطبعة الرياض.



این جعل و افتراء عظیم به شیعیان ما را به یاد حکایتی از «ملانصرالدین» می‌اندازد:

«روزی مُلاً، در کوچه‌ای راه می‌رفت. ناگهان به دروغ فریاد زد: آهای مردم! در فلان جا دارند آتش نذری می‌دهند! بعد از مدتی عده بسیاری از مردم، کاسه به دست به طرف آن موضعی که مُلا اشاره کرده بود؛ رهسپار شدند و صف طولانی تشکیل شد. مُلا از صف طولانی و هجوم مردم به آن سمت بسیار تعجب کرد. خودش از گفته باطل و غیرواقعی خود اغواء شد. به طوری که به خانه خود رفت و یک کاسه برداشت و در همان صف ایستاد تا برای خود آتش نذری تهیه کند!»

آری! عده‌ای ضدشیعه که نور حقیقت صاحب‌الزمان (عج) برای آنها قابل تحمل نیست و به تاریکی‌ها عادت کرده‌اند. مانند این خرافات و افسانه‌ها را می‌سازند و به شیعه پیامبر ﷺ و معصومین علیهم‌السلام نسبت می‌دهند و عده‌ای نیز مانند این سؤال‌کننده بی‌خبر از همه جا، این مطلب را از شیعه دانسته و بر سر شیعیان می‌کوبد.

نتیجه این که مهدی (عج) یاورانی از فرشتگان دارد که در زمان ظهورش او را یاری می‌کنند و عطف این مطلب به قضیه سرداب سامراء و غیبت او در آنجا (طبق عقیده مخالفان شیعه) دو موضوع متفاوت و متباین و غیرقابل عطف است. به طوری که در این استنتاج یکی از مؤلفه‌ها به طور کل فاسد و مجعول است. پس از فضل خداوند این فتنه نیز پاسخ یافت.

﴿مکرواومکرالله و الله خیرالماکرین﴾ (ال عمران / ۵۴)

(مکر کردند و خداوند نیز مکر کرد و خداوند بهترین مکرکنندگان است).

## ۱۲. لقب صاحب‌زمان مرا تکان داد!

صاحب‌کتاب «ریح‌الصحابه و لم‌اخسر ال‌بیت» (صحابه را به دست آوردم بدون اینکه اهل بیت را از دست بدهم) مطالبی راجع به حضرت صاحب‌الزمان (عج) در کتاب ضد شیعه خود مطرح نموده است. جالب آنکه مترجم کتاب نام کتاب را بر روی جلد «آنگاه که صحابه را شناختم» در نظر گرفته است که دور نیست آنرا از نام کتاب «ثم‌ اهتدیت» (آنگاه که هدایت شدم) دکتر تیجانی تقلید کرده باشد.

اما این کتاب کجا و آن کتاب کجا؟ عنوانی با این جمله «لقب صاحب زمان مرا تکان داد!» در این کتاب برای خوانندگان گشوده شده است که در ذیل آن آمده است: یکی از مسائل مهمی که به من ضربه زد بعضی از القاب صاحب الزمان بود که علامه نوری طبرسی در کتاب [النجم الثاقب فی احوال الامام الحجه الغائب (عج)] ذکر کرده است.

نوری طبرسی می‌گوید که یکی از القاب امام زمان (خسرو مجوس) است (النجم الثاقب - ۱/۱۸۵). و این لقب، لقب چهل و هفتم امام است. چه فاجعه و مصیبت بزرگی!

چگونه ممکن است که امام ما (خسرو مجوس) نامیده شود؟ مجوس‌ها چه ربطی با صاحب الزمان دارند؟  
پاسخ:

در مقام جواب به این شخص می‌گوییم: اگر قرار باشد یک لقب از حضرت صاحب الزمان (عج) باعث ترک مذهب و آیین و اعتقاد به او شود این نشان از سست عنصری و بی‌اساس بودن اندیشه است که خود نوعی بیماری روحی قلمداد می‌شود. از سویی دیگر مقصود اصلی و غرض میرزای نوری در بیان القاب حضرت (عج) و در مورد این گونه القاب که مربوط به ادیان دیگر است؛ نوعیت مهدی (عج) است. برای مثال از القابی که برای پهلویان برای منجی در نظر آمده مانند: «بهرام»، «بسنده یزدان»، «پرویز» و... یاد کرده است.<sup>۱</sup> این لقب چهل و هفتم است و آن شصت و پنجم! معنا ندارد. بلکه میرزای نوری در چهل و هفتمین لقبی که تحقیق کرده؛ آورده است: در «ذخیره» و «تذکره» مذکور است که «خسرو» نیز نام آن حضرت است و در کتاب «جاویدان»: «خسرو مجوس»<sup>۲</sup>

در لغت‌نامه، خسرو به معنای هر پادشاه صاحب شوکت است.<sup>۳</sup> پس با این حساب این معنا که در کتابهای پهلویان به منجی نسبت داده‌اند در مورد مهدی (عج) نیز صدق می‌کند اما آنچه در کتاب جاویدان به نام «خسرو مجوس» آمده است دلالت نمی‌کند که حتماً لقب حضرت باشد بلکه نام منجی برای اهل مجوس

۲. همو. پیشین. ص ۵۲

۱. طبرسی نوری، نجم ثاقب. ص ۴۷

۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، دانشگاه تهران

است.

چنانکه در قرآن آیین مجوس که پیروان زرتشت به آن معتقدند در ردیف اهل ایمان قرار گرفته است.

﴿ان الذین امنوا والذین هادوا والصابئین و النصارى و المجوس و الذین اشركوا ان الله یفصل بینهم یوم القیامة ان الله على کل شیء شهید﴾ (الحج / ۱۷)

(مسلمانان کسانی که ایمان آورده‌اند یهود (پیروان موسی) و صابئان (پیروان یحیی) و نصاری (پیروان عیسی) و مجوس و کسانی که شرک ورزیدند. خداوند در میان آنها در روز قیامت داوری می‌کند. خداوند بر هر چیز گواه است).

پس اگر ما آوردیم «ماشیح» از القاب منجی برای یهودیان است نباید چنین برداشت شود که امام زمان (عج) از میان طایفه یهود برمی‌خیزد، و این نوع اشکال گرفتن بسیار ساده لوحانه است و از بی‌سوادی و بی‌اطلاعی شخص نشأت گرفته است. به راستی بزرگان درست فرموده‌اند که نیم عالم و نیم طبیب جهانی را به فساد می‌کشانند. این گونه ابهامات اصلاً قابلیت طرح ندارند چون فوق‌العاده پیش پا افتاده و سطحی هستند. اما آن را ذکر کردیم تا سطح فکر افرادی که قصد فتنه‌انگیزی و گمراهی شیعیان پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام را دارند توسط خودشان آشکار شود.

### ۱۳. آیا مهدی ویرانگر مقدسات مسلمین است؟!

از دیگر اشکال تراشی‌ها و فتنه‌انگیزی‌های هدفمند در این کتاب طرح این شبهه است که:

مقدسات مسلمین هم از دست صاحب‌الزمان در امان نخواهند بود زیرا روایات به صراحت می‌گویند که امام قائم، مسجد الحرام را منهدم می‌کند تا آن را به صورت اصلی آن برگرداند و مسجد پیامبر ﷺ را خراب می‌کند تا به صورت اصلی اش آن را برگرداند و کعبه را به جای اصلی آن می‌برد و به صورت اصلی اش آن را می‌سازد. (الغیبه طوسی ص ۲۸۲. بحار الانوار ۲۳۸/۵۲)

پاسخ:

این ابهام و اشکال بسیار فتنه‌انگیز است و اگر کسی اطلاعات اندکی از تاریخ اسلام داشته باشد بسیار تحت تاثیر قرار می‌گیرد و پیش خود تصور می‌کند که آن

مهدی که در روایات آمده یک انسانی است که حتی به مقدسات دین خود هم رحم نمی‌کند پس وای به حال ما!

و به راستی احادیث ائمه چون امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و دیگران که فرموده بودند که غیبت مهدی (عج) آن قدر به طول می‌انجامد که عده‌ای از مسلمین از عقیده به او برمی‌گردند؛ این مطلب در این زمان و برای ما آشکار شده و عینیت یافته است.

سؤال‌کننده یا بهتر بگوییم فتنه‌انگیزی که این مطالب را وارونه و به جهت گمراهی شیعیان مطرح کرده است در برابر خداوند و رسول صلی الله علیه و آله مسئول است و در قیامت باید جوابگو باشد.

روایتی که از الغیبه «طوسی» و بحار «مجلسی» نقل شده؛ روایت صحیحی است که نیاز به تفهیم، تعمیق و تدقیق دارد.

مسجد الحرام در مکه دارای اجزاء و قسمت‌های متفاوتی است. شاخص این اجزاء کعبه (بیت‌الله الحرام) است. همین طور مقام حضرت ابراهیم، چاه زمزم. نیز از اجزاء این مسجد مقدس به شمار می‌رود. مسجد النبی در مکه از بزرگترین و شریفترین مساجد پس از مسجد الحرام است. با بررسی تاریخ اسلام درمی‌یابیم در طول تاریخ این مکانها در معرض سوءجویی‌های سیاسی، ریاکاری، جهل و غفلت خلفاء و حکمرانان اسلامی واقع شده و در آنها تغییرات و ابداعات صورت پذیرفته است. مباحث را به جهت تفهیم به شکل زیر طبقه‌بندی می‌کنیم:

- آرزوی پیامبر صلی الله علیه و آله در تغییر ساختار کعبه
- تغییرات کعبه توسط حکمرانان
- تغییر مقام حضرت ابراهیم علیه السلام
- تغییرات حکمرانان در مسجد النبی (مسجد پیامبر)

### آرزوی پیامبر صلی الله علیه و آله در تغییر ساختار کعبه

در کتاب صحیح مسلم از کتب معتبر اهل سنت روایاتی وجود دارد که بیانگر این حقیقت است که پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات خود آرزومند و دوستدار تغییر در ساختار کعبه بود اما به واسطه تعصب و عدم فهم عده‌ای از مردم از تصمیم خود

منصرف شده بود. این روایات نشانگر این است که حتی پیامبر ﷺ از مسلمین و مردم زمانه خود نیز تقیه می‌کرد و بسیاری از احکام الهی در زمان او و همینطور جانشینانش فرصت اجرا نیافتند، تا زمانی که ان شاء الله مهدی (عج) ظهور نمایند و فرج امر پیامبر ﷺ فراهم گردد. به روایات زیر توجه کنید:

(الف) پیامبر ﷺ خطاب به عایشه (همسر خود) فرمودند: آیا ندیدی که قوم تو (خانواده عایشه که دختر ابوبکر خلیفه اول بود و مقصود قوم و خانواده اوست) به هنگام بنای کعبه، پایه‌هایی را که حضرت ابراهیم عليه السلام قرار داده بود؛ پایین آوردند. عایشه گوید: پس عرض کردم، ای رسول خدا! آیا آنها را بر نمی‌گردانی بر همان پایه‌هایی که حضرت ابراهیم عليه السلام قرار داده بود؟ پیامبر ﷺ فرمودند: اگر گرایش قوم تو به کفر نبود حتماً این کار را انجام می‌دادم.

(ب) پیامبر ﷺ به عایشه فرمودند:

اگر نبود که قوم تو به جاهلیت یا به کفر برگردند هر آینه من گنج کعبه را [در راه خدا] انفاق می‌کردم، (از ظاهر روایت به دست می‌آید که در زیر کعبه گنج نهفته است و الله اعلم) و در کعبه را به سوی زمین قرار می‌دادم و داخل می‌کردم (در آن را) از طرفی که حجر اسماعیل در آن قرار دارد (یعنی در را از طرف حجر می‌گشودم)

(ج) پیامبر ﷺ بر عایشه فرمودند:

اگر نبود که قوم تو به سوی شرک باز گردند هر آینه کعبه را منهدم می‌کردم و آن را به زمین می‌چسباندم (یعنی با سطح زمین یکسان می‌کردم) و دو در شرقی و غربی در آن قرار می‌دادم و از طرف حجر اسماعیل به [وسعت کعبه] شش ذراع می‌افزودم. پس قریش اکتفا کردند به آن کعبه همانطوری که بنا شده بود<sup>۱</sup>.

۱. رک: مسلم، الصحيح. شرح الامام النووی. نشر دارالفکر. المجلد الخامس. الجزء التاسع. باب نقص الكعبه و بنائها صص ۸۸-۹۶

## تغییرات کعبه توسط حکمرانان

در سال ۶۴ هجری، عبدالله بن زبیر شورش کرد و شهر مکه را به عنوان مرکز حکومت خود برگزید. سپاهیان شام که در پی براندازی حکومت زبیریان بودند برای تصرف آن، ابتدا به مدینه رفتند و سپس با سرکوبی قیام آن شهر تا به سوی مکه آمدند. آنها بر فراز کوه‌های اطراف رفتند و شهر مکه را در حصار خود گرفتند و با نصب منجنیق، شهر را با آتش و سنگ مورد حمله قرار دادند. در این درگیری‌ها، پرده کعبه آتش گرفت و پس از آن کعبه نیز ویران شد.

عبدالله بن زبیر به رغم مخالفت برخی از اصحاب، باقی مانده دیوار کعبه را از پایه و اساس برداشت و بار دیگر آن را بنا کرد. وی در بنای جدید کوشید تا تغییری را که قریش در ساختمان کعبه داده و مقداری از مساحت آن را در سمت حجر اسماعیل کاسته بودند (حدود سه متر) به کناری نهد و کعبه را به همان شکل قبل از بنای قریش درآورد.

به علاوه ابن زبیر به مانند آنچه پیش از بنای قریش بود دو در برای کعبه گذاشت که هر دو روی زمین قرار داشت نه مانند وضع فعلی که حدود دو متر از زمین بالاتر است. یک در برای ورود و در دیگر برای خروج بود. این درها دقیقاً به جای همان محلی بود که درهای پیشین قرار داشت.

چند سال بعد (۷۳ هجری قمری) شهر مکه به دست حجاج بن یوسف ثقفی افتاد و عبدالله بن زبیر به قتل رسید. حجاج با نوشتن نامه‌ای به عبدالملک مروان، خلیفه وقت، از وی خواست تا اجازه دهد کعبه را به شکل قبلی خود درآورد و افزوده ابن زبیر را کم کند. عبدالملک اجازه داد تا کعبه به همان صورت گذشته که پیش از بعثت ساخته شده بود تنها دارای یک در باشد و آن مقدار از حجر اسماعیل که داخل کعبه شده بود دوباره بر حجر افزوده شود. نوشته‌اند که بعدها عبدالملک از این دستور خود پشیمان شد.

سالها بعد، منصور عباسی در اندیشه بازسازی آن براساس بنای ابن زبیر بود که «مالک بن انس» او را از آن نهی کرد و گفت: نباید او با این اقدام خود کاری کند که کعبه ملعبه دست ملوک و امیران بعدی قرار گیرد به طوری که هر روز کسی از آن کم کند و یا بر آن بیفزاید و هیبت آن را از بین ببرد.

### تغییر مقام حضرت ابراهیم علیه السلام

در قدیمی ترین کتاب شیعه (کتاب سلیم بن قیس هلالی) به تغییر مکان مقام حضرت ابراهیم علیه السلام در صدر اسلام اشاره شده است که این امر به خلاف سنت رسول الله صلی الله علیه و آله بوده و بدعت آن بر همه مسلمین آشکار بوده است.

۱. امام علی علیه السلام روبه عده ای از اهل بیت و شیعیانش کرد و سپس فرمود: خلفای قبل از من کار بزرگی که مخالف پیامبر صلی الله علیه و آله بود انجام دادند که اگر من بخواهم مردم را به ترک آن مجبور سازم و آن را از آن حالتی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله اجرا می شد باز گردانم همه سپاهیانم از اطراف من پراکنده می شوند به طوری که به جز عده اندکی از شیعیانم که به فضل و امامت من از طریق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عالم هستند هیچ کس در سپاه باقی نمی ماند. سپس فرمودند: چگونه می شود اگر دستور دهم تا مقام ابراهیم علیه السلام بازگردانده شود به جایی که پیامبر آن را در ابتدا قرار داده بود!

۲. امام علی علیه السلام روبه جمعیت کرد و فرمودند: تعجب است از قومی که می بینند سنت و روش پیامبرشان یکی پس از دیگری جابجا می شود و تغییر می یابد و ایشان به این تغییر در سنت [پیامبر] صلی الله علیه و آله و به این بدعتها [در امر دین] رضایت می دهند و آن را انکار نمی کنند. بلکه [برعکس] کسی را که این بدعتها را انکار کند؛ سرزنش می کنند و بر او خشم می گیرند. بعد هم گروهی بعد از ما می آیند و از بدعتها و ظلمهای او و آنچه [از خودش در دین] پیاده کرده؛ پیروی می کنند و آنچه را که او ایجاد کرده سنت و جزئی از دین قرار می دهند، [و جالب آنکه] با آن بدعتها به سوی خدا تقرب نیز می جویند، مثل تغییر دادن مقام ابراهیم علیه السلام از جایی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گذاشته بود به محلی که در زمان جاهلیت در آن جا بود و پیامبر از آنجا برداشته بود...<sup>۲</sup>

۳. این مطلب در صدر اسلام بسیار معروف و مشهور بوده است تا آنجا که معاویه در نامه اش به زیاد بن ابیه به این امر متذکر می شود:

«...چه بسیار سنتهایی که عمر [خلیفه دوم] در این امت برخلاف سنت پیامبر

۱. هلالی. سلیم بن قیس. پیشین. ج ۲ ح ۱۸ ص ۷۲۰

۲. همو. پیشین. ج ۲ ح ۱۴ ص ۲۷۶

ﷺ ایجاد کرده و مردم از او پیروی کردند و آن را اجرا نمودند. این هم یکی از جمله آن سنت‌ها: محل مقام ابراهیم علیه السلام را از جایی که پیامبر قرار داده بود؛ تغییر داد<sup>۱</sup>....» با این اوصاف و با عنایت به این احادیث معتبر در قدیمی‌ترین و کهن‌ترین کتاب شیعه درمی‌یابیم که مقام حضرت ابراهیم علیه السلام که از اجزاء مسجدالحرام است در صدر اسلام دچار تغییر مکان شده است، پس امام زمان (عج) هنگامی که ظهور فرمایند این مقام را خراب کرده و به جایگاه اولیه خود باز می‌گردانند. طبق گزارشها گویی عرب در دوران جدید نیز قصد تغییر مکان مقام ابراهیم علیه السلام را در سرمی‌پرورانده است:

«...درباره انتقال مقام به نقطه دیگر مسجدالحرام در حوالی سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ قمری بحث‌های زیادی میان علمای اهل سنت صورت گرفت. ابتدا قرار بود که مقام به مقصوره‌ای که در نزدیکی باب «بنی شیبه» ساخته شد؛ منتقل شود اما به دلیل مخالفت عمومی علمای اسلامی در سایر نقاط با این اقدام و تاکید بر ابقای آن در محل قبلی و البته در مقصوره فلزی موجود، دولت سعودی پذیرفت تا آن را در بنای کوچکتری که امروزه موجود است قرار دهد<sup>۲</sup>».

### تغییرات حکمرانان در مسجدالنبی (مسجد پیامبر)

(الف) سادگی و معنویت مسجد در زمان پیامبر

مسجدی که رسول خدا ﷺ بنا کرد از جهات زیادی با آنچه امروز در جای آن ساخته شده؛ تفاوت دارد. زیرا در زمینی محدودتر و بنایی ساده‌تر و خلوص بیشتر بنا شده بود. طول مسجد هفتاد ذراع، عرض شصت ذراع (هر ذراع حدود نیم متر) نخستین بنای آن از شاخ و برگ و تنه درخت نخل و پس از سال چهارم هجری از خشت و گل بود<sup>۳</sup>. این مسجد در گذر زمان بارها توسعه یافته تا اینکه به شکل کنونی درآمده است.

۱. هلالی، سلیم بن قیس. پیشین. ج ۲ ح ۲۳ ص ۷۴۵

۲. التاريخ القويم لمكة و بيت الله الكريم تالیف محمدطاهری كردی. مکتبه النهضة الحدیثه

۱۴۲۲ ق ج ۴ ص ۵۲ به نقل از: آثار اسلامی مکه و مدینه ص ۱۰۱

۳. جعفریان، رسول. پیشین. ص ۲۰۳



(ب) حد و حدود مسجد در زمان پیامبر ﷺ

در سال هفتم هجرت، با گسترش اسلام و افزایش شمار مسلمانان، ضرورت توسعه مساحت مسجد مطرح شد. رسول خدا ﷺ بر طول و عرض مسجد افزود و مساحت آن به ۲۴۷۵ مترمربع رسید. در این توسعه شکل مسجد به صورت مربع درآمد. در حال حاضر نرده‌های فلزی طلایی رنگ که در جنوب مسجد (سمت قبله) قرار دارد و از شرق تا غرب مسجد است حد جنوبی مسجد زمان رسول خدا ﷺ است. چنان که ستون‌های نصب شده توسط سلطان عبدالمجید عثمانی در انتهای رواق نخست مسجد که مشرف بر حیاط اول است؛ حد شمالی مسجدالنبی است. این ستونها در برابر «باب النساء» قرار دارد.

حد شرقی مسجد در سمت مدفن پیامبر ﷺ پنجمین ستون در سمت چپ منبر و به قدر چهار ذرع داخل در محلی است که شبکه‌های فلزی دور آن کشیده شده و مدفن پیامبر ﷺ است. در واقع بخش کوچکی از زمین مسجد اصلی در سمت شرق داخل در محدوده حجره شریفه قرار گرفته است. اما حد غربی مسجد، پنجمین ستون راست منبر در سمت غرب است که در حال حاضر روی ستونهای آن قسمت نوشته شده است: «حد مسجدالنبی».

(ج) توسعه مسجد توسط عمر (خلیفه دوم)

خلیفه دوم (خلافت از سال ۱۳ تا ۲۳ هـ) تصمیم گرفت تا خانه‌های اطراف را بخرد و آنها را ضمیمه مسجد سازد.

مسجد، اندکی در سمت قبله (یعنی جنوب) و نیز از جهت غرب و شمال گسترش یافت. در این میان، قرار بود خانه عباس عمومی پیامبر ﷺ نیز خراب شود که کار به منازعه لفظی کشیده شد. خلیفه تن به حکمیت یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ داد و حکم حکم کرد که خلیفه نباید برای مسجد، به زور زمینی را از صاحبش بگیرد.

(د) توسعه مسجد توسط عثمان (خلیفه سوم)

عثمان وسعت مسجد را نسبت به زمان خلیفه دوم زیادتر کرد به طوری که به

۴۰۷۱ مترمربع رسید. این افزایش نیز در پی خواست مردم بود که مجبور بودند برای نماز جمعه خارج از مسجد بنشینند. در برابر، شماری از مردم که خانه‌هایشان در این افزایش تخریب می‌شد؛ با توسعه مسجد مخالف بودند. دلیل دیگر مخالفت مردم آن بود که احساس می‌کردند عثمان با روحیه‌ای که دارد؛ مسجد را از حالت سادگی نخست درمی‌آورد و از سنگ‌های تراشیده در بنای آن استفاده می‌کند. وی در بنای جدید از سنگهای حجاری شده و منقش استفاده کرد. سقف را با چوب ساج ترمیم کرد. به علاوه در قسمت جلوی مسجد یعنی محل ایستادن امام، مقصوره یا غرفه کوچکی ساخت که امام در آنجا می‌ایستاد. [و این امر بدعت در دین بود] هدف وی آن بود که تا مانند عمر بن خطاب [به هنگام نماز] مورد حمله قرار نگیرد بلکه در جایی محفوظ به نماز بایستد.

(ه) توسعه در زمان خلافت ولید بن عبدالملک

در زمان خلافت ولید بن عبدالملک و آنگاه که عمر بن عبدالعزیز از طرف وی حکومت مدینه را داشت؛ توسعه نسبتاً زیادی در مساحت مسجد و بنای آن داده شد. این توسعه به دستور ولید شامل شرق مسجد نیز شد که حجره‌های رسول خدا ﷺ [خانه‌های زنان پیامبر ﷺ] در آنجا قرار داشت. براساس دستور وی قرار شد تا گرد مرقد پیامبر ﷺ دیواری بکشند و از آن ناحیه نیز بر مسجد افزوده شود. مردم مدینه که این حجرات را خاطره حضور رسول خدا ﷺ و زندگی ساده آن حضرت میان خود می‌دیدند، از شنیدن خبر تخریب شروع به شیون و زاری کردند.

علت ناراحتی آنان این بود که می‌خواستند آثار پیامبر ﷺ در میان آنان محفوظ بماند تا نسل‌های آینده بدانند آن حضرت تا چه اندازه زندگی ساده و بی‌آلایش داشته است. «سعید بن مسیب» می‌گفت: ای کاش! این خانه‌ها را به همان صورت باقی گذاشته بودند تا وقتی کسی از اطراف مدینه می‌آمد؛ می‌دید که پیامبر ﷺ در زندگی خود به چه چیزی اکتفا کرده و مردم را در تفاخر و تکاثر تعدیل کرده به زهدگرایی سوق می‌داد.

گفتنی است خانه حضرت زهرا علیها السلام که در کنار آن، ستون مربعه القبر یا مقام جبرئیل بوده تا قرن‌ها داخل مسجد بوده است اما از زمانی که سلطان «بیرس» در

سال ۶۶۸ دیواری از شبکه‌های چوبی اطراف حجره شریفه کشید. محدوده خانه حضرت زهرا علیها السلام نیز داخل این مشبک شد. به احتمال زیاد، داخل کردن خانه حضرت زهرا علیها السلام بدان دلیل بوده است که بسیاری از مسلمانان نماز خواندن در این محل را به دلیل تصاحب اجباری آن توسط عمر بن عبدالعزیز درست نمی‌دانسته‌اند. داخل کردن این قسمت در دیواره مشبک صورت مسئله را پاک می‌کرده است.

خانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در اختیار فاطمه صغری دختر امام حسین علیه السلام و همسر «حسن بن حسن بن علی» بود. بنا به برخی روایات هدف اصلی ولید در توسعه مسجد به ویژه در سمت شرق، گرفتن این خانه از دست «حسن بن حسن» [شوهر فاطمه صغری] و دور کردن او از مسجد در واقع کاری سیاسی بوده است. فاطمه صغری با تصرف خانه خود مخالفت کرد اما ولید به زور آن را تصرف نمود. به همین دلیل تا سالها مردم از نماز خواندن در آن حدود پرهیز می‌کردند و آن را غصبی می‌دانستند. از آنجا که ولید علاقه بسیاری به بنای ساختمانهای زیبا داشت دستور داد تا افزون بر بنای مستحکم مسجد، تزیینات فراوانی در آن صورت گیرد. به گزارش طبری وی برای بنای مسجد از قیصر روم استمداد کرد و او نیز افزون بر کمک مالی فراوان شامل صد هزار مثقال طلا یک صد کارگر ماهر برای ولید فرستاد با کمک این افراد بود که ولید مسجد را به شکل زیبایی ساخت.

#### و) توسعه در زمان مهدی عباسی

مجموعه مساحتی که مهدی به مسجد افزود شامل ۲۴۵۰ متر می‌شد. در این بازسازی شمار زیادی از خانه‌های اطراف مسجد که هر کدام به نام صحابه ساکن در آنها شهرت داشت تخریب و به مسجد افزوده شد از جمله آنها خانه «عبدالله بن مسعود»، «شُرَحْبِیل بن حَسَنه» و «مسور بن مَخْرَمه» بود<sup>۱</sup>.

۱. جعفریان، رسول. پیشین. صص ۲۰۹-۲۰۳

## نتیجه

با توجه به این روایات تاریخی حکمرانان اسلامی به مساحت این مسجد مقدس افزوده‌اند و در این راه حتی به زور خانه‌های مردم را غصب می‌کردند تا آنجا که خانه دختر حضرت امام حسین علیه السلام را غصب کردند تا به مسجد افزوده شود. سیاسی‌کاری‌های حکمرانان اسلامی نیز در افزایش مسجد نقش بسزایی داشته است و به جای اخلاص و سادگی در مسجد از سیاسی کاری و در جهت منافع مادی خود بهره می‌بردند. ایجاد نقش و نگار در مسجد خلاف مساجد صدر اسلام که در اوج سادگی بودند یکی از انتقادات وارد به توسعه‌گران مسجدالنبی به حساب می‌آید، تا آنجا که ولید بن عبدالملک در تحقیق زیباسازی مسجدالنبی از قیصر روم طلب یاری می‌کند و موارد دیگر که ذکر نمودیم. پس بعید نیست طبق روایات معتبر شیعه وقتی که حضرت مهدی (عج) ظاهر می‌شوند مسجدالحرام را خراب می‌کنند تا به صورت اصلی خود بازگردانند زیرا قسمتهایی از مسجد که توسط حکمرانان و خلفاء اسلامی گسترش یافته؛ بیشتر براساس زور و غصب خانه‌های مسلمین یا از روی ریاکاری و با اهداف سیاسی بوده است. در حالی که مسجد باید براساس تقوی بنیان یابد. الغرض براساس مواردی که طبق اسناد و مدارک معتبر اسلامی روایت کردیم به این نتیجه رسیدیم که در مسجدالحرام، کعبه و مسجد پیامبر اضافات یا کاستیهایی رخ داده که توسط مهدی (عج) رفع می‌گردد. پس خراب کردن و انهدام این مکانهای مقدس به جهت احیاء سنت واقعی از سوی حضرت مهدی علیه السلام است. امری که ائمه پیش از مهدی (عج) و حتی خود پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت تقیه و خوف از مسلمین خائن و غافل از جانب خداوند به آن (اصلاح این مواضع) مأذون و مأمور نبودند.

به این ترتیب اشکال دیگری نیز که با توجه به روایات معتبر اسلامی مطرح شده بود پاسخ یافت اشکالی که از بی‌اطلاعی و بی‌سوادی فتنه‌انگیزی که این ابهام را پیش کشیده؛ سرچشمه گرفته بود.

#### ۱۴. اگر مهدی وجود دارد چرا حداقل یک نوار ویدیویی ارائه نمی‌دهد؟!

صاحب کتاب یاد شده در قسمتی از آن آورده است:

...علت پنهان شدن او [یعنی مهدی] این است که می‌ترسید که عباسی‌های آن زمان او را به قتل برسانند، اما چرا امروز مهدی بر صفحات تلویزیون ظاهر نمی‌شود؟ زیرا ما در عصر ماهواره و اینترنت به سر می‌بریم یا حداقل در یک نوار ویدیویی با صدا و تصویرش ظاهر شود چنانکه بسیاری از شخصیت‌های مخالف و فراری که با حکام می‌جنگند چنین می‌کنند، او نیز چنین کند و نوار را به دست افرادی بدهد که هر از چندگاهی ادعا می‌کنند که با او ملاقات کرده‌اند تا برای جهانیان ثابت شود و یا حداقل برای کسانی که به وجود او باور ندارند ثابت شود که او شخصیتی وهمی و خیالی نیست و خرافات و دروغ نیست و آنچه در اخبار و روایات آمده؛ درست است.

پاسخ:

اولاً: سؤال‌کننده آورده: «...علت پنهان شدن مهدی ترس از عباسیان آن زمان است که او را به قتل برسانند». همانگونه که ما در کتاب آوردیم هنوز هم بعد از گذشت بیش از هزار سال عباسیان این زمان نیز در جستجوی اویند تا وی را به قتل برسانند پس تفاوت چندانی در عداوت با او و اهداف او دیده نمی‌شود.

ثانیاً: سؤال‌کننده امام زمان (عج) را با آن همه بزرگواری و عظمت در کنار شخصیت‌های مخالف و فراری با حکام امروزی قرار داده که هر از چندگاهی مانند تروریست‌هایی چون «بن‌لادن»، «ملا عمر (طالبان)» و «زرقاوی» نوارهایی ویدیویی یا صوتی یا شبنامه پخش و منتشر می‌سازند. این در حالی است که ما در کتاب، مبحثی به نام «تجلیات حضور حضرت (عج) در دوران غیبت کبری» گشودیم تا برای شیعیان آشکار شود که امام در عصر غیبت تامه خود، چگونه و از چه مواضعی برای امت، خویش را متجلی می‌سازد.

ثالثاً: شأن امام بالاتر از این است که ما به او پیشنهاد بدهیم یا توقع چنین کارهایی چون پخش نوار ویدیویی یا حضور در شبکه‌های ماهواره‌ای داشته باشیم. قاعدتاً همیشه باید تبعیت ما از مافوق باشد و حتماً صلاح در این است که این کارها انجام نشود و حضرت به سبک خود که در بحث تجلیات ذکر کردیم خویش را به مردم معرفی می‌کند و اسباب قوت قلب منتظران و اسباب هدایت منکران را فراهم می‌سازد.

رابعاً: عقل امام (عج) کامل تر از آن است که بخواهد یک نوار صوتی یا تصویری از ناحیه خود برای مسلمین پخش و انتشار دهد. چرا که می داند نوار صوتی امکان تقلید صدا و تحریف گفتار دارد و خود موجبات آشفتگی میان شیعیان را فراهم می سازد و از سوی دیگر در مورد نوار ویدیویی هم باید گفت با گسترش علم رایانه و حقه های تصویری و گرافیکی امکان تصویرسازی غیر واقعی به جهت گمراهی مردم از چهره امام (عج) وجود دارد.

این سؤال آن قدر ساده لوحانه مطرح شده است که ما را یاد آیات شریفه ای از قرآن می اندازد که خداوند در مورد اعراب جاهل زمان پیامبر ﷺ و کافرین متوقع، نازل فرموده است:

(الف) ﴿ولواننا نزلنا اليهم الملكة و كلمهم الموتى و حشرنا عليهم كل شى قبلاً ما كانوا ليؤمنوا الا ان يشاء الله و لكن اكثرهم يجهلون﴾ (الانعام / ۱۱۱)

(و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان می فرستادیم و [اگر] مردگان با آنان به سخن می آمدند و هر چیزی را در برابر آنها جمع می کردیم هرگز ایمان نمی آوردند مگر آنکه خدا بخواهد ولی بیشتر آنها نمی دانند).

(ب) ﴿وقال الذين لا يرجون لقاءنا لولا انزل علينا الملكة اونرى ربنا لقد استكبروا في انفسهم و عتوتوا كبراً يوم يرون الملكة لابشرى يومئذ للمجرمين و يقولون حجراً محجوراً﴾ (الفرقان / ۲۱-۲۲).

(و کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند؛ می گویند: چرا فرشتگان بر ما نازل نمی شوند یا پروردگاران را با چشم خویش نمی بینیم؟ آنها درباره خویش تکبر کردند و سرکشی بزرگی انجام دادند. اما روزی که فرشتگان را می بینند روز بشارت مجرمان نخواهد بود و می گویند ما را امان دهید).

(ج) ﴿وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الارض ينبوعا. اوتكون لك جنه من نخيل و عنب فتفجر الانهر خللها تفجيراً. اوتسقط السماء كما زعمت علينا كسفا و تاتي بالله و الملكة قبلاً. اويكون لك بيت من زخرف اوترقى في السماء ولن نؤمن لرقيك حتى تنزل علينا كتاباً نقرؤه قل سبحان ربي هل كنت الا بشراً رسولاً﴾ (الاسراء / ۹۳-۹۰).

(و [منکران و مشرکان به پیامبر] عرض کردند: ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه چشمه ای از این زمین [خشک مکه] بیرون آوری! یا باغی از نخل و انگور در

اختیار تو باشد و نهرها در لابلای آن جاری سازی! یا قطعات [سنگهای] آسمان را آنچنان که می‌پنداری بر سر ما فرود آوری یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما حاضر کنی! یا خانه‌ای آراسته داشته باشی! یا به آسمان بالا روی! حتی اگر به آسمان هم بروی؛ ایمان نمی‌آوریم مگر آن که نامه‌ای بر ما نازل کنی تا ما آن را بخوانیم!

[ای پیامبر] بگو: پروردگار من [از این یاوه‌سرائیها بدون حکمت و اقتضاء] منزّه است. مگر من جز بشری هستم که فرستاده خداست؟

(د) ﴿وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قُرْطَاسٍ فَلَمْسُوهُ يُبَادِلُ لِقَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا ان هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ (الانعام / ۷)

([حتی] اگر ما نامه‌ای روی کاغذی بر تو نازل کنیم که آن را لمس کنند باز کسانی که کفر می‌ورزند؛ می‌گویند: این جز یک جادوگری آشکار نیست).

براساس آیاتی که بیان کردیم حتی اگر فرضاً حضرت صاحب‌الزمان (عج) در قالب یک نوار ویدیویی ابراز موجودیت فرمایند برای افرادی همچون این فتنه‌انگیزان و اشکال‌تراشان، این امر چون یک فیلم سینمایی تلقی می‌شود و خودشان از اولین مخالفان آن هستند. به هر روی ما چنان که در سابق آوردیم در مقام یک جوان شیعه برای این افراد آرزوی هدایت و فهم حق از خداوند مسئلت می‌کنیم.

از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«با عقلهای ناقص و رأی‌های باطل و قیاس‌های فاسد به دین خداوند (عزوجل) نمی‌رسند و این امر جز با تسلیم به دست نمی‌آید، و هر که تسلیم ما شد سالم می‌ماند و هر که به ما اقتدا کرد هدایت می‌شود و هر که به قیاس و رأی (خود) عمل کرد هلاک می‌گردد، و هر که در آن چه ما می‌گوییم شک داشته باشد یا آنچه بر او حکم می‌کنیم برایش سخت باشد به خدایی که «سبع‌المثانی» و «قرآن عظیم» را فرو فرستاده؛ کافر شده است در حالی که خودش نمی‌داند.»<sup>۱</sup>

معاویه در قسمتی از نامه خود به زیادبن ابیه از قول امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نقل کرده و نوشته است:

«عجم‌ها بر سر این دین بر شما چوب می‌زنند همچنانکه شما در ابتدا بر آنها زدید<sup>۲</sup> [یعنی شما را به اسلام واقعی دعوت می‌کنند]»

۱. ابن‌بابویه، محمدبن علی. پیشین. ج ۱ باب ۳۱ ح ۸  
 ۲. هلالی، سلیم‌بن قیس. پیشین. ج ۲ ح ۲۳ ص ۷۴۴

قافله هفتم

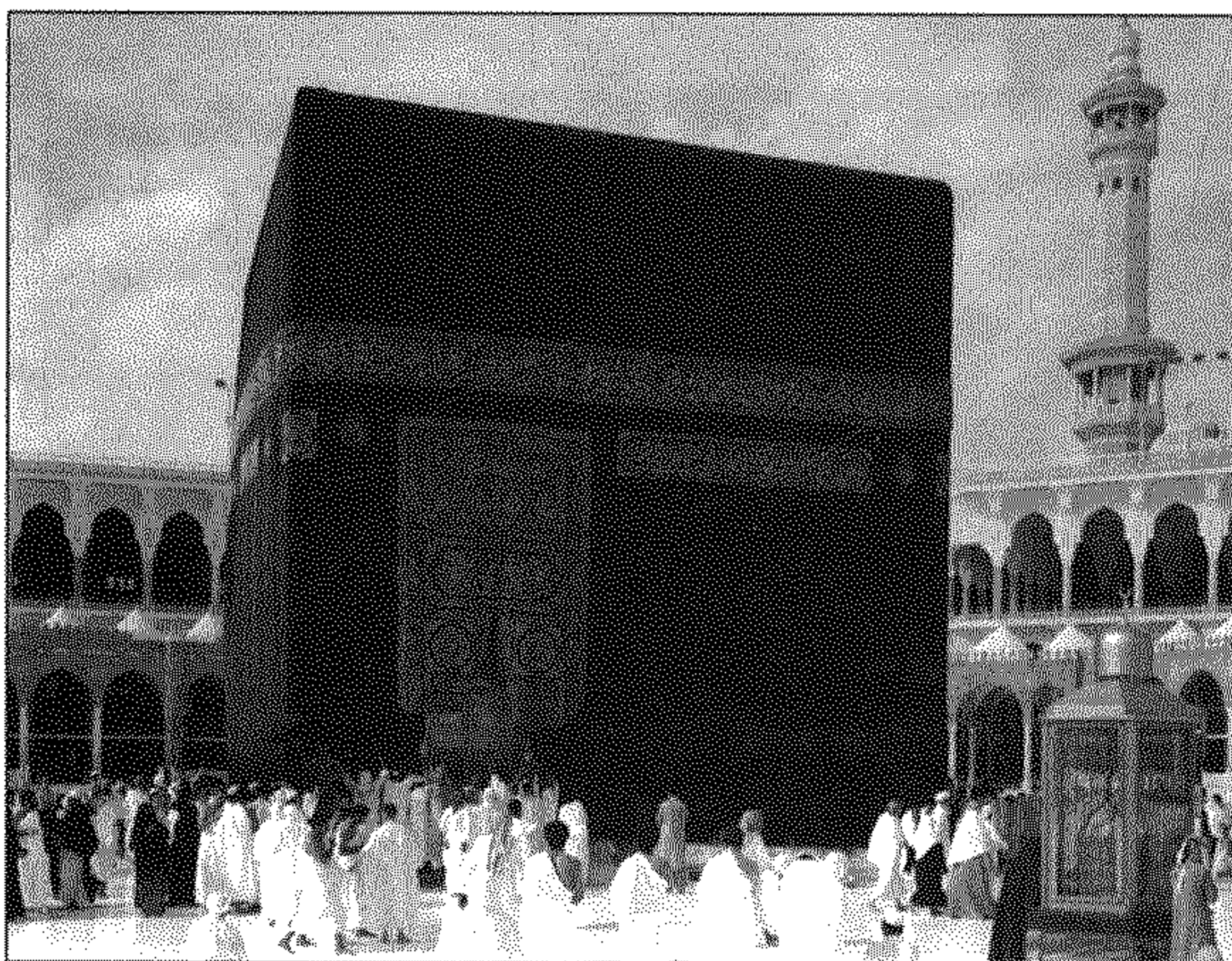
---

---

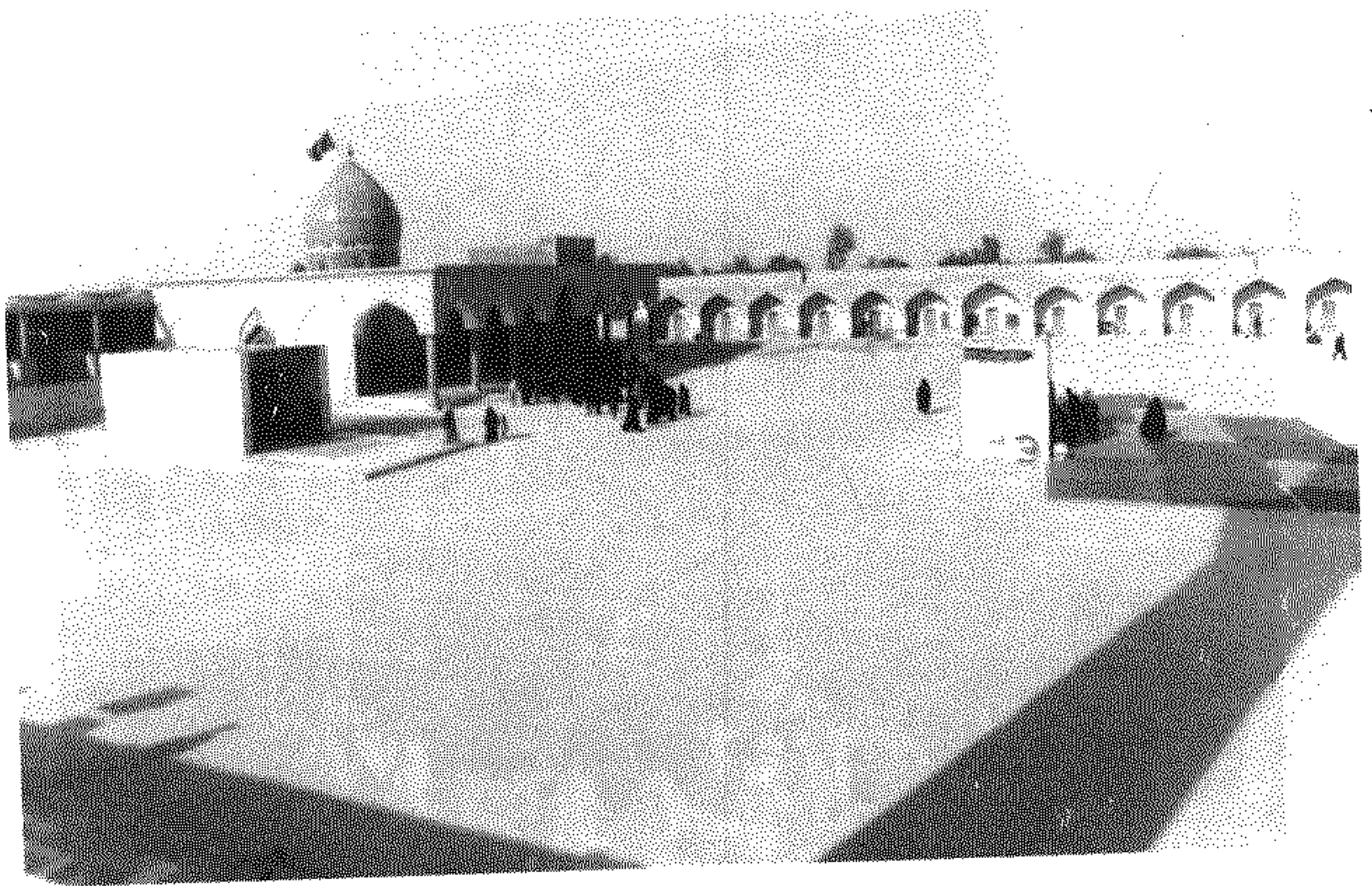
تصاویر

---

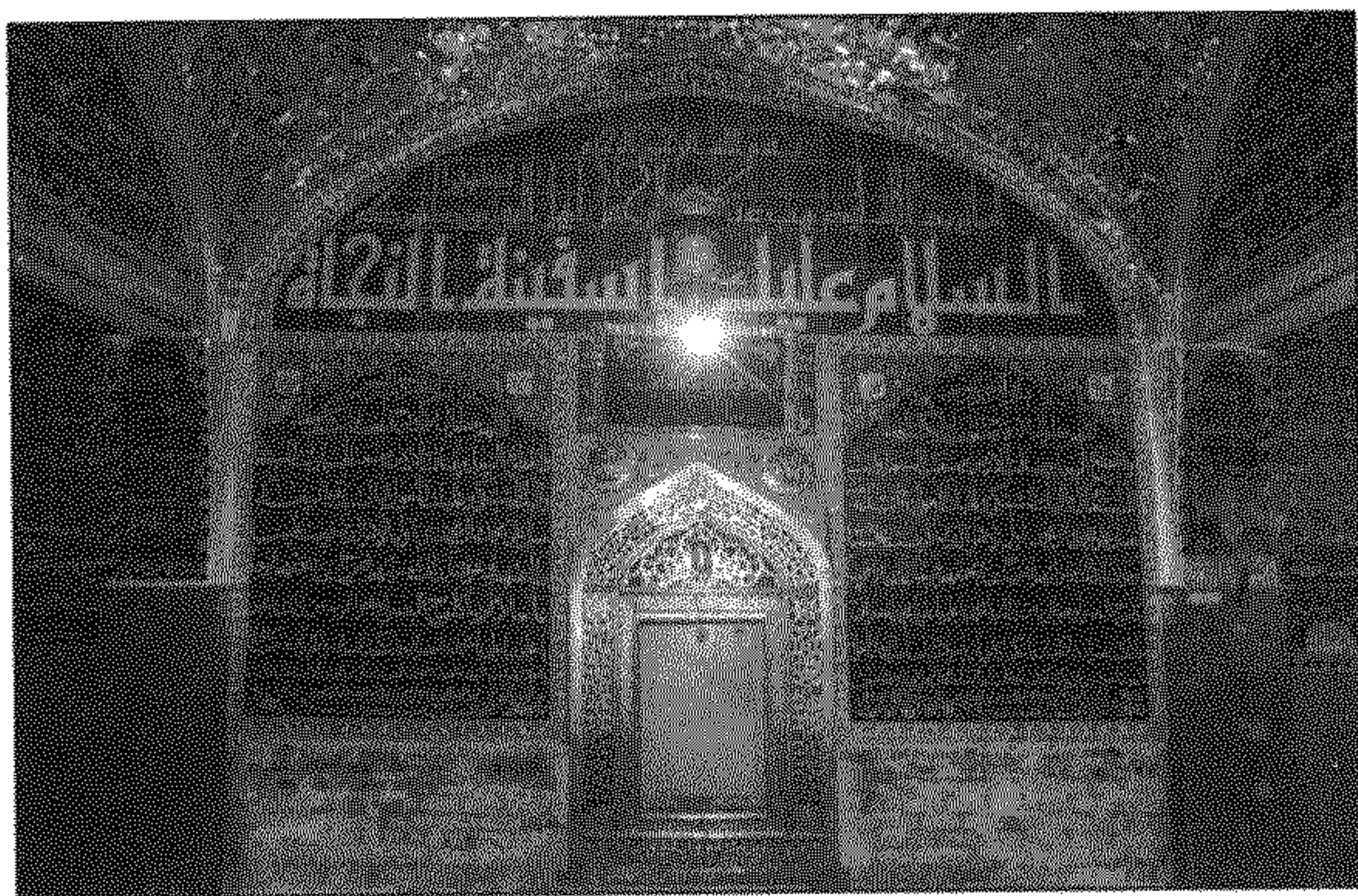




تصویر ۱. کعبه (بین رکن و مقام محدوده حضور حضرت در اعلام جهانی قیام خویش).



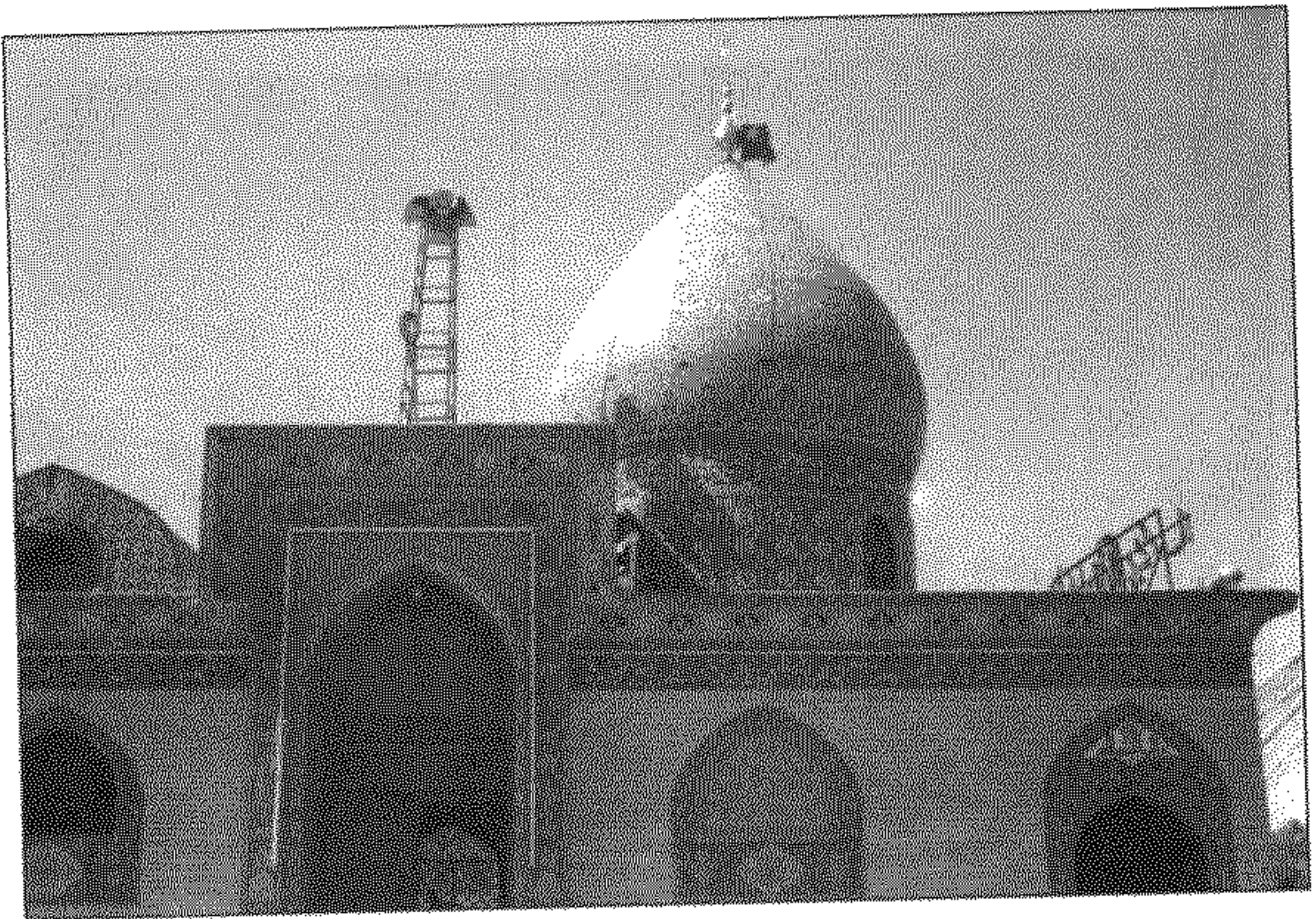
تصویر ۲. مسجد سهله (کوفه - عراق)



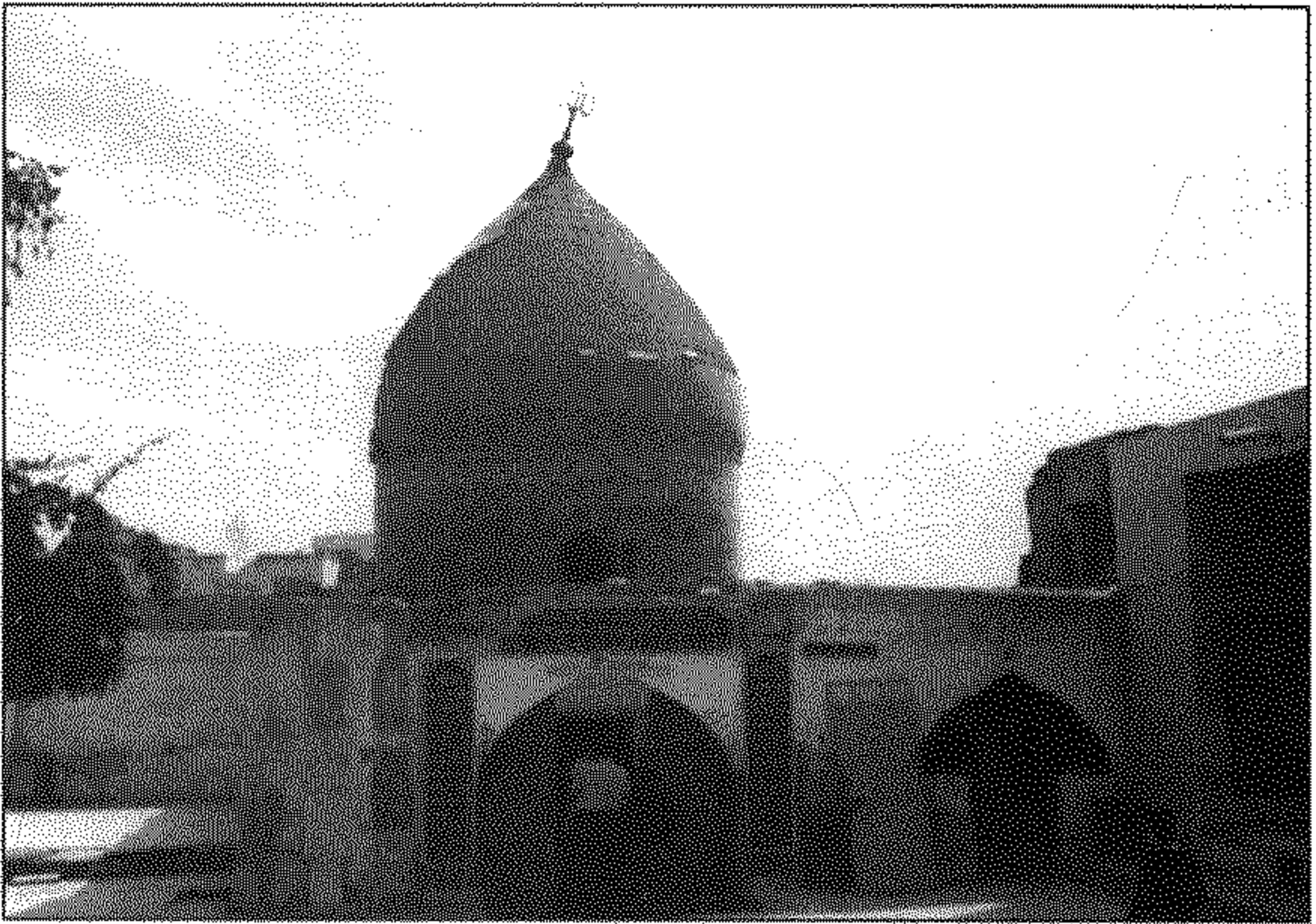
تصویر ۳. مقام حضرت مهدی (عج) در مسجد سهله



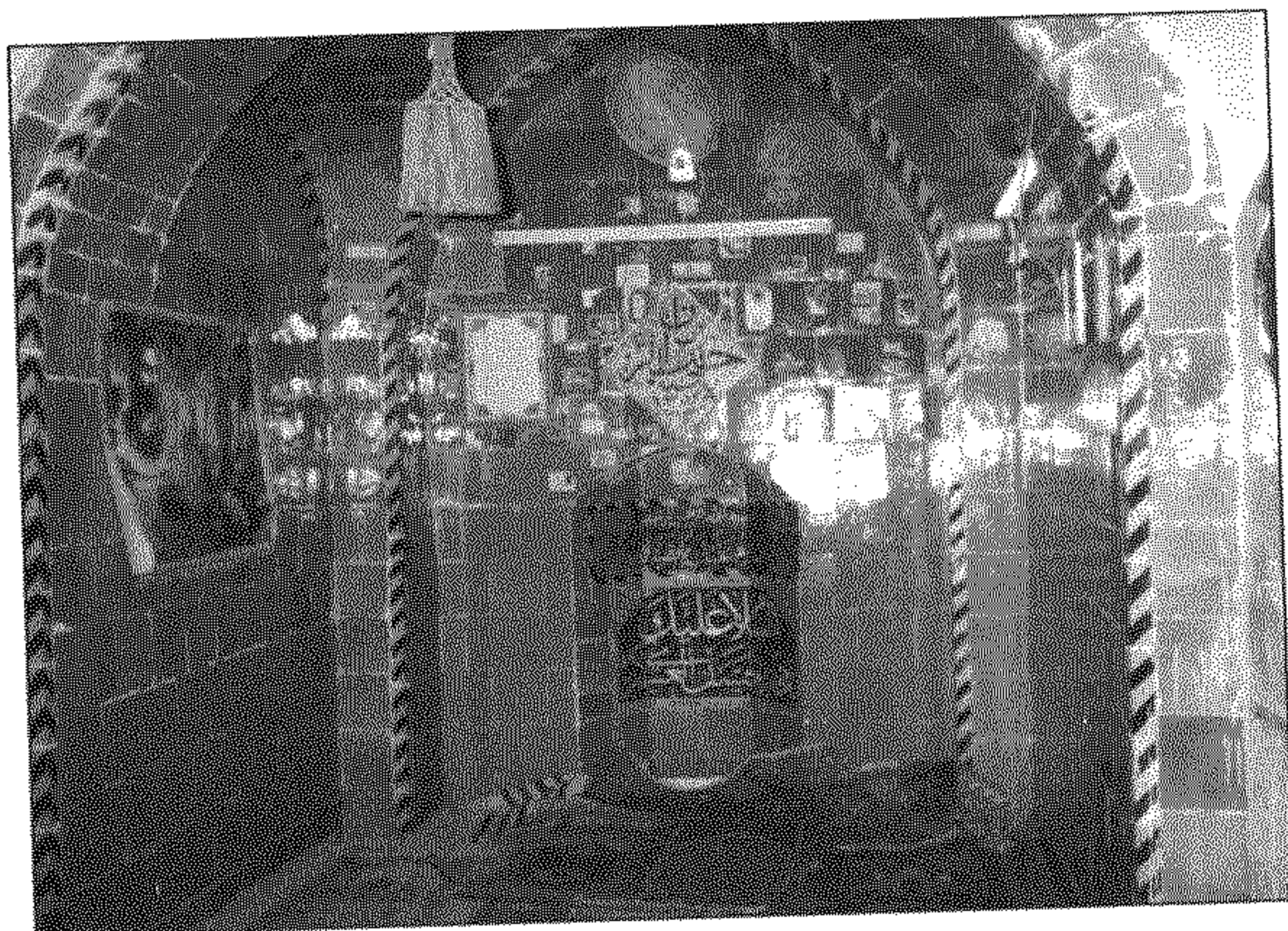
تصویر ۴. مقام حضرت مهدی (عج) در شهر جله عراق



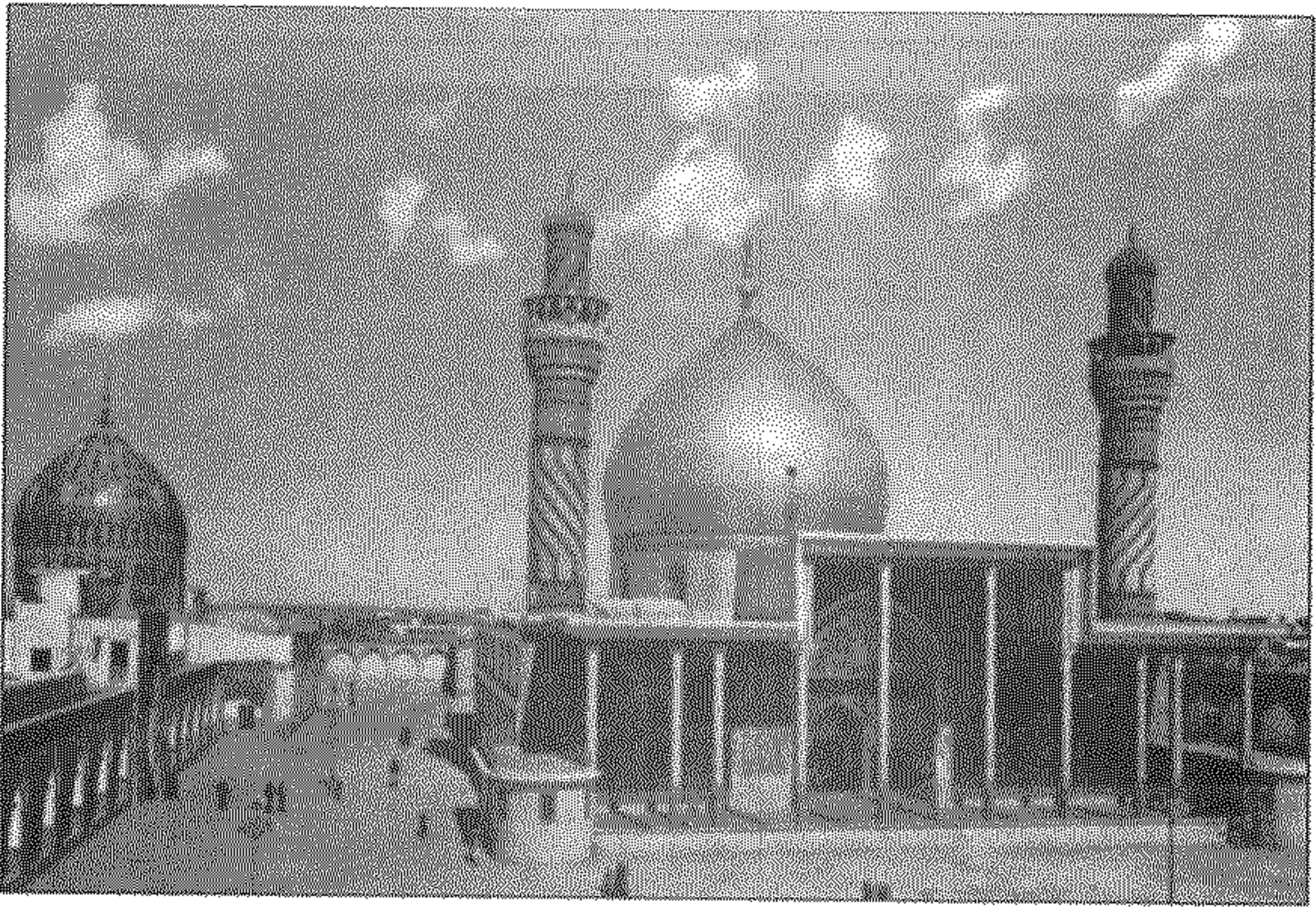
تصویر ۵. مقام حضرت مهدی در شهر کربلا (عراق)



تصویر ۶. مقام حضرت مهدی در شهر نجف (عراق)

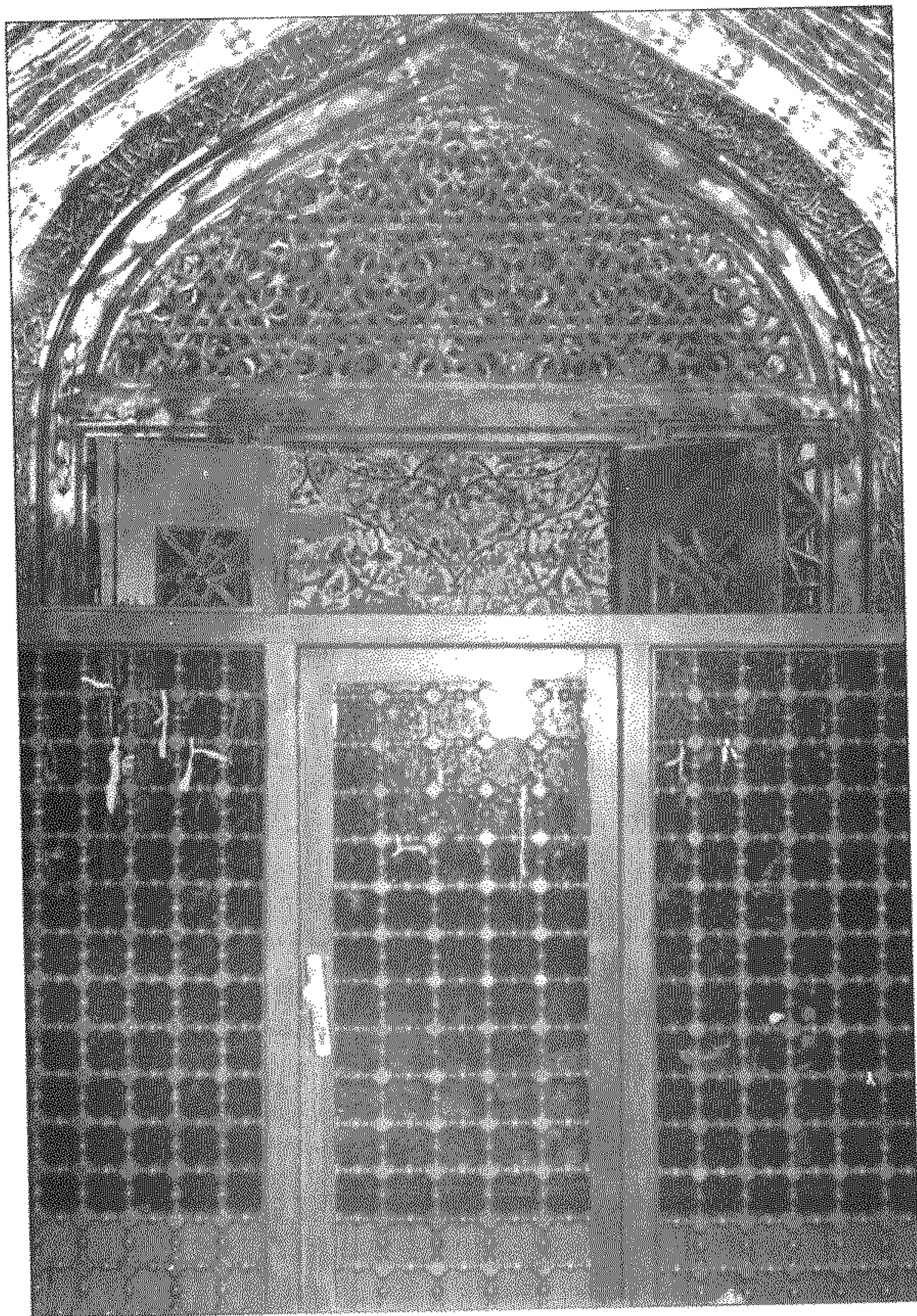


تصویر ۷. مقام حضرت مهدی در شهر نجف (نمای داخلی)

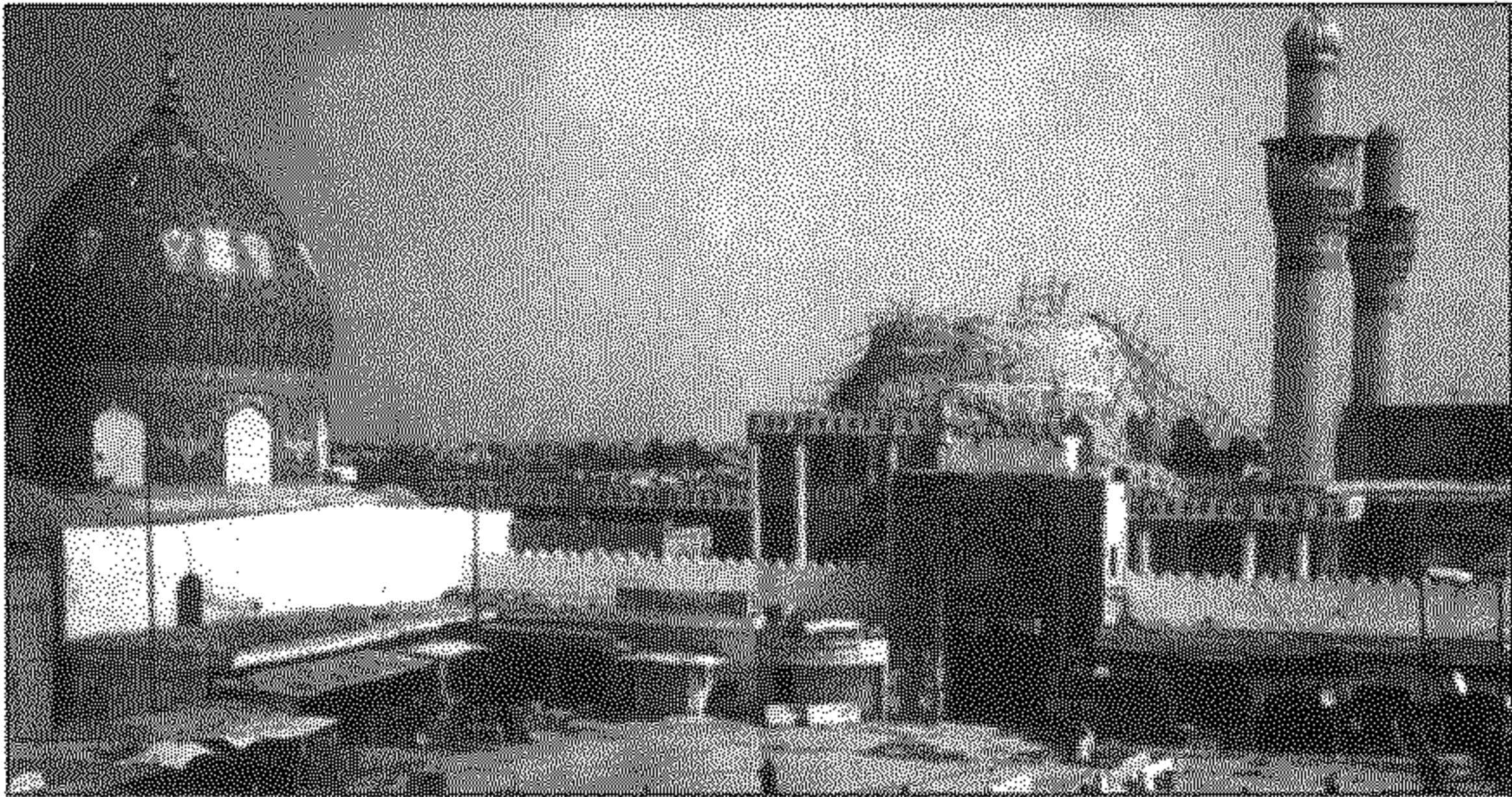


تصویر ۸. حرم عسکریین (امام جواد و امام عسکری علیهما السلام) (سامراء - عراق) و مزار نرجس خاتون، حکیمه خاتون و جدّه. سمت چپ: گنبد سرداب سامراء



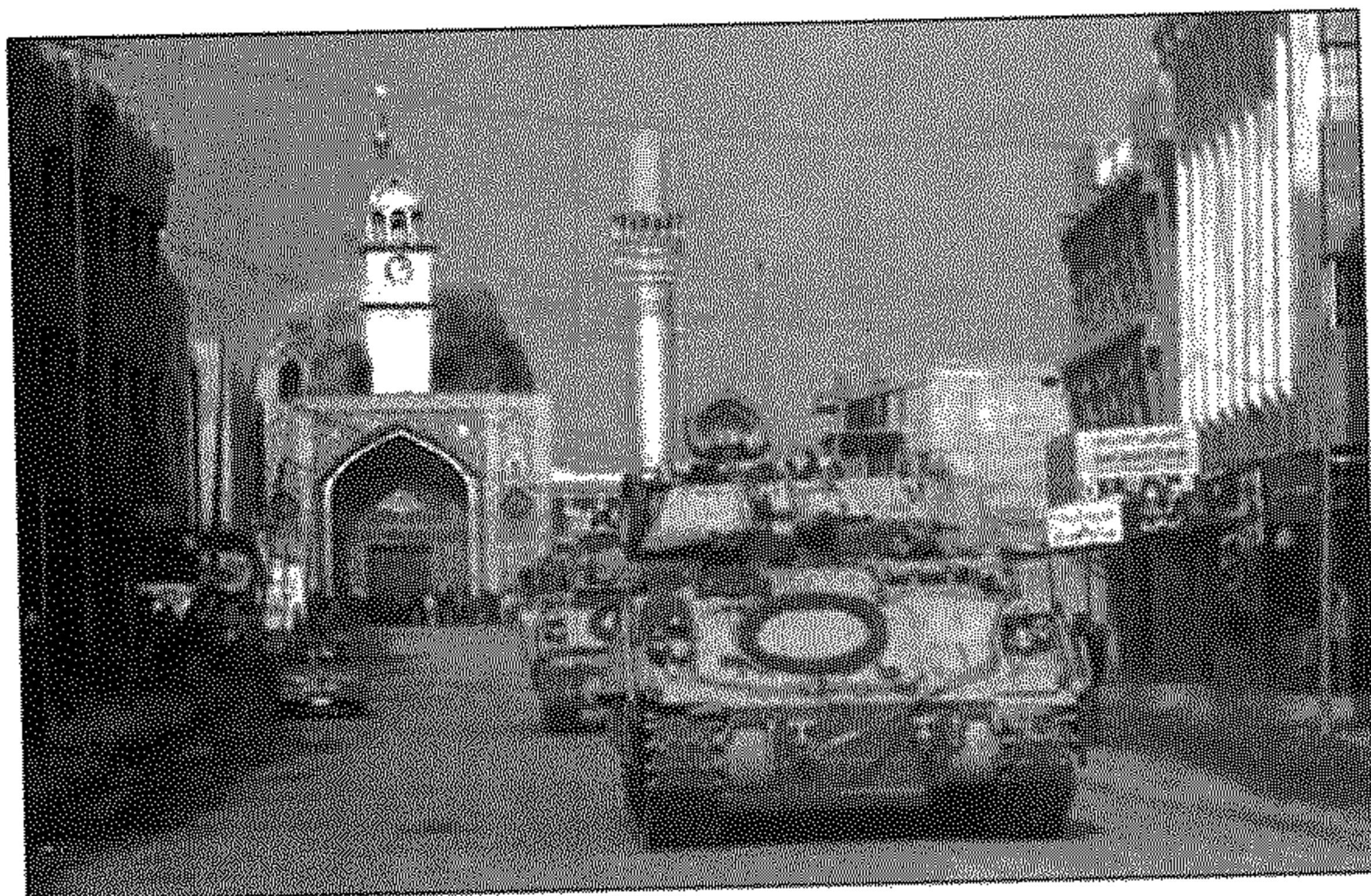


تصویر ۹. در چوبی سرداب مقدس سامراء (عراق)

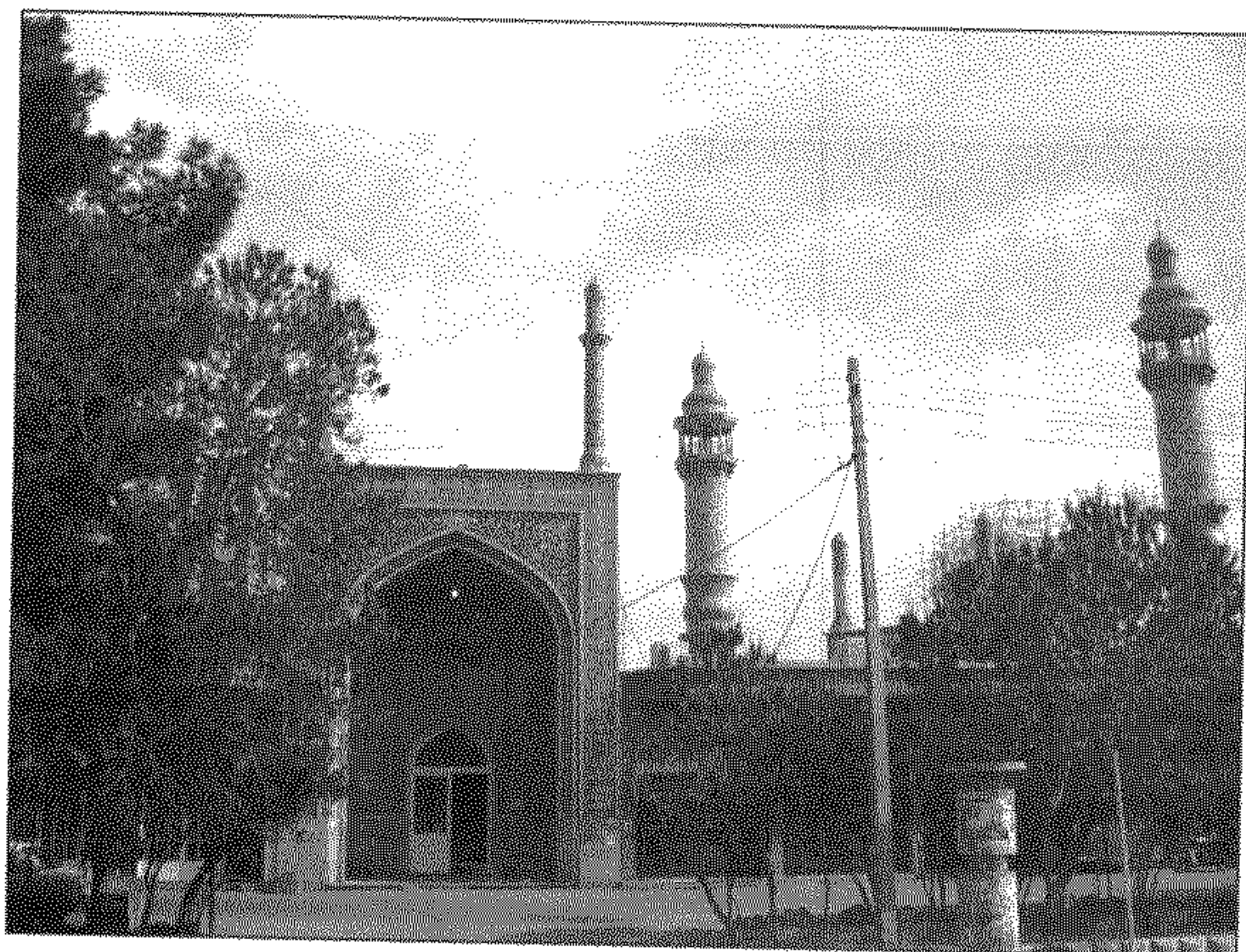


تصویر ۱۰. انفجار حرم مطهر عسکریین در ۲۳ محرم ۱۴۲۷ هـ ق - ۳ اسفند ۱۳۸۴ ش به دست

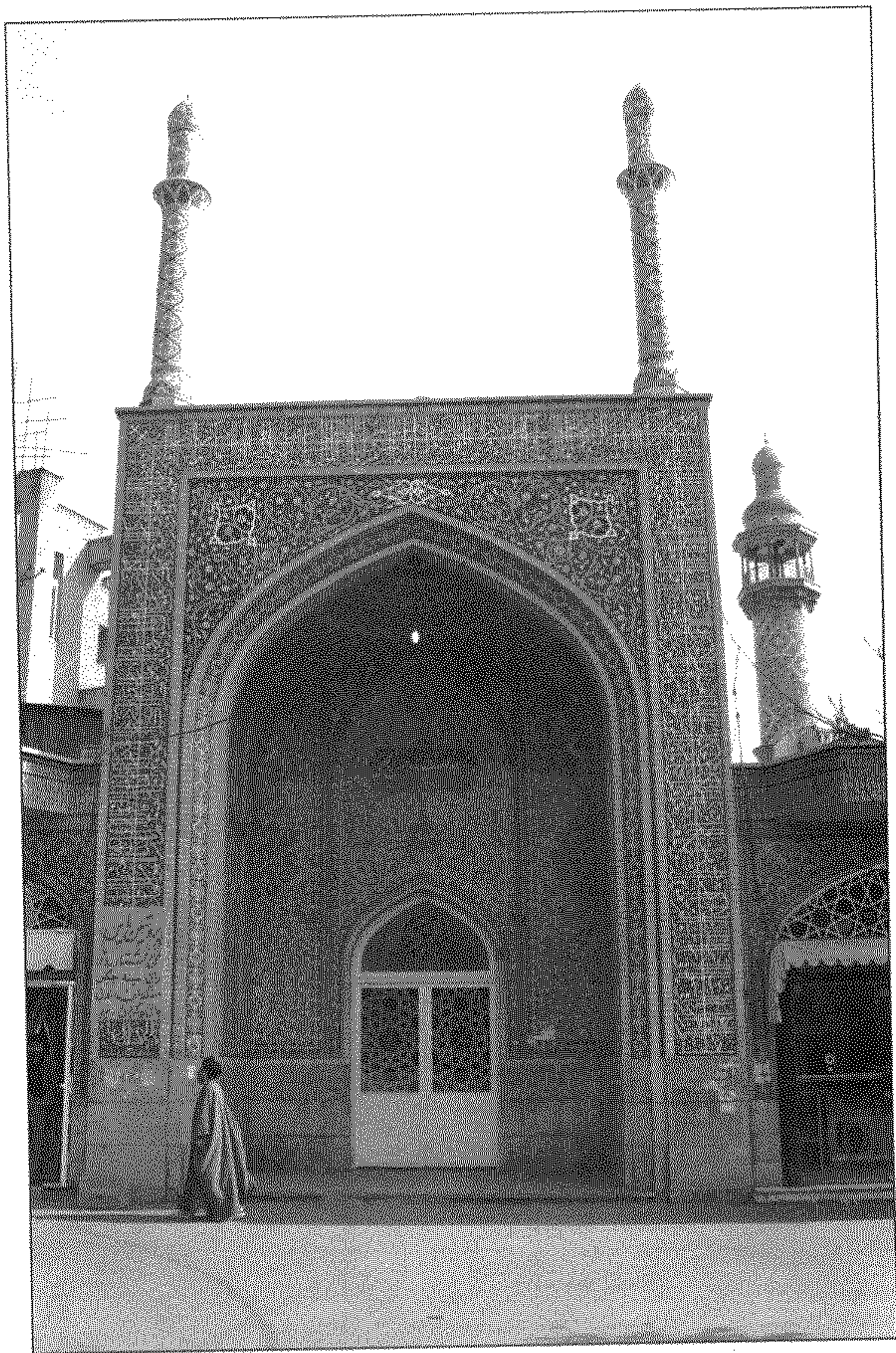
دشمنان پیامبر و اهلبیت علیهم السلام



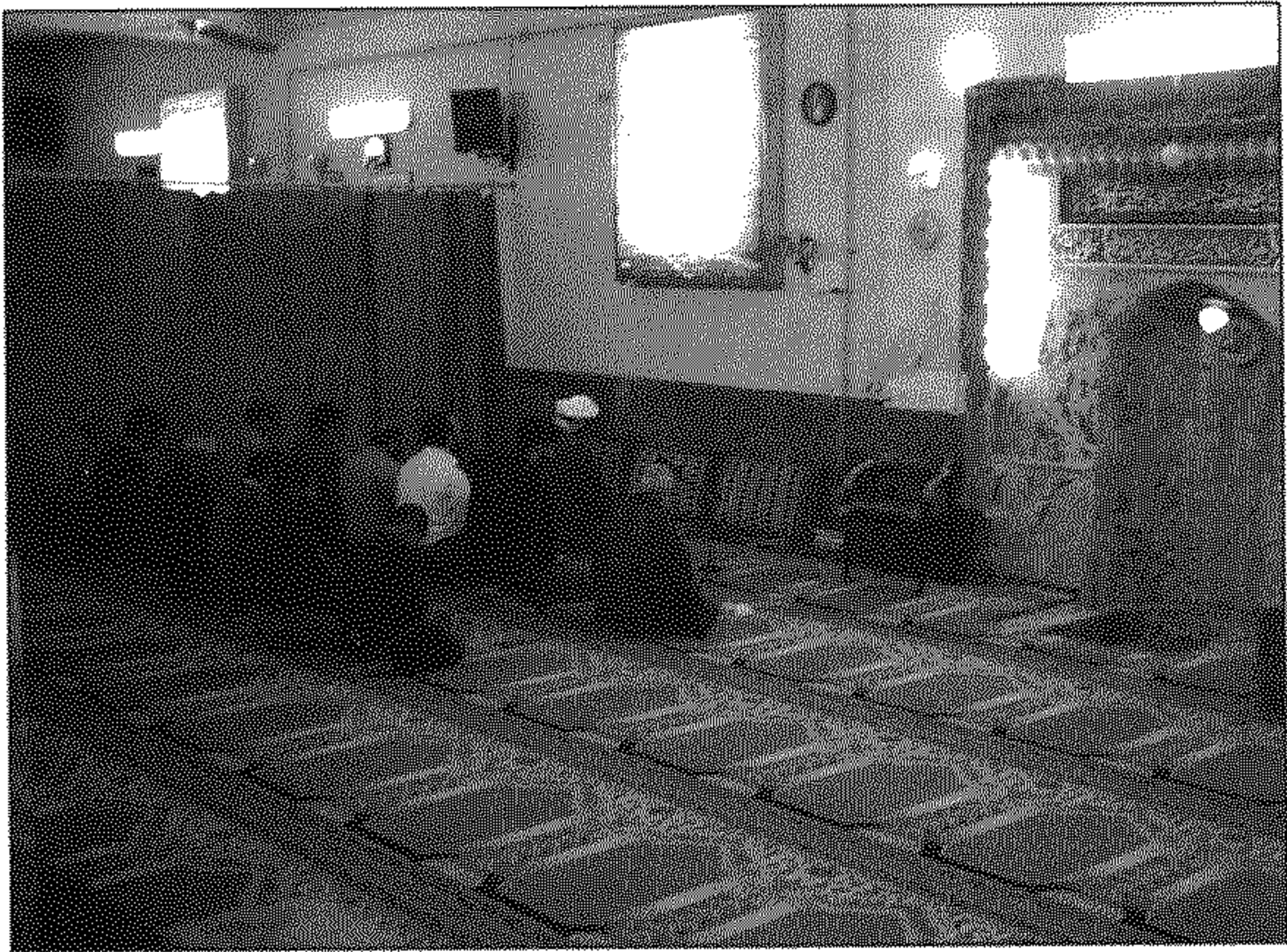
تصویر ۱۱. حضور آمریکایی‌ها در سامراء



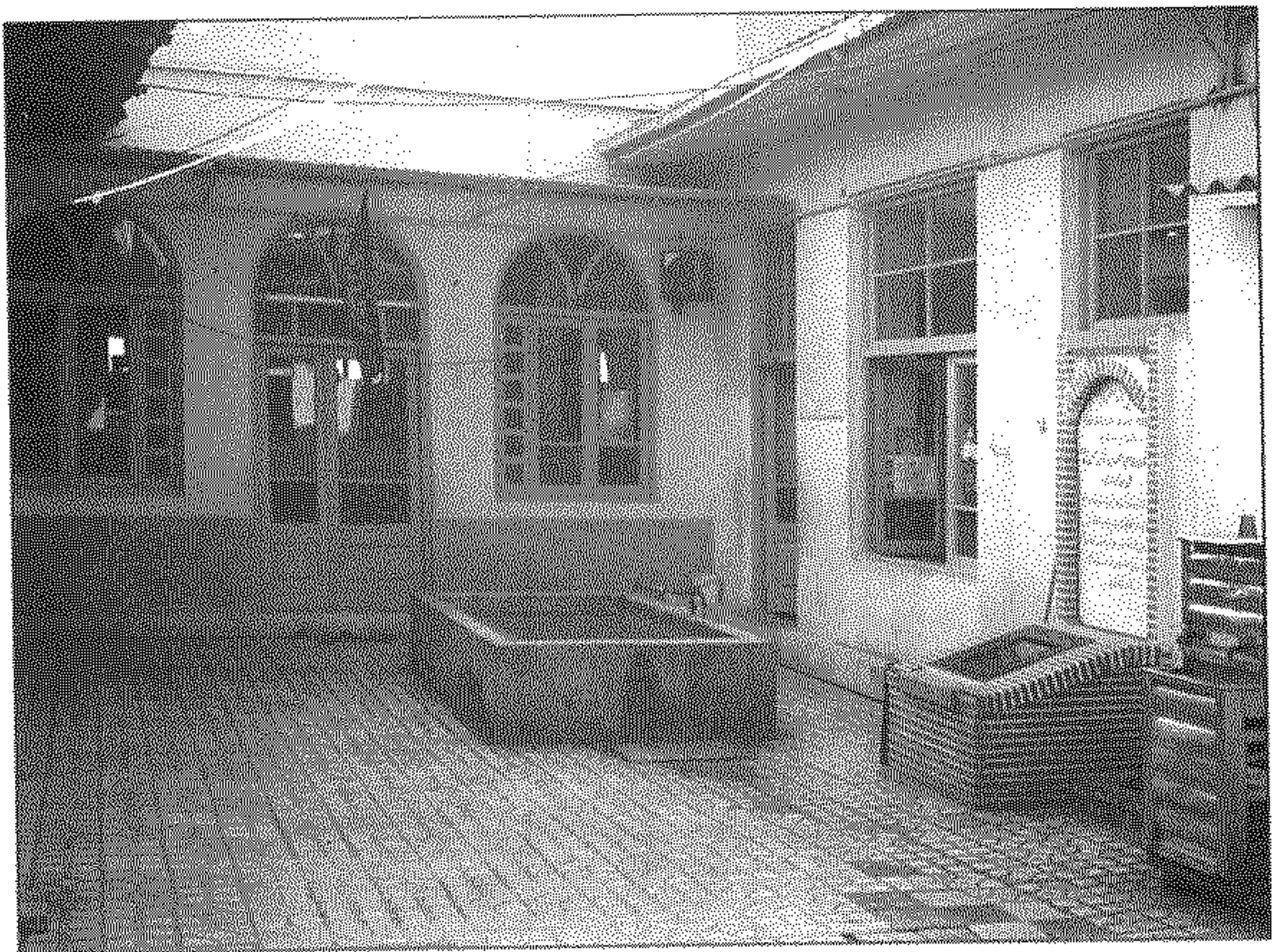
تصویر ۱۲. مسجد مقدس امام حسن مجتبی علیه السلام (قم - ایران) (مسجدی که امام زمان (عج) از وجود آن پیشگویی فرموده‌اند).



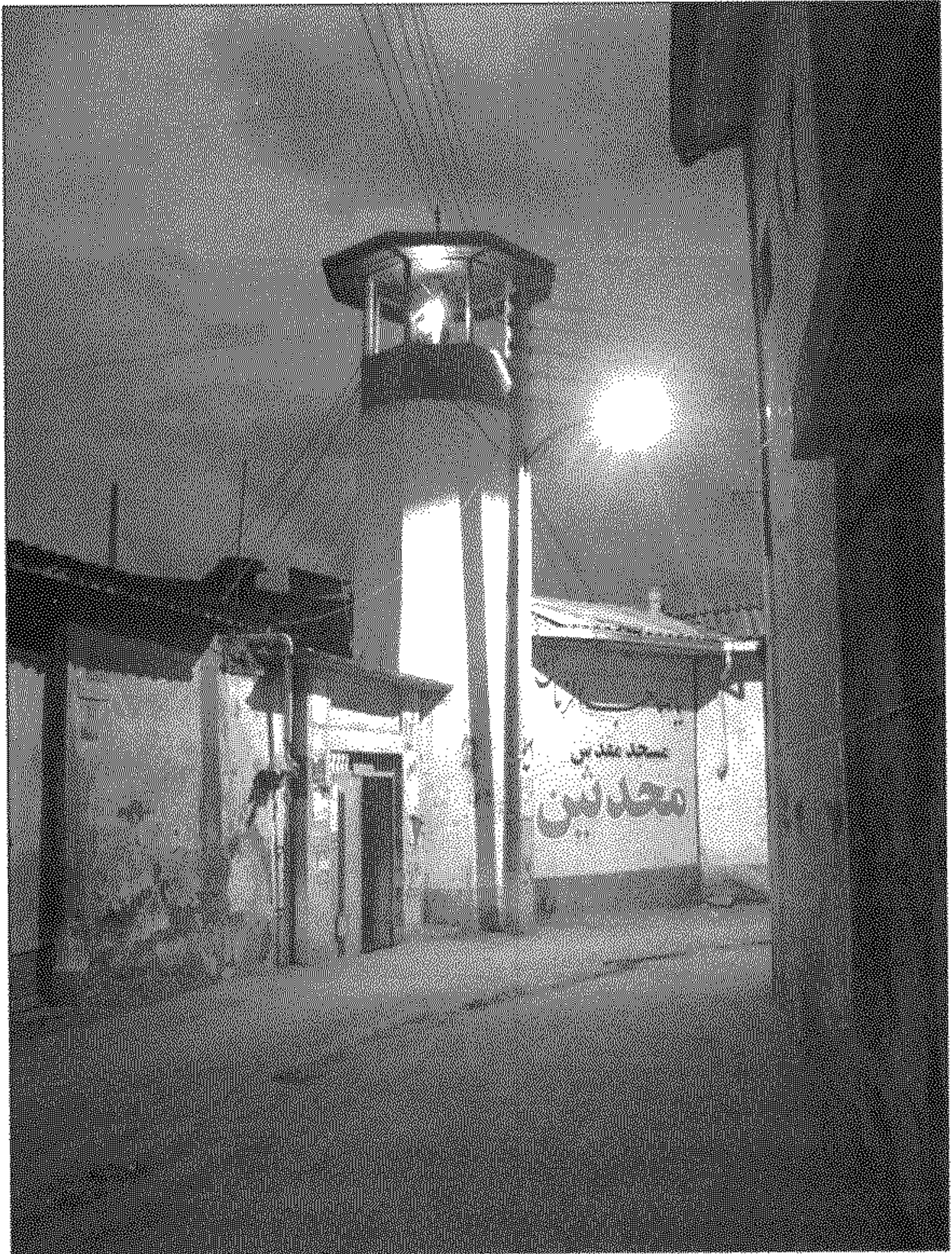
تصویر ۱۳. ورودی مسجد مقدس امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام



تصویر ۱۴. مسجد مقدس محدثین (بابل - ایران) (مسجدی که به دستور امام زمان (عج) بنا و نامگذاری گردید).

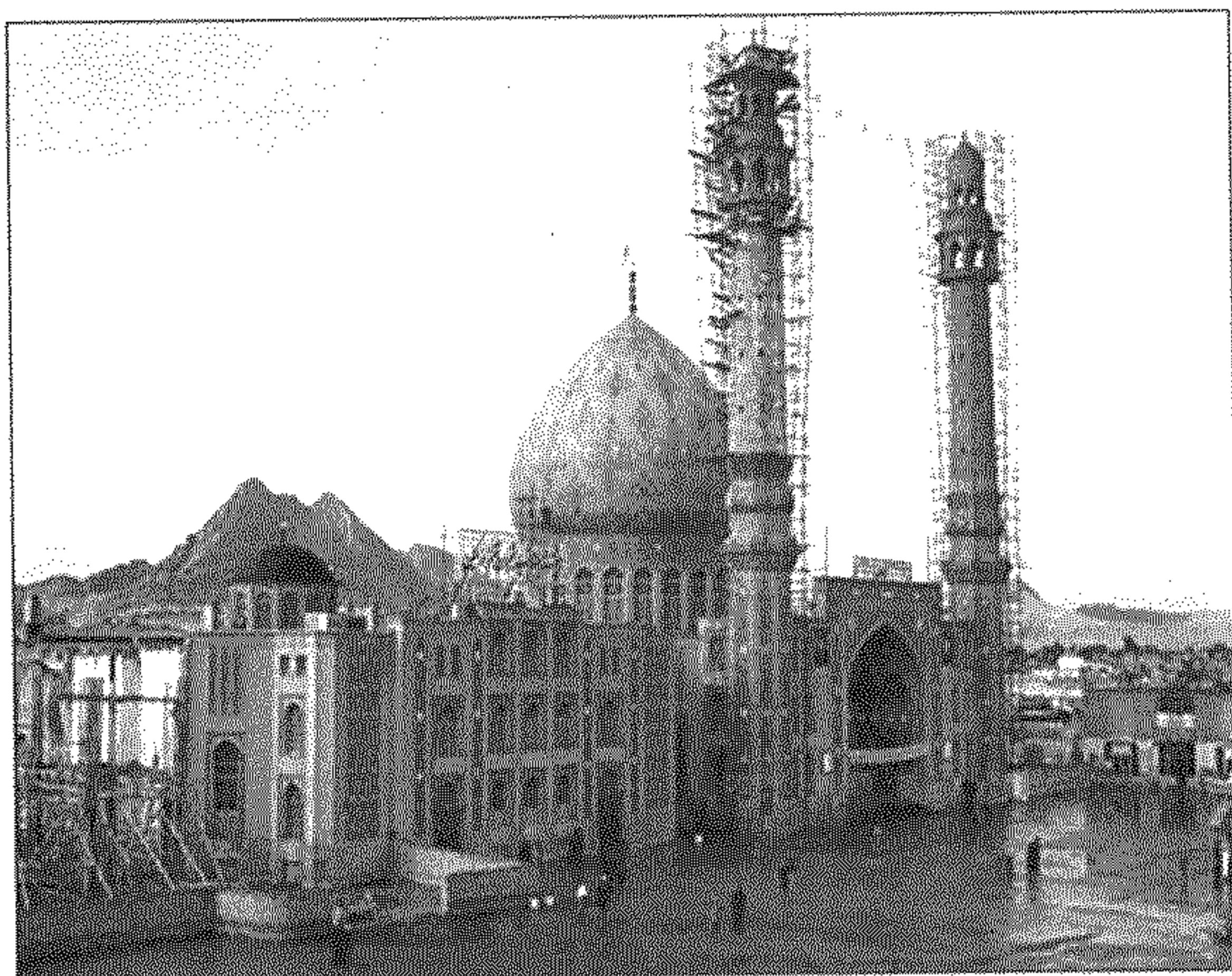


تصویر ۱۵. نمای داخل محوطه مسجد مقدس محدثین

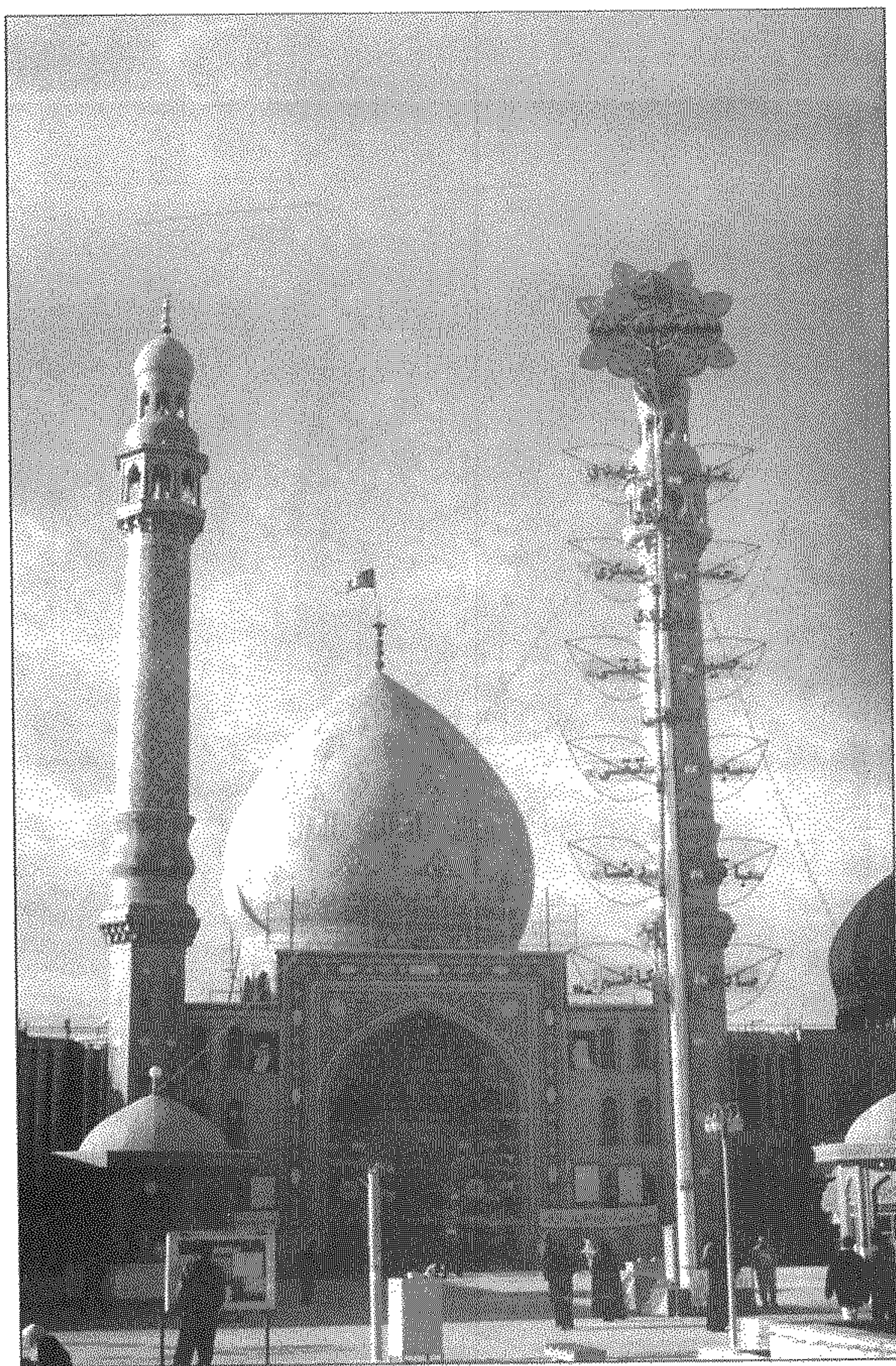


تصویر ۱۶. نمایی از خارج مسجد مقدس محدثین





تصویر ۱۷. مسجد مقدس صاحب‌الزمان (عج) جمکران (قم - ایران) (مسجدی که امام زمان (عج) دستور به بنا آن دادند و آداب خاص برای آن در نظر گرفتند).



تصویر ۱۸. نمایی دیگر از مسجد مقدس صاحب‌الزمان (عج) جمکران

## فهرست منابع و مأخذ

کتاب:

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (قرن ۴). الخصال. جامعه مدرسین حوزه علمیه. قم. چاپ دوم. ۱۴۰۳ هجری قمری
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام. تصحیح: سید مهدی حسینی لاجوردی. انتشارات جهان. (دو جلد در یک مجلد). تهران. ۱۳۷۸ هجری قمری.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. کمال الدین و تمام النعمه. مؤسسه النشر الاسلامی، التابعه بجماعه للمدرسين بقم المقدسه (قم). چاپ دوم. ۱۳۹۵ قمری
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه. تحقیق: السید حسن الموسوی الخراسانی. دارالکتاب الاسلامیه. تهران. الطبعة الخامسة. ۱۳۹۰ هق.
۵. ابن تیمیه. منهاج السنة، چاپ بولاق. ۱۳۲۱ ق. مطبعة الرياض
۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (قرن ۶). متشابه القرآن. (دو جلد در یک مجلد). انتشارات بیدار قم. ۱۳۲۸ هجری شمسی.
۷. ابطحی، سید حسن. مصلح غیبی. انتشارات آل یاسین. تهران. چاپ دوم. نیمه شعبان ۱۴۰۵ هق.
۸. ابن طاووس، ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر (قرن ۷). الاقبال بالاعمال الحسنه

- فیما یعمل مره فی السنه. دارالکتب الاسلامیه. تهران. ۱۳۶۷ هـ ش.
۹. ابن طاووس. علی بن موسی. جمال الاسبوع. منشورات رضی. قم. افست چاپ سنگی ۱۳۲۰ هـ ق.
۱۰. ابن طاووس حلی، سید رضی الدین علی بن موسی. فلاح السائل و نجاح المسائل. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۱۱. ابن طاووس حلی، سید علی. الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف. چاپخانه خیام. قم ۱۴۰۰ هـ ق.
۱۲. ابو الفتوح رازی، حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزاعی النیشابوری (قرن ۶). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح. بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی. مشهد. پاییز ۱۳۶۸ شمسی.
۱۳. ابن قدامه، ابی محمد عبدالله بن احمد بن محمود (سنه ۶۳۰). المغنی. دارالکتاب العربی. بیروت - لبنان. ۱۳۹۲ هـ ۱۹۷۲ م).
۱۴. الاصفهانی، ابو الفرج (۳۵۶ ق). مقاتل الطالبین. شرح و تحقیق: السید احمد صقر. دارالمعرفه للطباعه و النشر. بیروت. لبنان.
۱۵. الاهری. الشیخ عیسی (سلیم پور). صحیفه المهدی. مؤسسه انتشارات رسالت. قم. چاپ اول. بهار ۱۳۸۵ شمسی.
۱۶. البخاری، الحافظ ابی عبدالله محمد بن اسماعیل (المتوفی سنة ۲۵۶). الصحيح. مراجعة الشیخ محمد علی القطب. الشیخ هشام البخاری. المكتبة العصریه. صیدا - بیروت. الطبعة الخامسة ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م.
۱۷. التستری، محمد تقی، قاموس الرجال. النشر الاسلامی. الطبعة الثانية. قم. ۱۴۱۲ هـ ق.
۱۸. الثعلبی، ابواسحاق احمد (۴۲۷ هـ ق). الكشف والبیان (تفسیر ثعلبی). تحقیق: ابی محمد بن عاشور. تدقیق: نظیر الساعدی. دار احیاء التراث العربی. الطبعة الاولى. بیروت - لبنان ۱۴۲۲ هـ ۲۰۰۲ م.
۱۹. جعفریان، رسول. آثار اسلامی مکة و مدینه. نشر مشعر. تهران. چاپ سوم بهار ۱۳۸۴ ش.
۲۰. الحر العاملی، محمد بن حسن (المتوفی ۱۱۰۴ ق). خاتمه تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تحقیق: سید محمد رضا الحسینی الجلالی. مؤسسه

- البيت عليه السلام لآحياء التراث. الطبعة الاولى. قم المشرفه (الجزء الثلاثون). رمضان ۱۴۱۲ هـ.
۲۱. الحسين الجلالى، السيد محمد جواد. احاديث المهدي من مسند احمد بن حنبل. مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه - الطبعة الخامسة. قم ۱۴۰۹
۲۲. خاوند شاه، مير محمد بن سيد برهان الدين (الشهير بمير خواند). تاريخ روضه الصفاء. تهران. چاپ ۱۳۳۹ شمسى.
۲۳. دشتى، محمد و ميرزا مهدي صادقى. در آستانه غيبت [تاريخ زندگاني ائمه معصومين، زندگاني امام حسن عسكرى عليه السلام]. انتشارات فيض كاشانى. چاپ اول. بهار ۱۳۷۷ ش.
۲۴. دهخدا، على اكبر، لغت نامه. دانشگاه تهران.
۲۵. الذهبى، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان (قرن ۸). سير اعلام النبلاء مؤسسه الرساله. بيروت - لبنان. الطبعة الثانية. ۱۴۵۲ هـ ق.
۲۶. الراوندى، قطب الدين. الخرائج و الجرائح. مؤسسه امام مهدي. قم. چاپ اول. ۱۴۰۹ هـ ق
۲۷. الزمخشري، جارالله محمود بن عمر (۵۲۸ هـ ق). الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التأويل.
۲۸. السجستاني الازدى، الحافظ ابى داوود (سليمان بن الاشعث (۲۰۲-۲۷۵ هـ ق) سنن (ابى داوود). تحقيق: محمد محيى الدين عبد الحميد. داراحياء السنه النبويه.
۲۹. سيد رضى، ابوالحسن محمد بن حسين موسى. نهج البلاغه. انتشارات دارالهجره. قم.
۳۰. سورآبادى، ابوبكر عتيق بن محمد نيشابورى (۴۹۴ هـ ق). تفسير التفاسير (تفسير سورآبادى). به تصحيح: على اكبر سعيدى سىرجانى. فرهنگ نشر نو. چاپ اول. تهران ۱۳۸۱ ش.
۳۱. شيخ احمد رضا. معجم متن اللغة. دارمكتبه الحياه. بيروت ۱۳۷۸ هـ ۱۹۵۹ م
۳۲. صافى گلپايگانى، لطف الله. پاسخ ده پرسش. مؤسسه انتشارات حضرت معصومه (س). قم. دى ماه ۱۳۷۵ ش نيمه شعبان ۱۴۱۷ هـ ق.
۳۳. صافى گلپايگانى، لطف الله. منتخب الاثر فى الامام الثانى عشر عليه السلام، مكتبه الصدر. طهران. چاپ سوم. سنه ۱۳۷۳. هـ ق

۳۴. صادقی، محمد. بشارات عهدین. دارالکتاب الاسلامیه. طهران. چاپ چهارم تابستان ۱۳۸۲ ش (تألیف ۱۳۷۷ هق)
۳۵. الطبرسی، الشیخ ابی علی الفضل بن الحسن (قرن ۶). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. کتابفروشی اسلامیه. طهران. سنه ۱۳۷۳. هق
۳۶. طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن، مشکوٰه الانوار (مشکاه الانوار). کتابخانه حیدریه، چاپ دوم. نجف. ۱۳۸۵ هق
۳۷. الطبرسی، احمد بن علی. الاحتجاج. نشر مرتضی - مشهد. ۱۴۰۳ هق
۳۸. الطبرسی النوری، امیرزاد حسین، کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار. مکتبه نینوی الحدیثه. الطبعة الثانیه. طهران. ۱۴۰۰ هق
۳۹. الطبرسی النوری، حاج میرزا حسین. مستدرک الوسائل و مستنبط الرسائل. مؤسسه ال البيت. قم. چاپ اول. ۱۴۰۸ هق
۴۰. طبرسی نوری، حاج میرزا حسین. نجم ثاقب در احوال امام غائب (روی جلد: نجم الثاقب). مسجد مقدس صاحب الزمان (عج) جمکران. قم. چاپ سوم. ۱۳۷۲ هش
۴۱. طبری، محمد بن جریر. دلائل الامامه. دارالذخائر للمطبوعات. قم.
۴۲. طوسی. محمد بن حسن. تهذیب الاحکام. دارالکتب الاسلامیه. تهران. چاپ چهارم ۱۳۶۵ ش
۴۳. طوسی، محمد بن حسن. الغیبه للحجه. مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول. قم. ۱۴۱۱ هق
۴۴. القزوینی. محمد بن یزید ابی عبدالله بن ماجه. سنن المصطفی صلی الله علیه و آله (سنن ابن ماجه). الطبعة الاولى. مصر
۴۵. القضیبی، ابوخلیفه علی بن محمد (ربحت الصحابه ولم اخسر ال البيت = صحابه را به دست آوردم بدون اینکه اهل بیت را از دست بدهم). روی جلد: آنگاه که صحابه را شناختم. ترجمه: مرتضی عسکری. انتشارات حقیقت. عربستان سعودی. چاپ دوم ۱۳۸۵ ش محرم الحرام ۱۴۲۷ هق
۴۶. قمی. حسن بن محمد بن حسن. تاریخ قم (کتاب قم). ترجمه: حسن بن علی ابن حسن ابن عبدالملک قمی. تصحیح و تحشیه: سیدجلال الدین طهرانی، انتشارات توس. چاپ اول. تهران. ۱۳۶۱ ش
۴۷. قمی. حاج شیخ عباس. مفاتیح الجنان
۴۸. کشی. اختیار معرفه الرجال (المعروف برجال الکشی). تعلیق: میرداماد الاسترآبادی.

- تحقیق. السید مهدی الرجایی. مؤسسه ال البيت علیه السلام لاحیاء التراث. قم  
 ۴۹. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحق. الکافی. دارالکتب الاسلامیه. تهران.  
 چاپ چهارم. ۱۳۶۵ هـ ش
۵۰. الکنجی الشافعی، محمد بن یوسف النوفلی - البیان فی اخبار صاحب الزمان (عج).  
 اعداد: السید محمد جواد الحسینی الجلالی. مؤسسه النشر الاسلامی التابعه بجماعه  
 المدرسین بقم المشرفه. الطبعة الخامسة. ۱۴۰۹ هـ ق
۵۱. الکنجی الشافعی، ابا عبدالله محمد بن یوسف بن محمد القرشی. کفایه الطالب فی  
 مناقب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام چاپ سنگی، مطبعه الغری، النجف الاشرف.  
 ۱۳۵۶ هـ ق
۵۲. المجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. مؤسسه الوفاء. لبنان - بیروت ۱۴۰۴ هـ ق.
۵۳. مدنی تنکابنی، سید سلیمان، مژده ظهور. چاپ اول. اسفند ۱۳۸۱ ش.
۵۴. مستوفی قزوینی، حمد الله بن ابی بکر بن احمد بن نصر (۷۳۰ هـ ق) تاریخ گزیده. به  
 اهتمام: دکتر عبدالحسین نوایی. مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر.  
 تهران ۱۳۳۹ ش.
۵۵. المسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی الهذلی (المتوفی ۳۴۶)  
 اثبات الوصیه للامام علی بن ابیطالب علیه السلام. مطبعه الصدر. قم. ۱۴۱۷ هـ. ۱۹۹۶ م.
۵۶. مسلم. الصحيح. شرح الامام النووی. نشر دارالفکر
۵۷. المقدسی الشافعی السلمی، یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز (قرن ۷).  
 عقد الدر فی اخبار المنتظر. تحقیق: الدكتور عبدالفتاح محمد العلو. تعلیق: علی نظری  
 منفرد. الناشر: انتشارات نصایح. الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ هـ ق
۵۸. موسوی گیلانی، سید رضی. مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی. بنیاد فرهنگی  
 حضرت مهدی موعود (عج). چاپ اول ۱۳۸۵ ش
۵۹. مهدی پور، علی اکبر. او خواهد آمد. مؤسسه انتشارات رسالت. ویرایش دوم. قم،  
 چاپ نهم. نیمه شعبان ۱۴۱۱ هـ ق و چاپ سیزدهم ۱۴۲۸
۶۰. مهدی پور، علی اکبر. با دعای ندبه در پگاه جمعه. نشر موعود (مؤسسه فرهنگی  
 موعود عصر). چاپ اول. تابستان ۱۳۸۰ ش.
۶۱. مهدی پور، علی اکبر. کتابنامه حضرت مهدی (عج). ناشر: مؤلف. چاپ اول. پاییز  
 ۱۳۷۵ هـ ش. رجب ۱۴۱۷ هـ ق
۶۲. میر سراجی، سید مرتضی. مسجد مقدس محدثین (مسجدی که به دستور حضرت

ولی عصر (عج) بنا شده است). زعیم، تهران. چاپ اول. تابستان ۱۳۸۵ ش.

۶۳. میرلوحی، سیدهاشم. آمریکا بدون نقاب (American Without veil) انتشارات کیهان. تهران. چاپ دوم. ۱۳۸۳ ش.

۶۴. نباطی بیاضی، علی بن یونس (۸۷۷ هق). الصراط المستقیم. چاپ اول. کتابخانه حیدریه نجف. ۱۳۸۴ هق

۶۵. النعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب. الغیبه. مکتبه الصدوق. طهران. ۱۳۹۷ هق

۶۶. الهلالی. سلیم بن قیس. کتاب السقیفه یا کتاب سلیم بن قیس هلالی. انتشارات الهادی. قم. ۱۴۱۵ هق

۶۷. الهندی البرهان فوری، علاءالدین علی بن متقی بن حسام الدین. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. مؤسسه الرساله. بیروت - لبنان. الطبعة الخامسة. ۱۴۰۵ هق ۱۹۸۵ م

۶۸. — اسئله قادت شباب الشیعه الی الحق (سؤالاتی که باعث هدایت جوانان شیعه شد). چاپ اول. عربستان سعودی. ۱۳۸۵ ش برابر با ۱۴۲۸ هق (بدون ذکر نام مؤلف، مترجم و ناشر).

۶۹. — تفسیر نمونه (بقلم جمعی از نویسندگان و زیر نظر ناصر مکارم شیرازی). دارالکتب الاسلامیه. چاپ ۲۵. تهران. ۱۳۷۲ ش.

مجله:

انتظار موعود ۱۱-۱۲، سال چهارم. بهار و تابستان ۱۳۸۳ ش. قم.

هفته نامه

هفته نامه پرتوسخن. قم.